



پروژه ششگانه علوم و فنون هسته‌ای

علوم و فنون

هسته‌ای

سازمان انرژی اتمی ایران

ویژه‌نامه‌ی همایش، ۱۳۹۶

علمی - پژوهشی

همایش ملی ارزیابی الحاق کشور به رژیم حقوقی بین‌المللی مسؤلیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای ضرورت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها

مطالب این شماره :

- مسؤلیت مدنی خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای در حقوق ایران و مقررات بین‌الملل
سیده فرزانه یوسفی، سعید محسنی
- حمل هوایی مواد هسته‌ای و جبران خسارت اشخاص ثالث
کسرا پورمکائیل، میلاد صادقی
- جایگاه بیمه‌ی مسؤلیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مسؤلیت ...
صالح رضایی پیش‌رباط
- بررسی مبانی مسؤلیت مدنی ناشی از خسارت‌های هسته‌ای در پرتو مسؤلیت ناشی از اشیاء
عباس نیازی، علیرضا یزدانیان، محمود جلالی
- مطالعه‌ی تطبیقی مسؤلیت مدنی ناشی از خسارت‌های هسته‌ای در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه
صالح رضایی پیش‌رباط، زینب عصمتی
- فرصت‌ها و چالش‌های الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون وین راجع به مسؤلیت مدنی ...
علیرضا شمشیری، فرشته امیرآبادی فراهانی
- قابلیت اعمال حق شرط نسبت به کنوانسیون‌ها راجع به مسؤلیت مدنی هسته‌ای ...
صالح رضایی پیش‌رباط، هاشم زعفرانی
- گفتاری پیرامون مسؤلیت مدنی در برابر خسارت‌های هسته‌ای در قواعد و قوانین داخلی با ...
مرتضی محمدحسینی طرّقی، حمید رشیدی



اعتبار علمی - پژوهشی

اعتبار مجله علوم و فنون هسته‌ای در جلسه مورخ ۸/۱۲/۸۳ کمیسیون نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورد ارزیابی قرار گرفت و با درجه علمی - پژوهشی به تأیید رسید و طی نامه شماره ۳/۲۹۱۰/۱۳۳۹ مورخ ۱۱/۱۲/۱۳۸۳ به معاونت پژوهشی سازمان انرژی اتمی ایران ابلاغ گردید.

مجله (علمی - پژوهشی)

علوم و فنون هسته‌ای

ویژه‌نامه‌ی همایش، ۱۳۹۶

همایش ملی ارزیابی الحاق کشور به رژیم حقوقی بین‌المللی مسؤلیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای ضرورت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها

این مجله با همکاری و مشارکت علمی "انجمن هسته‌ای ایران" چاپ و منتشر می‌شود.

این مجله در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی به نشانی www.SID.ir نمایه می‌شود.

این مجله در www.ISC.gov.ir به نشانی و در ایران ژورنال به نشانی www.ricest.ac.ir نمایه می‌شود.

سر دبیر و رئیس هیأت تحریریه: محمد قنادی مراغه (استاد، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای)

هیأت تحریریه:

- ۱- محمدرضا اسکندری (استاد، دانشگاه شیراز)
 - ۲- محمد امیر حمزه تفرشی (دانشیار، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای)
 - ۳- داود بیکی (استاد، دانشگاه علوم پزشکی تهران)
 - ۴- محمدرضا بی‌همتا (استاد، دانشگاه تهران)
 - ۵- علیرضا خانچی (استاد، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای)
 - ۶- رسول خدا بخش (استاد، دانشگاه ارومیه)
 - ۷- غلامرضا رئیس‌علی (استاد، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای)
 - ۸- صمد سبحانیان (استاد، دانشگاه تبریز)
 - ۹- مهدی سلطانی (استاد، دانشگاه تهران)
 - ۱۰- محسن شایسته (دانشیار، دانشگاه امام حسین)
 - ۱۱- رسول صدیقی (استاد، دانشگاه صنعتی شریف)
 - ۱۲- حسین فقیهیان (استاد، دانشگاه اصفهان)
 - ۱۳- سیدمحمد قریشی (استاد، دانشگاه صنعتی اصفهان)
 - ۱۴- محمد لامعی (استاد، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای)
 - ۱۵- امیر موافقی (دانشیار، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای)
 - ۱۶- عبدالرضا نیلچی (استاد، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای)
 - ۱۷- محمد یزدی (استاد، دانشگاه شهید بهشتی)
- داوران ویژه‌نامه:
- ۱- ربیعا اسکینی
 - ۲- پرویز افشاری
 - ۳- اکبر بشیری
 - ۴- اباست پورمحمد
 - ۵- احسان جاوید
 - ۶- توکل حبیب‌زاده
 - ۷- صالح رضایی پیش‌رباط
 - ۸- حجت سلیمی
 - ۹- مرتضی شهبازی‌نیا
 - ۱۰- بهروز کمالوندی
 - ۱۱- مهدی مقدادی

پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی ایران

دبیرخانه مجله علوم و فنون هسته‌ای - تهران - انتهای خیابان کارگر شمالی

صندوق پستی: ۸۳۶ - ۱۴۳۹۵

تلفن: ۸۲۰۶۲۳۴۶، ۸۲۰۶۲۳۵۸، ۸۲۰۶۲۳۵۹ تلفکس: ۸۸۲۲۱۳۵۴

پست الکترونیکی: JONSAT@aeoi.org.ir

وب سایت سازمان: www.aeoi.org.ir

مدیر مسئول: بابک خدادوست (دانشیار، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای)
ویراستار: سیدمهدی حسینی پویا (دانشیار، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای)

دبیر هیأت تحریریه: فریبا علی اکبری

حروفچینی و صفحه‌آرایی: لیلا مرادی و پروانه الهی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و انتشارات

سخن رئیس همایش



تجربه انسانی بیانگر عجین بودن حوادث با فعالیت‌های صنعتی است و حوادث برخی صنایع مانند صنعت هسته‌ای، خسارت بالا، اثر مهلک و طولانی مدت بر انسان و طبیعت دارد. هر چند برای جلوگیری از حوادث هسته‌ای مجموعه‌ای از علوم و فن‌آوری‌ها در بالاترین سطح بکار گرفته می‌شوند، اما به دلایل متعددی همچون خطای انسانی، خراب‌کاری، قوهی قاهره‌ی طبیعی و ... امکان بروز حوادث هسته‌ای وجود دارد.

علی‌رغم توسعه‌ی فنی و فیزیکی فعالیت هسته‌ای، نسبت به توسعه‌ی حقوق متناظر این صنعت کوشش متناسب و بایسته‌ای صورت نگرفته و کشور، فاقد قانون خاص در خصوص جبران خسارت حوادث هسته‌ای است و قواعد عام حقوقی مانند قانون مسئولیت مدنی نیز پاسخگوی حجم خسارات وارده نیست.

در شرایطی که کشور، در مسیر توسعه‌ی فعالیت هسته‌ای قرار دارد و این امر مستلزم همکاری گسترده‌ی بین‌المللی است، خلأ قانون جبران خسارت هسته‌ای در ابعاد داخلی و بین‌المللی احساس می‌شود.

سازمان انرژی اتمی ایران بر اساس وظایف ذاتی خود برای تنظیم قواعد و مقررات مربوط به انرژی هسته‌ای و پیشنهاد به مراجع ذی‌صلاح، به‌منظور بهره‌مندی از نظرات اندیشمندان و پژوهشگران این حوزه و با دعوت از صاحب‌نظران و کارشناسان دستگاه‌های مرتبط اقدام به برگزاری «همایش ملی ارزیابی الحاق کشور به رژیم حقوقی بین‌المللی مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای، ضرورت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها» کرده است. بی‌شک تعامل سازمان با دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران، زمینه‌ی بررسی مسائل و مشکلات صنعت هسته‌ای در محیط‌های علمی را به گونه‌ای فراهم خواهد نمود تا تصمیم‌سازان به بهترین گزینه راهنمایی شوند.

در پایان از زحمات برگزار کنندگان محترم این همایش به‌ویژه پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای و مشارکت کنندگان اعم از اساتید، کارشناسان، نویسندگان و ارائه‌کنندگان محترم آثار پژوهشی، همکاران، مدیران دستگاه‌های اجرایی و ... تقدیر و تشکر به عمل آورده و از خداوند منان توفیق همه‌ی دست‌اندرکاران را برای تحقق اهداف ارزشمند این همایش و اعتلای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران خواستارم.

بهر روز کمالوندی



همایش ملی ارزیابی احقاق کشور به

رژیم حقوقی بین المللی

مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای

ضرورت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها

*National Conference on the Evaluation of
the Accession of the State to*

**the International Civil liability Regime for Nuclear Damage
Necessities, Opportunities & Challenges**

محورهای همایش:

- ضرورت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های احقاق یا عدم احقاق کشور به رژیم حقوقی بین‌المللی مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای (معاهده ۱۹۶۳ وین و اصلاحیه ۱۹۹۷ آن - معاهده جبران تکمیلی خسارت ۱۹۹۷)
- الزامات حقوق داخلی در پرتو معاهدات بین‌المللی مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای
- نظام حقوقی مسئولیت مدنی جبران خسارت هسته‌ای سایر ملل بویژه کشورهای پیشرو
- مبانی و اصول مسئولیت مدنی و جبران خسارات هسته‌ای در فقه و حقوق اسلامی
- جبران خسارت حوادث هسته‌ای در نظام حقوقی ایران
- بررسی اعمال حق تحفظ و اعلامیه‌های تفسیری

زمان: اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

مکان: تهران، انتهای خیابان کارگر شمالی، سازمان انرژی اتمی ایران، سالن دکتر حسابی

ارتباط با دبیرخانه: تلفکس ۰۲۱-۸۸۲۲۱۰۱۲

دبیر علمی: صالح رضایی پیش‌رباط

دبیر اجرایی: هاشم زعفرانی

اعضاء کمیته اجرایی: زیور احمدی نسب، کریم پرهیزکاری، محمد پورقربان، محمدرضا زرشکیان

معاونت امور بین‌الملل، حقوقی و مجلس

دفتر امور مجلس و معاهدات هسته‌ای

فهرست عناوین

مسئولیت مدنی خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای در حقوق ایران و مقررات بین‌الملل

سیده فرزانه یوسفی، سعید محسنی ۱

حمل هوایی مواد هسته‌ای و جبران خسارت اشخاص ثالث

کسرا پورمکائیل، میلاد صادقی ۱۸

جایگاه بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای و نظام حقوقی ایران

صالح رضایی پیش رباط ۲۸

بررسی مبانی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های هسته‌ای در پرتو مسئولیت ناشی از اشیاء

عباس نیازی، علیرضا یزدانیان، محمود جلالی ۴۳

مطالعه‌ی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هسته‌ای در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه

صالح رضایی پیش رباط، زینب عصمتی ۵۴

فرصت‌ها و چالش‌های الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای

علیرضا شمشیری، فرشته امیرآبادی فراهانی ۶۷

قابلیت اعمال حق شرط نسبت به کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای و راهبرد جمهوری اسلامی ایران

صالح رضایی پیش رباط، هاشم زعفرانی ۸۳

گفتاری پیرامون مسئولیت مدنی در برابر خسارات هسته‌ای در قواعد و قوانین داخلی با رویکرد پیوستن کشور به کنوانسیون ۱۹۶۳ وین

مرتضی محمدحسینی طرّقی، حمید رشیدی ۹۹



مسئولیت مدنی خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای در حقوق ایران و مقررات بین‌الملل

سیده فرزانه یوسفی، سعید محسنی*

دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، صندوق پستی: ۱۳۵۷، مشهد - ایران

چکیده: انرژی هسته‌ای با وجود نیاز روزافزون به آن در صنعت، پزشکی و مراکز تحقیقاتی به صورت بالقوه برای جان و مال انسان و سلامت محیط زیست خطرناک است. حمل مواد هسته‌ای بر میزان این خطر افزوده و کنترل آن را دشوارتر کرده است. گستردگی و شدت خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بر آن داشته است که با هدایت کردن مسئولیت به سمت بهره‌بردار و پذیرفتن نظریه‌ی خطر و مبنای مسئولیت محض، در حداقل زمان ممکن، حداکثر خسارت جبران شود. البته مسئولیت اولیه‌ی بهره‌بردار فعالیت‌های هسته‌ای، دولت را از مسئولیت بین‌المللی خود در قبال نقض تعهدات بین‌المللی راجع به استقرار ایمنی و پیشگیری از خسارت هسته‌ای مبرا نمی‌کند. با وجود دست یافتن ایران به فناوری انرژی هسته‌ای و پراکندگی جغرافیایی سایت‌های هسته‌ای، مقررات داخلی مربوط به حمل و نقل این مواد از جامعیت کافی برخوردار نیست، بنابراین شایسته است قانون‌گذار هم‌سو با مقررات بین‌المللی، مقرراتی خاص راجع به مسئولیت محض بهره‌بردار فعالیت‌های هسته‌ای وضع کند. در جستار حاضر سعی شده با روش توصیفی و تحلیلی، ضمن تبیین و ارزیابی وضع موجود در نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل، در مورد مسئولیت مدنی خسارت ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای، به تحلیل وضع مطلوب پردازد.

کلیدواژه‌ها: حمل و نقل مواد هسته‌ای، بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، مسئولیت انحصاری، مسئولیت محض

Civil Liability for Damages Caused by the Transportation of Nuclear Material in Iran and International regulations

S. F. Yousefi, S. Mohseni*

Faculty of Law & Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, P.O.BOX: 1357, Mashhad-Iran

Abstract: Despite the ever-increasing need for nuclear energy in agriculture, industry, medicine and research centers, it is potentially dangerous for human life property and environmental health. This is while the carrying of nuclear material has more risk and controlling it is difficult. The visive extent and severity of the damages caused by transportation of nuclear materials did not lead to negligence of compensating these damages by international community. International Atomic Energy Agency (IAEA) have adopted safety standards and strict liability rules to make compensate these damages in the short possible time. However, despite Iran's nuclear power technology and the geographic dispersion of nuclear sites in the country, there are no effective and enough laws and regulations relating to the transportation of these materials. Thus it is up to Iranian legislator with consideration of world experiences and along with international rules, take legal steps to prevent risks, create a safe transportation process, and provide maximum compensation for the damages. This article comparatively is going to study laws and regulations relating to the transport of nuclear materials in Iran the and International Atomic Energy Agency and other international documents.

Keywords: Atomic Materials Transport, The Operator of Nuclear Installations, Exclusive Liability, Strict Liability

*email: s-mohseni@um.ac.ir



۱. مقدمه

به موازات فواید استفاده از فناوری هسته‌ای برای رفاه و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، خسارات ناشی از تشعشعات رادیواکتیو و احتمال وقوع انفجار هسته‌ای نگرانی‌هایی به وجود آورده است که قابل چشم‌پوشی نیست. تحقیقات نشان داده است که برخورد مواد رادیواکتیو با موجودات زنده عملکرد طبیعی سلول‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و قرار گرفتن انسان در معرض اشعه‌ی رادیواکتیو به صورت آشکار و فوری یا در بلند مدت به صورت ایجاد سرطان ظاهر می‌شود [۱]. از صدمات نامطلوب آن داشتن طول موج بسیار کم و نفوذ آن در سلول زنده هر چند از فاصله‌ی بسیار دور است [۲]. حمل و نقل این مواد بر میزان نگرانی‌ها افزوده است زیرا یکی از ویژگی‌های خاص نقل و انتقال این مواد برخلاف شرایط ثابت تأسیسات هسته‌ای متحرک بودن منبع خطر است و این متحرک بودن مشکلات ایمنی را دوچندان می‌کند [۳].

نگرانی‌های موجود و وسعت جغرافیایی حادثه‌ی چرنوبیل^(۱) باعث شد تا اصول حقوق هسته‌ای پیش از پیش در کانون توجه قرار گیرد. خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای به حدی است که گاه از مرزهای یک کشور فراتر رفته و خسارت سنگینی به بار می‌آورد. به همین دلیل جامعه‌ی بین‌المللی سعی در ترغیب کشورها به پیروی از اصول یکسان در زمینه‌ی حقوق هسته‌ای داشته است که در بستر این هماهنگی جهانی، زیان دیده درگیر مشکلات ناشی از تعارض قوانین نشود و به این شیوه در حداقل زمان ممکن، بیش‌ترین خسارت جبران شود. بیش‌ترین تلاش‌ها در زمینه‌ی هماهنگی مقررات، توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صورت گرفته است. این سازمان از یک سو با پیش‌بینی قواعد فنی در زمینه‌ی حمل و نقل مواد هسته‌ای به منظور پیشگیری از خطر گام برداشته و از سوی دیگر در زمینه‌ی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت هسته‌ای، اصولی را پیش‌بینی کرده است که سایر سازمان‌های بین‌المللی و حتی قوانین داخلی از این اصول پیروی کنند.

این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤالات است که آیا اصول و قواعد پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مسئولیت ناشی از خسارات هسته‌ای قابل اعمال بر خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای است؟ این مسئولیت بر چه مبنایی استوار است و دخالت دولت در جبران خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل چگونه توجیه می‌شود؟ پژوهش حاضر برای پاسخ به این سؤالات در پی شرح و تحلیل نظام مسئولیت حاکم بر حمل و نقل مواد هسته‌ای در بستر قوانین داخلی و بین‌المللی است. واژه‌ی «نظام مسئولیت» اشاره به قواعد، قوانین و استانداردهای متنوعی می‌کند که بر حمل مواد رادیواکتیو حاکم‌اند. این نظام بر اصول بنیادین مشخصی از حقوق هسته‌ای شامل استانداردهایی برای حفاظت در برابر اشعه و ملزومات بسته‌بندی، قواعدی برای حمل و نقل ایمن، اقدامات اضطراری و سیستم مسئولیت متکی است [۱]؛ بنابراین در این پژوهش به منظور تبیین مسئولیت مدنی خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای در بستر حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی به بحث در مورد مبنای مسئولیت (مبحث نخست)، شخص مسئول (مبحث دوم) و قلمرو مسئولیت (مبحث سوم) می‌پردازد. البته لازم است برای روشن شدن حدود و شمول مطالعات این پژوهش، قبل از ورود به بحث، قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی در زمینه‌ی حمل و نقل مواد هسته‌ای به طور مختصر شرح داده شود.

۲. تاریخچه

اولین تلاش‌های بین‌المللی در زمینه‌ی حمل و نقل مواد هسته‌ای توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صورت گرفت. این سازمان اولین مجموعه‌ی مقررات نمونه برای حمل و نقل مواد رادیواکتیو را تحت عنوان مقررات حمل و نقل ایمن مواد رادیواکتیو^(۲) در کتاب شماره‌ی ۶ از مجموعه Safety Series در سال ۱۹۶۱ منتشر کرد [۲]. این مقررات به طور وسیع مورد پذیرش و تصویب مقامات صالح ملی، به



و خسارت ساحلی و منافع جهانی بتوان به آن توسل جست [۱۱]. این کنوانسیون، نظام مسئولیت نوینی وضع نکرد و تنها بر نظام مسئولیت مقرر در کنوانسیون وین در رابطه با حمل و نقل دریایی مواد هسته‌ای تأکید کرد. بررسی این کنوانسیون از این منظر که به طور اختصاصی نظام مسئولیت حاکم بر حمل و نقل مواد هسته‌ای را تبیین کرده است، اهمیت دارد.

ایران به هیچ‌کدام از کنوانسیون وین، پروتکل اصلاحی آن و کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی در قبال خسارت هسته‌ای ملحق نشده و مقررات ویژه‌ای در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای و حمل و نقل آن وضع نکرده است. بنابراین به ناچار باید این خلأ قانونی با توسل به قواعد عام مسئولیت مدنی و مواد ۳۷۷ تا ۳۹۴ قانون تجارت و تدوین روابط حقوقی با موضوع حمل و نقل جبران شود، هر چند که این قواعد عام جوابگوی طبیعت خاص خسارت ناشی از مواد هسته‌ای نخواهند بود.

البته در طبقه‌بندی‌های مختلف در حقوق داخلی از جمله کلاس ۷ بند ب ماده ۲ آیین‌نامه‌ی اجرایی حمل و نقل جاده‌ای مواد خطرناک مصوب سال ۱۳۸۰ توسط هیئت‌وزیران [۱۲] و در حقوق بین‌الملل، کلاس ۷، بخش ۲-۲-۷-۲ ضمیمه C کنوانسیون کوتیف^(۷) (COTIF) در زمینه‌ی حمل و نقل ریلی کالای خطرناک^(۸) (RID) و کلاس ۷، بخش ۱-۱-۱-۲ مقررات اروپایی حمل و نقل جاده‌ای کالای خطرناک^(۹) (ADR) به مواد رادیواکتیو اختصاص یافته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مواد رادیواکتیو نوعی از مواد خطرناک است. با این اوصاف می‌توان از مقررات ماهوی حقوق داخلی مانند آیین‌نامه‌ی اجرایی حمل و نقل جاده‌ای کالای خطرناک و از مواد کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله ماده ۲۲ کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین‌المللی کالا از طریق جاده‌ی^(۱۰) (CMR) [۱۳] که به حمل و نقل کالای خطرناک و وظایف و مسئولیت‌هایی ارسال‌کننده و حمل‌کننده این نوع مواد اختصاص یافته است، به منظور تبیین موضع حقوق ایران در مورد مسئولیت مدنی خسارت ناشی از حمل و

عنوان لازمه‌ی حمل مواد رادیواکتیو قرار گرفته است [۴]. منتها این مقررات برای همه‌ی مدل‌های حمل اعم از زمینی، هوایی و دریایی، الزاماتی فنی را با هدف پیشگیری از خطر پیش‌بینی نموده و وارد مباحث مسئولیت مدنی و نحوه‌ی جبران خسارت نشده است. در حالی که کاهش نتایج ناشی از خسارت هسته‌ای از طریق جبران فوری و کافی آن، یکی از اجزاء مهم حقوق هسته‌ای است.

در این راستا علاوه بر کنوانسیون پاریس^(۳) که کشورهای اروپای غربی را پوشش می‌دهد، در سال ۱۹۶۳ کنوانسیون تحت عنوان «کنوانسیون وین در مورد مسئولیت مدنی ناشی از خسارت هسته‌ای» [۵] توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تهیه شد. این کنوانسیون به طور مشخص محدوده‌ی سرزمینی خود را مشخص نکرده است، اما نظریه‌ی عمومی این است که خسارت‌های واقع شده در قلمرو دولت‌های عضو را تحت پوشش قرار می‌دهد [۶]. وقوع حادثه‌ی چرنوبیل، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را واداشت که اصلاحاتی در کنوانسیون وین که تا آن زمان منفعّل بود، انجام دهد و نتیجه‌ی آن نیز به پذیرش پروتکل اصلاحی کنوانسیون وین [۷] و کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی در قبال خسارت هسته‌ای [۸] در سپتامبر ۱۹۹۷ منجر شد. هر کشوری فارغ از این که عضو کنوانسیون هسته‌ای باشد یا نباشد، می‌تواند به کنوانسیون تکمیلی جبران خسارت هسته‌ای ملحق شود. این کنوانسیون در ۱۵ آوریل ۲۰۱۵ لازم الاجرا شده است [۹]. مقررات کنوانسیون‌های مذکور، به طور خاص به حمل و نقل مواد هسته‌ای نپرداخته، اما موادی را به این موضوع اختصاص داده است.^(۴)

در کنار تلاش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در سال ۱۹۷۱ سازمان دریایی بین‌المللی^(۵) (IMO) با همکاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^(۶) (OECD) آژانس انرژی اتمی اروپا، کنوانسیون مربوط به مسئولیت مدنی در رابطه با حمل دریایی مواد هسته‌ای [۱۰] را تصویب کردند که در صورت وقوع تصادفات دریایی بزرگ



دیگر زیان وارد شود. در این صورت حتی اگر از همه‌ی وسایل لازم برای جلوگیری از خسارت استفاده شود، باز هم مسئولیت پابرجا است [۱۶] بنابراین نهاد مسئول، مطلقاً مسئول است.

فعالیت‌های قانونی و تفاسیر قضایی نیز در مورد فعالیت‌های خطرناک قائل به فرض مسئولیت شده‌اند.^(۱۴) رویه‌ی قضایی ایالت متحده‌ی آمریکا مسئولیت محض را بر «شرایط و فعالیت‌های غیرطبیعی خطرناک» اعمال می‌کنند. این نظر در پرونده‌ی *Rylands v Fletche* سال ۱۸۶۸ که مسئولیت ناشی از خسارت هسته‌ای را در پی داشت توسعه یافت. هم‌چنین در پرونده‌ای که «حادثه‌ی هسته‌ای غیرعادی»^(۱۵) نامیده شده بود، گیرنده‌ی مجوز و طرف قرارداد وظیفه داشتند از حق دفاع خود صرف‌نظر کنند و این اسقاط حق، نتیجه‌ی مسئولیت محض بوده است [۱۷]، بنابراین این نوع مسئولیت نه تنها برای خطرات هسته‌ای بلکه در چهارچوب گسترده‌تر بر فعالیت‌های خطرناک حاکم است و یکی از عناصر اصلی مسئولیت در آینده خواهد بود.

ماده‌ی ۴ کنوانسیون وین و پروتکل اصلاحی صراحتاً مسئولیت بدون تقصیر را پذیرفته‌اند. بر طبق این مبنا، بهره‌بردار به طور کامل مسئول جبران خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای است زیرا عملاً آگاهی نسبت به آنچه در طول جریان حمل مواد هسته‌ای به وقوع پیوسته، برای مدعی غیرممکن است [۱۸]. به نظر می‌آید «مسئولیت مطلق»^(۱۶) مذکور در بند ۱ ماده‌ی ۴ نسخه‌ی انگلیسی کنوانسیون وین و بند ۳ ماده‌ی ۳ کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی ۱۹۹۷، ناظر به تئوری مسئولیت عینی در حقوق بین‌الملل است.

طبق قواعد مسئولیت مدنی در حقوق خصوصی، واژه‌ی «مسئولیت محض» ناظر به مسئولیت بدون تقصیر است که خواننده با اثبات یک عامل خارجی از مسئولیت معاف می‌شود، اما در مواردی که مسئولیت بدون تقصیر است و هیچ موردی برای معافیت از مسئولیت وجود ندارد، بهتر است واژه‌ی «مسئولیت مطلق» به کار رود [۱۸]. جزء الف و ب بند

نقل جاده‌ای مواد هسته‌ای یاری گرفت. ایران در سال ۱۳۷۶ الحاق کنوانسیون CUR را مورد تصویب قرار داده است. ماده‌ی ۳۹ ضمیمه B کنوانسیون کوتیف مربوط به قراردادهای بین‌المللی مربوط به حمل و نقل ریلی کالا^(۱۱) (CIM) [۱۴] که به مسئولیت ناشی از حوادث هسته‌ای اختصاص یافته و ایران در سال ۱۳۸۱ به پروتکل اصلاحی ۱۹۹۹ این مقررات پیوسته نیز قابل توجه هست. بررسی قوانین ماهوی در مورد مبنای مسئولیت و شخص مسئول در خصوص خسارت ناشی از حمل و نقل کالای خطرناک موضوع کنوانسیون CMR، مقررات CIM و آیین‌نامه‌ی حمل و نقل جاده‌ای مواد خطرناک، برای تعیین موضع حقوق داخلی در مورد حمل و نقل مواد هسته‌ای که نوعی از مواد خطرناک است، اهمیت دارد.

۳. مبحث نخست: مبنای مسئولیت خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای

قرار گرفتن زیان‌دیده در نظام پیچیده‌ی مسئولیت مبتنی بر تقصیر، امکان پیشگیری و کاهش خسارت را سلب می‌کند و شواهد انتساب تقصیر به مسئول را از بین می‌برد. به همین علت، کنوانسیون‌های بین‌المللی به مسئولیت بدون تقصیر روی آوردند^(۱۲) و مسئولیت را صرف‌نظر از وجود یا عدم وجود عنصر تقصیر، مفروض دانسته‌اند. به بیان دیگر، مبنای مسئولیت مکافات تقصیر نیست بلکه عوض سودی است که به دست می‌آورند [۱۵].

در حقوق بین‌الملل به موجب نظریه‌ی خطر، هر فعل و ترک فعل تابع حقوق بین‌الملل، حتی اگر مغایر تعهدات بین‌المللی نباشد، به صرف ایجاد خسارت به دیگری، موجبات مسئولیت بین‌المللی را فراهم می‌آورد [۱۶]. در مورد خسارت ناشی از امور منع نشده مانند فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای نیز ممکن است به علت فعل یا ترک فعل دولت یا ارگان‌هایی که به صورت قانونی و عملی از طرف دولت انجام وظیفه می‌کنند^(۱۳)، تعهدی نقض شود یا بدون نقض تعهد به کشور



ملی در زمینه‌ی فعالیت‌های خطرناک از جمله حمل و نقل مواد هسته‌ای به مسئولیت محض شده است.

قانون‌گذار ایران در برابر وضع مسئولیت محض مقاومت نشان می‌دهد، در حالی که تحقیقات نشان داده است که مسئولیت محض با فقه اسلامی و قوانین داخلی بیگانه نیست.^(۱۸) در حقوق ایران، ضمان ناشی از اتلاف و تسبیب، نمونه‌های مسئولیت محض است که طبق ماده‌ی ۳۲۸ قانون مدنی در اتلاف، «رابطه‌ی علیت مستقیم بین کار مباشر و تلف کافی است و تقصیر شرط نیست» [۲۱]. حتی از نظر عده‌ای [۱۹]، در ماده‌ی ۳۳۱ قانون مدنی، تقصیر از ارکان تسبیب نیست و تنها برای احراز رابطه‌ی سببیت لازم است.^(۱۹) بر طبق این نظر، اگر بهره‌بردار مواد هسته‌ای در خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای مباشرت داشته یا سبب ورود خسارت شود، نیاز به اثبات تقصیر نبوده و به صرف اثبات رابطه‌ی سببیت مسئول است.

به اعتقاد برخی علمای حقوق، تقصیر عادلانه‌ترین و اصلی‌ترین مبنای مسئولیت است و خطر به عنوان مبنای ثانوی در هنگامی که انصاف اقتضا می‌کند، وارد عمل می‌شود [۱۹]. پذیرفتن مبنای تقصیر نیز به‌خصوص در مورد فعالیت‌های خطرناک از جمله حمل و نقل مواد هسته‌ای باعث می‌شود در صورت عدم اثبات تقصیر، زیان گسترده و شدید ناشی از حوادث هسته‌ای بدون جبران باقی بماند و این دور از انصاف است. بنابراین پذیرفتن مبنای خطر برای فعالیت‌های هسته‌ای بر اساس انصاف، قابل توجیه است. ضمن این که با جمعی کردن مسئولیت، پذیرفتن مسئولیت دولت یا بیمه کردن مسئولیت باعث زوال مسئولیت فردی می‌شود و این باعث ناکارآمدی اصل تقصیر یا اصل تناسب مسئولیت با تقصیر خواهد شد.

گفتنی است که طبق بند ۲ ماده‌ی ۲۲ کنوانسیون CMR، مسئولیت ارسال کننده‌ی کالای خطرناک «فرض تقصیر» است، به این شرح که اگر ماهیت کالای خطرناک در بارنامه جاده‌ای ذکر نشود، فرض می‌شود که ارسال کننده در اطلاع رسانی دچار تقصیر شده است مگر خلاف آن ثابت شود.

ماده‌ی ۴ کنوانسیون وین و جزء الف و ب بند ۵ ماده‌ی ۳ کنوانسیون تکمیلی، موارد عوامل رافع مسئولیت را برشمرده‌اند، به این شرح که اگر خسارت هسته‌ای مستقیماً از جنگ مسلحانه، خصومت‌ها، جنگ داخلی یا قیام و فجایع طبیعی وارد شده باشد، بهره‌بردار مسئول نخواهد بود و به این ترتیب با اثبات این موارد بهره‌بردار از مسئولیت معاف خواهد شد. بنابراین مبنای مسئولیت مدنی مورد پذیرش کنوانسیون‌های مذکور «مسئولیت محض» است. گفتنی است در پروتکل اصلاحی کنوانسیون‌های مذکور فاجعه‌ی طبیعی^(۱۷) از موارد معافیت بهره‌بردار از مسئولیت حذف شده است. به گفته‌ی برخی [۱۸]، موارد معافیت بهره‌بردار، جنبه‌ی استثنایی داشته است و موارد معافیت را باید به نحو مضیق تفسیر کرد. بنابراین طبق پروتکل اصلاحی، فاجعه‌ی طبیعی عامل معافیت نخواهد بود.

کنوانسیون ۱۹۷۱ در مورد مسئولیت مدنی حمل و نقل دریایی مواد هسته‌ای، ماده‌ای را به مبنای مسئولیت اختصاص نداده است. به گفته‌ی برخی [۴]، این کنوانسیون نیز بر مسئولیت محض بهره‌بردار بنا شده است. از آنجا که این کنوانسیون، تنها تأکید بر کنوانسیون‌های وین و پاریس در خصوص حمل و نقل دریایی بوده و هم راستا با آن مقررات گام برداشته است، به نظر می‌آید مبنای مسئولیت حاکم بر کنوانسیون وین و پاریس را به صورت ضمنی پذیرفته است.

در تحلیل اقتصادی، هدف مسئولیت مدنی، افزایش رفاه اجتماعی از طریق کاهش حوادث و خطرها، تحمیل و استناد درست و مناسب خسارت و کاهش هزینه‌های اداری نظام مطالبه‌ی خسارت است [۱۹]. نظریه‌ی مسئولیت محض این اهداف را تأمین می‌کند. در واقع از یک سو آسان شدن اثبات ارکان دعوای مسئولیت مدنی، وادار ساختن اشخاص به رعایت احتیاط و ایمنی بیش‌تر [۲۰] و از سوی دیگر ناکارآمدی مسئولیت مبتنی بر تقصیر برای فعالیت فوق‌العاده خطرناک، باعث گرایش کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین



خسارت ناشی از خسارت هسته‌ای، اصول قابل توجه و نوینی مانند اصل محدودیت زمانی مسئولیت، محدودیت مقدار مسئولیت، و اصل الزام به بیمه کردن مسئولیت وجود دارد که بررسی همه‌ی آن‌ها از حوصله‌ی این گفتار خارج است. بنابراین برای بررسی دقیق‌تر به تبیین سه اصل مذکور بسنده می‌شود. البته قبل از ورود به مباحث اصلی، سعی شده است تا تعریفی مختصر از بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای ارائه شود.

جزء C بند ۱ ماده‌ی ۱ پروتکل اصلاحی وین، بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را شخصی می‌داند «که توسط کشور دارای تأسیسات، به عنوان استفاده‌کننده از آن تأسیسات منصوب یا تعیین شده باشد». دیدگاه دستورالعمل پیشگیری و جبران خسارت زیست محیطی ۲۰۰۴ اتحادیه‌ی اروپا^(۲۱) در مورد بهره‌بردار فعالیت‌های خطرناک قابل توجه است. طبق این دستورالعمل «بهره‌بردار شخص حقیقی یا حقوقی اعم از خصوصی یا عمومی است که فعالیت حرفه‌ای را اجرا یا کنترل می‌کند یا اگر در قانون ملی پیش‌بینی شده باشد، شخصی است که قدرت اقتصادی مهم و تعیین‌کننده بر کارکرد فنی فعالیت به او واگذار شده باشد و دارنده‌ی جواز فعالیت‌های مزبور را نیز در برمی‌گیرد» [۲۴].

۵. گفتار نخست: هدایت‌کردن مسئولیت به سوی بهره‌بردار

بهره‌بردار در خصوص حمل و نقل مواد هسته‌ای به داخل یا خارج تأسیسات هسته‌ای مسئول است [۹]. موضوعی که مورد پذیرش کنوانسیون وین و پروتکل اصلاحی آن قرار گرفته است، ماده‌ی ۲ کنوانسیون وین و پروتکل اصلاحی، مسئولیت خسارات ناشی از مواد هسته‌ای که از تأسیسات هسته‌ای ناشی می‌شود را بر عهده بهره‌بردار می‌گذارد. یکی از مصادیق این ماده می‌تواند مواد هسته‌ای باشد که از تأسیسات هسته‌ای ارسال می‌شوند. طبق بند b این ماده، انتقال مسئولیت به بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای یا طبق شرایط قرارداد کتبی صورت گیرد، یا در صورت نبود این قرارداد زمانی که عملاً

بنابراین حمل و نقل کالای خطرناک که مواد رادیواکتیو نوعی از آن است، مبتنی بر نظریه‌ی خطا و مسئولیت مبتنی بر تقصیر ارسال‌کننده است.

در هر حال، ضررهای دنیای امروز ایجاب می‌کند تا در حقوق ایران نیز دامنه‌ی مسئولیت محض به فعالیت‌های خطرناک که ضرر غیرمقابل‌ی به اعضای جامعه تحمیل می‌کند، تسری یابد [۲۰]. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای اجتناب از تضییع حقوق زیان‌دیدگان، در خصوص حمل و نقل مواد خطرناک و فعالیت‌های هسته‌ای، به طور صریح قواعدی برای مسئولیت وضع شود.

۴. مبحث دوم: شناسایی مسئول خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای

یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد حقوق هسته‌ای که در کنوانسیون‌های بین‌المللی برجسته شده است، «هدایت کردن مسئولیت به سوی بهره‌بردار»^(۲۰) است. تقریباً همه نظام‌های حقوقی، در شبکه‌ی جهانی مسئولیت حوادث هسته‌ای را منحصراً به بهره‌بردار مواد هسته‌ای منتقل می‌کنند. بر اساس این نظریه، هیچ شخصی اعم از متصدی مواد هسته‌ای، حامل مواد هسته‌ای به تأسیسات هسته‌ای یا از این تأسیسات و طراح و ایجادکننده‌ی تأسیسات هسته‌ای هیچ مسئولیتی را به دوش نمی‌کشند. هدایت کردن مسئولیت یک امری عجیب و بیگانه در حقوق مسئولیت هسته‌ای است که از اصول حقوق مسئولیت چه در حقوق عمومی و چه حقوق خصوصی منحرف شده است [۲۲]. این تضاد صریح اصول حقوق هسته‌ای با قواعد مسئولیت، ارتباط نزدیک با تاریخ پیشرفت هسته‌ای و انگیزه‌ی صادرات این فناوری دارد [۲۳]. این بخش نیز جهت یافتن پاسخ به سؤال «مسئول خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای کیست؟» در کنوانسیون‌های بین‌المللی، با سه اصل هدایت کردن مسئولیت به سوی بهره‌بردار (گفتار نخست)، اصل مداخله‌ی دولت بر اساس اصول حقوق بین‌الملل (گفتار دوم) و مسئولیت انحصاری بهره‌بردار (گفتار سوم) روبه‌روست. گفتنی است در مبحث شناسایی مسئول



خصوص حمل‌کننده که بیش از سایرین با ریسک ناشی از حمل مواد هسته‌ای درگیر است، از فراهم کردن بیمه‌ی مسئولیت معاف و به این نحو از بیمه‌های چندگانه جلوگیری می‌شود. علاوه بر این که بدون هدایت کردن مسئولیت به سوی بهره‌بردار، عدم حمایت از تأسیسات هسته‌ای، عدم پیشرفت برای افزایش ایمنی و عدم انتقال ماده و سوخت هسته‌ای امری قابل پیش‌بینی است [۱۷]. البته باید در نظر داشت که مسئولیت انحصاری بهره‌بردار ممکن است به یکی از عوامل بی‌انگیزه شدن و عدم تعهد متصدی تأسیسات و یا افراد دخیل در حمل مواد هسته‌ای در انجام وظایف خود بیانجامد [۱۱]. بنابراین شایسته است برای این معضل احتمالی، تدابیری اندیشید. به کارگیری کارشناسان فنی ناظر به ایمنی مواد هسته‌ای و وظایف این اشخاص و یا قرار دادن مجازات انتظامی مانند کسر حقوق در صورت نقض وظیفه می‌تواند این مشکل احتمالی را حل کند.

کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از حمل دریایی مواد هسته‌ای مصوب ۱۹۷۱ نیز بهره‌بردار مسئول حوادث ناشی از حمل دریایی را می‌داند. طبق ماده‌ی ۱ این کنوانسیون، همه‌ی اشخاصی که طبق سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی حمل و نقل دریایی مسئول هستند از مسئولیت معاف می‌شوند و بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای اگر حادثه‌ی هسته‌ای مشمول قلمرو کنوانسیون وین یا پاریس باشد و یا قانون ملی محل حادثه، بهره‌بردار هسته‌ای را مسئول این نوع حوادث بشناسد، بار مسئولیت را به دوش می‌کشد مگر این که طبق بند ۲ ماده‌ی ۲ این کنوانسیون، خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل عمدی صاحب کشتی باشد. بنابراین مفاد این کنوانسیون هم راستا با سایر مقررات بین‌المللی به مسئولیت انحصاری بهره‌بردار تأکید دارد و به گفته‌ی برخی [۲۷]، بیش از هر چیز درصدد حل مشکلات و تعارض ناشی از اجرای هم‌زمان جبران خسارت هسته‌ای در برخی کنوانسیون‌های دریایی مربوط به مسئولیت صاحبان کشتی و کنوانسیون‌های دیگر مربوط به مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای بوده است. طبق

بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای ثانوی، مسئولیت مواد هسته‌ای را بر عهده گیرد (جزء ii بند b ماده‌ی ۲).^(۲۲) گفتنی است که طبق جزء iv بند b ماده‌ی ۲، در موردی که مواد هسته‌ای به کشور غیر عضو بهره‌بردار فرستاده می‌شود، بهره‌بردار تا قبل از تخلیه‌ی مواد در قلمرو سرزمینی کشور غیر عضو، مسئول است.

طبق بند c ماده‌ی ۲ این کنوانسیون، بهره‌بردار دریافت‌کننده‌ی مواد هسته‌ای نیز مسئول موادی است که به تأسیسات هسته‌ای فرستاده می‌شوند. ابتدای این مسئولیت، طبق شرایط قرارداد کتبی بهره‌بردار ارسال‌کننده و دریافت‌کننده‌ی آن است و در صورت نبود قرارداد کتبی، زمانی مسئولیت انتقال می‌یابد که بهره‌بردار دریافت‌کننده عملاً مسئولیت مواد را بر عهده گیرد. طبق جزء iv بند c ماده‌ی ۲ در فرضی که مواد هسته‌ای از کشور غیر عضو فرستاده شود، بهره‌بردار از زمان بارگیری مواد در وسیله‌ی نقلیه، مسئول است.

هدایت کردن مسئولیت به سوی بهره‌بردار و گام برداشتن خلاف مسیر قواعد عام مسئولیت مدنی، به دلیل طبیعت خاص مواد هسته‌ای است که شدت خطر ناشی از آن، جبران فوری خسارت را می‌طلبد. در واقع مبنای نظریه‌ی نظام هدایت کردن مسئولیت در زمینه‌ی حمل و نقل مواد هسته‌ای این است که خسارت احتمالی برگرفته از حمل و نقل برون مرزی مواد هسته‌ای نه به خاطر حمل مواد، بلکه به خاطر بهره‌بردار تأسیسات است. اوست که محیط خطرناک را ایجاد کرده و منتفع فعالیت هسته‌ای است [۲۶]. با این اوصاف مبنای مسئولیت می‌تواند نظریه‌ی خطر باشد که با تئوری مسئولیت عینی در حقوق بین‌الملل سازگار است.

به هر حال هدایت کردن مسئولیت به سوی بهره‌بردار از یک سو راهی برای ساده سازی شرایط حقوقی [۳]، آسان‌تر شدن اقامه‌ی دعوی برای قربانی و جبران فوری خسارت است، و از سوی دیگر با الزام بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به فراهم کردن تضمین و بیمه برای مسئولیت خود (ماده‌ی ۳ کنوانسیون وین)، سایر نهادهای دخیل در حمل و نقل مواد هسته‌ای به



طبق ماده‌ی ۵ آیین‌نامه‌ی اجرایی حمل و نقل جاده‌ای کالای خطرناک مشابه مفاد کنوانسیون CMR، صاحب کالا مسئول اطلاع‌رسانی در خصوص حمل و نقل مواد خطرناک^(۲۳) است که در صورت قصور در انجام وظیفه، مسئول جبران کلیه‌ی خسارت‌ها و هزینه‌هایی است که از تحویل چنین کالایی به متصدی حمل و نقل، شخص ثالث یا دولت وارد می‌شود. مقرره‌ی مزبور، متصدی حمل و نقل جاهل به ماهیت خطرناک کالا را ملزم کرده است که پس از وقوف به ماهیت خطرناک این نوع کالا، «با هماهنگی سازمان حفاظت محیط زیست یا واحدهای تابعه‌ی آن و کسب اجازه‌ی مدعی‌العموم حوزه‌ی قضایی محل توقف نسبت به تخلیه‌ی محموله اقدام کند یا به محل بارگیری بازگرداند»؛ بنابراین طبق این آیین‌نامه، ارسال‌کننده تا قبل از اطلاع‌رسانی در مورد ماهیت مواد، مسئول است و متصدی حمل جاهل به ماهیت کالا مسئولیتی بر دوش ندارد، اما در صورت اطلاع‌رسانی اصولاً عذری برای عدم مسئولیت متصدی حمل پذیرفته نخواهد شد. این آیین‌نامه به حمل و نقل کالای خطرناک اختصاص دارد اما به مسئولیت بهره‌بردار اشاره‌ای نکرده است. لازم به ذکر است که جایگاه مواد رادیواکتیو نسبت به سایر کالای خطرناک برجسته‌تر است، زیرا برخلاف سایر کالاهای خطرناک که زیان بار بودن آن‌ها به قلمروی خاصی محدود است، مواد هسته‌ای و رادیواکتیو در صورت کوچک‌ترین اشتباه می‌توانند برای جامعه‌ی بشر و محیط زیست در سطح ملی و بین‌المللی زیان بار باشند. در نتیجه وضعیت خاص این دسته از مواد، نیازمند توجه و دقت کافی در حمل و نقل آن است [۲۹]. بنابراین شایسته است که قانون‌گذاری خاص در زمینه‌ی حمل و نقل مواد هسته‌ای فارغ از قواعد عام حاکم بر حمل و نقل مواد خطرناک که حمل‌کننده و ارسال‌کننده را مسئول خسارت می‌داند، صورت گیرد، قانونی که همه‌ی مدل‌های حمل و نقل مواد هسته‌ای را پوشش دهد.

باید توجه داشت که در حقوق داخلی، بهره‌بردار مواد هسته‌ای دولت است. طبق ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، تنها

کنوانسیون وین و کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از حمل دریایی مواد هسته‌ای، در خصوص مسئولیت بهره‌بردار، از نظریه‌ی مسئولیت محض و تئوری خطر تبعیت کرده است اما مسئولیت متصدی حمل و نقل بر مبنای تئوری خطا و مسئولیت مبتنی بر تقصیر استوار است. بنابراین امکان مسئولیت هم‌زمان بهره‌بردار و متصدی حمل و نقل طبق این کنوانسیون‌ها وجود دارد.

مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در مورد خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای که مورد پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای است، در حقوق ایران محل بحث است. همان‌طور که در مقدمه‌ی بحث گفته شد، مواد رادیواکتیو نوعی از مواد خطرناک است، در نتیجه تا زمانی که مواد هسته‌ای مشمول قانون‌گذاری خاص نباشد، تحت حاکمیت مقررات کالای خطرناک قرار می‌گیرد. طبق ماده‌ی ۲۲ کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین‌المللی کالا از طریق جاده (CMR)، ارسال‌کننده‌ی کالای خطرناک تا قبل از اطلاع‌رسانی، مسئول هرگونه خسارتی بدنی و مالی ناشی از حمل و نقل این مواد است و اما بعد از اطلاع‌رسانی اصولاً حمل‌کننده مسئول است.

طبق ماده‌ی ۳۹ ضمیمه‌ی B کنوانسیون کوتیف در خصوص قراردادهای بین‌المللی مربوط به حمل و نقل ریلی کالا (CIM) که ایران در سال ۱۳۸۱ به پروتکل اصلاحی ۱۹۹۹ آن ملحق شده است، حمل‌کننده‌ی مواد هسته‌ای معاف از مسئولیت است و بهره‌بردار فعالیت هسته‌ای یا جانشین او مطابق قوانین و مقررات کشور ناظر بر مسئولیت در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای، مسئول این خسارت خواهد بود. به این ترتیب این کنوانسیون مسئولیت خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای را از اصول مسئولیت ناظر به حمل و نقل ریلی سایر کالاهای خطرناک متمایز کرده است. در هر حال به علت حساسیت بالایی که کالاهای مذکور دارد، ایجاد مسئولیت همانند سایر کالاهای خطرناک برای حمل‌کننده، توجیه منطقی ندارد [۲۸].



تحت پوشش بیمه‌ی بهره‌بردار نیست نیز در همین راستا قابل ارزیابی است [۱۵].

۶. گفتار دوم: اصل مداخله‌ی دولت در جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای

علاوه بر مسئولیت‌های تکمیلی دولت می‌توان به مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به اصول حقوق بین‌الملل نیز قائل شد. در حقوق بین‌الملل به‌طور عرفی دولت‌ها موظف‌اند که حقوق خود را به نحوی اعمال کنند که موجب زیان دیگران از جمله زیان‌های ناشی از اعمال حق استفاده‌ی صلح‌آمیز از علوم و فناوری هسته‌ای، نشود [۳۲]. اصلی که با حقوق ایران نیز بیگانه نیست، طبق «قاعده‌ی لاضرر» که در اصل ۴۰ قانون اساسی متجلی شده است «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». در این راستا، دولت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای وظایفی را برای اعمال حق خود بر عهده دارد، به بیان دیگر انتساب مسئولیت اولیه به بهره‌بردار به‌هیچ‌وجه دولت را از ایفای وظایف پیشگیری خود به موجب حقوق بین‌الملل معاف نمی‌سازد [۱۵].

کمسیون حقوق بین‌الملل به وظایف پیشگیری و جبران زیان ناشی از اعمال منع نشده‌ی دولت توجه داشته و در این راستا دو طرح در زمینه‌ی پیشگیری از آسیب برون مرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک^(۲۴) و طرح اصول تخصیص زیان در مورد آسیب برون مرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک^(۲۵) تهیه کرده است. طرح پیشگیری از آسیب برون مرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک، تکالیف اولیه‌ای از جمله پیشگیری، اطلاع رسانی، رعایت استاندارد مشخص در اعطای مجوز بر دولت بار کرده است. طرح تخصیص زیان در مورد آسیب برون مرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک نیز، دولت‌ها را به فراهم کردن تمهیدات لازم برای پرداخت غرامت کافی و سریع موظف کرده است. این تمهیدات با اجبار بهره‌بردار فعالیت خطرناک به جبران خسارت و تهیه‌ی تضمین‌های مالی از جمله بیمه‌ی مسئولیت و یا هر نوع ضمانت دیگر، تأسیس

خسارات ناشی از نقص وسایل بر عهده‌ی دولت است و در مورد اعمال حاکمیت مسئول نیست، بنابراین اثبات مسئولیت دولت در مورد خسارت ناشی از خطای متصدی حمل یا سایر افراد دخیل در حمل امری دشوار است. از آنجا که خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای شدید و گسترده است، دخالت دولت در جبران خسارت آن امری غیر قابل انکار است. چگونه می‌توان از متصدی حمل یا کارمند تأسیسات هسته‌ای انتظار داشت خسارتی که منجر به ویرانی شهر شده یا مانند حادثه‌ی چرنوبیل حتی به خارج از مرزهای کشور رسیده است را جبران کند؟! هر شخص به‌طور معمول مسئول کار اشخاصی است که تحت نظارت و هدایت او فعالیت می‌کنند و اگر این اشخاص خسارتی ناروا به دیگری بزنند، فرض است بی‌مبالاتی نتیجه‌ی هدایت نادرست او بوده است [۳۰]. دولت نیز به عنوان بهره‌بردار مواد هسته‌ای مسئول نظارت و هدایت حمل و نقل آن نیز است، بنابراین مسئول دانستن او قابل توجیه است.

تحمیل مسئولیت بر دولت یکی از مصادیق جمع‌سازی مسئولیت است [۳۱]. با جمع‌کردن مسئولیت، خسارت میان جمعی از منتفعین از فعالیت خطرناک تقسیم و از تحمیل خسارت بسیار سنگین بر بهره‌بردار فعالیت مزبور خودداری می‌شود [۱۵]. در حقوق ایران سیستم توزیع جمعی خطرات، با تصویب «قانون بیمه‌ی اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵» پذیرفته شده است. بنابراین پذیرفتن آن در مورد خسارت ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای که خطرات آن به مراتب از تردد وسایل نقلیه بیش‌تر است دور از ذهن نخواهد بود. در حقوق ایران، پیش‌بینی راهکارهایی نظیر تحمیل تضمین‌های مالی (مانند بیمه) بر دولت به عنوان بهره‌بردار فعالیت‌های هسته‌ای یا تعبیه‌ی صندوق ویژه‌ی جبران خسارت هسته‌ای که بخشی از آن توسط دولت تأمین شود، سیستم جمعی مسئولیت اعمال خواهد شد. هم‌چنین شناسایی مسئولیت تکمیلی دولت مقر فعالیت‌های خطرناک برای تقبل آن بخش از خسارت که



لازم‌الاجرا نشده است اما اصول و قواعد آن ناشی از عرف و رویه قضایی بین‌المللی بوده، یا بعد از سال ۲۰۰۱ وارد قواعد عرفی حقوق بین‌الملل شده است.

۷. گفتار سوم: مسئولیت انحصاری بهره‌بردار

یکی از اصول خاص کنوانسیون‌های بین‌المللی، مسئولیت انحصاری بهره‌بردار است. طبق این اصل، بهره‌بردار مسئولیت کلیه حوادث ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای را برعهده دارد و حتی امکان رجوع به مسئول واقعی را ندارد. در راستای اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار و عدم حق رجوع، ماده‌ی ۱۰ کنوانسیون وین و پروتکل اصلاحی مقرر کرده است که بهره‌بردار تنها در صورتی که واقعه‌ی هسته‌ای ناشی از فعل یا ترک فعل عمدی با قصد اضرار باشد یا قرارداد کتبی وجود داشته باشد حق رجوع دارد. این قواعد بر ملاحظات اقتصادی و خودداری از بیمه‌ی دوگانه مبتنی است [۹].

با وجود تأکید مکرر کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای بر اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار، کنوانسیون‌های مذکور تحت شرایطی امکان جانشینی متصدی حمل و نقل به جای بهره‌بردار را به رسمیت شناخته‌اند [۱۸]. بند ۲ ماده‌ی ۲ کنوانسیون وین در صورتی حامل مواد هسته‌ای و زباله‌های رادیواکتیو را مسئول می‌داند که قانون دولت عضو در قانون داخلی خود این مسئولیت را پیش‌بینی کرده باشد و با تقاضای حامل و رضایت بهره‌بردار تأسیسات مستقر در سرزمین آن دولت، حامل به‌جای بهره‌بردار مسئول خواهد بود. در این صورت کلیه‌ی اصول حاکم بر مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای برای حمل‌کننده مواد هسته‌ای مجری خواهد بود.

منتها مسئولیت انحصاری بهره‌بردار و عدم امکان رجوع به مسئول حادثه‌ی هسته‌ای با مبانی حقوق ایران چندان سازگار نیست. حکم ماده‌ی ۲۷۶ قانون مدنی ناظر به اسقاط حق رجوع شخص ثالث در صورت پرداخت دین مدیون، ناظر به موردی است که پرداخت با قصد تبرع و از روی میل و رضا باشد و پرداختی که از روی اجبار یا حکم قانون یا اخلاق باشد

صندوق جمعی جبران خسارت و منابع مالی تکمیلی برای جبران کافی خسارت فراهم می‌شود. (۲۶) این دو طرح تاکنون مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل واقع نشده است و به همین علت لازم‌الاجرا نیست، اما تعهد دولت به پیشگیری از خسارت برون مرزی ناشی از اعمال منع نشده در عرف بین‌المللی رسوخ کرده و حتی معاهدات بین‌المللی در زمینه‌ی ایمنی فعالیت‌های هسته‌ای که یکی از راهکارهای پیشگیری است، تدوین شده است. در عرصه‌ی بین‌المللی، کنوانسیون ایمنی هسته‌ای (۲۷) مصوب سال ۱۹۹۴ آرانس بین‌المللی انرژی اتمی و در عرصه‌ی داخلی نیز مقررات نظام ایمنی هسته‌ای کشور و مقررات سازمان انرژی اتمی مصوب ۱۳۵۳ و قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ مقرراتی راجع به استقرار ایمنی در فعالیت‌های هسته‌ای پیش‌بینی کرده‌اند. طبق این مقررات دارنده‌ی مجوز تأسیسات هسته‌ای با استفاده از روش‌های علمی و فنی مقتضی مسئول تضمین اجرا و رعایت مقررات و ضوابط ایمنی لازم شناخته شده در تأسیسات هسته‌ای است [۳۳]. در کشوری که دولت، بهره‌بردار و متصدی اصلی فعالیت‌های هسته‌ای هست، این مسئولیت را به دوش می‌کشد.

با این اوصاف چنانچه دولتی به تعهدات خود که در کنوانسیون ایمنی هسته‌ای یا کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای بینی پیش شده عمل نکند، مسئولیت بین‌المللی دولت و تعهد آن به جبران خسارات وارد شده مطرح خواهد شد [۳۴]. مسئولیت بین‌المللی دولت بر اساس پیش‌نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی (۲۰۰۱)، (۲۸) قابل طرح است. طبق ماده‌ی ۲ این طرح، در صورت نقض تعهد بین‌المللی و انتساب آن به کشور به موجب حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی دولت مطرح می‌شود. بنابراین دولت‌ها در صورت نقض تعهدات قراردادی یا عرفی بین‌المللی خود در جبران خسارت حوادث ناشی از فعالیت‌های خطرناک از جمله فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای از نظر بین‌المللی مسئول هستند. این طرح



محدوده‌ی جغرافیایی خسارت تحت پوشش پروتکل اصلاحی کنوانسیون وین، کشورهای ساحلی و دولت‌های فاقد تأسیسات هسته‌ای که به دلیل تصادفات کشتی‌های حامل مواد هسته‌ای آسیب می‌بینند، مورد حمایت قرار گرفته‌اند [۱۱]، امری که در کنوانسیون وین توجه نشده بود.

اقدام مثبت دیگری که در پروتکل اصلاحی صورت گرفت و تفاوت چشم‌گیری با کنوانسیون وین ایجاد کرد، افزایش قلمرو موضوعی خسارت بود. کنوانسیون وین در جزء i بند k ماده‌ی ۱، خسارت را محدود به خسارت انسانی و اموال دانسته و خسارت به محیط زیست را صراحتاً نپذیرفته است، هم‌چنین اشاره‌ای به هزینه‌های پیشگیری و تمیز کردن و کاهش خسارت نشده است [۱]. در حالی که پروتکل اصلاحی قلمرو خسارت را به محیط زیست نیز افزایش داد. طبق بند k ماده‌ی ۱ پروتکل اصلاحی، علاوه بر مرگ، آسیب شخصی و صدمه به اموال، خسارت اقتصادی و هزینه‌های اقدامات مربوط به بازسازی محیط خسارت‌دیده،^(۲۹) فقدان درآمد ناشی از یک منفعت اقتصادی در اثر خسارت به محیط زیست و هزینه‌ی اقدامات پیشگیرانه^(۳۰) در شمول قلمرو موضوعی خسارت قرار گرفته است. این افزایش قلمرو خسارت‌ها در اجزاء بند f ماده‌ی ۱ کنوانسیون تکمیلی نیز مشاهده می‌شود. البته باید توجه داشت که سنجش میزان خسارتی که به محیط زیست، وارد می‌شود و هزینه‌های مربوط به اقدامات پیشگیرانه و بازسازی محیط زیست، گاهی به حدی عظیم است که از عهده‌ی بیمه خسارت هسته‌ای خارج است و یا حتی با پول قابل سنجش نیست. پروتکل اصلاحی سنجش میزان این نوع خسارت‌ها را به دادگاه صالح واگذار کرده است؛ اما شایسته است برای اجتناب از قضاوت‌های سلیقه‌ای حداقل در حقوق داخلی در مورد چگونگی سنجش خسارت زیست محیطی نیز قانون‌گذاری شود و با پیش‌بینی بودجه‌ی حفاظت از محیط زیست، صندوقی برای حمایت از خسارت زیست محیطی عظیم به خصوص در مورد خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای که به علت جابه‌جایی دائمی با محیط جغرافیایی

مشمول ماده‌ی ۲۷۶ نخواهد بود [۳۵]. رجوع بهره‌بردار در حقوق ایران می‌تواند از باب استفاده‌ی بلاجهت باشد. اثر دارا شدن بلاجهت پرداخت غرامت به کسی است که دارا شدن دیگری با کاهش دارایی او صورت گرفته است [۱۹]. گفتنی است که عدم امکان رجوع به مسئول واقعی باعث می‌شود سایر افراد اعم از کارمندان، حمل‌کننده یا ارسال‌کننده (در فرضی که بهره‌بردار و ارسال‌کننده یک شخص نباشد) خود را در بی‌مبالاتی آزاد می‌بینند.

۸. مبحث سوم: قلمرو مسئولیت خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای

موضوع دیگری که در پی حادثه‌ی چرنوبیل در مرکز توجه قرار گرفت، قلمرو مسئولیت خسارت هسته‌ای بود. مواد رادیواکتیوی که در حادثه‌ی چرنوبیل آزاد شد به فنلاند، سوئد و پس از آن به لهستان و چکسلواکی و جنوب آلمان و هلند رسید و بعد به طرف استرالیا و شمال ایتالیا و فرانسه و در نهایت انگلستان حرکت کرد. ضمن این‌که اشعه‌ی حاصل از حادثه‌ی چرنوبیل، علاوه بر آسیب انسانی و مالی، آب، هوا، جانوران و گیاهان را نیز آلوده کرد [۱]. از آن‌پس دولت‌ها به کنوانسیون‌هایی که قلمرو جغرافیایی وسیع‌تری را تحت پوشش قرار می‌دهند و تعریف وسیعی از خسارت ارائه می‌کنند، توجه بیش‌تری نشان دادند. در راستای این تحولات جهانی، کنوانسیون وین با تصویب پروتکل اصلاحی ضعف و شکاف‌هایی را که در زمینه‌ی قلمرو جغرافیایی و موضوعی داشت، مرتفع ساخت. یکی از اقدامات مثبت پروتکل، افزایش محدوده‌ی جغرافیایی کنوانسیون وین بود. طبق ماده‌ی A۱ پروتکل اصلاحی وین، این کنوانسیون برای خسارتی که در هر کجا وارد شود، اجرا می‌شود. البته قانون داخلی کشورها اجازه دارند که کشورهای بدون توافق یا مناطق دریایی که توسط کشور بدون توافق تحت پوشش حقوق بین‌الملل دریاها است، را استثنا کنند، به شرطی که دارای تأسیسات هسته‌ای باشند یا از عهده‌ی مزایای متقابل معادل برنایند. با افزایش



مقام بیان قلمرو شخصی مسئولیت صاحب کالا را مطابق قوانین و مقررات موجود، مسئول جبران کلیه خسارت‌هایی می‌داند که از تحویل چنین کالایی به متصدی حمل و نقل، شخص ثالث یا دولت وارد شده است. ضمناً آیین‌نامه‌ی مذکور در ماده‌ی ۱۹ به مسئولیت خسارت وارد به محیط زیست هم‌نظر داشته و متصدی حمل را موظف کرده که در مورد وقایعی که منجر به پخش در طبیعت می‌شود مراتب را به سازمان امدادی اطلاع دهد. در صورتی که متصدی حمل و نقل با آگاهی از ماهیت مواد خطرناک، اقدام به حمل کرده باشد، باید از عهده‌ی جبران خسارت زیست محیطی نیز برآید.

۹. نتیجه‌گیری

میزان بالای خسارت احتمالی ناشی از یک رویداد هسته‌ای و هم‌چنین حجم بالای حمل و نقل مواد هسته‌ای، مستلزم همکاری بین‌المللی کلیه کشورهای در ایجاد نظام مسئولیت جامع و واحدی را در زمینه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای است. برای تحقق این هدف، کنوانسیون وین و پروتکل اصلاحی آن، اصول مشابه‌ای با مقررات داخلی کشورها مانند قانون پرایس اندرسون^(۳۱) ایالت متحده آمریکا و مقررات بین‌المللی مانند کنوانسیون پاریس پیش‌بینی کرد که بر حمل و نقل مواد هسته‌ای نیز حاکم هست. یکی از این اصول، هدایت کردن مسئولیت به سوی بهره‌بردار به طور انحصاری است. طبق این اصل، بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای مسئول خسارت ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای از جمله حمل و نقل این مواد است و حق رجوع به فرد خطاکار مانند حمل‌کننده را ندارد مگر این که طبق قرارداد کتبی، این حق را برای خود قائل شده باشد یا خسارت ناشی از تقصیر عمدی فرد خطاکار باشد. یکی از اصول ویژه‌ی این مسئولیت، الزام بهره‌بردار به فراهم کردن بیمه‌ی مسئولیت است که امکان جمعی کردن مسئولیت را فراهم می‌کند. لازم به ذکر است که مسئولیت بهره‌بردار از نظر مقدار و زمان دارای محدودیت است؛ اما آنچه بعد از حادثه‌ی چرنوبیل در این کنوانسیون مورد توجه و تحول قرار گرفت و

درگیر است، تعبیه شود تا عدم وجود امکانات مانع احیای محیط زیست آسیب‌دیده بر اثر فعالیت انسانی نشود.

سؤالی که پیش می‌آید این است اگر دو کشتی یا هر وسیله‌ی حمل و نقل دیگر که حامل مواد هسته‌ای است با هم برخوردکنند، مسئولیت چگونه جمع می‌شود؟ آیا مجوز مسئولیت تضامنی بهره‌برداران وجود دارد یا طبق قواعد عام باید به مسئولیت مشترک توسل جست؟ از نظر برخی نویسندگان [۳۶]، در این فرض بحث مسئولیت مشترک پیش می‌آید. کنوانسیون وین و پروتکل اصلاحی در جزء a بند ۳ ماده‌ی ۱ مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی، قائل به تقسیم مسئولیت شده و عنوان کرده است که در صورت عدم قابلیت تفکیک میزان خسارتی که به هر بهره‌بردار منتسب است، بحث مسئولیت مشترک و جمعی پیش می‌آید. این ماده دربارهی چگونگی تقسیم مسئولیت سخن نگفته و آن را به قانون ملی حاکم بر دادگاه صالح واگذار کرده است. اما طبق جزء b همین ماده، اگر حادثه در مسیر انتقال مواد هسته‌ای پیش آید که منتسب به بیش از یک بهره‌بردار باشد، تمام مسئولیت از حداکثر مسئولیتی که ماده‌ی ۵ کنوانسیون وین معین کرده است، نباید تجاوز کند. هم‌چنین طبق جزء c، اگر خسارت منتسب به هر بهره‌بردار، قابل تفکیک باشد، مسئولیت هر بهره‌بردار نباید از حداکثر خسارت مقرر در ماده‌ی ۵ تجاوز کند. در واقع این مواد، اصل محدودیت در میزان خسارت را در مسئولیت جمعی بهره‌برداران نیز مجری می‌دانند. لازم به ذکر است که در حقوق ایران نیز در مسئولیت جمعی، اصل بر مسئولیت نسبی و مشترک است و مسئولیت تضامنی جنبه‌ی استثنایی دارد و نیازمند قانون‌گذاری است.

در حقوق ایران ماده‌ی ۲۲ کنوانسیون CMR که بر حمل و نقل بین‌المللی مواد هسته‌ای به‌عنوان نوعی از کالای خطرناک حاکم است، قلمرو مسئولیت شامل هر شخصی اعم از حمل‌کننده، شخص ثالث و گیرنده است که تحت تأثیر ریسک کالای خطرناک قرار گرفته‌اند [۳۷]. تبصره‌ی ماده‌ی ۵ آیین‌نامه‌ی اجرایی حمل و نقل جاده‌ای مواد خطرناک در



است، نهاد مسئول با انجام همه‌ی اقدامات به منظور جلوگیری از خسارت، از مسئولیت معاف نمی‌شود و این به معنای پذیرفتن نظریه‌ی خطر و مبنای مسئولیت عینی است.

در حال حاضر در حقوق ایران، مقررات مربوط بر حمل و نقل مواد خطرناک بر حمل مواد هسته‌ای حاکم است زیرا مواد رادیواکتیو در مقررات مختلف جزء یکی از طبقه‌های مواد خطرناک قرار گرفته است. با این توضیح ماده‌ی ۲۲ کنوانسیون‌های بین‌المللی CMR، ارسال کننده را تا قبل از اطلاع رسانی در مورد ماهیت مواد هسته‌ای مسئول هرگونه خسارت بدنی و مالی هر شخص زیان دیده و محیط‌زیست می‌داند. حمل و نقل داخلی، طبق ماده‌ی ۵ آیین‌نامه‌ی اجرایی حمل و نقل جاده‌ای کالای خطرناک و ماده‌ی ۳۸۰ قانون تجارت، اصولاً مسئول خسارت ناشی از حمل و نقل مواد خطرناک از جمله مواد هسته‌ای حمل‌کننده است. مگر اینکه عدم اطلاع‌رسانی یا نقص در بسته‌بندی توسط ارسال کننده را ثابت کند. البته ماده‌ی ۳۹ کنوانسیون CIM در مورد حمل و نقل ریلی مواد هسته‌ای، حمل‌کننده را معاف از مسئولیت می‌داند و بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای مطابق با حقوق داخلی هر کشور مسئول است. از آنجا که تجربه‌های جهانی نشان داده است که خطرات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای به مراتب گسترده‌تر و شدیدتر از سایر مواد خطرناک است، لازم است ایران نیز هم‌گام با نظام هماهنگ جهانی به کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به مسئولیت مدنی ناشی از خسارت هسته‌ای ملحق شود یا درصدد وضع قانون خاص در این زمینه برآید.

باعث تصویب پروتکل اصلاحی شد، قلمرو جغرافیایی و موضوعی مسئولیت بود. طبق این کنوانسیون هر خسارتی در هر کجا واقع شود، جبران می‌شود و خسارت زیست‌محیطی، اقدامات پیشگیرانه و فعالیت‌های بازدارنده که قبلاً در خود کنوانسیون مغفول مانده بود در پروتکل اصلاحی لحاظ شد. اصل مسئولیت محض بهره‌بردار نیز از اصول قابل توجه‌ای است که قربانی را از اثبات تقصیر و شناسایی مقصر رها کرده و امکان اقامه‌ی دعوی را آسان‌تر می‌کند.

پذیرفتن اصول حاکم بر کنوانسیون وین در حقوق ایران با دشواری مواجه است. در ایران دولت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای است که طبق ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در امور مربوط به حاکمیت مسئول نیست، اما شدت و گستردگی خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای ایجاب می‌کند که دولت که توانایی کافی مالی جبران خسارت را دارد، بار مسئولیت را به دوش کشد و با بیمه‌ی مسئولیت یا پیش‌بینی صندوق جبران خسارت به سوی مسئولیت جمعی گام بردارد. البته بر اساس قواعد و اصول طرح مسئولیت بین‌المللی دولت (۲۰۰۱) که در حقوق عرفی و رویه‌ی قضایی متجلی است، نقض تعهدات عرفی و قراردادی دولت به پیشگیری و صدور مجوز، مسئولیت بین‌المللی دولت را در پی خواهد داشت. باید توجه داشت که در حقوق بین‌الملل به‌صرف نقض تعهد یا ورود خسارت و انتساب آن به دولت، مسئولیت دولت مطرح می‌شود. از آنجا که مبنای مسئولیت در مورد اعمال منع نشده مانند فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای اصولاً تنها ورود خسارت



پی‌نوشت‌ها

۱. حادثه‌ی چرنوبیل حادثه‌ی هسته‌ای فاجعه باری بود که روز ۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ (۲۶ آوریل ۱۹۸۶) در نیروگاه چرنوبیل در اکرین رخ داد و بسیاری از کشورهای اروپایی تحت تأثیر آثار مخرب این انفجار قرار گرفتند.

2.Regulation for the Safe Transport of Radioactive Material

۳. کنوانسیون پاریس در زمینه‌ی مسئولیت مدنی ناشی از انرژی هسته‌ای مصوب ۲۳ ژوئیه ۱۹۶۰ که در سایه‌ی سازمان همکاری اقتصادی اروپا (OECD: Organization for Economic Co-operation and Development) تصویب شد و در اول آوریل ۱۹۶۸ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون، بیش‌تر کشورهای اروپای غربی دارای قدرت هسته‌ای و نیز اسلوانی و ترکیه را پوشش می‌دهد برای اطلاعات بیش‌تر ر.ک به قبولی درافشان، سید مهدی؛ رضا دوست، وحید، ۱۳۹۴، «مطالعه تطبیقی تعیین مسئول و مبنای جبران خسارت در مسئولیت مدنی ناشی از حوادث مربوط به تأسیسات هسته‌ای در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۱۰: ص ۷۲۷.

۴. لازم به ذکر است که حمل و نقل موادی که خطر زیادی ندارند مانند حمل و نقل رادیوایزوتوپ‌هایی که به‌طور مستقیم برای مصارف صنعتی، تجاری، کشاورزی، طبی یا علمی به کار می‌رود در چهارچوب کنوانسیون‌های مزبور قرار نمی‌گیرند ر.ک به محقق منتظری، لیل، ۱۳۸۳، «مسئولیت مدنی خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای در معاهدات بین‌المللی و مقررات داخلی دولت‌ها»، مجله دادرسی، شماره ۴۶: ص ۲۸.

5.International and Maritime Organization (IMO)

6.Organization for Economic Co-operation and Development (OECD).

7.Convention concerning International Carriage by Rail (COTIF)

8.Regulation concerning the International Carriage of Dangerous Goods by Rail (RID)

9.European Agreement concerning the International Carriage of Dangerous Goods by Road (ADR)

10.Convention on the Contract for the International Carriage of Goods by Road (CMR)

11.Uniform Rules Concerning the Contract of International Carriage of Goods by Rail (CIM)

۱۲. طبق ماده‌ی ۲ پیش‌نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی (۲۰۰۱) «عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی یک کشور هنگامی موجود است که رفتار در برگیرنده یک فعل یا ترک فعل:

الف: به موجب حقوق بین‌الملل، قابل انتساب به کشور باشد.

ب: نقض تعهد بین‌المللی کشور را بنیان نهد».

۱۳. طبق ماده‌ی ۸ پیش‌نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت در مقابل اعمال متخلفانه بین‌المللی (۲۰۰۱) «رفتار یک شخص یا گروهی از اشخاص، اگر در حقیقت بر مبنای دستورها یا تحت هدایت یا کنترل کشور [ی] عمل کنند. باید به موجب حقوق بین‌الملل، عمل آن کشور دانسته شود.» و طبق ماده‌ی ۹ این طرح "رفتار یک شخص یا گروهی از اشخاص، اگر در حقیقت عناصر اختیاری دولتی را در غیاب یا قصور مقامات رسمی و در شرایطی نظیر مطالبه‌ی اعمال آن عناصر، اعمال می‌کنند، باید به موجب حقوق بین‌الملل، عمل آن کشور، دانسته شود.»

14. GOV/INF/2004/9-GC(48)/INF/5Date:2 September 2004,p.1.

15.Extraordinary nuclear occurrence (ENO)

16. Absolute Liability

17. grave natural disaster

۱۸. برای اطلاعات بیش‌تر رجوع کنید به بادینی، حسن؛ شعبانی‌کندسری، هادی؛ رادپرور، سجاد، ۱۳۹۱، «مسئولیت محض؛ مبانی و مصادیق»، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۳: صص ۱۹-۳۶.

۱۹. برای دیدن نظر مخالف رجوع شود به کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۱، «قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی»، نشر میزان: ص ۲۶۸.

20.Channeling of liability to operator.

21. DIRECTIVE 2004/35/CE OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 21 April 2004 on environmental liability with regard to the prevention and remedying of environmental damage, at: Official Journal of the European Union, at: eurlex.europa.eu /LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:L:2004:143:0056:0075: EN:PDF.



۲۲. این بند هم‌راستا با عرف قراردادهای بین‌المللی تجاری، قرارداد بین ارسال‌کننده و تحویل‌گیرنده را مؤثر در تعیین مقدار انتقال ریسک مسئولیت می‌داند. رک. به [۲۵]

۲۳. مواد رادیواکتیو جزء کلاس ۷ ماده‌ی ۱ آیین‌نامه حمل و نقل جاده‌ای کالای خطرناک است، بنابراین مقررات آن بر حمل و نقل مواد رادیواکتیو نیز حاکم است.

24. Draft articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, Adopted by International Law Commission at its Fifty-third Session (2001).

25. Draft principles on the allocation of loss in the case of transboundary harm arising out of hazardous activities, Adopted by International Law Commission at its fifty-eighth session (2006).

۲۶. اصل چهارم طرح تخصیص زیان ناشی از فعالیت‌های خطرناک

[27] Convention on Nuclear Safety, available at <https://www.iaea.org/topics/nuclear-safety-conventions> [accessed 27 November 2017]

28. International Law Commission, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, November 2001, Supplement No. 10 (A/56/10), chp.IV.E.1, available at: <http://www.refworld.org/docid/3dd b8f804.html> [accessed 11 November 2017]

29. Measure of reinstatement

۳۰. طبق جزء II بند ۱ ماده‌ی ۱ پروتکل اصلاحی، اقدامات پیشگیرانه (Preventive measures) هر اقدام معقولی است که توسط هر فرد پس از وقوع حادثه هسته‌ای انجام می‌شود تا خسارت ناشی از آن را که در اجزاء بند (k) پیشگیری یا به حداقل برساند. به‌طور مثال هزینه‌های مربوط به تخلیه‌ی مردم و برقراری محدودیت در فروش مواد غذایی باشد یا ضرر و زیان به افراد، مانند کشاورزان که از محصولات و منافع آبی خود محروم شده‌اند. رک. به محقق منتظری، لیلا، ۱۳۸۳، «مسئولیت مدنی خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای در معاهدات بین‌المللی و مقررات داخلی دولت‌ها»، مجله‌ی دادرسی، شماره ۴۶: ص، ۲۸.

31. Price Anderson Act

مراجع

[1] A. Suarez, V. Suzette, The Legal Regime of the Maritime Carriage of Radioactive Materials and Wastes and International Environmental Law, World Bull, 16 (2000) pp. 96; 100; 120; 125.

[۲] م.ر. احدی، م. اکبری، راهکارهای بسته‌بندی کالاهای خطرناک و مواد سمی، اولین کنفرانس حمل و نقل مواد خطرناک و اثرات زیست‌محیطی آن، تهران، دانشگاه تهران: (۱۳۸۷) ص. ۹.

[۳] ک. استویبر، آ. بائر، ن. پلرز، و. تانهوزر، حقوق هسته‌ای: مقررات IAEA درباره فعالیت هسته‌ای اعضا، ترجمه‌ی قدیری، نیلوفر، انتشارات دنیای اقتصاد، (۱۳۹۴) ص. ۱۲۹؛ ۱۵۴.

[4] M. Elbaradei, E. Nwogugu, J. Rames, International law and nuclear energy: Overview of the legal framework, IAEA Bulletin, 37 (1995) p. 19.

[5] Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage, International Atomic Energy Agency, (1963) available at <https://www.iaea.org/blications/documents/conventions/Vienna-convention-oncivil-liability-for-nuclear-damage>, [accessed 11 November 2017].

[۶] ل. محقق منتظری، مسئولیت مدنی خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای در معاهدات بین‌المللی و مقررات داخلی دولت‌ها، مجله دادرسی، شماره ۴۶ (۱۳۸۳) ص ۲۷.



[7] Protocol to Amend the Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage, International Atomic Energy Agency, (1997), available at <https://www.iaea.org/publications/documents/infcircs/protocolamend-Vienna-convention-civil-liability-nuclear-damage>, [accessed 11 November 2017].

[8] The Convention on Supplementary Compensation (CSC). International Atomic Energy Agency, (1997), available at <https://www.iaea.org/publications/documents/treaties/convention-supplementary-compensation-nuclear-damage>, [accessed 27 November 2017].

[۹] س.م. قبولی درافشان، و. رضادوست، مطالعه تطبیقی تعیین مسئول و مبنای جبران خسارت در مسئولیت مدنی ناشی از حوادث مربوط به تأسیسات هسته‌ای در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۱۰ (۱۳۹۴) ص ۳۰.

[10] Convention relating to Civil Liability in the Field of Maritime Carriage of Nuclear Material, (1971), available at <https://treaties.un.org/doc/.../volume-974-I-14120-English.pdf>, [accessed 11 November 2017].

[11] A. Hariharan, India's Nuclear Civil Liability Bill and Supplier's Liability: One Step Towards Modernizing the Outdated International Nuclear Liability Regime, Wm. & Mary Envtl. L. & Pol'y Rev, 36 (2011) p. 233.

[۱۲] آیین‌نامه اجرایی حمل و نقل جاده‌ای کالای خطرناک، مصوب هیات وزیران، (۱۳۸۰).

[13] Convention on the Contract for the International Carriage of Goods by Road (CMR), United Nations, (1956), available at http://www.unece.org/trans/conventn/legalinst_25_OLIRT_CM.html, [accessed 11 November 2017].

[14] Uniform Rules Concerning the Contract of International Carriage of Goods by Rail (CIM), International Rail Transport Committee, (1999), available at <http://www.cit-rail.org/en/rail-transport-law/cotif/>, [accessed 11 November 2017].

[۱۵] م. عبداللہی، رویکردهای نظام مسئولیت بین‌المللی در جبران خسارات ناشی از اعمال منع شده در حقوق بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶ (۱۳۹۰) صص ۲۲۴؛ ۲۵۲؛ ۲۷۰؛ ۲۶۷.

[۱۶] ح. الہویی نظری، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ اول، انتشارات دادگستر، تهران، (۱۳۹۲) ص ۳۱۹.

[17] N. Pelzer, Focus on the future of nuclear liability law, Journal of Energy & Natural Resources Law, 17 (1999) pp. 335; 334.

[۱۸] ع.ر. یزدانیان، ه. حبیبیان، مسئول جبران خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق ایران، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۴ (۱۳۹۰) صص ۱۶۸؛ ۱۶۶؛ ۱۶۱؛ ۱۶۲.

[۱۹] س.ح. صفایی، ح.ا. رحیمی، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ سوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) (۱۳۹۱) صص ۵۸؛ ۸۳؛ ۷۰.

[۲۰] ح. بادی، ه. شعبانی کندسری، س. رادپرور، مسئولیت محض؛ مبانی و مصادیق، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۳ (۱۳۹۱) صص ۱۹؛ ۳۳.

[۲۱] ن. کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ سی و پنجم، نشر میزان (۱۳۹۱) ص ۲۶۷.



[22] E. Ameye, Channelling of nuclear third party liability towards the operator: Is it sustainable in a developing nuclear world or is there a need for liability of nuclear architects and engineers, *Eur. Energy & Envtl. L. Rev.*, 19 (2010) p. 33.

[23] Raju, Suvrat and Ramana, MV., The other side of nuclear liability, *Economic and Political Weekly*, (2010) p. 49.

[۲۴] ن. کاتوزیان، م. انصاری، مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی، فصلنامه حقوق، شماره ۲: ص ۳۰۳.

[25] Z. Brodecki, Civil Liability for Nuclear Damage: The Polish Concept, *Anglo-American Law Review*, 15 (1986) p. 361.

[26] Murphy, Sean D., Prospective Liability Regimes for the Transboundary Movement of Hazardous Wastes, *The American Journal of International Law*, 88 (1994) p. 51.

[۲۷] ف. مشیرپور، عملکرد سازمان بین‌المللی دریایی در زمینه‌ی مسئولیت و جبران خسارت زیست محیطی، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۱ (۱۳۹۰) ص ۱۹۵.

[۲۸] ا. تقی‌زاده، حقوق حمل و نقل ریلی، چاپ اول، انتشارات مجد (۱۳۹۵) ص ۲۵۳.

[۲۹] م. السان، تعهد ایمنی متصدی حمل و نقل در قرارداد حمل و نقل کالاهای خطرناک، پژوهشنامه حمل و نقل، شماره ۳ (۱۳۸۷) ص ۲۰۸.

[۳۰] ن. کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، جلد دوم، چاپ یازدهم، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۹۳) ص ۵.

[۳۱] ع.ر. یزدانیا، مطالعه تطبیقی اندیشه جمعی شدن مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه و ایران و آثار عملی آن بر نحوه جبران خسارت، مجله مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۳ (۱۳۹۲) صص ۲۰۴؛ ۲۱۲.

[۳۲] ص. رضایی، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در پیشگیری زیان‌های ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۱ (۱۳۸۹) ص ۱۳۵.

[۳۳] ص. رضایی پیش‌رباط، تأملی بر جنبه‌های قانونی ایمنی تأسیسات هسته‌ای در ایران، مجله سنجش و ایمنی پرتو، شماره ۲ (۱۳۹۲) ص ۲۵.

[۳۴] م. داراب‌پور، ر. زارع‌نعمتی، تعهدات دولت‌ها در پیشگیری و جبران خسارت ناشی از حوادث اتمی، مجله‌ی حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۴ (۱۳۹۰) ص ۲۰۴.

[۳۵] م. قاسمی، ف. سالاریان، رجوع ثالث ایفاکننده غیرمأذون به مدیون، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۲ (۱۳۹۰) ص ۱۷۴.

[36] M. Hardy, The liability of operators of nuclear ships, *International and Comparative Law Quarterly*, 12 (1963) p. 781.

[37] Clarke, Malcolm A., *International carriage of goods by road: CMR*, CRC Press, (2014) p. 821.



حمل هوایی مواد هسته‌ای و جبران خسارت اشخاص ثالث

کسرا پور میکائیل*، میلاد صادقی

دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۷۶۱۴۴۱۱، تهران - ایران

چکیده: اسناد بین‌المللی حاکم بر جبران خسارت اشخاص ثالث ناشی از عملیات هواپیما، به ترتیب در پروتکل ۱۹۷۸ مونترال و دو پیمان مونترال ۲۰۰۹، مسئولیتی را برای بهره‌بردار هواپیما در قبال خسارت و سوانح هسته‌ای که در جریان حمل هوایی اتفاق می‌افتد، شناسایی نکرده و آن را به دو پیمان پاریس ۱۹۶۰ و وین ۱۹۶۳، ارجاع داده‌اند. گویی اگر هنگام حمل هوایی مواد هسته‌ای، سانحه‌ی هسته‌ای اتفاق افتد، بهره‌بردار هواپیما هیچ مسئولیتی در قبال اشخاص ثالث زیان‌دیده نخواهد داشت. پرسشی که با بررسی این اسناد مطرح می‌شود آن است که در صورت وقوع سانحه‌ی هسته‌ای در جریان حمل هوایی مواد هسته‌ای چه کسی باید بار خسارات را بر دوش کشد و نظام حاکم بر معاهده‌ی وین چه آثار احتمالی بر تعهدات اعضای آن در خصوص پرسش فوق خواهد داشت؟ در این مقاله به روش کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری تحلیل محتوا کوشش شده است تا با شناسایی موانع مندرج در اسناد بین‌المللی جبران خسارت اشخاص ثالث ناشی از عملیات هواپیما و تحلیل عقلانی علت وضع موانع مذکور، به پرسش یادشده پاسخ درخور داده شود. نتیجه‌ی مقاله حاکی از آن است که با الحاق دولت ایران به پیمان وین، اگرچه بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به طور انحصاری مسئول جبران خسارت واردشده در جریان حمل هوایی قرار خواهد گرفت، اما این امر مانع از مسئولیت ابتدایی و حتی نهایی متصدی حمل و نقل هوایی نخواهد بود.

کلیدواژه‌ها: بهره‌بردار هواپیما، بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، خسارت هسته‌ای، مسئولیت، پیمان وین

Air Carriage of Nuclear Materials and Compensation of Third Parties

K. Pourmikaël*, M. Sadeghi

Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, P.O.Box: 1417614411, Tehran – Iran

Abstract: International treaties governing to compensation of third parties for aircraft operation, including the Montreal protocol of 1978 and the Montreal conventions of 2009 has not identified any responsibility for the aircraft operator in relation nuclear damages occurring during the carriage of aircraft and referred it to the Paris treaty 1960 and Vienna convention 1963. The question raised by examining of these documents is that who is responsible for compensation of nuclear damage during air transport? In this paper we first study obstacles created in international sources of aviation responsibility governing airspace and then analyze the reason of these exceptional rules. The result of this article is that with the accession of Iran to the Vienna convention, the operator of installation will be solely responsible for the compensation of damage created during air transportation, but this will not preclude the primary or even ultimate responsibility of aircraft operator.

Keywords: Aircraft Operator, Nuclear Facility Operator, Nuclear Damage, Liability, Vienna Convention

**۱. مقدمه**

بی تردید حمل هوایی مواد هسته‌ای به دو دلیل از حمل و نقل سایر اشیاء متمایز است. نخست خصیصه‌ی ذاتاً خطرناک مواد هسته‌ای و دوم، رویارویی هوانوردی با خطرهای بالقوه‌ی بسیار. اگرچه حمل هوایی مواد هسته‌ای، مورد نظارت شدید و موضوع رعایت شرایط سخت ایمنی و اداری قرار دارد^(۱)، اما باز هم احتمال می‌رود که با خطراتی مواجه شود و زیان‌هایی با گستره‌ی بسیار بالا برجای گذارد، چندان که از مرزهای سیاسی و ملی یک دولت، فراتر رود. در این صورت مسئله آن است که چه کسی و چگونه باید خسارت اشخاص ثالث زیان‌دیده (= شهروندان) را جبران کند. در طول تاریخ کانون توجه نویسندگان و قانون‌گذاران بیش از همه معطوف به دو گروه بوده است:

از سویی این احتمال می‌رود که متصدی یا بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، مسئول باشد، چراکه وی با عرضه و تحویل این مواد خطرناک به متصدی حمل و نقل، شرایط بسیار مخصوصی را ایجاد کرده است. گویی که مواد هسته‌ای یا کالا نیستند یا وضع آن‌ها به کالاهای معمولی دیگری که متصدی حمل با خود جابه‌جا می‌کند، شباهت ندارد. وانگهی منافع ناشی از حمل نیز عاید وی (= بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای) می‌شود. این راه‌حل را کنوانسیون‌های بین‌المللی حاکم بر خسارت هسته‌ای از دیرباز پذیرفته‌اند. راه‌حلی که به تقریب ذهن می‌توان آن را به ماده‌ی ۳۸۶ قانون تجارت تشبیه کرد، که به موجب ماده‌ی مذکور، متصدی حمل و نقل در صورت اثبات آن‌که تلف یا گم‌شدن مال‌التجاره مربوط به جنس خود وسیله باشد یا مربوط به حوادثی باشد که هیچ متصدی مواظبی نمی‌توانست از آن جلوگیری کند، در برابر ارسال‌کننده یا گیرنده، مسئولیت نخواهد داشت.

از سویی نیز نمی‌توان از نقش متصدی حمل هوایی غافل بود، چه او قانوناً متعهد به تأمین ایمنی اشخاص و اموال روی زمین و سایر استفاده‌کنندگان از فضای هوایی است. قانون تجارت این ایده را نیز در ماده‌ی ۳۸۸ انعکاس داده است، آن وقت که مقرر می‌دارد، متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده است.

در این میان به نظر می‌رسد که حقوق دریایی به موجب کنوانسیون‌های متعدد خود، موضع یکسانی را درباره آن‌که چه کسی در برابر خسارت‌های هسته‌ای ایجاد شده در جریان حمل دریایی مسئول است، اتخاذ نکرده است.

پیش از همه «کنوانسیون مسئولیت متصدیان کشتی‌های هسته‌ای» (۱۹۶۲) در ماده‌ی دوم، مالک کشتی هسته‌ای را تنها با اثبات آن‌که خسارت به موجب سانحه‌ی هسته‌ای اتفاق افتاده باشد، در برابر هرگونه خسارت هسته‌ای، مطلقاً مسئول می‌خواند [۱]، اما در سال ۱۹۷۱،

«کنوانسیون مربوط به مسئولیت مدنی در حوزه‌ی حمل دریایی مواد هسته‌ای»، به این نحو اولویت در مسئولیت را به رژیم ایجاد شده در پیمان‌های مسئولیت هسته‌ای می‌دهد:

«هر شخصی که به مزیت پیمان بین‌المللی یا قانون ملی قابل اعمال در حوزه‌ی حمل و نقل دریایی در قبال خسارت وارد شده در اثر سانحه‌ی هسته‌ای مسئول باشد، باید در صورت مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به موجب پیمان پاریس یا وین، از مسئولیت معاف شود» [۲].

در مرتبه‌ی دیگر «کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت و جبران خسارت در قبال خسارت مرتبط با حمل مواد خطرناک و سمی (مضر) از راه دریا» (۲۰۱۰) در ماده‌ی ۷، اصل را بر مسئولیت مالک کشتی قرار می‌دهد و او را در قبال خسارت ایجاد شده در اثر هر ماده خطرناک یا سمی در داخل کشتی، مسئول می‌شناسد و تنها در موارد محدود از جمله قصور ارسال‌کننده‌ی مواد در ارائه اطلاعات راجع به طبیعت خطرناک یا سمی مواد حمل شده، مسئولیت را از دوش وی رفع می‌کند [۳].

اما به رغم آن‌که پیمان‌های بین‌المللی حاکم بر مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای از گذشته بهره‌بردار تأسیسات را مسئول جبران خسارت هسته‌ای، خوانده‌اند و اعمال هیچ یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی حاکم بر حمل و نقل را با مانع روبه‌رو نساخته‌اند [۴]، به نظر می‌رسد که وضعیت در صنعت هواپیمایی به نحو دیگری رقم خورده است، چه در گذر تاریخ، پیمان‌های بین‌المللی هواپیمایی، مسئولیتی را برای بهره‌برداران هواپیما در قبال خسارات وارد شده ناشی از سوانح هسته‌ای در جریان حمل شناسایی نکرده و آن را به نظام مخصوص تأسیس شده خود (= پیمان‌های جبران خسارت هسته‌ای) ارجاع داده‌اند.

در این مقاله، ابتدا، موانع ایجاد شده در پیمان‌های بین‌المللی هواپیمایی را ملاحظه می‌کنیم و پس از آن علت این احکام را مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهیم و در نهایت نشان می‌دهیم که با وجود مناسبت و مطلوبیت این احکام، متصدیان هواپیما همچنان در معرض دعوای مستقیم و غیرمستقیم ناشی از سوانح هسته‌ای در جریان حمل و نقل هوایی قرار دارند و ممکن است در برابر زیان دیدگان یا قائم مقامان آن‌ها محکوم به جبران خسارت شوند.

۲. جبران خسارت هسته‌ای در پیمان‌های بین‌المللی هواپیمایی

در حال حاضر، وضعیت جبران خسارت هسته‌ای در پیمان‌های بین‌المللی هواپیمایی کشوری، در دو محتوا، قابل ملاحظه و بررسی است. نخست، وضعیت کنونی و لازم‌الاجرا، دوم، وضعیت آتی و احتمالی. آنچه وضعیت کنونی را پدید آورده است، پیمان رم ۱۹۵۲ و پروتکل



به احتمال زیاد، پیمان تمایل دارد تا به غیر از مواردی که در آن امکان معافیت بهره‌بردار هواپیما از مسئولیت را پیش‌بینی و تصریح کرده است، او را در برابر زیان‌دیدگان، فارغ از سبب خسارت مسئول بداند. با این حال به شخص مسئول مطابق این کنوانسیون (= بهره‌بردار یا مالک هواپیما) اختیار داده است تا پس از جبران خسارت، علیه هر شخص دیگری، اقدام به دعوی بازبایی و غرامت کند [۱۰]. این تفسیر با احترام به اصل تفسیر مضیق موارد استثنایی، بهره‌بردار هواپیما را در قبال خسارت و سوانح هسته‌ای که در جریان حمل اتفاق می‌افتند، مسئول می‌خواند [۱۱].

اما با تصویب پروتکل اصلاحی این کنوانسیون در سال ۱۹۷۸، با آن که میزان مسئولیت بهره‌بردار هواپیما افزایش می‌یابد [۱۲]، تفسیر شمول پیمان نسبت به خسارت‌های هسته‌ای در جریان حمل هوایی، مردود می‌شود. پروتکل با اندارج ماده‌ی جدید ۲۷، اعلام می‌کند که این پیمان (=پیمان رم) نسبت به خسارت هسته‌ای قابل اعمال نخواهد بود [۱۳].

به تاسی از مقرر اخیر، قوانین هواپیمایی کشوری برخی دولت‌ها نیز مسئولیت بهره‌بردار هواپیما را قبال خسارت هسته‌ای، منتفی می‌خوانند. چنانچه قانون هواپیمایی کشوری عربستان، پس از آن که مقرر می‌دارد شخص متحمل خسارت بر روی زمین تنها به مجرد اثبات آن که خسارت مستقیماً در اثر هواپیمای در حال پرواز یا شخص یا شیء ساقط شده از آن ایجاد شده باشد، حق جبران خسارت از بهره‌بردار هواپیما را خواهد داشت، جبران خسارت هسته‌ای را از عموم حکم مذکور خارج می‌کند و آن را به قوانین و مقررات لازم الاجرای دیگر، ارجاع می‌دهد [۱۴].

۴. وضعیت آتی در پرتوی دو پیمان مونترال ۲۰۰۹

حقوق بین‌الملل در ادامه تلاش کرد تا ناکامی و عدم توفیق رژیم رم در اقبال عمومی و جهانی را که بیش‌تر معلول سقف پایین مسئولیت بهره‌بردار هواپیما، عدم اجبار بهره‌بردار هواپیما در تهیه‌ی پوشش بیمه‌ای و ایده‌ی دادگاه صالح واحد بود با تدوین دو پیمان در سال ۲۰۰۹ جبران کند. پیمان نخست را با عنوان «کنوانسیون جبران خسارت واردشده به اشخاص ثالث در اثر هواپیما» [۱۵]، موسوم به «پیمان خطرات عمومی» و پیمان دوم را با نام «کنوانسیون جبران خسارت اشخاص ثالث در نتیجه‌ی اعمال مداخله‌آمیز غیرقانونی در هواپیما» [۱۶]، موسوم به «پیمان خطرات تروریسم»، تدوین می‌کند و هر دو از طرف دول حاضر در کنفرانس دیپلماتیکی مورد امضا قرار می‌گیرند. این دو پیمان که هنوز لازم‌الاجرا نشده‌اند، با آن که تا میزان بسیار از اصول رژیم رم الهام گرفته و برخی از اصول آن رژیم را تکرار کرده‌اند، در عوض سعی کرده‌اند تا برخی از معایب رژیم رم را مرتفع سازند. هر دو پیمان، به مانند رژیم رم، مسئولیت

۱۹۷۸ آن است که در کنار یک‌دیگر به رژیم رم مشهورند و آنچه به عنوان وضعیت آتی و محتمل مطرح است، دو پیمان جدید مونترال ۲۰۰۹ است که هیچ‌یک از آن‌ها هنوز لازم‌الاجرا نشده‌اند.

۳. وضعیت کنونی در پرتوی رژیم رم ۱۹۵۲

«پیمان بین‌المللی خسارت واردشده به اشخاص ثالث روی زمین در اثر هواپیمای خارجی» در ۱۷ اکتبر ۱۹۵۲، یعنی مصادف با دوران طفولیت و نوپایی انرژی هسته‌ای، تصویب و پس از انقضا نود روز از تاریخ تسلیم پنجمین سند تصویب، در تاریخ ۴ فوریه ۱۹۵۸، منشأ اثر و نفوذ گردید [۵].

از منظر این پیمان، هر شخص اعم از شخص طبیعی، حقوقی یا دولت که در روی زمین متحمل خسارت شود، تنها با اثبات ورود خسارت در اثر هواپیمای در حال پرواز یا هر شخص یا شیء ساقط‌شده از هواپیما، مستحق جبران خسارت به نحو مقرر در این کنوانسیون خواهد بود [۶]. از نقطه نظر پیمان، بهره‌بردار هواپیما، مسئول جبران خسارت‌های ایجاد شده است. بر بنیان پیمان، بهره‌بردار هواپیما کسی است که هواپیما را هنگام حدوث خسارت استفاده می‌کند، با این حال کسی که مستقیماً یا غیرمستقیم حق استفاده و به کار بردن از هواپیما را به شخص دیگری داده باشد، اما اداره‌ی هوانوردی یا کنترل ناوبری آن را برای خود محفوظ داشته باشد، خود بهره‌بردار هواپیما شناخته خواهد شد [۷]. اماره‌ای قابل بازگشت در این پیمان، مالک ثبت‌شده‌ی هواپیما را بهره‌بردار هواپیما فرض می‌کند، اما به مالک ثبت‌شده‌ی هواپیما اختیار می‌دهد تا در فرایند دعوا، اثبات کند که شخص دیگری در مقام بهره‌بردار بوده و سلطه‌ی مالکانه‌ی ایشان بر وسیله‌ی خود به دلایل قانونی، قطع شده است [۸].

بر مبنای پیمان رم، مسئولیت بهره‌بردار هواپیما در قبال اشخاص ثالث، نامحدود نیست، چه پیمان بر مدار و فرمول وزن هواپیما، مسئولیت وی را در قبال اشخاص ثالث محدود می‌کند [۹]. شیوه‌ای که به احتمال بسیار زیاد اصلی‌ترین دستاویز عدم اقبال جهانی پیمان قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که حکم کلی مسئولیت پیمان حاکی از آن است که بهره‌بردار هواپیما مسئولیتی بدون تقصیر دارد. با این حال مسئله آن است که آیا پیمان نسبت به سبب خسارت نیز بی‌توجه بوده است؟ آیا به واقع پیمان خواسته است تا بهره‌بردار هواپیما مسئول جبران خسارت ناشی از سایر اسباب طبیعی و غیر طبیعی (=سایر اسباب ناوبری هوایی و اعمال اشخاص ثالث) نیز قرار گیرد؟ به دیگر سخن، آیا پیمان در نظر داشته است که بهره‌بردار هواپیما، تقصیر، فعل یا ترک فعل اشخاص ثالث را نیز به جان بخرد و خسارت زیان دیدگان ثالث را جبران کند؟



۵. ارزیابی و تحلیل علت حکم

به باور برخی نویسندگان، علت حکم به این خاطر است که تعدادی از پیمان‌های بین‌المللی موجود، مسئولیت ناشی از خسارت‌های هسته‌ای را به دوش اپراتورهایی قرار داده‌اند که نسبت به نصب این گونه تأسیسات اقدام می‌کنند، به همین دلیل تدوین‌کنندگان پروتکل مونترال ۱۹۷۸، معتقد بودند که لازم نبود کنوانسیون رم ۱۹۵۲، به خسارت هسته‌ای تسری داده می‌شد [۲۸].

برخی دیگر نیز همین توجیه را به این نحو منعکس کرده‌اند که پروتکل ۱۹۷۸ مونترال، در نظر داشته است تا مسئولیت در قبال خسارت انرژی هسته‌ای عمدتاً بر دوش مدیریت تهسیلات و تأسیسات انرژی هسته‌ای، قرار گیرد [۲۹].

پس می‌توان گفت که چون جبران خسارت هسته‌ای خود از نظام ویژه و مخصوص بهره می‌برد، ایجاد نظام جبران خسارت دیگر، مداخله در نظام تأسیس شده پیشین خواهد بود و نظام پیشین را با اختلال مواجه خواهد کرد.

این نظام جبران خسارت مخصوص در ابتدا به ابتکار عمل کشورهای اروپای غربی، با اتخاذ «کنوانسیون مسئولیت در قبال شخص ثالث در حوزه‌ی انرژی هسته‌ای»، موسوم به پیمان پاریس ۱۹۶۰، پدید می‌آید و از ۱ آوریل ۱۹۶۸، لازم‌الاجرا می‌گردد [۳۰]. هم‌زمان با توسعه‌ی رژیم مذکور، در سال ۱۹۶۳، به ایجاد رژیم دیگری با عنوان «کنوانسیون وین در خصوص مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای» منتهی می‌شود. سند اخیر نیز سه ماه پس از تاریخ تسلیم پنجمین سند تصویب، در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۷۷، منشأ نفوذ و اثر می‌گردد [۳۱].

می‌توان گفت که کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای دو هدف را دنبال می‌کنند: در هدف نخست و اصلی، حق دعوای زیان‌دیدگان را تضمین می‌کنند تا آنان به نحو کافی جبران خسارت مناسبی را دریافت کنند. اما در هدف دوم، استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را با محدود کردن حداکثر مسئولیت بهره‌بردارهای تأسیسات هسته‌ای ممکن می‌سازند [۳۲]. البته دولت‌های متعاقد با مانعی در ارائه‌ی مسئولیت بیش‌تر یا حتی مسئولیت نامحدود مواجه نیستند. چنانچه به موجب پیمان وین، مسئولیت بهره‌بردار با محدودیت مواجه نیست، اما دولت تأسیسات ممکن است آن را حداکثر تا میزانی که کم‌تر از ۵ میلیون دلار آمریکا نباشد، محدود کند [۳۳]. با این حال، پروتکل اصلاحی کنوانسیون وین مقرر می‌دارد که حداقل مسئولیت بهره‌بردار کم‌تر از ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ حق برداشت ویژه (= ۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰ یورو) نخواهد بود [۳۴]. برخی دولت‌ها همچون کره‌ی جنوبی، در قوانین ملی خود، حداقل میزان مندرج در پروتکل پیمان وین را به عنوان سقف مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای مقرر کرده‌اند [۳۵] و برخی به مانند امارات متحده‌ی عربی،

بدون تقصیری را برای بهره‌بردار هواپیما رقم می‌زنند [۱۷]، اسباب معافیت را در موارد محدود و مخصوص پیش‌بینی می‌کنند [۱۸] و از طرفی رژیم مسئولیت سابق را با افزایش سقف مسئولیت بهره‌بردار هواپیما [۱۹]، الزامی کردن پوشش بیمه‌ای [۲۰]، تشکیل صندوق بین‌المللی جبران خسارت در خصوص خسارت‌های تروریستی [۲۱] و توسعه‌ی مفهوم هواپیمای در حال پرواز [۲۲]، بهبود می‌بخشند.

پیمان نخست از جهت تحدید مسئولیت شیوه‌ی جدیدی را دنبال می‌کند. به موجب این پیمان، بهره‌بردار هواپیما اصولاً از محدودیت مسئولیت بهره‌مند نمی‌شود، مگر آن‌که اثبات کند که خسارت به دلیل تقصیر خویش یا فعل یا ترک فعل غیرقانونی مستخدمان یا نمایندگان وی نباشد یا آن‌که خسارت منحصرأ به دلیل تقصیر یا فعل یا ترک فعل غیرقانونی شخص دیگری باشد [۲۳]. در صورت اثبات یکی از دو امر مذکور، مسئولیت بهره‌بردار هواپیما، به مانند فرمول رژیم رم، بر مبنای وزن هواپیما به میزان مشخص (= به ارزش حق برداشت ویژه) محدود می‌شود. کم‌ترین میزان مذکور نسبت به هواپیماهای با حداکثر وزن ۵۰۰ کیلوگرم یا کم‌تر به میزان ۷۵۰/۰۰۰ حق برداشت ویژه، و بیش‌ترین میزان نسبت به هواپیماهای با حداکثر وزن برخاست بیش از ۵۰۰/۰۰۰ کیلوگرم به میزان ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ حق برداشت ویژه مقرر می‌شود [۲۴]. البته در پیمان دوم، بهره‌بردار هواپیما نسبت به خسارت‌های ایجادشده در نتیجه‌ی اعمال تروریستی، به نفسه و بدون نیاز به اثبات امری، از تحدید مسئولیت سود می‌برد [۲۵] و زیان‌دیدگان مازاد بر حداکثر مسئولیت بهره‌بردار می‌توانند به صندوق بین‌المللی جبران خسارت مراجعه کنند [۲۶].

با این حال هر دو پیمان نسبت به جبران خسارت هسته‌ای در جریان حمل و نقل هوایی، راه پروتکل مونترال ۱۹۷۸ را دنبال می‌کنند و با تقریر یک حکم مشترک و یکسان، مسئولیت بهره‌بردار هواپیما را در قبال چنین خسارت‌هایی، ولو به میزان حداقل مسئولیت مندرج منتفی می‌سازند:

«هیچ مسئولیتی به موجب این کنوانسیون، در قبال خسارت واردشده در اثر سانحه‌ی هسته‌ای، بنا به تعریف مندرج در «کنوانسیون پاریس در خصوص مسئولیت در قبال شخص ثالث در حوزه‌ی انرژی هسته‌ای» (مصوب ۲۹ جولای ۱۹۶۰) یا خسارت هسته‌ای، بنا به تعریف «کنوانسیون وین در خصوص مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای» (۲۱ می ۱۹۶۳) و هر اصلاحیه یا سند تکمیلی کنوانسیون‌های مذکور (= پاریس و وین) که در زمان سانحه لازم‌الاجرا باشند، ایجاد نخواهد شد» [۲۷].



کننده‌ی مواد قرار خواهد داشت، مگر آن‌که به نحو دیگری میان طرفین توافق شده باشد [۴۵].

کره جنوبی در قانون مسئولیت هسته‌ای خود به خوبی مسئولیت متصدی ارسال‌کننده را به این نحو ترسیم می‌کند:

«چنانچه خسارت هسته‌ای، در نتیجه‌ی حمل و نقل میان متصدیان مواد سوخت هسته‌ای باشد، متصدی هسته‌ای ارسال‌کننده‌ی مواد سوخت هسته‌ای، مسئول خسارت خواهد بود. با این حال در مواردی که قرارداد مخصوصی میان متصدیان هسته‌ای در خصوص مسئولیت در قبال خسارت هسته‌ای موجود باشد، چنین قرارداد مخصوصی، اعمال خواهد شد» [۴۶].

با وجود آن‌که مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در قبال خسارت‌های ایجادشده در جریان حمل و نقل هوایی به خوبی مورد توجه پیمان‌های مسئولیت هسته‌ای قرار گرفته است، اما هنوز هم به نظر می‌رسد که علت احکام مندرج در پیمان‌های هواییمایی کشوری مشخص نشده است، زیرا نزاع عیناً بر سر آن است که پیمان‌های بین‌المللی هواییمایی به چه دلیل یا دلایلی مسئولیت بهره‌بردار هواییمایی در قبال خسارت هسته‌ای ایجاد شده در جریان حمل هوایی را از حکم عام مسئولیت بهره‌بردار هواییمایی مستثنی کرده و آن را به کنوانسیون‌های جبران خسارت هسته‌ای ارجاع داده‌اند؟

سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی بر این باور است که تحمیل مسئولیت ناشی از سوانح هسته‌ای در جریان حمل و نقل هوایی بر متصدی حمل و نقل به این سبب نامناسب است که متصدی هیچ مسئولیتی در قبال بسته‌بندی مواد هسته‌ای ندارد و هیچ دانش مخصوصی نیز در خصوص چگونگی تسلیم آن ندارد. ضمن آن‌که اگر متصدی در قبال چنین خسارت‌هایی مسئول باشد، ناچار خواهد بود تا بیمه‌ی مسئولیت هسته‌ای سنگینی را تهیه کند. به این صورت مسئول دانستن وی، هم ناعادلانه و هم به لحاظ اقتصادی ناممکن است. در عوض، مسئولیت بر دوش متصدی ارسال‌کننده‌ی مواد که غالباً مسئولیت خود را در قبال اشخاص ثالث بیمه می‌کند، قرار خواهد گرفت تا آن‌که مسئولیت به متصدی دریافت‌کننده یا تحویل‌گیرنده، منتقل شود [۴۷]. همچنین اگر متصدی حمل و نقل هوایی بداند که در فرض خسارت‌های هسته‌ای ایجاد شده در جریان حمل، در برابر اشخاص ثالث، مسئول خواهد بود، دیگر هیچ تمایلی به حمل مواد هسته‌ای نشان نخواهد داد [۴۸]. اگر حمل و نقل دریایی، اصالتاً و ذاتاً حمل و نقل بار است، حمل و نقل هوایی، اصالتاً و ذاتاً حمل و نقل مسافر است و نباید لطف متصدیان حمل و نقل به حمل مواد هسته‌ای را با مسئول خواندن آن‌ها، پاسخ داد.

در مرتبه‌ی آخر برخی دیگر علت این حکم استثنایی را در جهت هماهنگی با سیاست‌های بیمه‌های هوایی تصور کرده‌اند. این نظر در اسناد

مبلغی بالاتر را (= ۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰) حق برداشت ویژه) به عنوان حداکثر مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، پیش‌بینی کرده‌اند [۳۶]. برخی نیز همانند اسلواکی، علاوه بر آن‌که مسئولیت بهره‌بردار را به صورت کلی در برابر هر سانحه‌ی هسته‌ای، حداکثر به میزان ۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ میلیون یورو محدود کرده‌اند، گاه برحسب طبیعت تأسیسات و گاه برحسب آن‌که خسارت در جریان حمل یا عبور باشد، حداکثر مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را تا مبلغ قابل توجهی کاهش داده‌اند [۳۷].

به هر روی، علاوه بر تحدید مسئولیت به عنوان یکی از اصول مشترک کنوانسیون‌های هسته‌ای و حقوق ملی دولت‌ها، می‌توان اصول ذیل را به عنوان ویژگی‌های مشترک دیگر که در پیمان‌های مسئولیت هسته‌ای و حقوق ملی دولت‌ها، مندرج می‌باشند، نام برد:

۱. رژیم‌های مسئولیت هسته‌ای، برنامه‌ی مسئولیت محض یا بدون تقصیر را در قبال خسارت هسته‌ای، پدید می‌آورند، چه زیان‌دیدگان نیازی به اثبات خطا یا تقصیر شخص مسئول ندارند [۳۸].

۲. اصل عدم تبعیض بر مبنای تابعیت یا اقامت در پیمان‌های مسئولیت هسته‌ای مقرر می‌شود و در حقوق ملی دولت‌ها نیز نفوذ می‌یابد، امتیازی که ممکن است تحت حقوق ملی کشورها، موجود نباشد [۳۹].

۳. تنها چند مبنای معافیت از مسئولیت هم‌چون نزاع‌های جنگی، جنگ داخلی، بلاهای طبیعی استثنائی (نه اعمال تروریستی) مقرر می‌شود [۴۰]. به همین دلیل می‌توان گفت که مبنای مسئولیت بر خلاف تصور مرسوم، آن‌چنان هم مطلق نیست.

۴. مسئولیت از منظر این پیمان‌ها، منحصراً ضمیمه‌ی بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای می‌شود [۴۱] به دیگر سخن برای جبران خسارت کافی است تا بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای خوانده دعوا قرار گیرد.

۵. رژیم‌های مسئولیت هسته‌ای ایده‌ی دادگاه صالح واحد را انعکاس می‌دهند، چه دادگاه دولتی که سانحه در آن واقع شده، صلاحیت رسیدگی دارد [۴۲].

۶. مفهوم خسارت هسته‌ای به نحو یکسانی تعریف می‌شود و در اصلاحیه‌های کنوانسیون‌های مذکور، معنای وسیعی‌تر برای آن‌ها مقرر می‌شود. علاوه بر صدمه‌ی شخصی و خسارت مالی، هزینه‌های به عمل آمده در جهت بازگرداندن محیط‌زیست تخریب‌شده نیز در زمره‌ی خسارت‌های هسته‌ای تعریف می‌شود [۴۳].

۷. همچنین تحصیل بیمه‌ی مسئولیت یا سایر تضامین مالی مشابه، ضروری و اجباری می‌گردد [۴۴].

البته در این‌که از نقطه نظر کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای، مسئولیت بر دوش متصدی ارسال‌کننده‌ی مواد قرار می‌گیرد یا بر دوش متصدی تحویل‌گیرنده، به نظر می‌رسد تا آن وقت که متصدی تحویل‌گیرنده، مواد را تحویل نگرفته باشد، مسئولیت بر دوش متصدی ارسال



در این خصوص پیش‌نویس کنوانسیون کمیسیون بین‌المللی آمریکایی انرژی هسته‌ای، مقرر می‌داشت که متصدی تأسیسات هسته‌ای، اختیار دارد تا بر مبنای تقصیر یا خطای هر شخصی که مواد یا تجهیزات را تولید کرده یا مواد، تجهیزات یا خدمات را در ارتباط با طراحی، ساخت، تعمیر و عملیات تأسیسات هسته‌ای تهیه کرده یا هر شخصی که مواد هسته‌ای را حمل کرده یا آن را ذخیره کرده باشد، اقدام به دعوی بازبایی علیه آن اشخاص کند [۵۴]. این مقرر شیه به طرحی بود که در کنفرانس وین توسط چند دولت از جمله آرژانتین، برزیل و هند مطرح شد [۵۵]. مدعیان امکان رجوع بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در فرض تقصیر متصدی حمل و نقل بر این باور بودند که پیش‌بینی امکان مراجعه متصدی تأسیسات هسته‌ای به شخص مقصر، نه تنها در تعارض با اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای نیست، بلکه عدم پیش‌بینی امکان مذکور سبب خواهد شد تا عرضه‌کننده و طراحان مراقبت کم‌تری اتخاذ کنند [۵۶].

خاطر نشان می‌سازیم که در زمان تدوین پروتکل مشترک مربوط به اعمال کنوانسیون وین و کنوانسیون پاریس، بسیاری از کارشناسان و حقوقدانان اقدام به طرح مباحث تئوری و عملی برای حمایت از رژیم مسئولیت دولت کرده‌اند این گروه با عنایت به رویداد ناگوار چرنوبیل، بر این باور بودند که دولت در مقایسه با بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای از منابع مالی کافی جهت جبران خسارت وارد شده به قربانیان چنین حوادثی برخوردار است، اما در نهایت این مذاکرات با غلبه فرضیه مسئولیت مدنی بهره‌بردار (تأسیسات هسته‌ای) بر مسئولیت دولت خاتمه یافت، استدلال مخالفان رد نظریه‌ی مسئولیت مدنی دولت از این قرار بود که پذیرش مسئولیت از ناحیه دولت به اهمال و بی‌توجهی متصدیان اصلی تأسیسات اتمی در انجام فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای منجر می‌شود و نتیجه‌ی این امر افزایش حوادث اتمی، بروز خسارت و نهایتاً تحمیل هزینه‌های هنگفت به دولت خواهد بود [۵۷].

بنابراین نباید به بهانه دکتترین مسئولیت انحصاری بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، امکان دعوی غرامت شخص اخیر بر متصدی حمل و نقل هوایی مقصر را بی‌معنی یا ناممکن تصور کرد و الاً عملکرد نظریه‌ی مسئولیت انحصاری بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای دست کم از حیث بازاریابی به جد کاهش می‌یابد.

البته شاید به سختی بتوان وضع تولیدکنندگان و طراحان و سایر اشخاص را با حاملان مواد هسته‌ای قیاس کرد، زیرا همان‌طور که پیشتر بیان شد متصدیان حمل و نقل عموماً با فرایند حمل مواد بیگانه‌اند و دخالتی نیز در بسته‌بندی، بارگیری و جابه‌جایی آن به خرج نمی‌دهند. حداکثر می‌توان در این خصوص، وضعیت متصدیان حمل و نقل حرفه‌ای را با وضعیت متصدیان حمل و نقل غیرحرفه‌ای قیاس کرد. در

ایکاتو و نوشته‌های برخی نویسندگان ملاحظه می‌شود، چه ادعا بر آن است که عدم مسئولیت متصدیان حمل و نقل هوایی نسبت به سوانح هسته‌ای، چیزی جز شناسایی عدم امکان بیمه‌ی سوانح هسته‌ای در بازار بیمه‌ی هوایی نیست [۴۹]، چراکه در بیمه‌های هوایی، بیمه‌گران خسارت هسته‌ای را به صورت کامل از ریسک‌های تحت پوشش بیمه استثنا می‌کنند [۵۰]. با این توجیه گویا هر آن‌چه که قابل بیمه نباشد، مسئولیتی نیز ایجاد نخواهد کرد.

۶. مسئولیت بهره‌بردار هواپیما در قبال خسارت هسته‌ای ایجاد شده در جریان حمل هوایی

به نظر می‌رسد که به رغم موانع ایجاد شده در رژیم رم و دو پیمان مونترال ۲۰۰۹، هنوز هم این احتمال می‌رود که بهره‌بردار هواپیما در قبال خسارت‌های هسته‌ای ایجاد شده در جریان حمل هوایی مسئول جبران خسارت قرار گیرد.

در حقیقت فارغ از آن که هنوز دو پیمان مونترال ۲۰۰۹ لازم الاجرا نشده‌اند و پروتکل مونترال ۱۹۷۸ رم نیز مورد قبول تمامی دولت‌های عضو پیمان رم قرار نگرفته است، بهره‌بردار هواپیما، گاه به دلایل مقرر در پیمان‌های مسئولیت هسته‌ای و گاه به دلایل مقرر حقوق ملی دولت‌ها، ممکن است در معرض مسئولیت مدنی قرار گیرد.

بدیهی است که چنانچه خسارت در نتیجه فعل یا ترک فعل با قصد ایراد خسارت بهره‌بردار هواپیما باشد، نه تنها بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای می‌تواند از جبران خسارت، امتناع ورزد، بلکه در صورت جبران خسارت، حق دارد به شخص عامد مراجعه کند. در این خصوص، کنوانسیون وین اگرچه مسئولیتی را برای بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در قبال فعل یا ترک فعل با قصد ایراد خسارت اشخاص دیگر شناسایی نمی‌کند، اما مقرر می‌دارد که وی می‌تواند در صورتی که سانحه‌ی هسته‌ای ناشی از عمل یا ترک فعل با قصد ایراد خسارت باشد، علیه هر شخصی که چنین عمل یا ترک فعلی را با چنین قصدی انجام داده است، دعوی مراجعه (=غرامت) کند [۵۱].

همچنین در این فرض، اشخاص ثالث زیان دیده نیز می‌توانند از ابتدا با بهره‌بردار هواپیما دعوا کنند و بهره‌بردار هواپیما نیز در این دعوا با فرض وجود محدودیت مسئولیت، در پناه چنین حمایت قانونی قرار نخواهد گرفت، زیرا سقف مسئولیت او در این حالت فرو خواهد ریخت [۵۲].

به علاوه پیمان درباره‌ی سبب دیگر رجوع بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای مقرر می‌دارد که چنانچه به موجب قرارداد کتبی، حق بازبایی به صراحت مقرر شده باشد، وی قادر به دعوی مذکور خواهد بود [۵۳].

با این حال کنوانسیون وین نسبت به امکان مراجعه بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در فرض تقصیر متصدی حمل و نقل، ساکت است.



کرد، منتهی در این فرض متصدی حمل و نقل هوایی حق دارد با جبران خسارت زیان‌دیدگان علیه بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای اقدام به طرح دعوی غرامت کند، چراکه عرف مسئولیت نهایی جبران خسارت را با بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای می‌داند، هم‌چنان‌که کنوانسیون‌های جبران خسارت هسته‌ای نیز مسئولیت خسارت وارد شده در جریان حمل را بر دوش وی قرار داده‌اند، مگر آن‌که بتوان تقصیری را به خود متصدی حمل و نقل هوایی نسبت داد و او را کلاً یا جزئاً از جبران خسارت محروم کرد.

پی‌نوشت

۱. در این خصوص آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توصیه‌نامه‌هایی را به منظور حمل ایمن مواد هسته‌ای و رادیواکتیو، تدوین کرده که در مقررات ملی کشورهای مختلف اندراج یافته است. همچنین تمامی سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با حمل کالاهای خطرناک، مقررات آژانس را اتخاذ کرده‌اند.

حقیقت چنانچه متصدی حمل و نقلی، مهیای حمل و نقل مواد هسته‌ای باشد و به صورت حرفه‌ای خدمات حمل مواد هسته‌ای را عرضه کرده باشد، در این صورت، وی تا میزان بسیار زیادی در معرض انتساب تقصیر یا خطا قرار خواهد داشت.

در نهایت، گاه در حقوق ملی دولت‌ها ملاحظه می‌شود که قوانین مسئولیت هسته‌ای، از اصول پیمان‌های مسئولیت هسته‌ای، انحراف یافته و متصدی حمل و نقل را نیز در کنار بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، در برابر خسارات هسته‌ای ایجاد شده در جریان حمل مسئول خوانده‌اند. اتریش در قانون مسئولیت اتمی ۱۹۹۹، در بیان مسئولیت حمل‌کننده، چنین مقرر می‌دارد که متصدی حمل مواد هسته‌ای، در قبال خسارت وارد شده به اشخاص یا اموال، مسئول است مگر آن‌که بتواند اثبات کند که وی نه می‌دانسته و نه می‌توانست بداند که مواد مربوطه (حمل شده)، مواد هسته‌ای بوده است [۵۸]. به نظر می‌رسد که اگر به صورت کلی قائل به امکان مراجعه متصدی حمل و نقل به بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای باشیم، آن وقت حکم به مسئولیت متصدیان حمل و نقل، ریشه‌های خود را بیش‌تر در تضمین جبران خسارت قربانی‌ها خواهد یافت، چراکه مسئولیت عرفی، خسارات هسته‌ای ایجاد شده در جریان حمل را بیش‌تر با دارنده‌ی مواد هسته‌ای می‌داند و تنها از جنبه‌ی تضمین جبران خسارت، به متصدی حمل و نقل مراجعه می‌کند.

۷. نتیجه‌گیری

با الحاق ایران به «کنوانسیون وین در خصوص مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای»، خسارت وارد شده به اشخاص ثالث ناشی از سوانح هسته‌ای در جریان حمل هوایی، در درجه‌ی نخست از سوی بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای جبران خواهد شد. اما در خصوص مسئولیت مدنی بهره‌بردار هواپیما در قبال اشخاص ثالث زیان‌دیده، گفتنی است که چون دولت ایران در حال حاضر عضو هیچ یک از پیمان‌های بین‌المللی جبران خسارت اشخاص ثالث ناشی از عملیات هواپیما نیست، هیچ مانعی در راستای عدم شناسایی مسئولیت بهره‌بردار هواپیما در فرض سوانح هسته‌ای در جریان حمل، دیده نمی‌شود. از سوی دیگر هیچ مقرره‌ی صریحی مبنی بر مسئولیت بهره‌بردار هواپیما در قبال خسارت ناشی از سوانح هسته‌ای در جریان حمل (همانند حقوق اتریش) وجود ندارد. تردیدی نیست که زیان‌دیدگان در فرض عمد یا تقصیر متصدی حمل و نقل هوایی، می‌توانند علیه وی اقدام به طرح دعوا کنند. اما در این‌که آیا زیان‌دیدگان بدون اثبات تقصیر متصدی حمل و نقل هوایی نیز از امکان جبران خسارت وارد شده برخوردارند یا نه، موضوع اندکی مبهم است و به نظر می‌رسد که در این فرض، اندیشه‌ی تضمین جبران خسارت، زیان‌دیدگان را ملزم به اثبات تقصیر بهره‌بردار هواپیما نخواهد



- [1] Convention on the Liability of Operators of Nuclear Ships, Article II (1).
- [2] Convention Relating to Civil Liability in the Field of Maritime Carriage of Nuclear Material, Concluded at Brussels on 17 December 1971, Article 1 (a).
- [3] International Convention on Liability and Compensation for Damage in Connection with the Carriage of Hazardous and Noxious Substances by Sea, 2010, Article 7 (1, 2 (d)).
- [4] Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage, 1963, Article II (5).
- [5]http://www.icao.int/secretariat/legal/List%20of%20parties/Rome1952_EN.pdf.
- [6] Convention on Damage Caused by Foreign Aircraft to Third Parties on the Surface, Signed at Rome on 7 October 1952, Article 1 (1).
- [7] Ibid, Article 2 (2 (a)).
- [8] Ibid, Article 2 (3).
- [9] Ibid, Article 11 (1).
- [10] Ibid, Article 10.
- [11] Edwin O. Bailey, Air Carrier Liability for Nuclear Damage, 34 J. Air L. & Com. 524 (1968), p. 537.
- [12] Protocol to Amend the Convention on Damage by Foreign Aircraft to Third Parties on the Surface signed at Rome on 7 October 1952 (Montreal Protocol 1978), Article III.
- [13] Ibid, Article XIV.
- [14] Civil Aviation Law, Royal Decree No. M/44, 18 Rajab 1426H/ 23 August 2005, Article 141 (1, 2 (e)).
- [15] Convention on Compensation for Damage Caused by Aircraft to Third Parties, Adopted in Montreal, Canada on 2 May 2009 (hereinafter GRC).
- [16] Convention on Compensation for Damage to Third Parties, Resulting from Acts of Unlawful Interference Involving Aircraft, Adopted in Montreal, Canada on 2 May 2009 (hereinafter UIC).
- [17] GRC, Article 3 (1); UIC, Article 3 (1).
- [18] GRC, Article 3 (2, 8); UIC, Article 23 (3).
- [19] GRC, Article 4 (1); UIC, Article 4 (1).
- [20] GRC, Article 9; UIC, Article 7.
- [21] UIC, Article 8, 18.
- [22] GRC, Article 1 (c), UIC, Article 1 (c).
- [23] GRC, Article 4 (3 (a), (b)).



[24] GRC, Article 4 (1 (a), (j)).

[25] UIC, Article 4 (1).

[26] UIC, Article 18 (1).

[27] GRC, Article 3 (6), UIC, Article 3 (6).

[۲۸] جباری، منصور، حقوق هوایی از منظر حقوق داخلی و بین الملل، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص. ۳۵۷

[29] Fujita, Katsutoshi, Some Considerations for the Modernization of the Rome Convention, in case of Unlawful Interference, [an unknown journal], p. 126, 127.

[30] Nuclear Liability for Transport, Fact Sheet, World Nuclear Transport Institute, p. 5.

[31] Ibid.

[32] Vienna Convention, Preamble.

[33] Vienna Convention, Article V (1).

[34] Protocol to Amend the Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage, 1997, Article 7 (1 (a)).

[35] Nuclear Liability Act, Enacted by Act No. 2094, Jan. 24, 1969, last amendment by Act No. 13075, Jan. 20, 2015, Entered into force Jan. 20, 2015, Article 3-2 (1).

[36] Federal Decree Law No. 4 of 2012, Issued on 13/08/2012 AD, Corresponding to 25 Ramadan 1433 AH, On the Civil Liability for Nuclear Damage, Article 5 (1).

[37] Act on Liability for Nuclear Damage, Published in the Official Gazette of the Republic of Slovenia, Article 4 (1, 2).

[38] Vienna Convention, Article IV (1);

[39] Vienna Convention, Article XIII; Law on Civil Liability for Nuclear Damage of Romania, Article 2.

[40] Vienna Convention, Article IV (2), (3 (a), (b)).

[41] Vienna Convention, Article II;

[42] Vienna Convention, Article XI.

[43] Vienna Convention, Article I (k (i), (ii)); Protocol to Amend Vienna Convention, Article 2 (2 (k (i), (ii), (iii))).

[44] Vienna Convention, Article VII.

[45] Ha Vinh Phuong, Legal Aspects of the International Transport of Radioactive Materials, IAEA Bulletin, Vol. 21, No. 6, p. 15.

[46] Nuclear Liability Act, supra note 35, Article 3 (2).

[47] Liability and Compensation for Nuclear Damage, an International Overview, Organization for Economic Co-Operation and Development, Nuclear Energy Agency, 1994, p. 24.



[48] Supra note 11, p. 543.

[49] Jialing Shan, Aviation Insurance under the Modernization of Rome Convention 1952, Faculty of Law, Institute of Air and Space Law, McGill University, 2009, p. 22.

[50] ICAO Working Paper, Legal Committee, 33RD Session, LC/33-WP/3-9, 9/4/08, at A-6.

[51] Rome Convention of 1952, Article 12 (1).

[52] Vienna Convention, Article IV (7 (a)), X (b).

[53] Vienna Convention, Article X (a).

[54] Supra note 11, p. 542.

[55] Ibid.

[56] Ibid.

[۵۷] به نقل از یزدانیان، علیرضا، حبیبیان، هدیه، مسئول جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق ایران، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۴، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۹۰، ص. ۲۱۷-۲۵۲.

[58] Atomic Liability Act of 1999.



جایگاه بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای و نظام حقوقی ایران

صالح رضایی پیش‌رباط*

پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی ایران، صندوق پستی: ۱۳۳۹-۱۴۱۵۵، تهران - ایران

چکیده: براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای، بهره‌بردار یا گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای ملزم شده است که مسئولیت مدنی خود ناشی از خسارت‌های وارد شده به اشخاص زیان‌دیده را بیمه کند یا تأمین مالی برای آن فراهم آورد. الزام بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به بیمه یا تأمین مالی کردن مسئولیت خود از قواعد تحفظ و تخطی‌ناپذیر کنوانسیون‌های فوق‌الذکر است. به این مفهوم، دولت‌هایی که قصد ورود به این کنوانسیون‌ها را دارند نمی‌توانند با اعمال حق شرط شمول مقررات مربوط به الزام بهره‌بردار به بیمه‌ی مسئولیت را نسبت به خود مستثنا، و قوانین یا مقررات ملی مغایر با چنین الزامی را تصویب و اجرایی کنند. این در شرایطی است که در نظام حقوقی کنونی ایران، قانون یا مقررات خاصی که بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را به بیمه یا تأمین مالی مسئولیت خود ملزم کند، تصویب نشده است. در صورت الحاق کشور به کنوانسیون‌های مذکور، دولت متعهد به الزام بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به فراهم آوردن بیمه یا سایر تأمین‌های مالی برای پوشش مسئولیت خود خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، بیمه‌ی مسئولیت مدنی هسته‌ای، کنوانسیون پاریس راجع به مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای، کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای

Status of Insurance of Liability of Operator of Nuclear Installation in International Conventions on Nuclear Civil Liability and legal Order of Iran

S. R. Pishrobat*

Nuclear Science and Technology Research Institute, AEOL, P.O.Box: 14155-1339, Tehran-Iran

Abstract: According to International Conventions on Civil Liability for Nuclear Damage, The Operator of Nuclear Installation is Obligated to provide Insurance or Other financial Gaurantees for its liability. Making Oblige the Operator of Nuclear Installations is one of the Non derogable and Non Reservable Rules of the Said Conventions. The States Intends to Accede to these Conventions may not Make any Reservation With Respect to those Provisions of the Conventions Relate to Obligation of Operator to provide Insurance for Its liability or adopt National laws or regulations contrary to this obligation. This is while that in Legal Order of Iran There exist no special law or Regulations Concerns to Oblige the Operator of Nuclear Installation to provide Insurance for Its liability. If Iran is Decided to Accede to these conventions It Shall oblige the Operator of Nuclear Installations to provide insurance for its liability.

Keywords: Operator of Nuclear Installations, Insurance of Nuclear Civil Liability, Paris Convention on Third Party Liability in the Field of Nuclear Energy, Vienna Conventions on Civil Liability for Nuclear Damage



۱. مقدمه

در قوانین ملی کشورها در زمینه‌ی بیمه مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای، لزوم توجه به چنین بیمه‌ای را در سطح بین‌المللی و در قالب اسناد الزام‌آور بین‌المللی مطرح ساخت. لزوم بیمه‌ی هسته‌ای اجباری مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای در سطح بین‌المللی، نخستین بار در کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس راجع به مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای مقرر شد^(۵)، که به همت سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^(۶) منعقد شده بود. این کنوانسیون در سال‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ اصلاح، و به وسیله‌ی کنوانسیون ۱۹۶۳ بروکسل^(۷) و اصلاحات ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ آن، تکمیل شده است و قلمرو جغرافیایی آن محدود به سرزمین کشورهای عضو سازمان مذکور است. کنوانسیون ۱۹۶۲ بروکسل راجع به مسئولیت بهره‌برداران کشتی‌های هسته‌ای^(۸)، کنوانسیون وین ۱۹۶۳ راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای^(۹) و اصلاحات ۱۹۹۷ و کنوانسیون جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای، ۱۹۹۷^(۱۰)، اسناد الزام‌آور بین‌المللی بعدی بودند که لزوم بیمه‌ی مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای را تأیید و پیش‌بینی کرده‌اند [۴].

اما این که بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌های مذکور از چه جایگاه و ماهیتی برخوردار است و در این زمینه نظام حقوقی ایران با مقررات کنوانسیون تا چه میزان هم‌سویی دارد، سؤالی است که مقاله‌ی حاضر به بررسی و ارزیابی پاسخ آن پرداخته است.

۲. مسئولیت مدنی بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای

جایگاه و ماهیت بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌های مذکور آن‌گاه بهتر و دقیق‌تر قابل فهم می‌شود که جایگاه و ماهیت مسئولیت بهره‌بردار مشخص شود. بنابراین، این نوشتار سعی دارد قبل از ورود به مباحث بیمه و تبیین و تحلیل آن نظام حقوقی، مسئولیت بهره‌بردار، تأسیسات هسته‌ای را به اختصار بررسی و ارزیابی کند. بر اساس کنوانسیون‌های مذکور، مبنای مسئولیت بهره‌بردار، مسئولیت بدون تقصیر^(۱۱) است. به این مفهوم که ارتکاب تقصیر از جانب بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و اثبات آن، از شرایط تحقق مسئولیت او محسوب نمی‌شود و صرف اثبات رابطه، نسبت بین خسارت وارد شده و حادثه‌ی هسته‌ای در تأسیسات، بهره‌بردار برای تحقق مسئولیت او کفایت می‌کند [۵].

قدمت بیمه‌ی مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای^(۱) به بیش از چند دهه باز نمی‌گردد. ضرورت و لزوم این بیمه در پی توسعه‌ی فعالیت‌ها و صنعت هسته‌ای صلح‌آمیز در برخی از کشورها احساس و مطرح شده و در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی الزام‌آور پیش‌بینی شد. ایالات متحده‌ی آمریکا نخستین کشوری بود که در اواسط دهه‌ی ۱۹۵۰ بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای را در قانون ملی خود تصویب کرد [۱]. پیش از آن، در قوانین و مقررات کشورها الزامی برای بهره‌برداران فعالیت‌ها و یا تأسیسات هسته‌ای مبنی بر بیمه‌ی مسئولیت خود در قبال خسارات ناشی از فعالیت‌ها و تأسیسات تحت کنترل وجود نداشت. حتی این قوانین پا را فراتر از این گذاشته بود، و ضمن مقررات خود، بیمه‌گران را از پرداخت بیمه به خسارات ناشی از فعل و انفعالات هسته‌ای و پرتوی معاف کرده بودند. در عمل، شرکت‌ها و مؤسسات بیمه‌ای نیز، به دلیل خسارات احتمالی بسیار گسترده و نامشخص ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای، تمایل چندانی به بیمه کردن خسارات ناشی از این فعالیت‌ها نداشتند و در قراردادهای بیمه‌ای خود شرطی را تحت عنوان «استثناء هسته‌ای»^(۲) می‌گنجاندند [۲]. اما در ۱۹۵۷ قانون پرایس - آندرسون^(۳) آمریکا با هدف جبران مطمئن و سریع زیان دیدگان ناشی از حوادث در تأسیسات هسته‌ای به خلأهای قانونی در زمینه‌ی بیمه‌ی خسارات هسته‌ای پایان داد و به عنوان نخستین قانون در جهان، بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای را پیش‌بینی کرد [۳]. با تصویب این قانون و اجباری شدن بیمه‌ی مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای، شرکت‌ها و مؤسسات بیمه در رویه‌ی خود تجدیدنظر، و خدمات بیمه‌ای در این زمینه را نیز ارائه کردند. گستره‌ی وسیع و سنگین تعهدات مالی در قبال خسارات هسته‌ای و عدم کفایت سرمایه‌های شرکت‌ها و مؤسسات بیمه‌ای، برای بیمه‌ی چنین مسئولیتی، آن‌ها را بر آن داشت تا اتحادیه‌ها یا استخرهای بیمه‌ی هسته‌ای^(۴) را با مشارکت یکدیگر ایجاد کنند. پس از آمریکا، سایر کشورهای هسته‌ای نیز بیمه‌ی مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای را در قوانین ملی خود پیش‌بینی کردند. توسعه‌ی فناوری هسته‌ای به سایر نقاط جهان و دستیابی کشورهای بیشتر به این فناوری و ضرورت هماهنگی و هم‌شکلی



حداقل را تا ۱۵۰ میلیون حق برداشت مخصوص کاهش دهد مشروط بر این که مابه تفاوت آن را (یعنی ۱۵۰ میلیون حق برداشت مخصوص را از طریق ایجاد صندوق عمومی (دولتی) تأمین نماید. همین طور به دولت محل تأسیسات اجازه داده شد که با در نظر گرفتن نوع و ماهیت تأسیسات هسته‌ای و مواد هسته‌ای میزان مسئولیت بهره‌بردار را کمتر از ۳۰۰ میلیون حق برداشت مخصوص تعیین کند، مشروط بر این که این کاهش مسئولیت از ۵ میلیون حق برداشت مخصوص برای هر حادثه‌ی هسته‌ای کم‌تر تعیین نشود [۱۱]. با وجود این که هر دو کنوانسیون پاریس و وین تعیین مسئولیت بهره‌بردار به صورت نامحدود را اجازه داده‌اند، اما در عمل بیشتر دولت‌های عضو از نامحدود تعیین کردن مسئولیت بهره‌بردار امتناع ورزیده‌اند و سقفی برای آن مشخص نکردند. تعدادی از کشورها از قبیل اتریش، آلمان، ژاپن و سوئیس مسئولیت بهره‌بردار را نامحدود تعیین کرده‌اند [۱۲]. هر چند که محدود شدن مسئولیت بهره‌بردار در جبران خسارات هسته‌ای، با اصول کلی حقوقی و عدالت سازگاری ندارد، اما با منطبق حمایت از فعالان و عاملان صنعت هسته‌ای نو شکوفا مطابقت دارد. نامحدود تعیین شدن مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، خطر عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در زمینه صنعت هسته‌ای را در پی دارد. گسترده‌ی خسارات هسته‌ای بسیار وسیع است و اشخاص فعال در بخش هسته‌ای از چنان توانی برخوردار نیستند که بتوانند تمامی این خسارات را در صورت ورود جبران کنند. بنابراین ضرورت حمایت از صنعت هسته‌ای نوپا و تشویق اشخاص به سرمایه‌گذاری در این زمینه ایجاب کرد که محدود کردن مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌های مذکور تأکید و پیش‌بینی شود.

مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به لحاظ زمانی نیز نامحدود نیست و در صورتی که زیان‌دیدگان در مدت مشخصی از زمان وقوع حادثه‌ی هسته‌ای علیه بهره‌بردار طرح دعوی نکنند، حق جبران خسارت آنها ساقط خواهد شد. کنوانسیون‌های پاریس و وین، اشعار داشته‌اند که چنانچه دعوی خسارت ظرف ۱۰ سال از زمان وقوع حادثه‌ی هسته‌ای اقامه نشود، حق جبران خسارت اشخاص زیان‌دیده ساقط خواهد شد [۱۳]. پروتکل‌های اصلاحی این دو کنوانسیون، این مدت را در مورد خسارت فوت

هدف مسئولیت بدون تقصیر تسهیل و تسریع جبران خسارات وارد شده است و بار اثبات تقصیر بهره‌بردار را از دوش زیان دیدگان برمی‌دارد.

مسئولیت بدون تقصیر به مفهوم مسئولیت مطلق بهره‌بردار در تمام وضعیت‌ها نیست و کنوانسیون‌های مذکور در مواردی او را از مسئولیت در قبال خسارات وارد شده معاف کرده‌اند. در مواردی که حادثه‌ی هسته‌ای در تأسیسات هسته‌ای و ورود خسارت به طور مستقیم از عمل درگیری مسلحانه^(۱۲)، تخاصمات^(۱۳)، جنگ داخلی^(۱۴) یا شورش^(۱۵) ناشی شود، بهره‌بردار مسئولیتی نخواهد داشت. همین طور، در مواردی که حادثه و خسارت هسته‌ای به طور مستقیم از بلایای طبیعی بزرگ با ماهیت استثنائی ناشی می‌شود، و قانون دولت محل تأسیسات، خلاف آن را پیش‌بینی نکرده باشد، بهره‌بردار در قبال خسارات وارد شده مسئولیتی نخواهد داشت [۶]. نهایتاً چنانچه بهره‌بردار ثابت کند که خسارت به طور کلی یا جزئی از تقصیر سنگین شخص زیان‌دیده یا از فعل یا ترک فعل چنین شخصی به قصد ایراد زیان ناشی شده است، دادگاه صالح می‌تواند او را به طور کلی یا جزئی از تعهد به پرداخت غرامت به چنین شخص زیان‌دیده‌ای معاف کند [۷].

کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس میزان مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای برای هر حادثه‌ی هسته‌ای حداکثر ۱۵ میلیون حق برداشت^(۱۶) مخصوص تعیین کرده [۸]، و در خصوص حداقل ساکت است. اما کنوانسیون ۱۹۶۳ وین حداقل مسئولیت بهره‌بردار را ۵ میلیون دلار آمریکا تعیین، و حداکثر آن را به دولت محل تأسیسات واگذار کرده است که بر این اساس دولت محل تأسیسات می‌تواند مسئولیت بهره‌بردار را نامحدود مقرر کند [۹]. پروتکل ۲۰۰۴ اصلاح کنوانسیون پاریس سقف یا حداکثر میزان مسئولیت بهره‌بردار را که ۱۵ میلیون حق برداشت مخصوص بود حذف، و ۷۰۰ میلیون یورو را به عنوان حداقل مسئولیت برای هر حادثه هسته‌ای تعیین کرد. بنابراین، با این اصلاح، زمینه‌ی نامحدود تعیین شدن مسئولیت بهره‌بردار در کشورهای عضو کنوانسیون پاریس، همانند کنوانسیون وین فراهم شد [۱۰]. اما در پروتکل اصلاح کنوانسیون وین، حداقل مسئولیت بهره‌بردار ۳۰۰ میلیون حق برداشت مخصوص برای هر حادثه تعیین، و به دولت محل تأسیسات اجازه داده شد که این



کنوانسیون تأمین غرامت کافی و عادلانه برای زیان‌دیدگان ناشی از حوادث هسته‌ای در جریان تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز است [۱۶].

کنوانسیون ۱۹۶۳ وین نیز مقررات مشابهی پیش‌بینی کرده است، با این توضیح که عبارت تأسیسات هسته‌ای را مطلقاً به کار برده است، اما در مقدمه‌ی کنوانسیون تصریح کرده است که هدف کنوانسیون ایجاد برخی استانداردهای حداقل برای حمایت مالی در قبال خسارات ناشی از کاربردهای صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای است [۱۷].

نظر برخی از مفسران کنوانسیون‌های مذکور این بود که از عبارات و مقررات کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ وین، نمی‌توان استنباط کرد که این کنوانسیون‌ها صرفاً در مورد تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز قابلیت اعمال دارند. اما در سال ۱۹۹۷ پروتکل اصلاحی کنوانسیون وین به این ابهامات پایان داده و صریحاً اعلام کرد که کنوانسیون وین نسبت به تأسیسات هسته‌ای غیرصلح‌آمیز شمول پیدا نمی‌کند [۱۸]. این صراحت‌گویی در کنوانسیون ۱۹۹۷ راجع به جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای نیز تکرار شد و در بند ۳ ماده‌ی ۲ آن اشعار شد که کنوانسیون منحصرأ نسبت به «خسارات هسته‌ای که بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای با اهداف صلح‌آمیز واقع در سرزمین یک دولت متعاقد در قبال آن مسئول است، اعمال می‌شود» [۱۹].

۳. وضعیت بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای

در کنوانسیون‌های فوق‌الذکر، بیمه مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای از نوع اجباری است و مقررات آن راجع به اصل این اجبار قابل تحفظ از سوی دولت‌های پذیرنده نیست. هم‌چنین قوانین ملی این دولت‌ها نمی‌توانند مقرراتی برخلاف آن پیش‌بینی کنند. به بررسی تفصیلی این دو موضوع می‌پردازیم.

۱.۳ اجباری بودن بیمه

به لحاظ ماهیت، بیمه‌ی مسئولیت یک نوع عقد است و اصولاً انعقاد هر عقد تابع اراده‌ی آزاد طرفین آن است. به عبارت دیگر، اصولاً اشخاص را نمی‌توان به انعقاد عقد بیمه الزام یا اجبار کرد و اگر چنین اجباری انجام پذیرد، مبانی صحت چنین عقدی

و آسیب شخصی به ۳۰ سال افزایش دادند. فلسفه‌ی وجودی محدودیت زمانی برای اقامه‌ی دعاوی خسارت هسته‌ای ناشی از این ضرورت بوده است که از دل‌سردی و نگرانی اشخاص درگیر در فعالیت‌های هسته‌ای پیشگیری کرده یا بکاهد. در زمان تدوین کنوانسیون‌های مذکور، این ضرورت احساس شد که بهره‌برداران و تأمین‌کنندگان مالی مسئولیت آنها نباید به حفظ تعهدات نامحدود یا بسیار بلند مدتی ملزم شوند. هم‌چنین، این اعتقاد وجود داشت که مقرر کردن مدت زمان نامحدود یا خیلی طولانی برای اقامه‌ی دعاوی خسارت نفع چندانی برای خود زیان‌دیدگان نیز ندارد. زیرا اقامه‌ی دعاوی با تأخیر می‌تواند به دلیل تأخیر اوضاع و احوال با مشکل مواجه شود و جریان جبران خسارت قابل اثبات را گُند نماید [۱۴]. بنابراین، نهایتاً تصمیم گرفته شد که مسئولیت زمانی بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و زمان اقامه‌ی دعوی علیه او محدود شود.

نهایتاً، مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در قبال نوع خسارات وارد شده نیز محدودیت‌هایی دارد. به این مفهوم که مسئولیت او جبران تمامی خسارات ناشی از حادثه‌ی هسته‌ای نیست، بلکه خسارات معینی است که در کنوانسیون‌ها پیش‌بینی شده است. کنوانسیون‌های پاریس ۱۹۶۰ و وین ۱۹۶۳ صرفاً جبران خسارات وارد شده به اشخاص (خسارت فوت^(۱۷)) یا آسیب جسمانی^(۱۸) و خسارت اموال (تلف کامل مال^(۱۹)) یا خسارت به آن^(۲۰) را از مسئولیت‌های بهره‌بردار قلمداد می‌کنند و خسارت به خود تأسیسات یا اموال واقع در آن که در ارتباط با آن تأسیسات استفاده می‌شود و نیز خسارت به وسایل حمل و نقل که در زمان حادثه‌ی هسته‌ای قرار داشته را شامل نمی‌شود. در خصوص سایر خسارات، بهره‌بردار در صورتی مسئولیت جبران آنها خواهد بود که قانون دولت محل تأسیسات آن را پیش‌بینی نکرده باشد [۱۵].

سوالی که در این قسمت می‌تواند مطرح شود این است که آیا کنوانسیون‌های فوق‌الذکر، خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در هر دو دسته از تأسیسات نظامی یا غیرنظامی را شامل می‌شوند؟ کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس و اصلاحات آن تعریف تأسیسات هسته‌ای را به طور مطلقاً به کار برده است که ظهور این اطلاق، هر دو تأسیسات نظامی و غیرنظامی را شامل می‌شود. با وجود این، مقدمه‌ی کنوانسیون تصریح کرده است که هدف



هسته‌ای و اطلاع آن به مقام ذی‌صلاح است و تا زمانی که به این تعهد خود عمل نکرده است، مجوز بهره‌برداری یا حمل ماده‌ی هسته‌ای به او اعطا نخواهد شد. همچنین، چنانچه مقام ذی‌صلاح (در زمینه‌ی ایمنی هسته‌ای) در جریان بازرسی پی به بهره‌برداری از تأسیسات هسته‌ای بدون وجود بیمه یا تضمین مالی مسئولیت بهره‌بردار شود، فعالیت آن تأسیسات را به طور موقت و تا زمان تأمین بیمه متوقف خواهد کرد.

همین‌طور، چنانچه بهره‌بردار بیمه‌ی مسئولیت را فراهم نیاورد و یا آن را به مقام ذی‌صلاح اطلاع ندهد حسب مورد به مجازات از ۱۲۵ تا ۷۵۰ یورو محکوم خواهد شد [۲۴]. در قانون اتریش نیز برای بهره‌برداری که اقدام به فراهم آوری بیمه یا سایر تضمین‌های مالی به میزان مسئولیت خود نشده است مجازات نقدی تا ۳۶ هزار یورو پیش‌بینی شده است، و در صورتی که چنین اقدامی جرم نیز قلمداد شود در دادگاه‌های کیفری به آن رسیدگی خواهد شد [۲۵]. نهایتاً در خصوص فقدان بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، قانون فرانسه اشعار داشته است که در چنین مواردی بهره‌بردار به جزای نقدی ۱۰۰ هزار تا ۱ میلیون فرانک یا مجازات از ۶ ماه تا ۵ سال محکوم خواهد شد [۲۶].

اما صرف نظر از این مجازات، سؤال دیگری که در این خصوص می‌تواند مطرح شود این است که، در مواردی که بهره‌بردار فاقد بیمه یا سایر تضمین‌های مالی برای پوشش مسئولیت باشد و حادثه‌ی هسته‌ای رخ دهد و خسارتی وارد شود، خسارت واردشده چگونه جبران خواهد شد؟ در چنین مواردی چه شخصی (بهره‌بردار یا دولت محل تأسیسات) باید مسئولیت پرداخت غرامت را بر عهده بگیرد؟ بر اساس اصول کلی حقوق، در چنین مواردی اصولاً بهره‌بردار به عنوان مسبب و مسئول حادثه موجب زیان باید خسارات وارده را جبران کند، اما ظاهراً مقررات کنوانسیون‌های مذکور، ساز و کار متفاوتی پیش‌بینی کرده‌اند و در مواردی که بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای نمی‌تواند از عهده‌ی جبران خسارت به نحو جزئی یا کلی برآید، دولت محل تأسیسات را به پرداخت غرامت وارد شده به میزان مسئولیت بهره‌بردار ملزم کرده است [۲۷]. بنابراین در مواردی که بهره‌بردار به فراهم آوردن بیمه ملزم نشده باشد، دولت محل تأسیسات از طریق ایجاد صندوق دولتی خسارات وارد شده را تا

می‌تواند با اشکال مواجه شود. اما با وجود این اصل کلی، قانون‌گذار در مواردی حسب ضروریات و اقتضائات اجتماعی از اصل فوق عدول، و اشخاصی را به انعقاد عقد بیمه در زمینه‌ی خاصی الزام می‌کند. بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای از جمله چنین بیمه‌هایی است که اجباری بودن آن، علاوه بر قوانین ملی، در اسناد بین‌المللی الزام‌آور نیز پیش‌بینی شده است.

کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس [۲۰]، ۱۹۶۲ بروکسل [۲۱]، ۱۹۶۳ وین [۲۲] و ۱۹۹۷ جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای [۲۳] بر اجباری بودن چنین بیمه‌ای صراحتاً تأکید کرده و اشعار داشته‌اند که بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای ملزم به فراهم آوردن بیمه یا سایر تضمین‌های مالی^(۲۱) برای پوشش مسئولیت خود به میزان، شکل و شرایط مقرر شده توسط دولت محل تأسیسات است. حمایت از زیان‌دیدگان احتمالی ناشی از حوادث هسته‌ای و تسهیل و تسریع پرداخت غرامت آن‌ها و همچنین توانمندسازی بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در پرداخت غرامت به زیان‌دیدگان از طریق ساز و کار بیمه‌ای، اقتضائات و ضرورت‌های اصلی اجباری کردن بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در سطوح ملی و بین‌المللی بوده است [۲۴]. گستره‌ی خسارات احتمالی ناشی از حوادث هسته‌ای می‌تواند به حدی وسیع و شدید باشد که جبران آن به وسیله‌ی بهره‌بردار ناممکن شده یا مشکلات مالی جدی و اساسی، از جمله ورشکستگی، برای او در پی داشته باشد. نهاد بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای با هدف پیشگیری از چنین مشکلات مالی برای صنعت و فعالیت‌های هسته‌ای و بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای ابداع و پیش‌بینی شده است.

مطابق کنوانسیون‌های مذکور، دولت‌ها متعهد به الزام بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به انجام بیمه‌ی مسئولیت خود یا فراهم آوردن تضمین مالی بر آن شده‌اند. کنوانسیون‌های یاد شده ضمانت اجرای الزام بهره‌بردار را پیش‌بینی نکرده‌اند و علی‌الظاهر سازوکار آن را به دولت‌های عضو (دولت محل تأسیسات) واگذار کرده‌اند. در این خصوص قوانین ملی دولت‌های عضو دو نوع ضمانت اجرای اداری (منع بهره‌برداری از تأسیسات هسته‌ای) و جزایی پیش‌بینی کرده‌اند. مطابق قانون دولت اسلونی، بهره‌بردار ملزم به تأمین بیمه یا سایر تضمین‌های مالی برای پوشش مسئولیت خود قبل از بهره‌برداری از تأسیسات هسته‌ای یا حمل ماده‌ی



دولت فیلیپین اظهار داشت که «یک دولت یا یکی از تقسیمات فرعی آن ممکن است از تأسیسات هسته‌ای را به طور مستقیم یا غیرمستقیم بهره‌برداری کنند. به عنوان مثال، ممکن است چنین واحد دولتی، در مواردی که تأسیسات به طور غیرمستقیم و از طریق یک شخص حقوقی مجزا (مستقل) متعلق به دولت یا تحت کنترل آن است، بهره‌برداری شود. متن فعلی بند ۲ ماده‌ی ۶ کنوانسیون مشخص نمی‌کند که آیا در چنین وضعیتی بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای که از طریق یک شخص حقوقی مستقل متعلق به دولت بوده یا تحت کنترل آن قرار می‌گیرند، از الزام به بیمه‌ی مسئولیت معاف هستند یا خیر. او معتقد است که بهره‌برداران چنین تأسیساتی ملزم به داشتن بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی هستند» [۳۰]. نماینده‌ی فیلیپین با مبهم تلقی کردن متن مقررات کنوانسیون در خصوص شمول معافیت مفهوم تقسیمات فرعی دولت به شرکت‌های دولتی با شخصیت حقوقی مستقل، خواستار اصلاح آن مقررات و عدم تسری آن معافیت به چنین شرکت‌هایی می‌شود.

در مقابل، نماینده‌ی استرالیا اظهار کرد «تأسیساتی به طور کلی متعلق به نهاد دولتی است که شخصیت حقوقی مستقلی دارد و بهره‌برداری آن که تحت حمایت دولتی است، الزامی به حفظ بیمه یا داشتن دیگر تضمین‌های مالی ندارد» [۳۱]. نماینده‌ی دولت اتریش نیز اظهار داشت که از پیشنهاد دولت فیلیپین، حمایت نمی‌کند. [زیرا] در استرالیا شرکت‌های با مسئولیت محدود متعددی که بهره‌بردار هستند وجود دارند که ۵۱٪ سهام آنها متعلق به دولت است یا به وسیله‌ی دولت کنترل می‌شوند. اگر پیشنهاد اصلاحیه‌ی فیلیپین تصویب شود، در آن صورت آن شرکت‌ها نیز باید به داشتن بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی ملزم شوند» [۳۲].

در نهایت کنفرانس تدوین کنوانسیون وین نتوانست ابهام راجع به تسری مفهوم «تقسیمات فرعی» به شرکت‌های دولتی با شخصیت حقوقی مستقل پایان دهد. بنابراین باید منتظر زمان و رویه ماند تا ابهام موجود در عمل روشن شود. به موجب پروتکل اختیاری راجع به حل و فصل اجباری اختلافات [راجع به تفسیر یا اجرای مقررات کنوانسیون وین ۱۹۶۳] مرجع رسمی و معتبر تفسیر مقررات کنوانسیون دادگاه‌های داوری مورد توافق طرفین و یا دیوان بین‌المللی دادگستری است [۳۳].

سقف مسئولیت بهره‌بردار پرداخت خواهد کرد [۲۸]. تحمیل مسئولیت جبران خسارت بر دولت در مواردی که مسئولیت بهره‌بردار فاقد بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی است، شاید از این منظر ناشی می‌شود که از نظر کنوانسیون‌های یاد شده این دولت‌های محل تأسیسات هستند که به ملزم کردن بهره‌بردار به بیمه‌ی مسئولیت خود متعهد شده‌اند و در مواقعی که چنین بیمه مسئولیتی در عمل محقق نمی‌شود، در واقع دولت‌های محل تأسیسات هستند که به تعهد خود عمل نکرده‌اند و باید مسئولیت عمل نکردن به تعهد خود را که پرداخت غرامت از جانب بهره‌بردار است متقبل شوند. این تفسیر با فلسفه‌ی وجودی و اهداف کنوانسیون‌های یاد شده که جبران سریع خسارت‌های وارده به زیان‌دیده‌ها است نیز سازگار به نظر می‌رسد، زیرا دولت‌ها به دلیل توان مالی بالا، سریع‌تر می‌توانند پرداخت غرامت کنند.

کنوانسیون‌های یاد شده در یک مورد بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را از بیمه کردن مسئولیت خود معاف کرده‌اند. در مواردی که خود دولت متعاقد یا هر یک از تقسیمات فرعی قانونی^(۲۲) آن، از قبیل ایالت‌ها یا جمهوری آن، بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای محسوب می‌شود، لزومی به بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار نیست. در چنین مواردی، دولت مربوطه به میزان مسئولیت بهره‌بردار مسئول جبران خسارات هسته‌ای احتمالی خواهد شد [۲۹].

کنوانسیون‌های یاد شده، مفهوم «تقسیمات فرعی» دولت را تعریف نکرده‌اند و صرفاً به بیان دو مصداق آن (ایالت و جمهوری) برای مثال پرداخته‌اند. بدیهی است که سایر تقسیمات کشوری رایج در دولت، مانند استانداری، کانتون، شهرستان، بخش‌داری، که جزئی از بدنه و ساختار دولت محسوب می‌شوند، مشمول مفهوم «تقسیمات فرعی» هستند و چنانچه یکی از این تقسیمات بهره‌بردار تأسیسات تعیین یا شناخته شده باشد الزام به بیمه‌ی مسئولیت منتفی خواهد شد. سؤالی که در این خصوص می‌تواند مطرح شود این است که آیا شرکت‌های دولتی نیز مشمول مفهوم «تقسیمات» فرعی می‌شوند؟ در زمان تدوین کنوانسیون وین ۱۹۶۳، دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص مطرح شد که اشاره به آنها، به عنوان اسناد مذاکرات تدوین کنوانسیون، می‌تواند روشنگرانه باشد. در این خصوص، نماینده‌ی



بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را در قوانین ملی خود پیش‌بینی کرده‌اند.

کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای میزان، نوع و شرایط بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی برای پوشش مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را به نهادهای دولتی ذی‌صلاح کشور محل تأسیسات واگذار کرده‌اند. در این خصوص، به عنوان مثال، قانون دولت اتریش مقرر داشته است که حداقل بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای تولید برق (نیروگاه‌های هسته‌ای) ۴۰۶ میلیون یورو، و راکتورهای هسته‌ای تحقیقاتی ۴۰/۶ میلیون یورو برای هر حادثه است. قانون اتریش حاکم بر عقود مربوط به چنین بیمه‌نامه‌هایی خواهد بود و اعتبار این بیمه‌نامه تا ۱۰ سال پس از خاتمه‌ی فعالیت تأسیسات خواهد بود. بهره‌بردار بیمه مسئولیت خود را فقط از مؤسسات بیمه‌ای مجاز می‌تواند تهیه کند.

۳.۳ محدود بودن میزان بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار

در مباحث پیشین توضیح داده شد که کنوانسیون‌های راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای، صرفاً حداقل میزان مسئولیت بهره‌بردار را مشخص کرده‌اند و دست دولت محل تأسیسات را در تعیین حداکثر مسئولیت یا مسئولیت نامحدود بهره‌بردار باز گذاشته‌اند. هم‌چنین، توضیح داده شد که با وجود عدم ممنوعیت تعیین مسئولیت نامحدود برای بهره‌بردار، تعداد محدودی از دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها (آلمان، ژاپن، سوئیس)، مسئولیت بهره‌بردار را نامحدود مقرر کرده‌اند. با توجه به الزامات مالی بیمه، این موضوع در خصوص بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی نیز مطرح است. با این توضیح که حداقل و حداکثر بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار چه میزان است و آیا امکان نامحدود تعیین نمودن چنین بیمه‌ای وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال باید متذکر شد که در این خصوص مقررات کنوانسیون‌های مربوط و اصلاحات آنها اندکی تفاوت دارند. در این مورد کنوانسیون ۱۹۶۳ وین ساکت است، اما پروتکل اصلاحی آن اشعار داشته است که «در مواردی که مسئولیت بهره‌بردار نامحدود است، دولت محل تأسیسات می‌تواند حدودی برای تضمین مالی بهره‌بردار مسئول تعیین کند، مشروط بر این که این حدود کمتر از ۳۰۰ میلیون حق برداشت مخصوص نباشد [۴۸]». هم‌چنین در مواردی که مسئولیت

۲.۳ تحفظ ناپذیری مقررات کنوانسیون‌های مسئولیت

مدنی هسته‌ای راجع به بیمه مسئولیت

کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس و اصلاحات آن، اعمال تحفظ نسبت به مقررات خود را در صورتی ممکن داشته است که مورد پذیرش سایر دولت‌های عضو آن واقع شود [۳۵]. اما کنوانسیون‌های ۱۹۶۳ وین و جبران تکمیلی در این خصوص سکوت اختیار کرده است و امکان اعمال حق شرط نسبت به مقررات خود را به قواعد عام حقوق بین‌الملل معاهدات ارجاع داده‌اند. بر اساس کنوانسیون ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات، در مواردی که معاهده یا کنوانسیونی در مورد اعمال حق شرط نسبت به مقررات خود ساکت است، اعمال شرط نسبت به مقررات چنین معاهده یا کنوانسیونی در صورتی مجاز است که با «موضوع و هدف» [۲۳] آن مغایر نباشد [۳۵]. بنابراین، هر چند که بر اساس مقررات کنوانسیون پاریس امکان اعمال تحفظ نسبت به مقررات آن راجع به بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای با موافقت سایر اعضا ممکن است، اما به نظر بعید می‌رسد که تمامی دولت‌های عضو کنوانسیون پاریس با اعمال حق شرط نسبت به مقررات خود راجع به بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار، که هدف آن هماهنگی و یکنواخت‌سازی مقررات ملی دولت‌های عضو در این زمینه است موافقت کند. هم‌چنین، به نظر بعید می‌رسد که اعمال حق شرط نسبت به مقررات کنوانسیون‌های وین ۱۹۶۳ و ۱۹۹۷ جبران تکمیلی، بتواند با موضوع و هدف این کنوانسیون‌ها مطابقت داشته باشد [۳۶]. همان‌گونه که تاکنون نیز بیان شده است، تسهیل و تسریع جبران خسارت زیان‌دیدگان از جمله اهداف اصلی کنوانسیون‌های سال ۱۹۶۳ و ۱۹۹۷ محسوب می‌شود و بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای از ابزار مهم چنین تسهیل و تسریعی به شمار می‌آید. هم‌چنین، به نظر نمی‌آید که قوانین ملی کشورهای عضو کنوانسیون‌های مذکور نیز بتوانند اصل بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار را نادیده بگیرد و در مقررات خود آن را پیش‌بینی نکنند. رویه‌های قانون‌گذاری کشورهای عضو نیز این ادعا را تأیید می‌کنند. فرانسه [۳۷]، آلمان [۳۸]، دانمارک [۳۹]، مجارستان [۴۰]، ایتالیا [۴۱]، ژاپن [۴۲]، کره جنوبی [۴۳]، مکزیک [۴۴]، نروژ [۴۵]، ترکیه [۴۶] و سوئد [۴۷] از جمله کشورهایی هستند که هماهنگی با کنوانسیون‌های مذکور، بیمه‌ی اجباری مسئولیت



تضمین‌ها را دارند و این اساس تفاوت و مقررات دو کنوانسیون راجع به این موضوع محسوب می‌شود. صرف نظر از این الزام و اختیار، عدم کفایت سرمایه‌ی شرکت‌های بیمه‌ای و مؤسسات مالی برای بیمه یا تضمین مالی نامحدود مسئولیت بهره‌بردار در قبال خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای، در عمل موجب شده است که بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی مسئولیت بهره‌بردار در کشورها محدود تعیین شوند. در آلمان، سوئیس، سوئد، اتریش، ژاپن و جمهوری کره، با وجود این که مسئولیت بهره‌بردار نامحدود تعیین شده است، بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی این مسئولیت محدود مقرر شده‌اند [۵۱].

کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای، تکلیف تأمین بیمه یا سایر تضمین‌های مالی برای پوشش مسئولیت را بر عهده‌ی بهره‌بردار قرار داده‌اند و دولت محل تأسیسات باید بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را ملزم به تأمین چنین بیمه یا تضمین مالی کنند. شرکت‌ها و مؤسسات بیمه یا ارائه‌کننده‌ی تضمین مالی تکلیفی در این خصوص ندارند، هر چند که در عمل تدارکات و ساختارهای لازم را برای ارائه‌ی چنین بیمه‌هایی فراهم آوردند. با این حال، کنوانسیون‌های مذکور تصریح کرده‌اند که بیمه‌گر یا تضمین‌کننده‌ی مالی در صورتی می‌تواند به هر علتی بیمه‌نامه را تعلیق یا لغو کنند که حداقل از ۲ ماه قبل مراتب را به طور مکتوب به مقام دولتی ذی‌صلاح اطلاع دهند و در مواردی که ماده‌ی هسته‌ای در جریان حمل و نقل است، مادامی که حمل و نقل آن به پایان نرسیده باشد، امکان تعلیق یا لغو بیمه‌ی مسئولیت مربوطه به آن وجود ندارد [۵۲]. دولت‌های محل تأسیسات ملزم‌اند در قوانین و مقررات ملی خود چنین تکلیفی را برای مؤسسات بیمه یا تضمین‌کننده‌ی مالی پیش‌بینی و ضمانت اجرایی‌هایی نیز بر آن مقرر کنند.

۴.۳ امکان طرح دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر یا تضمین‌کننده‌ی مالی

کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای امکان طرح دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر یا سایر تضمین‌کننده‌های مالی را در صورتی ممکن دانسته‌اند که قانون ملی کشورهای عضو آن را پیش‌بینی کرده باشد [۵۳].

بهره‌بردار نامحدود است، دولت محل تأسیسات «می‌تواند، با لحاظ نوع تأسیسات هسته‌ای یا دیگر مواد هسته‌ای مربوط و آثار احتمالی حادثه‌ی هسته‌ای ناشی از آنها، تضمین مالی بهره‌بردار را کمتر مقرر کند، مشروط بر این که کمتر از ۵ میلیون حق برداشت مخصوص نباشد و دولت محل تأسیسات را اطمینان حاصل کند پرداخت دعاوی غرامت برای خسارات هسته‌ای را که علیه بهره‌بردار مسلم شده‌اند، از طریق تشکیل صندوق لازم تا میزانی که بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی برای جبران چنین خساراتی ناکافی هستند [۴۹].»

به طوری که پیداست، در موارد مسئولیت نامحدود بهره‌بردار، دولت محل تأسیسات از این اختیار برخوردار شده است که پوشش بیمه‌ای یا دیگر تضمین‌های مالی بهره‌بردار را تحت شرایطی بر حسب مورد تا ۳۰۰ یا ۵ میلیون حق برداشت مخصوص پایین آورده و محدود کند. این مقررات بر تعیین حداقل بیمه یا سایر تضمین‌های مالی پوشش مسئولیت بهره‌بردار (در مواردی که مسئولیت او نامحدود است) دلالت دارد و اشاره‌ای به محدود بودن بیمه یا سایر تضمین‌های مالی مسئولیت بهره‌بردار نمی‌کند. مقررات فوق‌الذکر پروتکل اصلاحی در خصوص سقف یا حداکثر بیمه یا تضمین‌های مالی تصریحی ندارد و تعیین آن را به اختیار و صلاحیت دولت محل تأسیسات واگذار می‌کند. کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس نیز، همانند کنوانسیون ۱۹۶۳، در خصوص حداقل و حداکثر بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار ساکت است. اما پروتکل ۲۰۰۴ اصلاح آن، همانند پروتکل ۱۹۹۷، مقرر کرده است در مواردی که مسئولیت بهره‌بردار نامحدود است، طرف متعهده‌ی که در سرزمین آن تأسیسات هسته‌ای بهره‌بردار مسئول واقع شده است باید حدود تضمین مالی بهره‌بردار مسئول را تعیین کند. البته این حدود بر حسب مورد نمی‌تواند کمتر از ۷۰۰ تا ۸۰ یا ۷۰ میلیون یورو تعیین شود [۵۰]. همانند پروتکل ۱۹۹۷، پروتکل ۲۰۰۴ نیز در خصوص حداکثر تضمین‌های مالی ساکت است که البته این سکوت نمی‌تواند مجوز نامحدود شدن تضمین‌های مالی مسئولیت بهره‌بردار قلمداد شود. نتیجه این که، در موارد نامحدود بودن مسئولیت بهره‌بردار، بر اساس اصلاحیه‌ی کنوانسیون پاریس، دولت‌های عضو ملزم به محدود کردن تضمین‌های مالی مسئولیت است و بر اساس اصلاحیه‌ی کنوانسیون وین، دولت‌ها اختیار محدود کردن این



را پذیرفته‌اند که از جمله آنها می‌توان به قوانین، فرانسه [۵۸]، لهستان [۵۹]، اسلونی [۶۰] و اتریش [۶۱] اشاره کرد.

۴. بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در نظام حقوقی ایران

با وجود این که کاربردهای صلح‌آمیز علوم و فناوری هسته‌ای در ایران قدمت چند دهه‌ای دارد و در حال حاضر مراکز و تأسیسات هسته‌ای متعددی در کشور در حال فعالیت هستند، اما تاکنون قانون خاصی در ایران راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای تدوین و تصویب نشده است. همین‌طور، با وجود این که از زمان انعقاد کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای حدود ۵۴ سال سپری می‌شود، کشور ما به عضویت آن درنیامده است. بنابراین در شرایط کنونی، نظام حقوقی ایران فاقد قوانین یا مقررات خاص در خصوص مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و بیمه‌ی مسئولیت او است. این در شرایطی است که ایران به ترتیب در سال ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ طی موافقت‌نامه‌ی فی‌مابین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دولت ایران و دولت ممالک متحده‌ی آمریکا برای اجرای اقدامات تأمینی [۶۲] و موافقت‌نامه‌ی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راجع به پادمان مربوط به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای [۶۳] پذیرفته بود که قوانین و مقررات خود راجع به مسئولیت و بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را در خصوص کارکنان و بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز اعمال کند. خلأ قوانین خاصی راجع به مسئولیت و بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در ایران، در شرایطی است که قوانین و مقررات بیمه‌ای کشور نیز معیار و رویه‌ی «عدم تسری بیمه به خسارات هسته‌ای»^(۲۴) را اتخاذ کرده و جبران چنین خساراتی را از شمول تعهدات بیمه‌گر خارج ساخته است. قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث معیار عدم تسری بیمه به خسارت هسته‌ای را صریحاً پیش‌بینی و اشعار داشته است که چنانچه بر اثر تصادم وسیله‌ی نقلیه‌ی موتوری، از مواد پرتوزا خسارتی به اشخاص ثالث وارد شود، بیمه‌ی الزامی به پرداخت خسارت در این زمینه ندارد [۶۴]. همین‌طور، آیین‌نامه‌ی شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ی مسئولیت مدنی حرفه‌ای پزشکان مصوب ۱۳۷۷/۶/۲۶ شورای عالی بیمه مرکزی،

در زمان تدوین کنوانسیون وین ۱۹۶۳، نمایندگان برخی از دولت‌ها، (ایالات متحده آمریکا و فیلیپین) با اقامه‌ی دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر مخالفت کردند و خواستار حذف مقررات پیش‌نویس کنوانسیون در آن زمینه شدند. استدلال کشورهای مخالف این بود که اولاً طرح دعوی مستقیم علیه شخصی به غیر از واردکننده‌ی زیان با اصول کلی حقوقی سازگار نیست و ثانیاً موجب پیچیده شدن مسئله‌ی صلاحیت در رسیدگی در دعاوی می‌شود [۵۴]. در مقابل نمایندگان برخی دیگر از دولت‌ها، از جمله آرژانتین، طرح دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر را در راستای تأمین و تسریع غرامت زیان‌دیده قلمداد، و با آن موافقت کردند [۵۵]. در نهایت، توافق شد که کنوانسیون به طور مستقیم امکان دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر را پیش‌بینی نکرده، و آن را به قوانین ملی دولت‌ها موکول کند. از این رو، در وضعیت فعلی، دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر در صورتی ممکن می‌شود که قوانین ملی دولت‌ها آن را پیش‌بینی کرده باشند. کنوانسیون‌های مذکور، در خصوص قانون ملی که دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر را پیش‌بینی می‌کند، لفظ واحدی را به کار نبرده‌اند. کنوانسیون ۱۹۶۳ وین «قانون دادگاه صالح» را استفاده می‌کند و این در حالیست که کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس و کنوانسیون ۱۹۹۷ جبران تکمیلی «قانون ملی» را به کار برده‌اند [۵۶] که نسبت به «قانون دادگاه صالح» اعم است.

همان‌گونه که اشاره شد، اساساً، طرح دعوی مستقیم از طرف زیان‌دیده علیه بیمه‌گر با اصول کلی حقوقی (اصل نسبی بودن) سازگار نیست و نظام‌های حقوقی ملی نیز به آسانی با پذیرش آن در قوانین ملی موافقت نمی‌کردند. اما ضرورت حمایت از زیان‌دیده و تسهیل و تسریع جبران خسارات واردشده بر او موجب شد که قانون‌گذاران ملی به تدریج نهاد «طرح دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر» را بپذیرند و در قوانین خود پیش‌بینی می‌کنند. دیوان عالی کشور فرانسه نخستین بار در طی سال ۱۹۲۶ خود دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر را قبول، و از اصطلاح دعوی مستقیم استفاده کرد. در انگلستان نیز امکان دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر با تصویب قانون زیان‌دیده علیه بیمه‌گر در سال ۱۹۳۰ پذیرفته شد [۵۷]. در زمینه‌ی خسارت هسته‌ای نیز، قوانین ملی کشورها طرح دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر



در پاسخ باید متذکر شد که به نظر نمی‌آید که منع فقهی یا قانونی برای تصویب و اجرا کردن قوانین و مقرراتی راجع به بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای وجود داشته باشد. علیرغم برخی از فقهای اهل تسنن استدلال‌هایی را مبنی بر نامشروع بودن عقد بیمه آورده‌اند، اما بیشتر فقهای معاصر آن دلایل را رد کرده‌اند و به مشروعیت و صحت عقد بیمه رأی داده‌اند. قانون‌گذار ایران نیز با تصویب قانون بیمه در سال ۱۳۱۶ مشروعیت وضعیت عقد بیمه را تأیید، و احکام آنها را مقرر کرده است. بنابراین در وضعیت فعلی، بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به عنوان یک قرارداد مغایرتی با الزامات فقهی و قانونی ایران پیدا نمی‌کند. الزام یا اجبار بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به عقد بیمه یا فراهم آوردن دیگر تضمین‌های مالی برای پوشش مسئولیت خود نیز مغایرتی با کلیت اصل آزادی طرفین در انعقاد قراردادها ندارد و یکی از استثنائات آن محسوب می‌شود. در مواردی ضرورت‌های اجتماعی می‌تواند قانون‌گذار کشورها را به تصویب قوانینی که حقوق و آزادی‌های فردی را محدود می‌کند وادار کند. ضرورت تسهیل و تسریع جبران خسارات هسته‌ای وارد شده به زیان‌دیدگان و تسکین بخشی از آلام آنها و کاهش زیان‌های ناشی از کاربردهای صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای، قانون‌گذار ملی کشورها و همچنین دولتمردان را در عرصه‌ی بین‌المللی به تصویب نهاد بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای وادار ساخته است و این نهاد از اقتضائات و لوازم مدیریت ایمنی فعالیت‌های هسته‌ای در کشورها و جهان محسوب می‌شود. در این زمینه نیز، به نظر نمی‌آید که نظام حقوقی ایران با اجبار بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای با بیمه‌ی مسئولیت خود مغایرتی داشته باشد و رویه‌ی قانون‌گذار ایران (تصویب قانون بیمه‌ی اجباری دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری مصوب ۱۳۴۷ و اصلاحی ۱۳۸۷) این ادعا را تأیید می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

یکی از اهداف مهم بیمه، اساساً حمایت مالی از زیان‌دیدگان حوادث مختلف اجتماعی است و بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای نیز از این قاعده مستثنا نیست. قانون‌گذاران کشورها در قوانین ملی و دولتمردان و محافل بین‌المللی در اسناد

مقرر داشته است که بیمه‌گر در قبال جبران خساراتی که منشأ آن تشعشعات یونیزه‌کننده یا رادیواکتیو و انرژی هسته‌ای باشد، به غیر از مواردی که استفاده از آنها برای معالجه‌ی بیمار ضروری تشخیص داده شود، تعهدی نخواهد داشت [۶۵] و یا آیین‌نامه‌ی مربوطه به بیمه‌ی مسئولیت مدنی حرفه‌ای متصدیان حمل و نقل داخلی، مصوب ۱۳۷۸/۳/۱۷ شورای عالی بیمه‌ی مرکزی، تعهد بیمه‌گر به پرداخت بیمه در مواردی که زیان به ثالث منشأ هسته‌ای دارد را منتفی دانسته، و اشعار داشته است که بیمه‌گر نسبت به خساراتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه‌ی تشعشعات رادیواکتیو و فعل و انفعالات هسته‌ای به کالای مورد حمل وارد می‌شود، تعهدی ندارد [۶۶]. نهایتاً باید به آیین‌نامه‌ی شماره‌ی ۶۳ شورای عالی بیمه‌ی مرکزی راجع به شرایط عمومی بیمه مسئولیت مدنی در مقابل کارکنان و اشخاص ثالث برای شناورهای صیادی مصوب ۱۳۸۹ اشاره کرد که همانند سایر آیین‌نامه‌های مذکور مقرر داشته است که بیمه‌گر، تعهدی به جبران زیان به ثالث در مواردی که منشأ این زیان انفجارات اتمی و تشعشعات هسته‌ای است ندارد [۶۷].

عدم تسری بیمه به خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در قوانین و مقررات مربوط به بیمه، رویه‌ی خاص قانون‌گذار ایران نیست و قانون‌گذاران دیگر کشورها نیز آن را پذیرفته و اعمال کرده‌اند. کشورهای دیگری نیز هستند که قوانین و مقررات راجع به بیمه‌ی عمومی آنها، تسری بیمه به جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای و پرتوی را مستثنا کرده‌اند. در توجیه این موضوع استدلال شده است که جنس خسارات در هسته‌ای با سایر خسارات متفاوت است و بیمه‌ی آنها الزامات خاصی خود را می‌طلبد و قانون‌گذار کشورها باید ضوابط و ساز و کارهای آن را در یک قانون خاص پیش‌بینی و تصویب کند.

نهایتاً سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا نهاد بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای با الزامات فقهی و قانونی نظام حقوقی ایران سازگاری دارد؟ به عبارت دیگر آیا منع فقهی و قانونی برای ورود و اجرای این نهاد از طریق الحاق کشور به کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای (کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای و یا کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای) یا تدوین قانون خاص در این زمینه متصور است؟



با وجود قدمت نسبتاً زیاد فعالیت‌های هسته‌ای در کشور، قانون‌گذار ایران هنوز قانون خاصی راجع به مسئولیت مدنی بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و بیمه‌ی اجباری مسئولیت او تصویب نکرده است. قوانین راجع به بیمه نیز خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای را از شمول پوشش بیمه مستثنا کرده‌اند و بیمه‌گر را از جبران چنین خسارتی معاف داشته‌اند. این خلأ قانونی در ایران با افق صنعت هسته‌ای در کشور سازگاری ندارد و تصویب قانونی خاص راجع به مسئولیت بهره‌بردار و بیمه‌ی آن ضروری به نظر می‌رسد. پیش‌بینی نهاد بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در چنین قانونی با الزامات فقهی و قانون کشور مغایرتی ندارد و تجارب قانون‌گذاری کشور در زمینه‌ی بیمه‌ی اجباری نیز این ادعا را تأیید می‌کند. سخن آخر این‌که، امروزه کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای و بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای از ابزارهای اصلی ارتقاء نظام استفاده‌ی ایمن از فناوری هسته‌ای هستند و از لوازم همکاری بین‌المللی در زمینه‌ی توسعه و انتقال این فناوری به شمار می‌آیند. بی‌تردید چنانچه کشور در کنار توسعه‌ی ملی و خودجوش دانش و فناوری هسته‌ای، برنامه‌ای برای همکاری بین‌المللی هسته‌ای دارد، بررسی و ارزیابی الحاق به این کنوانسیون‌ها (کنوانسیون وین ۱۹۶۳ و اصلاحات آن و کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای) ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

بین‌المللی، این نوع بیمه را با هدف حمایت از زیان‌دیدگان حوادث هسته‌ای و تسهیل و تسریع جبران خسارات وارد شده به آنها پیش‌بینی کرده‌اند و ساز و کاری برای اجرای آن به وجود آورده‌اند. بی‌تردید این قوانین و اسناد در حصول به هدف فوق، کاهش نگرانی‌های جهانی از خطرهای فناوری هسته‌ای و ارتقاء استفاده‌ی ایمنی از این فناوری نقش به‌سزایی را ایفاء کرده‌اند. لیکن، هنوز کاستی‌ها و نارسایی‌های دارند که ضروری است در آینده مرتفع شوند. قوانین ملی و کنوانسیون‌های مربوطه، هنوز برخی از خسارات (مانند خسارات اقتصادی ناشی از حوادث هسته‌ای را پوشش بیمه‌ای نمی‌کنند. همین‌طور میزان بیمه‌ای که برای جبران خسارات تخصیص پیدا کرده محدود است و کفایت جبران خسارات تمامی زیان‌دیدگان را به طور کامل نمی‌دهند. این به دلیل ماهیت خسارات هسته‌ای است که به دلیل وسعت بالقوه‌ی زیادی که دارند بهره‌برداران نمی‌توانند حق بیمه‌ی جبران تمامی آن خسارات را تأمین کنند. از طرف دیگر، شرکت‌های بیمه‌ای و مؤسسات تضمین مالی نیز به تنهایی سرمایه و توان مالی پوشش بیمه‌ای چنین خساراتی را ندارند و به طور مشخص به دلیل عدم کفایت سرمایه بود که شرکت‌های بیمه‌ای برای عقد قرارداد بیمه با بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و پوشش بیمه‌ای مسئولیت او مجبور به ایجاد اتحادیه‌های بیمه در سطح مالی و بین‌المللی شدند.



- 1- Operator of Nuclear instalations
- 2- Nuclear exclusion clause
- 3- Price – Anderson
- 4- Nuclear insurance pools
- 5- Paris convention of third party liability in the field of nuclear energy
- 6- Organization for economic cooperation and development
- 7- Brussels supplementary convention
- 8- Convention on liability of nuclear ships
- 9- Vienna convention on civil liability for nuclear damage
- 10- Convention on supplementary compensation of nuclear damage
- 11- Strict, no fault liability
- 12- Armed conflict
- 13- Hostalities
- 14- Civil war
- 15- Insurrection
- 16- Special drawing right
- 17- Loss of life واحد پول صندوق بین‌المللی پول
- 18- Damoge10 person
- 19- Loss of property
- 20- Damage to property
- 21- Financial security
- 22- Constituent sub-divisions
- 23- Object and purpose
- 24- Nuclear exclusion clause

مراجع

- [1] Reitsma, Sebastiaan M.S and Tetley, Mark G., "Insurance of Nuclear risks" in international nuclear law: history, evolution and outlook, nuclear energy agency, OECD, 2010, P. 389.
- [2] Ott, O, korl, "Nuclear energy: A sensible alternative, springer science 8 business media, 2012, P. 376.
- [3] Jones, ricard, "price-anderson act", proceeding of international conference nuclear options in countries with small and medium electricity grids, IAEA, INIS, 2000, P, 699.
- [4] Rimsaite, Laura, "Nuclear insurance pools: Does the horizontal cooperation leads to the market foreclosure?" journal of business law and ethics, vol. 1 no. 1, decmber 2013, P. 19.
- [5] Swartz A. Julia, "International nuclear third party liability law: the response to Chernobyl", in international nuclear law in post Chernobyl period, OECD, Paris, 2006, P. 39.
- [6] Paris convention on third party liability in the field of nuclear energy, 1960, Art, 9; Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1963, Art, 4(3).
- [7] IAEA international (law series, no. 3 IAEA, Vienna, 2007, P. 10.
- [8] Paris convention on third penty liability in the field of nuclear liability, 1960, Art, 7(3).
- [9] Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1963, Art V (1).



- [10] Tetly, Mark, "Revised Paris and Vienna conventions: challenge for nuclear insurers, nuclear law bulletin, no 77, 2006, P. 28.
- [11] Lamm, Vanda, protocol amending the 1963 Vienna convention, in international nuclear law in the post Chernobyl period, OECD, Paris, 2006, P. 177.
- [12] Carlton, Stoiber et.al, "handbook on nuclear law", IAEA, Vienna, 2003, P.113.
- [13] Tetly, Mark, "revised Paris and Vienna nuclear liability conventions: challenge for nuclear insurers, nuclear law bulletin, no. 77, 2006, P. 29.
- [14] IAEA international law series, no. 3, IAEA, Vienna, 2007 P. 11.
- [15] Vienna convention, 1963, Art, 1 I (1) (K) (ii); protocol amending Vienna convention, 1997; Art, 2 (2 (K)); Paris protocol amending Paris convention, 2004, Art, I (B) (Viii) (3).
- [16] Paris convention on third party liability in the field of nuclear energy, 1960, preamble (3); Art, 1 (2).
- [17] Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1963, preamble, 1; Art, 1(J).
- [18] Protocol amending the Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1997, Art, Art 3, (13).
- [19] IAEA, international law series, no. 3, 2007, P.72.
- [20] Paris convention, 1960, article, 10(1).
- [21] Brussels convention on liability of operator of nuclear ships, 1962, Art ...
- [22] Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1963, Art, 3(1).
- [23] Convention on supplementary compensation of nuclear damage, article,
- [24] ACT on liability for nuclear damage, no 77, 2010, Arts, 8(1,3); 26(1); 27(1,3).
- [25] Federal ACT on civil liability for damage caused by radioactivity, 7 October, 1998, Art, 25, (1).
- [26] ACT no. 68-943 of 30th October 1968 on third party liability in the field of nuclear energy, as amended by ACT no 90-488 of 16 June 1990 Art, 18(1).
- [27] Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1963, Art VII (1).
- [28] International law series, IAEA, Vienna, 2007, P. 44.
- [29] Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1963, Art, VII (2); convention on supplementary compensation of nuclear damage annex, 1997, article 5(2).
- [30] IAEA legal series, no 2 IAEA, Vienna, 1964, P. 287.



- [31] IAEA legal series, no. 2 IAEA, Vienna 1964, P. 288.
- [32] IAEA legal series no. 2 IAEA, Vienna, 1964, P. 288
- [33] Optional protocol on compulsory settlement of dispute, Vienna, 1963, Art. 2.
- [34] Protocol amending Paris convention on third party liability in the field of nuclear energy, 2004, Art I, (R, a).
- [35] Vienna convention on law of treaties, 1969, Art, 19.
- [36] IAEA international law series no. 3, IAEA, Vienna, 2007 P. 7, footnote. 15 and P. 64, footnote 206.
- [37] Nuclear legislations in OECD countries/France, in www.oecd.nen.org, 2011, P. 38.
- [38] Nuclear legislation in OECD countries/Denmark, 2007, P. 11.
- [39] Nuclear legislations in OECD countries/Germany, 2011, P. 21.
- [40] Nuclear legislations in OECD countries/Hungary, 2008, P. 12.
- [41] Nuclear legislations in OECD countries/Italy, 2010, PP. 13-14.
- [42] Nuclear legislations in OECD countries/Japan, 2011, P. 12.
- [43] Nuclear legislations in OECD countries/Republic of Korea, 2009, P. 13.
- [44] Nuclear legislations in OECD countries/Mexico, 2009, P. 14.
- [45] Nuclear legislations in OECD countries, Norway, 2001, P. 15.
- [46] Nuclear legislations in OECD countries/Turkey, 2008, P. 6.
- [47] Nuclear legislations in OECD countries/Sweden, 2008, P. 13.
- [48] Protocol amending Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1997, Art, 9,(1).
- [49] Protocol amending Vienna convention on ... 1997, Art, 9(2).
- [50] Protocol amending Paris convention... 2004, Art, I, (1) (K).
- [51] Park, Ki Gad, "the convention on supplementary compensation for nuclear damage and Asian states; the advantage and disadvantage of Korean adherence to the convention, in reform of civil nuclear liability, international symposium, Budapest, Hungary, 31-May-3 June 1999, OECD 2000, P.209.
- [52] Vienna convention, on ... 1963, Art 7(2); Paris convention ... 1960, Art 10(2).



[53] Paris convention, 1960, Art 6(A); Vienna convention ... 1963, Art II(7); convention on supplementary compensation, ... 1997, anney, Art 3(9).

[54] IAEA legal series, no 2, IAEA, Vienna 1964, PP. 75, 292.

[55] IAEA legal series, no. 2, P. 75.

[56] IAEA international law series, no.3, IAEA, Vienna, 2007, P.90.

[۵۷] بابایی، ایرج «حقوق بیمه»، سمت، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۸۳-۱۸۲.

[58] ACT no 68-943 of 30th October 1968 on third party liability in the field of nuclear energy, D amendet by ACT no 90-488 of 16th June 1990, section, 14.

[59] Atomic energy ACT 29 November 2000, Art 104(1).

[60] ACT on liability for nuclear pamage no 77, 2010 Art, 12(1).

[61] Federal ACT on civil liability for damage couosed by radioactivity 7 October 1999, section, 24(1, 2).



بررسی مبانی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های هسته‌ای در پرتو مسئولیت ناشی از اشیاء

عباس نیازی، علیرضا یزدانیان*، محمود جلالی

گروه حقوق، دانشکده‌ی علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، کدپستی: ۸۱۷۴۶۷۳۴۴، اصفهان - ایران

چکیده: در حقوق مسئولیت مدنی، مقصود از مبنای مسئولیت این است که چرا با ورود زیان، فاعل فعل زیان بار متعهد به جبران خسارت می‌شود. ثمره‌ی عملی بحث نیز در مورد اثبات تقصیر است که حسب تعیین مبنای، ممکن است اثبات تقصیر بر عهده‌ی زیان‌دیده قرار گیرد یا وی از اثبات تقصیر معاف شود. در خصوص مبنای مسئولیت مدنی در حقوق سنتی، به اتلاف بالمباشره و بالتسبیب و تئوری تقصیر به عنوان قاعده و مسئولیت مطلق به عنوان استثنای این قاعده اشاره شده است. البته امروزه مسئولیت مدنی تابع قاعده‌ی واحدی نیست. در خصوص خسارت ناشی از «ماده‌ی هسته‌ای» که شامل سوخت و محصولات پرتوزا و پسماندها و تأسیسات هسته‌ای می‌شود، مبانی مسئولیت مدنی متعددی، مانند «تئوری تقصیر» یا «نظریه‌ی «نفی ضرر» یا نظریه «استناد عرفی انجام فعل زیان بار به شخص مسئول» یا «مسئولیت در برابر منفعت» در حقوق قابل بررسی است. چنان که به نظر می‌رسد، مسئولیت بهره‌بردار انرژی هسته‌ای، بر مبنای «مالکیت و تسلط بر اداره و منفعت» از انرژی هسته‌ای است. چرا که انرژی هسته‌ای نوعی از اشیاء است و در حقوق و فقه نیز شناخت مسئولیت ناشی از اشیاء مسوق به سابقه است و در خصوص مبنای مسئولیت ناشی از زیان‌های هسته‌ای نیز «مسئولیت مدنی ناشی از اشیاء» به نحو محض قابل پذیرش است.

کلیدواژه‌ها: ماده‌ی هسته‌ای، سببیت، ضرر، استناد، بهره‌بردار.

Investigating the Civil Liability Principles Caused by Nuclear Damage in Respect of the Consequences of Objects

A. Niazi, A.R. Yazdaniyan*, M. Jalali

Department of Law, Faculty of Administrative and Economics, University of Isfahan, Postcode: 817467344, Isfahan-Iran

Abstract: In civil liability law, the concept of origin of liability come backs to the fact that why causer of damage has duty to compensate. The practical result of this study concerns to prove of fault which in terms of determine of origin of liability, in some time damage person has duty to prove fault of damager and in some time not. Regarding origin of civil liability in traditional law, theory of destruction, directly or in directly and theory of fault is regarded as general rule and absolute liability as exception. Of course at present time, civil liability is not subject to unique rule. Regarding damaged caused by "nuclear material", that include nuclea feul and substances and waste and nuclear facilities, several civil liability theories such as fault theory, or theory of no damage or theory of attribution of act of damage to responsible person or liability for benefit should be considered. It appear that the liability of nuclear operator is based on "ownership, management and benefit". Of nuclear energy. because nuclear energy is a kind of objects and familiar in law and Islamic jurisprudence. Regarding origin of liability for nuclear damage, theory of liability for objects is applicable.

Keywords: Nuclear Material, Causality, Loss, Citation, Exploitation



۱. مقدمه

برای رفع این کمبود، لازمه‌های الحاق به این کنوانسیون‌ها و یا تصویب قانون در این زمینه در حقوق ایران باید مورد بحث قرار گیرد. این مقاله در صدد است تا مبانی مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای را بیان کرده و یکسانی‌ها و اختلافات را بررسی کند. در این راستا، مسئله‌ی اساسی این است که آیا همان قواعد عام مسئولیت مدنی در این زمینه جاری است یا آن که پیچیدگی، شدت خسارات و اقتضائات خاص حوادث هسته‌ای قواعد ویژه‌ای را می‌طلبد. در این میان، مسئله‌ی «مبنای مسئولیت مدنی» یاد شده و مسئول جبران خسارت اهمیت ویژه‌ای دارند، زیرا، از دیرباز نظریه‌ی تقصیر به عنوان مبنای عام مسئولیت مدنی پذیرفته شده است اما این مبنا با شروع انقلاب صنعتی و با توجه به مشکلات اثبات تقصیر مسبب حادثه جای خود را به دیگر نظریات داد که در ادامه مطرح می‌شوند.

برخی از اشیاء به وسیله حواس عادی انسان محسوس نیستند. اشیائی مانند تشعشعات یا پارازیت‌وسایل مورد استفاده‌ی بشر و یا انرژی‌ها، مانند انرژی هسته‌ای یا الکتروسیسته ممکن است باعث ایجاد خسارت شوند. در صورت بروز خسارتی ناشی از این اشیاء، بهره‌بردار این اشیاء مسئول زیان خواهد بود^(۲). مسئولیت این نوع از اشیاء معمولاً تحت قوانین خاص و خارج از قوانین عام بررسی می‌شوند. تبیین مبنایی که با قواعد روز جهان هم سو باشد و در حقوق ایران مقبول باشد، می‌تواند باعث پذیرش الحاق کشورمان به کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای نیز شود.

۲. مبانی در حقوق ایران

حقوق ایران در زمینه‌ی مسئولیت ناشی از حوادث هسته‌ای، مقررات ویژه‌ای ندارد و این مسئولیت، مبتنی بر قواعد عام مسئولیت مدنی است و در این خصوص می‌توان از قواعدی چون اتلاف، تسبیب، تقصیر و نفی ضرر یا مسئولیت مالک شیء یا بهره‌بردار یا منتفع از آن، استفاده کرد. همچنین بیان کرد که هر شخصی که حادثه مستند به او باشد، در جبران

وقوع حوادث هسته‌ای و وجود خطر بالقوه به کارگیری مواد پرتوزا، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی را به سمت تدارک تمهیداتی به منظور تدوین قواعد و مقرراتی برای جبران خسارات حاصل از آنها، سوق داده است که نتیجه‌ی این امر، شکل‌گیری کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای و قوانین داخلی خاص است. این امر از آنجا سرچشمه گرفته است که حقوق مسئولیت مدنی سنتی، قواعد کاملی نداشته، و همین امر موجب نگرانی دولت‌ها و مجامع بین‌المللی شده است. بنابراین دولت‌ها در سطح داخلی، ضرورت تصویب قوانین ملی خاص را دریافتند و اقداماتی در تصویب قوانین متناسب انجام دادند [۱، ۲]. هم‌چنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^(۱) کنوانسیون‌ها و پروتکل‌هایی در زمینه‌ی جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای تدوین کرده است. کنوانسیون‌های مزبور سعی در ارائه‌ی راهکاری برای مسئله‌ی پیچیده و تعیین مسئول جبران خسارت کرده‌اند و با معرفی مبانی نظیر اصل مسئولیت محض و اصل کانالیزه کردن مسئولیت به سمت بهره‌بردار، امر شناسایی و تعقیب خواننده‌ی دعوای جبران خسارت هسته‌ای را آسان کرده‌اند. به موازات مقررات یاد شده، تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای با تعیین اصل صلاحیت انحصاری دادگاه محل وقوع حادثه‌ی هسته‌ای و اعمال قاعده‌ی وحدت صلاحیت، و نیز معرفی قانون دادگاه صالح به عنوان قانون حاکم بر دعوای جبران خسارت هسته‌ای، نقش قابل توجهی در تسریع روند دادرسی این قسم دعوای ایفا کرده‌اند.

در حقوق ایران، شناسایی مبنای مسئولیت جبران خسارات هسته‌ای جز با توسل به قانون مسئولیت مدنی امکان پذیر نیست. اما به لحاظ نواقص قواعد مزبور، قانون‌گذار می‌تواند در مسیر تدوین قوانین خاص مسئولیت مدنی هسته‌ای یا عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی گام بردارد.

متأسفانه کشور ما در هیچ کدام از این زمینه‌ها با وجود توسعه‌ی استفاده از انرژی هسته‌ای ورود نداشته است. بنابراین



خسارت می‌تواند سهمیم باشد، بنابراین باید مبانی قابل استفاده در خسارت‌های هسته‌ای و ایرادات هر یک بررسی شود.

۱.۲ نظریه‌ی تقصیر

در تعیین «مسئول»، قاعده‌ی کلی این است که شخصی که رفتار زیان‌باری انجام داده باشد، مسئول است و هر شخص مسئول افعال خویش است. بنابراین بدون وجود فعل زیان‌بار، اصولاً تعیین مسئول ممکن نیست. بر مبنای رفتار مذکور فعل زیان‌بار به اعتبار فاعل مستقیم به فعل شخص^(۳) و فعل غیر^(۴) و فعل شیء^(۵) قابل تقسیم است [۴، ۳]. به بیان دیگر، در حقوق مسئولیت مدنی نه تنها افعال اشخاص می‌تواند سبب مسئولیت شود، بلکه فعل اشیاء نیز می‌تواند باعث مسئولیت اشخاصی شود که این اشیاء را در اختیار دارند [۵]. در مورد فعل شیء، خسارت از فعل مستقیم حیوان و وضع خاص اشیاء (مانند تأسیسات هسته‌ای) تولید می‌شود اما در واقع، دارنده یا متصرف یا بهره‌بردار آنها مسئولیت را می‌پذیرد [۵، ۶].

هر چند در توجیه مسئولیت ناشی از اشیاء گفته شده است سعی در شناخت مبنای آن مباحثی را می‌گشاید که هیچ‌امیدی به نتیجه بخش بودن آن نیست [۷]. اما بر اساس مواد قانون مدنی، مبنای مسئولیت مالک یا محافظ اشیاء در حقوق ایران «تئوری تقصیر» است [۸، ۹]. که با استناد به این مبنای زیان ناشی از اشیاء فقط در صورت اثبات تقصیر مالک یا متصرف قابل مطالبه خواهد بود.

مشکلات اثبات تقصیر، باعث عدم طرح دعوی یا عدم موفقیت زیان‌دیده در دعوی جبران خسارت خواهد بود [۱۰]. بنابراین تحولات مسئولیت ناشی از فعل اشیاء، باعث شده است که مبنای خسارت ناشی از اشیاء، از نظریه‌ی تقصیر فاصله گیرد و با توسعه‌ی جبران زیان‌ها، از طریق استفاده از مبانی دیگر مسئولیت مدنی، مانند مسئولیت محض و مطلق استفاده شود. از این رو کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای از اصول و مقررات خاصی در باب مسئولیت مدنی بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای برخوردارند به نحوی که هم

نسبت به بهره‌بردار خصوصی و هم نسبت به دولت (در فرضی که دولت تصدی تأسیسات هسته‌ای را بر عهده دارد) قابل اعمال بوده و با اصل «کانالیزه کردن مسئولیت به سوی بهره‌بردار»^(۶) وی را مسئول می‌شمارند [۱۱]. اما طرح این نظریه، مانع از بیان سایر نظریات مطروحه و انتقادات وارد به آن‌ها نیست.

۲.۲ نظریه‌ی مسئولیت بر مبنای مسئولیت بهره‌بردار

در این نظریه، مسئولیت بر عهده‌ی بهره‌بردار است. این نظریه، مشابه مسئولیت در برابر انتفاع است^(۷)، اما حالت خاص‌تر است و منظور از بهره‌بردار، شخصی است که مورد تصریح قانونی قرار گرفته است [۱۲]. طبق این نظریه، بهره‌بردار یک فعالیت، مسئول جبران خسارات است. بر مبنای این اصل، هر بهره‌بردار، و به عبارت دیگر متصدی بهره‌برداری از یک تأسیسات، در خصوص خساراتی که از این بهره‌برداری ناشی شده است و نیز نسبت به خسارات ناشی از ساختمان‌ها و تأسیسات و مواد حمل شده، مسئول جبران خسارات است. در تعریف بهره‌بردار بیان شده است «بهره‌بردار یک تأسیسات هسته‌ای به شخصی اطلاق می‌شود که توسط مقام عمومی صالح به عنوان بهره‌بردار آن تأسیسات تعیین یا شناسایی شده است»^(۸). مسئولیت بهره‌بردار را باید مسئولیتی محض دانست، زیرا هرچند قوه‌ی قاهره اصولاً رافع مسئولیت یادشده نیست، اما مواردی وجود دارد که با اثبات آنها، بهره‌بردار از مسئولیت معاف است و این یعنی مسئولیت، مطلق نیست [۱۳]. مزیت این نظریه در این است که در مواردی که خسارت گسترده‌ای به وجود آمده است، مانند خسارت‌های هسته‌ای، حقوق زیان‌دیدگان را تأمین می‌کند، به همین منظور، در کنوانسیون‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای از این ضابطه استفاده شده است. این نظریه در بند ۶ ماده‌ی ۱ کنوانسیون پاریس ذکر، و از حقوق داخلی فرانسه^(۹) برگرفته شده است. این نظریه در حقوق ایران مسبوق به سابقه نیست، بنابراین ابتدا به آن مبانی



که می‌تواند در حقوق داخلی مدنظر قرار گیرد و سپس به نظریات مطروحه در حقوق تطبیقی خواهیم پرداخت.

۳.۲ نظریه‌ی مسئولیت بر مبنای مالکیت یا نگهداری از اشیاء
در این نظریه، مسئول، شخصی است که مالک شیء باشد یا در لحظه‌ی تحقق خسارت، نگهداری و مواظبت از شیء را بر عهده داشته است. در مورد مسئولیت ناشی از اشیاء به دو معیار اشاره شده است؛ معیار مالکیت بر شیء و معیار نگهداری و محافظت از شیء. معیار اول در تعیین مسئول در خسارات ناشی از اشیاء، مالکیت بر شیء است. مالکیت، رابطه‌ی اعتباری بین شیء معین و شخص در عالم اعتبار است. بر این مبنا، به صرف این که در عالم اعتبار، مالکیت یک شیء متعلق به شخصی باشد و از این شیء خسارتی وارد آید، می‌تواند مالک را مسئول جبران خسارت کند. چنین امری به معنی نفی رابطه‌ی سببیت نیست (ماده‌ی ۳۳۳ قانون مدنی ایران و ماده‌ی ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه) [۱۶]. معیار دوم در تعیین مسئول در خسارات ناشی از اشیاء، نگهداری و مواظبت از شیء است (ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه). البته یافتن محافظ، در صورتی که مالک، شیء را در اختیار دیگری قرار داده است (مانند مستعیر یا مستودع) گاهی دشوار است.

۴.۲ قاعده‌ی لاضرر

ممکن است در استفاده از قاعده‌ی لاضرر در خصوص مسئولیت مدنی تردید شود. توضیح اینکه مفهوم قاعده‌ی لاضرر محل اختلاف فقیهان و به تبع آن حقوقدانان است. در این میان، نظر مشهور این است که قاعده‌ی یادشده، احکام ضرری را نفی می‌کند [۱۴]. همچنین صرفاً ناظر به نفی احکام وجودی است و اثبات حکم نمی‌کند. البته برخی فقیهان ضمن اینکه قسمت نخست حدیث (لاضرر) را نافی احکام ضرری دانسته‌اند، از قسمت دوم روایت (لاضرار)، تحریم اضرار و نیز تشریح وسایل اجرایی مناسب برای جلوگیری از زیان را قابل استنباط دانسته‌اند [۱۵]. اگر احکام

عدمی، داخل در قلمرو قاعده‌ی لاضرر فرض شود، عدم ضمان و مسئولیت در فرضی که شخص، حق دیگری را نقض کرده و به وی ضرر زده است، حکمی ضرری است که باید نفی شود. در نتیجه، نفی عدم ضمان، مساوی با ضمان و مسئولیت عامل زیان خواهد بود. با پذیرش این نظر می‌توان از قاعده‌ی لاضرر برای مسئول شناختن عاملان زیان‌های هسته‌ای بهره برد [۱۳].

۵.۲ مسئولیت در برابر منفعت

در این نظریه به جای تکیه بر فعل زیان‌بار، بر انتفاع به دست آمده تکیه شده است و بنابراین، مسئولیت مدنی ما به ازای منفعتی است که شخص برده است. ممکن است سؤال شود که نظریه‌ی مزبور چه تفاوتی با نظریه‌ی تضمین حق یا نظریه‌ی خطر دارد. بدیهی است که نمی‌توان منکر تشابه استدلال‌ها در همه‌ی این نظریه‌ها شد و گویا در همه‌ی آنها روح واحدی موج می‌زند که آن معاف کردن زیان‌دیده از اثبات تقصیر است. با وجود این، تفاوت نظریه‌ی مسئولیت در برابر انتفاع با دیگر نظریه‌ها در این است که محور اساسی در نظریه‌ی خطر، ایجاد محیط خطرناک و استفاده از ابزار خطرآفرین است. در حالی که نظریه‌ی مسئولیت در برابر انتفاع عیناً مانند نظریه‌ی خطر نیست و اتفاقاً برای تعدیل نظریه‌ی خطر مطرح شد و نشان می‌دهد که نظریه‌ی مسئولیت در برابر انتفاع با خطر یکسان نیست. هم‌چنین این نظریه با نظریه‌ی تضمین حق که به وسیله‌ی استارک ارائه شد یکسان نیست [۱۲]. زیرا در تضمین حق، حق زیان‌دیده در نظر گرفته می‌شود، اما در مسئولیت در برابر انتفاع، به مقدار نفعی که فاعل فعل زیان‌بار برده است توجه می‌شود.

بر مبنای این نظریه، مسئولیت در مقابل انتفاع است و در تعیین مسئول، کافی است تا شخص، منفعتی کسب کرده باشد (قاعده‌ی من له الغنم علیه الغرم). بر مبنای این نظریه می‌توان گفت که در تعیین مسئول جبران خسارت باید دید کدام شخص نفع برده است. مسئولیت مدنی، تاوان قدرت بهره‌مندی



به موازات موارد فوق باید به کنوانسیون مسئولیت مدنی در زمینه‌ی حمل و نقل دریایی مواد هسته‌ای مصوب ۱۹۷۱^(۱۲) و کنوانسیون مسئولیت مدنی بهره‌برداران کشتی‌های اتمی مصوب ۱۹۶۲^(۱۳) اشاره کرد که از آنها با عنوان مهمترین منابع بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای یاد می‌شود.

نخستین قانون ملی در خصوص جبران خسارات هسته‌ای، در سال ۱۹۵۷ در ایالات متحده‌ی آمریکا تحت عنوان قانون پرایس-اندرسون^(۱۴) به تصویب رسید. قانون مذکور با معرفی قواعدی نظیر محدودیت میزان مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات اتمی، اجباری کردن بیمه‌ی مسئولیت وی، و الزام دولت به تدارک زیان‌های هسته‌ای در صورت عدم کفایت پوشش بیمه، نه تنها مبنای وضع قوانین اتمی سایر کشورها واقع شد، بلکه تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای نیز در تدوین قواعد خاص مسئولیت مدنی اتمی به آن نظر داشتند. البته در باب مبنای مسئولیت مدنی اتمی مسکوت بوده، و احراز این موضوع را به قوانین ایالتی احاله کرده است. هم‌چنین نظر به تنوع و تفاوت قوانین از ایالتی به ایالت دیگر، چه بسا در یک ایالت، مسئولیت بهره‌بردار مبتنی بر نظریه‌ی تقصیر، و در ایالت دیگر مبتنی بر تئوری مسئولیت محض باشد. کمیسیون انرژی اتمی آمریکا در مورد «حوادث اتمی غیر عادی»^(۱۵) نظام واحدی را اعمال می‌کند^(۱۶) و مبنای مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات اتمی را مسئولیت مطلق معرفی کرده است [۲۲]. قانون پرایس-اندرسون آمریکا به طور کلی منطبق بر اصول اساسی حقوق مسئولیت اتمی مندرج در کنوانسیون‌های پاریس و وین است. زیرا به واسطه‌ی اعمال تئوری‌های قانونی مختلف، به همان نتایج عملی حاصل از اعمال اصول فوق، نایل می‌شود و این امر به منزله‌ی رد اصل کانالیزه کردن مسئولیت از ناحیه‌ی قانون مذکور نیست. در واقع مفاد کنوانسیون‌های پاریس و وین حاکی از یک سیستم کانالیزه کردن حقوقی مسئولیت است، در حالی که قانون پرایس-اندرسون در مقام معرفی یک سیستم «کانالیزه کردن اقتصادی مسئولیت»^(۱۷) است که بر

است [۱۷]. حسن این نظریه آن است که مسئولیت اشخاصی که مرتکب هیچ فعلی نشده‌اند قابل توجه است. اما از سوی دیگر، زیان‌دیده نیز گاه در اقدام یا عدم اقدامی، ذینفع است و برای تعیین مسئول در میان فعل و ترک فعل زیان‌دیده و خواننده‌ی دعوی، باید دید کدام یک نفع بیشتری برده است تا مسئول باشد. در حالی که حقوق مسئولیت مدنی پاسخی به این سؤال ندارد.

مناسب است قانونگذار ایران نیز با توجه به پیچیدگی بار اثبات دعوی در چنین حوادثی، مقرراتی را برای حمایت از اشخاص ثالث زیان‌دیده وضع کند. وضع مقررات حمایتی نیز فقط در چارچوب حمایت‌های دولتی و صنعت بیمه و مانند آن امکان‌پذیر است. با توجه به این سکوت به نظریات مطرح در حقوق تطبیقی پرداخته می‌شود.

۳. مبانی در حقوق تطبیقی

کنوانسیون‌هایی که از سوی آرژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به مسئولیت مدنی در خصوص حوادث هسته‌ای می‌پردازد، کنوانسیون وین مصوب ۲۱ می ۱۹۶۳^(۱۰) است. این کنوانسیون پس از کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰ تصویب شد و تقریباً به تکرار مقررات آن پرداخته است. با این تفاوت که قلمرو جغرافیایی این دو کنوانسیون متفاوت است و در خصوص میزان مسئولیت تحمیل شده به بهره‌بردار تأسیسات اتمی، سطح تضمین مالی مورد نیاز، تعهدات دولت در صورت عدم کفایت پوشش بیمه و انواع خساراتی که غرامت به آنها تعلق می‌گیرد یکسان نبودند. در سال ۱۹۸۸، آرژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آرژانس اتمی سازمان همکاری توسعه‌ی اروپا، پروتکل مشترکی را برای مرتبط کردن مقررات دو کنوانسیون به یکدیگر تدوین و برای امضا و تصویب دولت‌ها گشودند. این پروتکل در سال ۱۹۹۲ م لازم‌الاجرا شد [۱۳]. هم‌چنین دولت‌ها به منظور اصلاح پاره‌ای از مقررات کنوانسیون وین، در سپتامبر ۱۹۹۷ به تصویب پروتکل اصلاح کنوانسیون وین مبادرت ورزیدند.^(۱۱)



می‌کردند که دولت در مقایسه با بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، از منابع مالی کافی برای جبران خسارات وارد شده به قربانیان چنین حوادثی برخوردار است، اما در نهایت این مذاکرات با غلبه‌ی فرضیه‌ی مسئولیت مدنی بهره‌بردار بر مسئولیت دولت خاتمه یافت [۱۹]. فلسفه‌ی پذیرش فرضیه‌ی مزبور این بود که در اکثر موارد در کشورهای پیشرفته، فعالیت‌های صلح‌آمیز اتمی توسط اشخاص غیردولتی صورت می‌گیرد و دولت از پذیرش مسئولیت اصلی و اولیه به جبران زیان‌های وارد شده خودداری می‌کند. استدلال دولت‌های مزبور این است که پذیرش این قسم مسئولیت از ناحیه‌ی دولت منجر به اهمال و بی‌توجهی متصدیان اصلی تأسیسات اتمی در انجام فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای می‌شود و نتیجه‌ی این امر افزایش حوادث اتمی، بروز خسارت و نهایتاً تحمیل هزینه‌های هنگفت به دولت است [۲۰]. بنابراین با عنایت به موارد فوق، تدوین کنندگان کنوانسیون‌های یاد شده، بهره‌بردار را به عنوان مسئول اصلی زیان‌های هسته‌ای به رسمیت شناخته‌اند [۲۱].

۲.۳ مستندات مسئولیت بهره‌بردار

بر مبنای اصل مزبور، بهره‌بردار به طور کامل مسئول جبران عواقب مضر ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای خواهد بود، اعم از این که عواقب و خطرات واقع شده ناشی از وقوع یک حادثه‌ی هسته‌ای در تأسیسات مربوطه یا یک حادثه‌ی اتمی در جریان حمل و نقل مواد هسته‌ای به آن تأسیسات باشد. بنابراین زیان‌دیده از اثبات تقصیر معاف است و صرف اثبات رابطه‌ی علیت میان خسارت وارد شده و حادثه‌ی اتمی برای تحمیل مسئولیت به بهره‌بردار کفایت می‌کند. زیرا عملاً علم نسبت به آن چه که در تأسیسات اتمی یا در طول جریان حمل مواد هسته‌ای به وقوع پیوسته، برای مدعی غیر ممکن است. در نتیجه پذیرش اصل مسئولیت محض، حداکثر حمایت را از حقوق قربانیان چنین حوادثی، به عمل می‌آورد [۲۳]. این اصل، در مواد ۳ و ۴ کنوانسیون پاریس و ماده‌ی ۴ کنوانسیون وین^(۱۹) آمده است.

مبنای آن بهره‌بردار، کلیه‌ی آثار و نتایج اقتصادی حاصل از خسارات اتمی را متحمل می‌شود، اگرچه از لحاظ قانونی اشخاص دیگری (عرضه‌کننده‌ی کالا یا متصدی حمل) مسئول باشند [۲۳].

یکی از اصولی که در سیستم‌های سنتی مسئولیت مدنی مورد پذیرش واقع شده است اصل شخصی بودن مسئولیت است، اما تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای، از اصل مزبور عدول کرده‌اند و اصل «کانالیزه کردن مسئولیت به طرف بهره‌بردار» را معیار شناسایی مسئول جبران خسارت قرار داده‌اند. چنان که کنوانسیون پاریس مقرر می‌کند: «حق جبران خسارات ناشی از حادثه‌ی اتمی فقط علیه بهره‌بردار اعمال می‌شود و به جز بهره‌بردار تأسیسات اتمی، هیچ شخص دیگری نباید مسئول جبران خسارات ناشی از حادثه‌ی هسته‌ای شناخته شود.»^(۱۸) همین مفهوم در ماده‌ی ۵ کنوانسیون وین نیز انعکاس یافته است. بر مبنای اصل یاد شده، چنانچه در نتیجه‌ی وقوع حادثه‌ی اتمی در تأسیسات هسته‌ای یا در طول جریان حمل مواد هسته‌ای، خساراتی اعم از مادی یا معنوی به اشخاص ثالث تحمیل شود، متصدی تأسیسات هسته‌ای منحصراً مسئول خسارات مذکور است و هیچ فرد دیگری را نمی‌توان مسئول تلقی کرد و صرف نظر از این که تقصیر، فعل یا ترک فعل دیگری سبب واقعی حادثه‌ی اتمی بوده است، بهره‌بردار قانوناً مسئول جبران خسارات خواهد بود همانطور که آمد مبنای مطرح شده در کنوانسیون‌های بین‌المللی اصولاً بهره‌بردار مسئول جبران خسارت است اما مسئولین دیگری نیز مطرح شده است.

۱.۳ مسئولیت دولت‌ها

در سال ۱۹۸۸ و در زمان تدوین پروتکل مشترک مربوط به اعمال کنوانسیون وین و کنوانسیون پاریس، بسیاری از کارشناسان و حقوق‌دانان اقدام به طرح مباحث تئوری و عملی به منظور حمایت از رژیم مسئولیت دولت کردند. این گروه با عنایت به رویداد ناگوار چرنوبیل، این گونه استدلال



۳.۳ موارد معافیت از مسئولیت

بر مبنای کنوانسیون‌های مزبور، در صورتی که حادثه‌ی اتمی موجب خسارت، مستقیماً در اثر مخاصمات مسلحانه، اقدامات خصمانه، جنگهای داخلی و شورش‌ها باشد و یا در فرضی که بلایای طبیعی غیرقابل پیش بینی در زمین به وقوع پیوسته، و منتهی به وقوع حادثه‌ی اتمی شوند، متصدی تأسیسات هسته‌ای مسئولیتی نسبت به ترمیم ضرر و زیان‌های وارده نخواهد داشت. این کنوانسیون‌ها مجاز می‌دانستند که در قانون ملی بهره‌بردار نباشد، اما حتی در مواردی که حادثه‌ی اتمی ناشی از حوادث طبیعی عظیم و غیر مترقبه است از مسئولیت معاف نباشد، اما امروزه به موجب پروتکل اصلاح کنوانسیون وین (۱۹۹۷) و پروتکل اصلاح کنوانسیون پاریس (۲۰۰۴)، حوادث و بلایای طبیعی از موارد معافیت بهره‌بردار حذف شده‌اند. زیرا چنین حوادثی منجر به محرومیت قربانیان از جبران خسارات وارد شده به آنان می‌شد [۲۳]. هم چنین کنوانسیون‌های پاریس و وین مقرر می‌کنند در فرضی که حادثه یا خسارت اتمی به طور کلی یا جزئی از فعل یا ترک فعلی که زیان‌دیده به قصد اضرار انجام داده ناشی شده باشد، دادگاه صالح می‌تواند بر مبنای قانون ملی درباره تأثیر چنین اهمال و غفلی بر دعوای جبران، تصمیم بگیرد و بهره‌بردار را به طور کلی یا جزئی از مسئولیت به ترمیم خسارت وارد شده معاف کند. لازم به ذکر است کلیه‌ی موارد معافیت بهره‌بردار، جنبه‌ی استثنائی دارد و بنابراین در فرضی که نسبت به مسئولیت بهره‌بردار تردید وجود داشته باشد، باید قاعده‌ی کلی که عبارت است از اصل مسئولیت محض بهره‌بردار به جبران خسارات ناشی از حوادث اتمی، را ملاک عمل قرار گیرد و موارد معافیت را به نحو مضیق تفسیر کرد [۲۱].

۴. انتخاب مبنا در حقوق ایران

با عنایت به سکوت مقنن ایرانی در خصوص مسئولیت بهره‌بردار در قبال اعمال خسارات هسته‌ای اعم از تأسیسات اتمی و نظر به این که در حال حاضر در ایران فعالیت‌های

صلح آمیز هسته‌ای در اختیار دولت است، با توسل به قواعد عام مسئولیت ناشی از اشیاء یا مسئولیت دولت در قبال افعال ارکان خود، مسئول جبران خسارات ناشی از حادثه‌ی اتمی را باید شناسایی کرد. چنانچه این نوع از آسیب‌ها ناشی از اشیاء فرض نشود دولت یا بهره‌بردار آنها از مسئولیتی خواهند گریخت که مسئول دیگری برای جبران آن وجود نخواهد داشت. مسئول بهره‌برداری این نوع از اشیاء گاهی شخص حقیقی و گاهی حقوقی مانند دولت در استفاده از انرژی هسته‌ای است.

بر اساس قوانین، اصل تمرکز مسئولیت در بهره‌بردار و مسئولیت انحصاری وی طرح نشده است و مقررات ویژه‌ی نیز در این زمینه مشاهده نمی‌شود. نظام حقوقی ایران از این نظر که تقصیر را برای مسئول شناختن عامل زیان در اتلاف شرط نمی‌داند، با کنوانسیون‌های بین‌المللی قرابت دارد [۱۳]. اما در فرضی که حادثه، ناشی از اسباب خارجی است، با در نظر گرفتن مقررات موجود نمی‌توان از مسئولیت مدنی سخن گفت. در واقع در حقوق ایران هر شخصی که حادثه‌ی هسته‌ای به طور جزئی یا کلی منتسب به وی شود، قابل تعقیب است. حال با توجه به اینکه در ایران، بهره‌برداری از تأسیسات در اختیار و انحصار دولت است و بخش خصوصی در این زمینه وارد نشده است، می‌توان تنها از مسئولیت دولت سخن گفت. بر اساس ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، چنانچه خسارت‌ها مستند به عمل کارمندان دولت و مؤسسات وابسته به آن باشد، خود کارمند مسئول است. طبیعی است که این حکم نمی‌تواند از قربانیان حوادث هسته‌ای حمایت کند و از این حیث قابل انتقاد است، چرا که خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای به حدی از نظر کمیت و کیفیت گسترده‌اند که جبران آن عموماً در توان اشخاص حقیقی نیست راهکار دیگر برای توسعه‌ی مسئولیت دولت بر اساس ماده‌ی ۱۱ پیش گفته، این است که از مفهوم نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات یاد شده که اشیاء دولت محسوب می‌شوند تفسیر موسع شود و چنانچه حادثه ناشی از نقص تأسیسات هسته‌ای باشد، از مسئولیت دولت



شخص ثالث و یا اثبات رعایت حداکثر احتیاط و استانداردهای ایمنی به عنوان مسئول تدارک زیان‌های هسته‌ای معرفی می‌کند. دیگری، اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار است که با هدایت (کانالیزه) نمودن مسئولیت به سمت بهره‌بردار، قربانیان احتمالی حوادث هسته‌ای را از پیچیدگی دشواری‌های مربوط به تشخیص خواننده‌ی دعوای غرامت، رها می‌سازد.

با توجه به فقدان نصوص خاص قانونی در ارتباط با مسئولیت مدنی هسته‌ای در نظام حقوقی ایران، مسئولیت بهره‌بردار را باید در قالب مسئولیت مدنی ناشی از فعل اشیاء بررسی کرد. با عنایت به فقدان قانون مسئولیت مدنی اتمی در ایران و ضرورت توسل به قواعد عمومی مسئولیت مدنی، در مقام بیان مسئولیت دولت که در حال حاضر به نحو انحصاری در این زمینه فعالیت دارد، باید به قانون مسئولیت مدنی جاری و لایحه‌ی در حال تصویب «مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی» توجه کرد. البته نظام حقوقی ایران از این نظر که تقصیر را برای مسئول شناختن عامل زیان در اتلاف شرط نمی‌داند، با کنوانسیون‌های بین‌المللی قرابت دارد. اما در خصوص مسئولیت بهره‌بردار به هنگام وجود عامل خارجی باید به عموم ها رجوع کرد و مسئولیتی برای بهره‌بردار متصور نبود. بنابراین برای جبران کامل زیان‌های ناشی از حوادث اتمی، پیشنهاد شد مقنن ایرانی اقدام به قانون‌گذاری کند، یا الحاق به کنوانسیون وین را مطابق نظم عمومی بپذیرد.

سخن به میان آید. لیکن این امر نیز با این اشکال روبرو است که امور هسته‌ای در ایران از موارد اعمال حاکمیت است^(۲۰) و بر اساس قسمت اخیر ماده‌ی ۱۱ پیش گفته، دولت مجبور به جبران خسارت نیست. البته با استناد به قاعده‌ی لاضرر و نیز اصول ۴۰ و ۱۷۱ قانون اساسی، می‌توان به نقد ماده‌ی ۱۱ پرداخت. اما تدبیری جدید در لایحه‌ی «مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی» که هنوز به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی نرسیده است، آمده است. به این نحو که در ماده‌ی ۱ لایحه^(۲۱)، به اصل مسئولیت همه بخش‌های حکومتی و به عبارت دیگر، مسئولیت دولت در مفهوم موسع آن توجه شده است. در این ماده، اصطلاح «مؤسسه‌ی عمومی» به همین منظور جایگزین اصطلاح «دولت» شده است که گامی به سوی طرح مسئولیت مدنی دولت است. البته پیشنهاد می‌شود با توجه به ماهیت ذاتاً خطرناک مواد رادیواکتیو و تأسیسات هسته‌ای و خسارات ناشی از این اشیاء قانون‌گذار ایرانی باید یا خود اقدام به قانون‌گذاری کند یا به کنوانسیون وین به نحو قانونی ملحق شود و مسئولیت را به سوی بهره‌بردار اعم از دولتی یا خصوصی سوق دهد.

۵. نتیجه‌گیری

اگر چه مسئولیت مدنی سنتی مبتنی بر تنوری تقصیر است ولی در مسئولیت مدنی هسته‌ای از اصل نام برده صرف نظر، اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار پذیرفته شده است و مبنای مسئولیت بهره‌بردار با «مسئولیت محض یا عینی» پذیرفته شده است. بنابراین اثبات عدم تقصیر یا رعایت احتیاط‌های لازم تأثیری در مسئولیت ندارد و بهره‌بردار را حتی با اثبات تقصیر



پی‌نوشت‌ها

1. IAEA: International Agency Energy Atomic

۲. برای توضیح بیشتر رجوع شود به «حیاتی»، (۱۳۹۲)، ۲۹۷؛ لورراسا، ۱۳۷۵، ۹۳»

3. Fait personnel

4. Fait d'autrui

5. Fait des Chose

6. le principe de canalization de la responsabilite sur la tete de l'exploitant de reacteur ou de navire transportant les substances radioactives.

۷. در این نظریه، به جای تکیه بر فعل زیان‌بار، بر انتفاع به دست آمده تکیه شده، و بنابراین مسئولیت مدنی به ازای منفعتی است که شخص برده است.

8. P.C Article 1 (a)(vi): "Operator" in relation to a nuclear installation means the person designated or recognized by the competent public authority as the operator of that installation.

۹. قانون شماره‌ی ۹۵۵-۶۵۱۲ نوامبر (۱۹۵۵) و قانون ۹۵۶-۶۵۱۲ نوامبر (۱۹۶۵).

10. Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage (1963).

11. Protocol to Amend the (1963) Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage (1977).

12. The Convention Relating to Civil Liability in the Field of Maritime Carriage of Nuclear Material (1972).

13. The Convention on the Liability of Operators of Nuclear Ships (1962).

14. Price-Anderson

15. Extraordinary Nuclear Occurrence

۱۶. بر اساس کمیسیون انرژی اتمی آمریکا، منظور از حادثه‌ی اتمی غیر عادی، حادثه‌ای است که انتشار مواد رادیواکتیو بسیار زیاد و سطح آلودگی نیز بیشتر از حد معمول بوده است. چنان‌که حادثه‌ی اتمی از نوع حوادث غیر عادی باشد بر مبنای توافق متحدالشکلی که میان کنوانسیون انرژی اتمی و بهره‌برداران وجود دارد مبلغ بیشتری به جبران خسارت اختصاص می‌یابد.

17. Economic channeling of liability

18. P.C Article ۶(a): " The right to compensation for damage caused by a nuclear incident may be exercised only against an operator liable for the damage in accordance with this Convention..."

19. V.C Article IV(۱) : " The liability of the operator for nuclear damage under this Convention shall be absolute."

۲۰. بند الف ماده ۶۴ قانون برنامه سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که انجام فعالیت‌های هسته‌ای را از مصادیق اعمال حاکمیت معرفی کرده بود. در حال حاضر برنامه ششم در کشور اجرایی می‌باشد.

۲۱. کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها، مؤسسات و شرکتهای دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نیروهای مسلح و قوه‌ی قضاییه، کلیه‌ی دستگاه‌ها، شرکت‌ها و نهادهایی که به نحوی از انحاء از بودجه‌ی عمومی استفاده می‌کنند و کلیه‌ی دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و در این قانون «مؤسسات عمومی» خوانده می‌شوند، مسئول جبران خسارت مادی، معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آنها در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت غیرعمدی قوانین، مقررات یا نظامات مربوط، در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی وارد می‌آورند».



مراجع

1. Mazeaud, Leçons de Droit Civil. Obligations, 6é.éd, T2, Paris, Monntchrestien, (1978) P. 593.
2. Viney, Traité de Droit Civil. Introduction a la responsabilité, 2é.éd, Paris, librairie générale de droit et de jurisprudence, (1995) P. 30.
3. Canin Patrick, droit civil, Les Obligations, 3ed, Hachette superieur, (2007) p. 96.
۴. ع.ر. یزدانیان، حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، ج ۲، چ ۱، نشر میزان: تهران، (۱۳۹۵).
5. Jourdain. Patrice. Les principes de la responsabilité civile. 7e éd. Paris. Dalloz (2007).
۶. ح. رهپیک، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، انتشارات خرسندی، چاپ سوم (۱۳۹۵).
7. TUNC A., La sécurité routière: esquisse d'une loi sur les accidents de la circulation, Paris, Dalloz, (1966).
۸. ع.ر. یزدانیان، حقوق مسئولیت مدنی قلمرو مسئولیت مدنی، نشر ادبستان، ۷۶ (۱۳۷۹).
۹. س.م. قاسم‌زاده، مبانی مسئولیت مدنی، نشر میزان چاپ پنجم ۳۳۰، (۱۳۸۷).
۱۰. ا.د. نظری، مسؤولیت مدنی مالک، تهران: جنگل جاودانه ۸۴ (۱۳۸۹).
11. Viney et Jourdain, Traité de Droit Civil. Les Conditions de la responsabilité, 2é. Ed, Paris, librairie générale de droit et de jurisprudences (1998).
۱۲. ع.ر. یزدانیان، قاعده تعیین مسئول جبران خسارت بر مبنای بار مجله حقوقی دادگستری، سال هشتم، شماره نود و چهارم، ۲۶۱، تابستان (۱۳۹۵).
۱۳. س.م.م. قبولی درافشان، و. رضادوست، مطالعه‌ی تطبیقی تعیین مسئول و مبنای جبران خسارت در مسئولیت مدنی ناشی از حوادث مربوط به تأسیسات هسته‌ای در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی، مطالعات حقوق تطبیقی ۲، شماره‌ی ۶ دوره‌ی، ص. ۵۲۷ تا ۵۷۷، پاییز و زمستان (۱۳۹۴).
۱۴. ش.م. انصاری، رسائل فقهیه، چ ۴، قم: المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئوی الثانی لمیلاد الشیخ الأنصاری ۱۱۶ (۴۱۴۱ ق.).
۱۵. س.ع. حسینی سیستانی، قاعده‌ی لاضرر و لاضرار، قم: مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی (۴۱۴۱ ق.).
16. Leduc, Fabrice, La Spécificité de la Responsabilité Contractuelle du Fait des Choses, Recueil Dalloz, (1996) p. 164.
۱۷. ح. جعفری تبار، مسئولیت مدنی کالاها، انتشارات دادگستر، ۸۷ (۱۳۸۹).



18. Thomas Gehring, Markus JachTenfuch, Liability for Transboundary Environmental Damage Towards a General Liability Regime, *European Journal of International Law*, No.۴ (1993) P. 100.

19. Vanda Lamm, The Protocol Amending the Vienna Convention, *Journal of Nuclear Law Bulletin*. No. 61 (1998) P. 10.

20. Louise Fayette, Towards a New Regime of State Responsibility for Nuclear Activities, *Journal of Nuclear Law Bulletin*, No. 50 (1992) P. 10.

۲۱. ع.ر. یزدانیان، هم‌حبیبیان، مسئول جبران خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق ایران، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز دوره ۶ شماره ۲، ۱۵۵، تابستان (۱۳۹۳).

۲۲. ف.ا. جعفری، حوادث اتمی و اصول مسئولیت مدنی، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال هفتم، شماره ۱۳، ۱۳۰ (۱۳۸۷).

[23] Julia A. Schwartz, International Nuclear Third Party Liability Law: The Response to Chernobyl, *Journal of International Nuclear Law in the post-Chernobyl Period*, No. 1 (2006) P. 3.



مطالعه‌ی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هسته‌ای در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه

صالح رضایی پیش‌رباط*، زینب عصمتی

پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی ایران، صندوق پستی: ۱۳۳۹-۱۴۱۵۵، تهران-ایران

چکیده: هدف اصلی این پژوهش، مطالعه‌ی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هسته‌ای در نظام‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه است. در این پژوهش که از روش توصیفی استفاده شده است، شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای (اعم از اسناد و کتب) است، به این معنا که اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از کتب، مقالات و اسناد موجود در کتابخانه‌ها و سایت‌های معتبر و منابع خارجی گردآوری، و سپس اطلاعات به روش توصیفی - تحلیلی پردازش و تحلیل شده است. نتایج حاصل از این پژوهش تطبیقی نشان‌دهنده‌ی آن است که گرچه نظام‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه، متضمن قواعد و قوانین مشترک و متعددی در زمینه‌های مختلف هستند، با وجود این، اصول و ساز و کارهای جبران خسارات هسته‌ای بسیار متفاوتی دارند، به طوری که در زمینه‌ی خسارات هسته‌ای، قانون‌گذار فرانسه با تأثیر از مقررات کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس، راجع به مسئولیت هسته‌ای شخص ثالث و اصلاحات بعدی آن، رژیم حقوقی خاصی را برای جبران چنین خساراتی وضع کرده است؛ ولی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، جبران این خسارات، تابع قوانین عمومی مسئولیت مدنی است که قطعاً نمی‌تواند ساز و کار حقوقی مناسبی برای جبران خسارات هسته‌ای محسوب شود. هم‌چنین نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که جبران خسارات هسته‌ای با قواعد عمومی مسئولیت مدنی ممکن نیست و وضع قانون خاص در این زمینه لازم و اجتناب‌ناپذیر است، از این رو چشم‌انداز فعالیت‌های هسته‌ای کشور، لزوم رفع چنین خلأ قانونی را از سوی قانون‌گذار برای فراهم‌سازی بسترهای قانونی لازم به منظور استفاده‌ی ایمن از کاربردهای صلح‌آمیز علوم و فنون هسته‌ای را یادآور می‌شود تا با مد نظر قرار دادن تجارب ارزشمند سایر کشورها از جمله کشور فرانسه، تدوین و تصویب قانون خاص در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای را در دستور کار خود قرار دهد.

کلید واژه‌ها: جبران خسارت هسته‌ای، مسئولیت مدنی، نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، نظام حقوقی فرانسه، کنوانسیون پاریس

The Comparative Study of Civil Liability Arising Out of Nuclear Damages in Iran and France Legal Systems

S. R. Pishrobat*, Z. Esmati

Nuclear Science and Technology Research Institute, AEOL, P.O.Box: 11365-3486, Tehran-Iran

Abstract: Although Legal systems of Iran and France Contain several Common Rules and Laws in Different fields, but in the case of civil liability and compensation of damages arising out of nuclear activities there are serious differences between Legal systems of these two countries. while French Legislator, by taken into account 1960 Paris convention, passed a special law for compensation of nuclear damages in Iran legal system compensation of these damages still governing by general laws and rules of civil liability which certainly is not regarded as an appropriate legal means and mechanism for nuclear damage compensation. The study of experiences of different nuclear countries practices, including france, prove that general rules of civil liability are not proper mechanism for compensation of nuclear damages, thus, given the country nuclear perspective passing a special law for compensation nuclear damages seems needed and inevitable.

Keywords: Nuclear Damage Compensation, Civil Liability, Nuclear Instalation Operator, Legal System of Iran, Legal System of France, Paris convention on Nuclear Third Party Liability

*email: Srezaie_p@yahoo.com



۱. مقدمه

بروز خسارات احتمالی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای، از جمله خطرات و تهدیدات کاربردهای علوم و فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز به شمار می‌آید. وجود چنین خطرات احتمالی، گروهی از دانشمندان و طرفداران محیط زیست و سلامت انسان‌ها موسوم به گروه‌های ضد هسته‌ای و حامیان صلح سبز را بر آن داشت که به مخالفت با اصل فناوری هسته‌ای و کاربردهای آن پردازند [۱]. این گروه‌ها، راه‌هایی انسان‌از این تهدیدات و خطرات را در گرو اعراض از کل صنعت هسته‌ای دانسته‌اند. با وجود این، کاربردهای مثبت و صلح‌جویانه‌ی فناوری هسته‌ای در زمینه‌های مختلفی هم‌چون پزشکی، کشاورزی، صنعت و تولید انرژی، نهایتاً مانع از آن شد که دولت‌ها و جامعه‌ی بین‌المللی کنار گذاشتن کل انرژی و صنعت هسته‌ای را راهکار منطقی و مناسب برای رهایی از خطرات آن قلمداد کنند. دانشمندان و دولتمردان پس از بحث و بررسی‌های فراوان، نهایتاً به این نتیجه رسیدند که راهکار رفع یا کاهش خطرات فعالیت‌های هسته‌ای، نه در کنار گذاشتن و حذف صنعت هسته‌ای (پاک کردن صورت مسئله) بلکه ابتکار و اجرایی کردن ساز و کارهای خاصی است که احتمال بروز زیان‌های هسته‌ای را به حداقل ممکن رساند و در صورت بروز خسارات به هر علتی، جبران آن را تسهیل و تسریع کند. متعاقب این تحول، اسناد خاصی در سطح بین‌المللی، منعقد و قانون‌گذاری‌هایی در سطح ملی، مبنی بر وضع یا تصویب قوانین و مقررات خاص در زمینه‌ی مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای شروع شد. قانون‌گذار فرانسه، از جمله قانون‌گذاران کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای بودند که در سال ۱۹۶۸ و با تصویب قانون شماره‌ی ۶۸-۹۴۳ مورخ ۳۰ اکتبر ۱۹۶۸ در زمینه‌ی مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای، اصلاحی ۱۶ ژوئن ۱۹۹۰ و تصویب کنوانسیون‌های پاریس ۱۹۶۰ و بروکسل ۱۹۶۳ در زمینه‌ی مسئولیت شخص ثالث در خصوص انرژی هسته‌ای از قوانین عمومی مسئولیت مدنی تخطی، و رژیم حقوقی خاصی

برای مسئولیت و جبران خسارات هسته‌ای تصویب و اجرایی کردند [۲]. ماهیت خاص خسارات هسته‌ای، لحاظ هم‌زمان منافع زیان‌دیدگان احتمالی حوادث هسته‌ای و سرمایه‌گذاران و فعالان در عرصه‌ی صنعت هسته‌ای از جمله علل اصلی و مهم تصویب قوانین خاص برای جبران خسارات هسته‌ای در کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای نظیر فرانسه بوده است [۳]. جمهوری اسلامی ایران، با وجود این که تقریباً از همان ابتدا، بهره‌برداری از علم و صنعت هسته‌ای را در دستور کار خود قرار داد و ساختارهایی را برای این منظور ایجاد کرد، اما قانون خاصی را برای جبران خسارات احتمالی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای مقرر نکرد و سرانجام جبران چنین خساراتی، هم‌چنان مشمول قوانین و قواعد عمومی مسئولیت مدنی باقی ماند. از این رو سؤال اصلی این پژوهش چنین مطرح می‌شود که مبانی، اصول و ساز و کارهای جبران خسارات هسته‌ای در نظام حقوقی فرانسه با اصول، مبانی و ساز و کارهای جبران چنین خساراتی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران چه مشترکات و تفاوت‌هایی دارد؟

بررسی و ارزیابی پاسخ سؤال فوق، ضمن این که جایگاه نظام حقوقی کشورمان را در خصوص مسئولیت مدنی و جبران خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای روشن می‌کند، می‌تواند در روشن‌سازی میزان مطابقت و هم‌سویی آن با قوانین خاص کشور فرانسه، که نظام حقوقی آن به نسبت سازگاری و سنخیت بیش‌تری با نظام حقوقی کشور ایران دارد مؤثر واقع شود و قانون‌گذار ایران را در تدوین قوانین خاص در زمینه‌ی مسئولیت مدنی هسته‌ای، یاری کند که ضرورت آن با توجه به حجم و افق فعالیت‌های هسته‌ای کشور احساس می‌شود.

۲. مبانی مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای

در خصوص مبانی مسئولیت مدنی نظریات مختلفی ارائه شده است که عمده‌ی آن‌ها دو نظریه‌ی «خطا و خطر» است [۳]. بر اساس «نظریه‌ی خطا یا تقصیر»، فعل واردکننده‌ی زیان در صورتی موجد مسئولیت مدنی است که وارد کننده‌ی آن



است که هدف آن اساساً تسهیل جبران خسارات وارده به زیان‌دیده یا زیان‌دیدگان است. اما همان‌طور که کنوانسیون مذکور تصریح کرده است، منظور از مسئولیت بدون تقصیر^(۴) مسئولیت مطلق نیست، زیرا گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای در مواردی که حوادث هسته‌ای مستقیماً از جنگ‌های داخلی و بین‌المللی، تخاصمات یا شورش‌ها و حوادث طبیعی بزرگ با ماهیت غیر مترقبه ناشی شده باشد، مسئولیتی نخواهد داشت [۶].

البته معافیت بهره‌بردار از مسئولیت چنین مواردی در صورتی است که قانون دولت، محل تأسیسات خلاف آن را مقرر نکرده باشد. در این زمینه، قانون‌گذار فرانسه، تاکنون (۲۰۱۴) مقررات مخالفی وضع نکرده است، بنابراین در قانون فعلی فرانسه در چنین مواردی بهره‌بردار فعالیت یا تأسیسات هسته‌ای از مسئولیت معاف است.

نظریه‌ی خطر در قانون ۱۲ نوامبر ۱۹۶۵ (اصلاحی ۲۹ نوامبر ۱۹۶۸) راجع به مسئولیت شخص ثالث در خصوص گردانندگان کشتی‌های هسته‌ای (کشتی‌های حرکت‌کننده با راکتور و سوخت هسته‌ای) نیز پذیرفته شده است. ماده‌ی ۱ این قانون صراحتاً گرداننده‌ی کشتی هسته‌ای را در قبال زیان‌های ناشی از حوادث در کشتی‌ها مسئول دانسته است، بدون این که اثبات تقصیر او را لازم بداند [۷].

اما همان‌طور که اشاره شد، قانون‌گذار در جمهوری اسلامی ایران، قانون خاصی در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هسته‌ای وضع نکرده، و به هیچ یک از کنوانسیون‌های ذیربط در این زمینه (کنوانسیون‌های وین^(۵) ۱۹۶۳ و پروتکل اصلاحی^(۶) ۱۹۹۷ آن) ملحق نشده است تا بر اساس ماده‌ی ۹ قانون مدنی حکم قانون ملی در این زمینه را داشته، و حاکم بر موضوع باشد. در خصوص مبانی مسئولیت در حقوق فعلی جمهوری اسلامی ایران، مشهور حقوق‌دانان بر این اعتقادند که مبانی مسئولیت عموماً مبتنی بر تقصیر (تأثیر از نظریه‌ی خطا) است و ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مؤید آن است. با وجود این، در برخی

مرتکب خطا شده باشد و ممکن است عمدی یا غیر عمدی باشد. اعمال این نظریه، منجر به این می‌شود که زیان‌دیده برای این که بتواند جبران خسارت خود را از کسی بخواهد باید ثابت کند که تقصیر شخص اخیر سبب ورود خسارت بوده است. بنابراین در اثبات تقصیر، زیان‌دیده نقش «مدعی» را دارد که باید دلایل اثبات ادعای خود را بیاورد. در مقابل این نظریه، «نظریه‌ی خطر» مطرح شده است که اعتقاد دارد داشتن تقصیر جزء ارکان مسئولیت مدنی نیست و صرف وجود رابطه‌ی علیت یا سببیت^(۱) میان عمل فاعل و ضرر و زیان برای احراز حق زیان‌دیده برای جبران خسارات کافی است [۴] نظریه‌ی خطر در فرانسه تحت عنوان *Theorie de risqe* و در حقوق انگلستان تحت عنوان *Strict liability* ملاحظه و بحث شده است.

قانون‌گذار فرانسه در حوزه‌ی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هسته‌ای از نظریه‌ی خطر یا مسئولیت بدون تقصیر تأثیر پذیرفته است. قانون ۳۰ اکتبر ۱۹۶۸ فرانسه، اصلاحی ۱۹۹۰، راجع به مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای، مبانی مسئولیت مدنی در ورود زیان را مبنای مقرر شده در کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس در خصوص مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای^(۲) مقرر کرده است. این کنوانسیون که در ۹ مارس سال ۱۹۶۶ به تصویب پارلمان فرانسه رسیده است و بر اساس قانون اساسی این کشور بخشی از حقوق ملی آن محسوب می‌شود [۵] اعلام کرده است که به موجب آن (بند الف ماده‌ی ۳) گرداننده‌ی تأسیسات یا فعالیت هسته‌ای به محض اثبات این که خسارات وارد شده ناشی از حادثه‌ی هسته‌ای از تأسیسات هسته‌ای تحت اختیار و کنترل او ناشی شده باشد، در قبال زیان‌دیده مسئول خواهد بود. به طوری که پیداست، کنوانسیون پاریس صرف اثبات رابطه‌ی سببیت بین خسارت و فعالیت یا تأسیسات هسته‌ای زیان‌زننده را برای تحقق مسئولیت گرداننده^(۳)، کافی قلمداد کرده و اثبات تقصیر زیان‌زننده را لازم ندانسته است. آن‌گونه که تاکنون نیز بیان شد چنین مسئولیتی مبتنی بر نظریه‌ی خطر



وارد شده به زیان‌دیدگان حادثه‌ی هسته‌ای را با محدودیت‌ها و اشکالاتی مواجه کند.

برای تسهیل و تسریع جبران زیان‌دیدگان، قانون ۱۹۶۸ فرانسه و کنوانسیون پاریس قاعده‌ی عام را کنار گذاشته، و مسئولیت جبران خسارات هسته‌ای را صرفاً متوجه گرداننده^(۷) تأسیسات هسته‌ای کرده‌اند [۹]. به موجب این قاعده‌ی خاص که به اصل کانالیزه کردن مسئولیت نیز مشهور است [۱۰]، زیان‌دیده از مراجعه به مسبب یا مسببان حادثه‌ی موجب زیان، بی‌نیاز می‌شود و برای دریافت غرامت خود صرفاً به گرداننده یا بهره‌بردار تأسیسات یا فعالیت هسته‌ای رجوع، و علیه او دعوی خسارت اقامه می‌کند. بر اساس قانون فرانسه، (ماده‌ی ۱۴ قانون ۱۹۶۸) و کنوانسیون پاریس (ماده‌ی ۶) بهره‌بردار یا بیمه‌گر پس از جبران، حق رجوع به مسبب یا مسببان واقعی را خواهد داشت.

اما وضعیت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران متفاوت است و نظر به فقدان قانون خاص راجع به جبران خسارات هسته‌ای، اصل کانالیزه کردن مسئولیت به بهره‌بردار یا گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای و رجوع انحصاری زیان‌دیده به او امکان ندارد و مسئولیت واردکننده‌ی زیان بر اساس قواعد عام مسئولیت مدنی مشخص می‌شود. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، زیان دیده‌ی حادثه‌ی هسته‌ای باید علیه مسبب یا مسببان خسارت وارد شده اقامه دعوی کند و نمی‌تواند برای دریافت غرامات به بهره‌بردار رجوع کند. که در ورود خسارت تقصیری نداشته است.^(۸) رجوع به بهره‌بردار یا گرداننده در صورتی قابل توجیه است که او مسبب ورود خسارت بوده یا در ورود خسارت تقصیر داشته باشد. قوانین فعلی جمهوری اسلامی ایران راجع به مسئولیت مدنی، نهادی تحت عنوان کانالیزه شدن مسئولیت به گرداننده یا بهره‌بردار را پیش‌بینی نکرده است. اما سؤالی که می‌تواند در این خصوص مطرح شود این است که آیا قانون‌گذار در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در حوزه‌ی خسارات هسته‌ای، اصل کانالیزه کردن مسئولیت به بهره‌بردار یا گرداننده تأسیسات و

قوانین به صورت موردی از قبیل مواد ۳۲۸ تا ۳۳۰ قانون مدنی و قانون بیمه‌ی اجباری وسایل نقلیه‌ی زمینی موتوری، مصوب ۱۳۸۷، قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران از «نظریه‌ی خطر» تأثیر پذیرفته، و احراز تقصیر را شرط تحقق مسئولیت مدنی قلمداد کرده است [۸]. نظر به وضعیت فوق، به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی حقوق جمهوری اسلامی ایران، مبانی مسئولیت در خصوص خسارات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای، اصولاً مبتنی بر قاعده‌ی تقصیر است و صرفاً در مواردی که موضوع اتلاف اموال در نتیجه‌ی حادثه‌ی هسته‌ای مطرح می‌شود می‌توان به استناد مواد فوق‌الذکر قانون مدنی، مسئولیت بدون تقصیر بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را مطرح کرد که حادثه از آن ناشی شده است و دعوی پرداخت غرامت برای مال یا اموال تلف شده را خواستار شد. در نهایت این سؤال مطرح می‌شود که آیا قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در حوزه‌ی خسارات ناشی از فعالیت‌ها یا حوادث هسته‌ای، نظریه‌ی مسئولیت بدون تقصیر را بپذیرد؟ باید گفت که پذیرش چنین مسئولیتی با اقتضائات نظم حقوقی کلی کشور در تعارض و تغایر نیست و رویه‌ی قانون‌گذاری و پذیرش نظریه‌ی مسئولیت بدون تقصیر در برخی موارد، مؤید این ادعاست.

۳. مسئول جبران

در صورت بروز حادثه‌ی منجر به ورود خسارات هسته‌ای، چه کسی مسئول جبران خسارات وارد شده به زیان‌دیدگان خواهد بود؟ در این زمینه قاعده‌ی عام مسئولیت مدنی این است که هر شخص یا اشخاصی که موجب بروز حادثه و ورود خسارت شده‌اند، ملزم به جبران خسارات زیان‌دیده‌اند. اعمال این قاعده در حوزه‌ی جبران خسارات هسته‌ای می‌تواند مسئولیت اشخاص متعددی از قبیل سازنده‌ی مراکز هسته‌ای، سازندگان تجهیزات مراکز هسته‌ای و مالکان و گردانندگان تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای در قبال خسارات وارد شده به زیان‌دیدگان را مطرح و فرایند دادرسی را طولانی و جبران زیان‌های



ایران در تعارض بوده و یا با نظم عمومی کشور مغایرت داشته باشد.

۴. مفهوم ضرر هسته‌ای و مصادیق آن

قانون‌گذار فرانسه همان مفهومی را پذیرفته است که کنوانسیون پاریس از «ضرر هسته‌ای»^(۹) ارائه کرده است. ضرر هسته‌ای در این کنوانسیون متضمن مفهوم و ویژگی‌های خاصی است و با مفهوم ضرر به مفهوم کلی متفاوت است. بر اساس کنوانسیون، ضرر هسته‌ای مستلزم وجود یک واقعه‌ی هسته‌ای^(۱۰) است و به عبارت دیگر لازمی به وجود آمدن خسارت هسته‌ای، وقوع یک واقعه‌ی هسته‌ای است و ضرری که متضمن واقعه‌ی هسته‌ای نباشد، ضرر هسته‌ای به مفهوم کنوانسیون و قانون‌گذار فرانسه نخواهد بود. از این رو، برای این که مفهوم ضرر هسته‌ای بیش‌تر روشن شود، لازم است تعریف ارائه شده از (واقعه‌ی هسته‌ای) در این قسمت توضیح داده شود. مطابق کنوانسیون پاریس «واقعه‌ی هسته‌ای به هر نوع رخداد یا سلسله رخدادها با یک منشأ اطلاق می‌شود که موجب خسارت می‌شود، مشروط بر این که چنین رخداد یا سلسله رخدادها، یا خسارت به وجود آمده، یا از مواد پرتوزا، یا ترکیبی از مواد پرتوزا با مواد سمی^(۱۱)، انفجاری یا دیگر مواد خطرناک سوخت هسته‌ای یا محصولات پرتوزا یا پسماند، یا از پرتوهای یونساز گسیل شده از چشمه‌ی پرتو در داخل یک تأسیسات هسته‌ای ناشی شده باشد»^[۱۳].

به طوری که پیداست، ضرر هسته‌ای مورد نظر قانون‌گذار فرانسه، مفهوم و ویژگی خاصی دارد و منوط به وقوع حادثه‌ی هسته‌ای شده است. این ویژگی موجب می‌شود که ضرر هسته‌ای مفهوم محدودی داشته باشد و شامل ضررهایی که متضمن حادثه‌ی هسته‌ای نیستند، نشود. با لحاظ تعاریف سوخت هسته‌ای^(۱۲)، محصولات پرتوزا^(۱۳)، تأسیسات هسته‌ای^(۱۴) و مواد هسته‌ای که در تعریف حادثه‌ی هسته‌ای به آن‌ها اشاره شده است، محدودیت‌های تعریف حادثه‌ی هسته‌ای و به دنبال آن ضرر هسته‌ای مشخص می‌شود. با تأمل

فعالیت‌های هسته‌ای را بپذیرد؟ آیا این پذیرش می‌تواند با مقتضیات عدالت و نظم عمومی کشور سازگاری داشته باشد؟ به بیان مشخص‌تر آیا نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ضمن وضع قانونی خاص مسئولیت جبران خسارات هسته‌ای را به جای مسببان واقعی، در تمامی موارد بر عهده‌ی گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای قرار دهد که بر حسب مورد ممکن است هیچ مدخلیت و تقصیری در بروز خسارت نداشته باشد؟ واقعیت این است که ماهیت اصل فوق با عدالت سازگاری ندارد و عادلانه نیست که مسئولیت جبران خسارت بر عهده‌ی شخصی گذاشته شود که هیچ تقصیری در ورود خسارت نداشته است. به هنگام پیش‌بینی این اصل در اسناد بین‌المللی و قوانین ملی، برخی از حقوق‌دانان غیرعادلانه بودن ماهیت این اصل را متذکر شدند [۱۱]. با وجود این، لزوم تسهیل و تسریع پرداخت غرامت زیان‌دیدگان و اجتناب اشخاص متعدد درگیر در بروز حوادث هسته‌ای از فراهم آوردن بیمه‌ی اجباری برای مسئولیت خود، قانون‌گذار بیش‌تر کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای را به پذیرش اصل فوق ترغیب کرد. کشور ما تاکنون چنین اصلی را در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای نپذیرفته است با وجود این به نظر نمی‌رسد که پذیرش چنین اصلی از سوی قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران منع و اشکالی داشته باشد. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران با مسئول فرض کردن اشخاصی به غیر از مقصران واقعی ناآشنا نیست و قبل از این تحت شرایطی آن را پذیرفته است. مسئولیت کارفرما نسبت به خسارات ناشی از فعل کارگران، موضوع ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی و مسئولیت متصدی حمل و نقل نسبت به فعل دیگر موضوع ماده‌ی ۳۸۸ قانون تجارت، از جمله مواردی است که در آن قانون‌گذار مسئولیت جبران خسارت را بر عهده‌ی شخصی غیر از مسبب واقعی خسارت گذاشته است [۱۲]. از این رو به نظر نمی‌آید که قبول اصل کانالیزه کردن مسئولیت به گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای در قالب قانونی خاص با کلیت نظام حقوقی جمهوری اسلامی



کند. مطابق قواعد مسئولیت مدنی جمهوری اسلامی ایران، ضرر از هر منشأ و فعالیت هسته‌ای و پرتوی ناشی شده باشد، ضرر هسته‌ای و پرتوی تلقی می‌شود و مستلزم جبران از سوی زیان‌زننده است. در مقایسه با رژیم حقوق خاص جبران خسارات هسته‌ای، ضرر هسته‌ای بر اساس قواعد عمومی مسئولیت، مفهوم گسترده‌ای دارد [۱۶]، و به جبران ضررهای هسته‌ای مشخص شده محدود نمی‌شود. از این‌رو، در قانون جمهوری اسلامی ایران، زیان‌زننده‌ی هسته‌ای، در قیاس با قانون فرانسه، دامنه‌ی مسئولیت بیش‌تری در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای وارده خواهد داشت.

۵. حدود مسئولیت در جبران خسارت

قانون‌گذار فرانسه، با تأثیرپذیری از کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس و اصلاحات آن، در قوانین و مقررات خاص خود راجع به جبران زیان‌های هسته‌ای «نظریه‌ی جبران کافی»^(۱۶) را اخذ کرد. این در حالی است که مطابق قواعد عمومی راجع، به مسئولیت مدنی اصولاً به جبران به صورت کامل^(۱۷) توجه می‌شود. بر مبنای نظریه‌ی جبران کافی، مسئولیت گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای در فرانسه، محدود به مبلغ تعیین شده توسط قانون‌گذار است و اگر خسارات ناشی از تأسیسات از میزان مسئولیت مقرر تجاوز کند، گرداننده مسئولیت جبران نخواهد داشت. در این خصوص قانون‌گذار فرانسه مقرر داشته است: حداکثر مسئولیت گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای برای هر حادثه‌ی هسته‌ای مبلغ ۹/۱۴۶/۹۴۱/۰۴۳ یورو است [۱۷]. از این‌رو، در صورتی که حادثه‌ی هسته‌ای رخ دهد و خساراتی از آن ناشی شود، گرداننده، حداکثر تا مبلغ مقرر شده‌ی فوق متعهد به پرداخت غرامت است و اگر خسارات وارد شده فراتر از مبلغ مقرر باشد، گرداننده نسبت به مازاد، تعهدی به پرداخت غرامت نخواهد داشت. تشویق اشخاص به سرمایه‌گذاری در صنعت هسته‌ای و رفع نگرانی آن‌ها، امکان جبران نشدن ضررهای گسترده در صورت وقوع حادثه‌ی هسته‌ای، علت اصلی تعیین مسئولیت محدود برای گرداننده از سوی

در تعاریف ارائه شده از واژه‌های مذکور، معلوم می‌شود که ضرر هسته‌ای الزاماً ضرری نیست که از فعالیت‌های هسته‌ای و پرتوی به طور کلی ناشی شده باشد، بلکه ضرر هسته‌ای مورد نظر کنوانسیون پاریس و قانون‌گذار فرانسه، ضررهایی است که از مواد معینی از فعالیت‌ها و فعل و انفعالات هسته‌ای سرچشمه می‌گیرد. فرضاً، تأسیساتی که خطر حوادث اتمی آن‌ها در حد محدود است از قبیل تأسیسات معدن‌کاری، تولید یا نگهداری اورانیم طبیعی یا غنی نشده و همچنین رادیویزوتوپ‌هایی که برای استفاده‌ی صنعتی، کشاورزی، طبی کاربرد دارند از جمله تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای هستند که بروز ضرر از آن‌ها مشمول تعریف ضرر هسته‌ای نمی‌شود [۱۴]. هم‌چنین ضررهای ناشی از حوادث مربوط به گداخت هسته‌ای^(۱۵) مشمول ضرر یاد شده نمی‌شود. ضررهای قابل جبران مورد نظر قانون‌گذار فرانسه که مورد تصریح کنوانسیون پاریس قرار گرفته است ضررهای جانی اعم از مرگ یا سایر آسیب‌های جسمانی و ضررهای مادی (تلف مال یا خسارت به آن‌ها) است. ضرر واردشده به خود تأسیسات هسته‌ای و نیز دیگر تأسیسات هسته‌ای از جمله تأسیسات هسته‌ای در حال ساخت یا تأسیساتی که در محل تأسیسات هسته‌ای واقع شده است و هم‌چنین ضرر واردشده به اموال در همان سایتی که تأسیسات هسته‌ای واقع شده است و در ارتباط با آن استفاده می‌شود یا قرار است استفاده شود از شمول ضرر مادی خارج است [۱۵].

به طوری که ملاحظه می‌شود، در قانون خاص فرانسه، راجع به جبران خسارت هسته‌ای، ضررهای قابل جبران محدود به ضررهای معینی است و تمامی آن‌ها را شامل نمی‌شود. این در شرایطی است که مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی در جمهوری اسلامی ایران، مفهوم ضرر احتمالی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای مطلق است و شامل جبران تمامی ضررهای واردشده است. بر اساس این قواعد، بروز واقعه‌ی هسته‌ای الزاماً شرط ضرر هسته‌ای نیست و ضرر می‌تواند بدون بروز چنین واقعه‌ای نیز مفهوم و مصداق پیدا



اصل جبران خسارات کامل عدول کرده و مسئولیت محدود برای زیان‌زننده را پیش‌بینی کرده است. بند مذکور مقرر می‌دارد: «متصدی باربری و کشتی هیچ کدام در مورد فقدان یا خسارت واردشده به کالا، مسئولیتی زاید بر صد لیره استرلینگ برای هر بسته کالا یا واحد آن نخواهد داشت...».

هم‌چنین، «نهاد دیه» نیز از مواردی است که در آن می‌توان مدعی شد که مسئولیت محدود در جبران خسارت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است [۱۹]. با وجود چنین مواردی به نظر نمی‌آید در نظام حقوقی، پذیرش نظریه‌ی مسئولیت محدود در حوزه‌ی جبران خسارات هسته‌ای با مانع و مشکلی مواجه شود.

۶. مسئولیت دولت در جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای

اصل مسئولیت محدود بهره‌بردار با هدف تسهیل سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی صنعت و تشویق اشخاص به مشارکت در این حوزه، مورد پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی و قانون‌گذاران کشورها قرار گرفته است. اما اعمال این اصل، متضمن تالی فاسد بدون جبران ماندن بخشی از زیان‌های هسته‌ای واردشده به زیان‌دیدگان است. با هدف رفع یا تقلیل آثار منفی ناشی از اعمال اصل محدودیت مسئولیت گرداننده، نهاد جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای از سوی دولت‌های محل تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای موجب زیان، مطرح شده است. قانون‌گذار فرانسه از جمله قانون‌گذارانی است که اقدام به پیش‌بینی نهاد جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای به وسیله‌ی دولت کرده است. در این زمینه، قانون ۱۹۶۸ فرانسه مقرر داشته است: «زیان‌های واردشده به زیان‌دیدگان فراتر از مسئولیت گرداننده، توسط دولت و بر طبق مقررات کنوانسیون تکمیلی بروکسل جبران خواهد شد.» [۲۰]. البته مسئولیت دولت در جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای نیز یک مسئولیت محدود است و فراتر از این مسئولیت، در صورتی که هنوز زیانی باشد بدون جبران باقی خواهد ماند. مبنای منطقی مسئولیت دولت در جبران تکمیلی خسارات

قانون‌گذار فرانسه بوده است. مسئولیت گرداننده در موارد حمل و نقل مواد هسته‌ای نیز محدود و حداکثر مبلغ ۲/۲۸۶/۷۳۵/۲۵۹ یورو برای هر حادثه معین شده است [۱۸].

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که در حال حاضر فاقد قانون خاص در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای است، قواعد عمومی مسئولیت مدنی حاکم است و حدی برای مسئولیت زیان‌زننده (که ممکن است، افرادی غیر از گرداننده تأسیسات هسته‌ای نیز باشند) تعیین نشده است. ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به عنوان قاعده‌ی عام، جبران خسارات به صورت مطلق و اعم از مادی و معنوی را پیش‌بینی کرده است که این قاعده در شرایط فعلی در مورد جبران خسارات هسته‌ای نیز قابل اعمال است. ماده‌ی مذکور اشعار داشته است: «هر فردی بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتمی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده است لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است.» البته بر اساس قانون مذکور، دادگاه از این اختیار برخوردار شده است که میزان زیان واردشده را با لحاظ عوامل مختلف تعیین کند. در این خصوص، ماده‌ی ۳ قانون مذکور اعلام داشته است: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...».

اگر چه قاعده‌ی کلی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بر اصل جبران کامل خسارات وارد شده استوار است و این اصل در مورد خسارات هسته‌ای واردشده نیز موضوعیت دارد، با وجود این نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با نهاد جبران محدود خسارات یا مسئولیت محدود زیان‌زننده در جبران خسارات ناآشنا نیست. در مواردی آن را پذیرفته است و به نظر نمی‌آید پذیرش آن در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای نیز با نظم عمومی کشور مغایرت داشته باشد. برای مثال بند ۵ ماده‌ی ۵۵ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳/۰۶/۲۹، از جمله مواردی است که در آن قانون‌گذار از



۷. بیمه اجباری مسئولیت هسته‌ای

در کنوانسیون‌های بین‌المللی خاص در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای و در قوانین بسیاری از کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای، با هدف تسهیل و تضمین جبران خسارات وارد شده به زیان‌دیدگان، مسئول جبران خسارت وارد شده (بهره‌بردار یا گرداننده‌ی تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای) ملزم به بیمه‌ی مسئولیت خود در قبال خسارات احتمالی وارد شده در نزد شرکت‌های بیمه یا سایر مؤسسات مالی شده‌اند. فرانسه به عنوان یکی از کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای، با تأثیرپذیری از کنوانسیون پاریس، چنین الزام قانونی را برای بهره‌برداران هسته‌ای پیش‌بینی کرده است. در این خصوص، قانون ۱۹۶۸ اصلاحی ۱۹۹۰ این کشور اشعار داشته است «بهره‌بردار هسته‌ای ملزم به تأمین و حفظ بیمه یا دیگر تضمین مالی به میزان مسئولیت خود برای هر حادثه‌ی هسته‌ای است. تضمین مالی باید به تأیید وزیر امور اقتصاد و دارایی برسد» [۲۲]. این قانون همین‌طور مقرر می‌دارد: «متصدی حمل و نقل که مواد هسته‌ای را از طریق خاک فرانسه حمل می‌کند، موظف به تأمین بیمه یا دیگر تضمین مالی به میزان مسئولیت خود برای پوشش خساراتی است که می‌تواند به واسطه‌ی حادثه‌ی هسته‌ای در جریان ترابری وارد شود».

منطق بیمه‌ی اجباری مسئولیت‌ها و فعالیت‌های معین، تسهیل و تسریع جبران خسارات وارد شده به زیان‌دیدگان است. با پیروی از همین منطق، قانون‌گذار فرانسه در قانون مذکور و در مقام اجرای مقررات کنوانسیون پاریس، حمل‌کننده‌ی مواد هسته‌ای، گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای را به بیمه‌ی زیان‌های ناشی از تأسیسات هسته‌ای به میزان مسئولیت مقرر شده برای آن ملزم، و برای متخلف از انجام این تکلیف یک سال حبس و ۱۵ هزار یورو جریمه یا یکی از آن دو را پیش‌بینی کرده است [۲۳]. تعلیق یا لغو این نوع بیمه از سوی بیمه‌گر، منوط به اطلاع کتبی ۲ ماه قبل به وزیر امور اقتصاد و دارایی است.

هسته‌ای این گونه توجیه شده است که چون فعالیت هسته‌ای با اجازه و مجوز دولت انجام می‌شود و انجام این فعالیت‌ها برای توسعه‌ی کشور ضروری است، تحمیل چنین مسئولیتی بر دولت ناعادلانه نخواهد بود [۲۱].

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که فاقد قانون خاصی در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای است، بدیهی است که چنین مسئولیت تکمیلی خاصی برای دولت در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای نمی‌تواند متصور باشد. اما آیا مقررات عام مسئولیت مدنی که در حال حاضر بر جبران خسارات هسته‌ای نیز حکومت دارد، می‌تواند مسئولیتی برای دولت در جبران تکمیلی زیان‌های وارد شده متصور شود؟ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به عنوان قانون عام، چنین مسئولیتی را برای دولت پیش‌بینی نکرده است. اما در برخی قوانین خاص، نشانه‌هایی از پذیرش نهاد مسئولیت دولت در جبران تکمیلی خسارات مشاهده می‌شود. برای مثال، ماده‌ی ۱۰ قانون ۱۳۴۷، اصلاحی ۱۳۸۷ بیمه‌ی اجباری دارندگان وسایل نقلیه که بر اساس آن صندوق خاصی تأسیس شده است، مسئولیت دولت در جبران تکمیلی خسارات را پذیرفته است. ماده‌ی مذکور اشعار داشته است: «برای حمایت از زیان‌دیده‌گان حوادث رانندگی، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرارکردن یا شناخته نشدن مسئول حادثه یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه [به استثناء موارد مصرح در ماده‌ی (۷)] باشد، توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت خواهد شد». با این حال، هر چند که در شرایط فعلی، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مبنای قانونی مشخصی برای جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای احتمالی به وسیله‌ی دولت وجود ندارد، با وجود این نظر، به سابقه‌ی آن در قانون سال ۱۳۴۷، پذیرش آن در قوانین آتی خاص راجع به جبران خسارات هسته‌ای نمی‌تواند با مانع و اشکالی مواجه باشد.



نیست و از این رو لزوم رفع چنین خلأ قانونی از سوی قانون‌گذار برای فراهم‌سازی بسترهای قانونی استفاده‌ی ایمن از کاربردهای صلح‌آمیز علوم و فنون هسته‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

۸. مرور زمان دعاوی جبران خسارت

زیان‌های ناشی از حوادث و فعالیت‌های هسته‌ای و پرتوی ممکن است پس از گذشت مدت زمان نسبتاً طولانی معلوم شوند که این واقعیت، اعمال قاعده‌ی مرور زمان در طرح دعاوی مربوط به جبران چنین زیان‌هایی را با محدودیت مواجه می‌سازد [۲۴]، با وجود این، مشکلات ناشی از اثبات دعاوی خسارات هسته‌ای پس از گذشت مدت زمان زیادی موجب شده است که کنوانسیون‌های بین‌المللی ذریبط و قوانین بیش‌تر کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای، مرور زمان در اقامه چنین دعاوی را بپذیرند. فرانسه از جمله کشورهایی است که مرور زمان در دعاوی جبران خسارت هسته‌ای را در قوانین خود پذیرفته است. مطابق قانون ۱۹۶۸ (اصلاحی ۱۹۹۰) دعاوی مربوط به جبران خسارت هسته‌ای باید ظرف سه سال از زمان آگاهی شخص از ورود خسارت، با یا آگاهی که شخص منطقاً باید از خسارت و مسئولیت بهره‌بردار داشته باشد، اقامه شود مشروط بر این‌که در هر حال هیچ دعوی پس از گذشت ۱۰ سال از زمان وقوع حادثه، قابل اقامه نخواهد بود. پس از این مدت، در صورتی که حادثه در قلمرو جمهوری فرانسه رخ دهد و بر اساس کنوانسیون پاریس در چارچوب صلاحیت قضایی فرانسه قرار گیرد و زیان‌های ناشی از آن پس از مدت ۱۰ سال بروز کنند و قابل جبران نباشد، دولت چنین خساراتی را جبران خواهد کرد. با وجود این، در این مورد نیز کل مبلغ غرامت پرداخت شده توسط دولت نمی‌تواند از حداکثر مسئولیت قانونی بهره‌بردار تجاوز کند. دعاوی علیه دولت نیز مشمول قاعده‌ی مرور زمان می‌شود و در هر حال هیچ دعوی علیه دولت بعد از پنج سال از زمان مرور زمان ۱۰ ساله قابل اقامه نخواهد شد. نتیجه این‌که قانون‌گذار فرانسه به زیان دیده،

اما در نظام حقوقی فعلی جمهوری اسلامی ایران نه تنها چنین الزامی برای بهره‌بردار یا گرداننده‌ی تأسیسات یا فعالیت هسته‌ای پیش‌بینی نشده است، بلکه در اغلب موارد نیز بیمه‌ی مسئولیت در قبال خسارات ناشی از چنین فعالیت‌هایی یا از شمول قوانین عمومی و قراردادهای بیمه مستثنی شده، یا منوط به پرداخت حق بیمه‌ی اضافی و موافقت بیمه‌گر شده است.

در این زمینه می‌توان به قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱ (ماده‌ی ۷ بند ۳)، اشاره کرد که استثناء مذکور را این طور مقرر داشته است: «موارد زیر از شمول بیمه‌ی موضوع این قانون خارج است. ۳- خسارت مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو». هم‌چنین بند ۴ ماده‌ی ۳۱ آیین‌نامه‌ی شماره‌ی ۲۱ راجع به شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ی آتش‌سوزی صاعقه، انفجار، مصوب ۱۳۶۶/۸/۲۷ شورای عالی بیمه‌ی مرکزی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: «تحقق خطرات موضوع این بیمه‌نامه، چنانچه ناشی از هر یک از حوادث و وقایع ذیل باشد، تحت پوشش این بیمه‌نامه، نخواهد بود، مگر آن که صراحتاً خلاف آن شرط شده باشد: ۴...- فعل و انفعالات هسته‌ای».

به همین نحو آیین‌نامه‌ی شماره‌ی ۳۶ راجع به شرایط عمومی بیمه‌ی باربری مصوب ۱۳۷۵/۵/۲۹ شورای عالی بیمه‌ی مرکزی جمهوری اسلامی ایران (ماده‌ی ۲۳ بند ۱) و آیین‌نامه‌ی شماره‌ی ۲۶/۱ راجع به شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ی گروهی هزینه‌های بیمارستانی مصوب ۱۳۷۵/۸/۲۸ شورای عالی بیمه‌ی مرکزی جمهوری اسلامی ایران (ماده‌ی ۶ بند ۸) خسارات ناشی از فعل و انفعالات هسته‌ای را از شمول مقررات خود مستثنی کرده‌اند. هر چند که خروج خسارات هسته‌ای از شمول مقررات عمومی بیمه به دلیل ماهیت خاص آن‌ها می‌تواند قابل توجیه باشد، اما در عین حال نبود قوانین و مقررات خاص دیگری که پوشش چنین خساراتی را توسط بیمه مورد توجه و پیش‌بینی قرار دهد نیز با واقعیات سازگار



حداکثر ۱۵ سال از زمان وقوع حادثه‌ی هسته‌ای، حق داده است که دعوی خود در دادگاه صالحه را اقامه کند.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مرور زمان دعوی خسارت هسته‌ای، تابع قواعد و مقررات قانون آیین دادرسی در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ است. این قانون، برخلاف قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ مرور زمان در دعوی مدنی را به رسمیت نشناخته است. قبل از این نیز شورای نگهبان قانون اساسی در پاسخ به سؤال مورخه‌ی ۱۳۶۱/۱۰/۲۷ شورای عالی قضایی، طی نظریه‌ی شماره ۷۲۵۷ مورخه ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ اعلام کرده بود که مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و بحث و بررسی شد و به نظر اکثریت فقهای شورا، مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (۱۰ سال - ۲۰ سال - ۳ سال - ۱ سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد. نظر به مقررات قانون و نظریه‌ی مذکور، به نظر می‌رسد که طرح دعوی جبران خسارت هسته‌ای در وضعیت فعلی مشمول مرور زمان واقع نشود با وجود این، این واقعیت، مانع از آن نیست که قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در قوانین آتی خاص راجع به جبران خسارت هسته‌ای نتواند مرور زمان را در دعوی مربوط به چنین خساراتی پیش‌بینی کند، زیرا در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با وجود نظریه شورای نگهبان هنوز در دعوی حقوقی و تجاری به صورت موردی قاعده‌ی مرور زمان مورد پذیرش واقع شده است. نظریه‌ی شماره‌ی ۵۴۰/۷ مورخ ۱۳۸۶/۲/۸ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه نیز با بیان این‌که «در مورد دعوی حقوقی با وضع قوانین جدید از جمله قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و نیز قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات ۱۳۸۱ که در آن مرور زمان برای دعوی پیش‌بینی نشده است و هم‌چنین توجه به نظریه‌ی شماره‌ی ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای محترم نگهبان، موضوع مرور زمان دعوی حقوقی منتفی شده است.

اما در مواردی که طبق قوانین خاص طرح برخی از دعوی مقید به مهلت معینی است (از جمله در بعضی از دعوی مربوط به قانون تجارت و یا قانون بیمه) این قوانین به قوت خود باقی است.. «. امکان حقوقی پیش‌بینی چنین مرور زمانی را تأیید می‌کند.

۹. دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی جبران خسارات هسته‌ای

کنوانسیون پاریس، دادگاه محل وقوع حادثه‌ی هسته‌ای را مرجع صالح برای رسیدگی به دعوی جبران خسارت هسته‌ای پیش‌بینی کرده است [۲۵]. با وجود این، قانون‌گذار فرانسه در خصوص دعوی جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای، دادگاه پاریس را به عنوان تنها مرجع صالح برای رسیدگی به این دعوی تعیین کرده است. بر اساس قانون فرانسه، محاکم کیفری تحت هیچ عنوان نمی‌توانند در چنین دعوی مداخله کنند. اما سؤال این است که چرا قانون‌گذار فرانسه، از قواعد کنوانسیون پاریس مبنی بر صلاحیت دادگاه محل وقوع حادثه‌ی هسته‌ای عدول کرده، و برای رسیدگی به دعوی خسارات هسته‌ای ناشی از حوادث هسته‌ای در قلمرو فرانسه دادگاه پاریس را صالح اعلام کرده است؟

هدف قانون‌گذار فرانسه از تعیین محکمه واحد ملی برای رسیدگی به تمام دعوی خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای که در قلمرو آن رخ می‌دهد به احتمال آثار ملی حادثه‌ی هسته‌ای و خسارات ناشی از آن بر می‌گردد که البته می‌تواند قواعد صلاحیت محلی و دادگاه‌ها و آیین دادرسی مربوطه‌ی آن کشور را تحت تأثیر قرار دهد. فراهم آوردن دادگاهی با تخصص و تجارب و قضات خاص برای رسیدگی دقیق به این چنین دعوی، دلیل دیگری بود که قانون‌گذار فرانسه را به تعیین دادگاهی واحد برای رسیدگی به تمامی دعوی خسارت هسته‌ای در قلمرو کشور ترغیب کرد، زیرا وجود یک دادگاه ملی واحد صالح برای دعوی خسارت هسته‌ای بهتر و بیش‌تر می‌تواند اجرای عدالت در این حوزه را تأمین کند و نهایتاً اعمال نظارت بر دعوی جبران خسارت و جلوگیری از



اسلامی ایران در صورت تصمیم به وضع قانون خاص حاکم بر جبران خسارات هسته‌ای - که وضع آن در آینده لازم، مفید و اجتناب‌ناپذیر باشد - لازم است با لحاظ تجربیات کشورهای دیگر، مرجع مشخصی را برای رسیدگی به این نوع دعاوی تعیین کند.

۱۰. نتیجه‌گیری

ماهیت خاص خسارات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای، قانون‌گذاران بسیاری از کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای از جمله فرانسه را بر آن داشته است که قواعد عمومی مسئولیت را کنار گذاشته و قوانین و مقررات حقوقی خاصی را برای جبران چنین خساراتی وضع یا تصویب کند. با این‌که جمهوری اسلامی ایران، کشوری با فعالیت هسته‌ای محسوب شده و قدمت فعالیت‌های آن به چهار دهه می‌رسد، اما تاکنون نتوانسته است قانونی خاص برای جبران خسارات هسته‌ای احتمالی تصویب کند و خود را با ضوابط شناخته شده‌ی بین‌المللی سازگاری دهد. در وضعیت فعلی جمهوری اسلامی ایران، قوانین و قواعد عمومی مسئولیت مدنی بر جبران خسارت هسته‌ای حاکم است که این قواعد و قوانین نمی‌تواند از کارایی لازم در جبران چنین خساراتی برخوردار باشد. امروزه، وجود قوانین خاص در این حوزه، لازمه و پیش‌شرط همکاری‌های هسته‌ای بین دولت‌ها تلقی می‌شود و کشورهایی که فاقد قوانین خاص در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای باشند در همکاری‌های هسته‌ای خود با کشورهای دیگر با اشکالاتی مواجه می‌شوند. نظر به این واقعیت و با توجه به افق فعالیت‌های هسته‌ای در کشور، لازم است که قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران با بررسی قوانین خاص کشورها در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای نظیر فرانسه، قوانین مناسبی را برای جبران چنین خساراتی در کشور تدوین و تصویب کند.

رویه‌های قضایی مختلف و متضاد را باید سومین دلیل ترغیب قانون‌گذار فرانسه به تعیین دادگاه پاریس به عنوان محکمه‌ی صالح برای رسیدگی انحصاری به تمام دعاوی خسارت هسته‌ای تلقی کرد [۲۶]. اما موضوع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران متفاوت است. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران فاقد آیین دادرسی خاص (دادگاه و قواعد رسیدگی) برای رسیدگی به دعاوی خسارات هسته‌ای است و اصولاً نظام آن مبتنی بر صلاحیت عام محاکم عمومی در رسیدگی به تمام دعاوی از جمله دعاوی جبران خسارت هسته‌ای است. بر اساس نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، در صورت بروز حوادث و ورود زیان‌های هسته‌ای، دعاوی مربوطه مطابق مقررات قانون آیین دادرسی در امور مدنی (مواد ۲۵-۱۱) رسیدگی می‌شود. در این زمینه ماده‌ی ۱۱ آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۷۹، اشعار داشته است دعوی باید در دادگاهی اقامه شود که خواننده در حوزه‌ی قضایی آن اقامتگاه دارد. پس اصل اولیه در این خصوص صلاحیت دادگاه محل اقامتگاه خواننده است. از این‌رو، زیان‌دیده‌ی هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران برای اقامه‌ی دعوی خسارت باید به دادگاه محل اقامتگاه زیان‌زننده (که خواننده‌ی دعوی است) مراجعه کند. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تمام دادگاه‌های دادگستری می‌توانند بر حسب مورد برای رسیدگی به دعاوی جبران خسارات هسته‌ای صلاحیت پیدا کنند.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، بر خلاف فرانسه، ممنوعیت دادگاه جزایی از مداخله منتفی است و در مواردی که موضوع، جنبه‌ی جزایی داشته باشد، دادگاه‌های عمومی جزایی می‌توانند مداخله کنند. مطابق قانون آیین دادرسی مدنی جمهوری اسلامی ایران به غیر از قاعده‌ی صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده، دادگاه‌های محل وقوع مال غیرمنقول (ماده‌ی ۱۵) و محل انعقاد عقد (ماده‌ی ۱۳) نیز صلاحیت رسیدگی پیدا می‌کنند. وجود چنین تعدد صلاحیت قضایی با طبع رسیدگی به دعاوی جبران خسارات هسته‌ای سازگار نیست، و روند رسیدگی به این نوع دعاوی را با ابهام و مشکل مواجه می‌سازد. از این‌رو قانون‌گذار جمهوری



پی‌نوشت‌ها

1. Causality

۲. کنوانسیون پاریس در خصوص مسئولیت شخص ثالث ناشی از انرژی هسته‌ای در سال ۱۹۶۰ منعقد و در سال‌های ۱۹۶۶، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ اصلاح و بازنگری شد. این کنوانسیون قلمرو محدودی دارد و در چارچوب کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه‌ی (OECD) منعقد شده است.

3. Operator

4. Strict

۵. کنوانسیون وین ۱۹۶۳ راجع به مسئولیت مدنی برای خسارات هسته‌ای قلمرو جهانی دارد و تمام کشورها می‌توانند به عضویت آن درآیند. این کنوانسیون در سال ۱۹۹۷ طی پروتکلی اصلاح شد.

۶. کنوانسیون وین ۱۹۹۷ در خصوص جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای (Supplementary Compensation) است و تاکنون (نوامبر ۲۰۱۲) لازم‌الاجرا نشده است.

7. Operator

۸. ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی، (۱۳۳۹).

9. Nuclear Damage

10. Nuclear Incident

11. Toxic

12. Nuclear Fuel

13. Radioactive Products

14. Nuclear Installation

15. Nuclear Fusion

16. Adequate

17. Full

مراجع

۱. ص. رضایی‌پیش‌رباط، مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل هسته‌ای، عصر اندیشه، تهران، ص ۸۷، (۱۳۹۱).

2. Nuclear Legislation in OECD and NEA Countries: France in www.OECD-nea.org, p. 37 (2011).

3. Stoiber carlton etal, Handbook on Nuclear Law, IAEA, Vienna, p. 107 (2003).

۴. ر. اسکینی، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، منتشر شده در کتاب مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، انتشارات ندا (وابسته به انتشارات امیرکبیر)، ص. ۲۴۰ (۱۳۷۱).

5. Nuclear Legislation in OECD and NEA Countries: France, in www.OECD-nea.org, p. 36 (2011).

6. Paris Convention, Art 9, (1960).

7. Act N0 65-956 on the third party liability of operators of nuclear ships, Article 7 (12 November 1965).

۸. س.ح. صفایی، ح.ا. رحیمی، مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، انتشارات سمت، تهران، ص. ۸۴ (۱۳۸۹).



9. Nuclear Legislation in OECD and NEA Countries: France, in www.OECD-nea.org, p. 37 (2011).
10. Stoiber carlton etal, Handbook on Nuclear Law, IAEA, Vienna, p. 108 (2003).
11. Stoiber carlton etal, Handbook on Nuclear Law, IAEA, Vienna, p. 112 (2003).
۱۲. س.ح. صفایی، ح.ا. رحیمی، مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، انتشارات سمت، تهران، ص. ۲۶۴ و ۳۰۱ (۱۳۸۹).
13. Convention on Third party liability in the field of Nuclear Energy, Article,1(i), (1960).
۱۴. ر. اسکینی، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، منتشر شده در کتاب مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، انتشارات ندا (وابسته به انتشارات امیرکبیر) ۲۴۶ (۱۳۷۱).
15. Convention on Third party liability in the field of Nuclear Energy, Art 3, (1960).
۱۶. س.ح. صفایی، ح.ا. رحیمی، مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، انتشارات سمت، تهران، ص ۱۰۱، (۱۳۸۹).
17. Loi no.68-943 du 30 octobre 1968 relative a la responsibility civil dons le domain de lemergie nucleaire, 1968 as amended (1990) Art 4.
18. Loi no.68-943 du 30 octobre 1968 relative a la responsibility civil dons le domain de lemergie nucleaire, 1968 as amended (1990), Art 4.
۱۹. س.ح. صفایی، ح.ا. رحیمی، مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، انتشارات سمت، تهران، ص. ۳۲۹، (۱۳۸۹).
20. Loi no.68-943 du 30 octobre 1968 relative a la responsibility civil dons le domain de lemergie nucleaire, 1968 as amended (1990), Art 5.
۲۱. ر. اسکینی، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، منتشر شده در کتاب مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، انتشارات ندا (وابسته به انتشارات امیرکبیر)، ص. ۲۶۱ (۱۳۷۱).
22. Loi no.68-943 du 30 octobre 1968 relative a la responsibility civil dons le domain de lemergie nucleaire, 1968 as amended (1990), Art 6.
23. Loi no.68-973 du 30 octobre 1968 relative a la responsibility civil dons le domain de lemergie nucleaire, 1968 as amended (1990), Art 7.
۲۴. ر. اسکینی، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، منتشر شده در کتاب مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، انتشارات ندا (وابسته به انتشارات امیرکبیر)، ص. ۲۵۸ (۱۳۷۱).
25. The paris Convention on Third party liability in the field of Nuclear Energy, article, 13 (1960).
26. Nuclear Legislation in OECD and NEA Countries: France, in www.OECD-nea.org, (2011).



فرصت‌ها و چالش‌های الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای

علیرضا شمشیری*، فرشته امیرآبادی فراهانی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، صندوق پستی: ۱۱۵۵۶۶۶۸۶۳، ایران - تهران

چکیده: جمهوری اسلامی ایران امروزه به عنوان یک کشور هسته‌ای شناخته می‌شود و هرروز به فعالیت‌های هسته‌ای آن افزوده می‌شود. با این حال در خصوص مسئولیت‌های ناشی از مخاطرات احتمالی، چاره‌اندیشی نشده است. از اقداماتی که کشورهای پیشتاز هسته‌ای، علاوه بر تدوین قانون خاص مسئولیت مدنی برای این گونه فعالیت‌ها داشته‌اند، عضویت در کنوانسیون‌های مربوطه است. این کنوانسیون‌ها از جمله کنوانسیون وین، با رعایت اصول اساسی حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از مخاطرات هسته‌ای تنظیم شده است. از جمله مزایای عضویت در کنوانسیون مذکور می‌توان به تعیین متصدی به‌عنوان مسئول و محدود کردن مسئولیت وی در زمان، میزان و مطلق بودن مسئولیت وی و مانند آن که همگی به توسعه‌ی صنعت هسته‌ای کمک می‌کنند اشاره کرد. در بعضی موارد، جبران خسارت، به حقوق داخلی ارجاع شده است که با وجود امتیازاتی که به منظور پرهیز از ناهماهنگی در نظام حقوقی کشورها در حل مسائل خاص دارد، در کشور ما که قانون خاص در این زمینه نداریم در واقع چالش محسوب می‌شود. بنابراین ضرورت تدوین قانون خاص در حقوق ایران، که متناسب با مخاطرات احتمالی باشد بیش از پیش نمایان می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: خسارات هسته‌ای، کنوانسیون ۱۹۹۷ وین، مسئولیت مدنی، نظام حقوقی ایران

Opportunities and Challenges of Islamic Republic of Iran's Accession to the Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage

A. Shamshiri*, F. Amirabadi Farahani
Islamic Azad University Central Tehran Branch, P.O.Box: 1155666863, Tehran-Iran

Abstract: Nowadays the Islamic Republic of Iran is known as a nuclear state and It's nuclear activities are increasing every day. However it has not been thought about liability for potential hazards of these damages. Leading nuclear countries, in addition to developing a civil liability law on nuclear activities, have become parties to the relevant conventions. These conventions including the Vienna Convention are based on the basic principles governing civil responsibility for nuclear events. The benefits of membership in the convention are: channeling of liability to operator, limitation of liability in amount and time, operator's absolute liability and ... that they contribute to the development of the nuclear industry. In some cases, the compensation is referred to domestic law which despite its benefits for avoiding inconsistencies in the legal system of countries in solving specific problems, In our country, because of the lack of specific civil nuclear legislation, it is actually a challenge. Therefore legislation in this field is more necessary.

Keywords: Nuclear Damage, 1997 Vienna Convention, Civil Liability, Iranian Legal System



۱. مقدمه

ورود ماشین و تکنولوژی به چرخه‌ی تولید و کارایی فوق‌العاده‌ی آن، همواره با مخاطرات جدی همراه بوده است و از طرفی جبران خسارت زیان‌دیده با استفاده از قواعد سابق مسئولیت مدنی از قبیل نظریه‌ی تسبیب که مبتنی بر تقصیر است ممکن نبوده است. از این رو تئوری‌های جدیدی از قبیل نظریه‌ی خطر، وارد حوزه‌های مسئولیت مدنی شده است. همین موضوع به طریق اولی در عرصه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای نیز صدق می‌کند و امکان حل مخاطرات پیچیده‌ی حاصل از این فعالیت طبق تئوری‌های سابق وجود نداشت. به همین دلیل در مباحث حقوق هسته‌ای، موضوع مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز به‌طور ویژه مورد توجه نظام‌های حقوقی قرار گرفت.

رژیم جبران خسارت در حوادث هسته‌ای یک رژیم خاص است و برخی از اصول آن منحصر به همین نوع رژیم جبران است، مانند اصل کانالیزه کردن مسئولیت و اصل محدودیت مسئولیت (هم از جنبه‌ی زمانی و هم از جنبه‌ی میزان مسئولیت). اتفاقاً مفاد و عملکرد برخی از آن‌ها مغایر قواعد عمومی مسئولیت مدنی است. با توجه به اهمیت مطالب مذکور، امروزه بسیاری از کشورهای هسته‌ای به تبیین و دخالت دادن رژیم خاص جبران خسارت هسته‌ای در نظام‌های حقوقی خود، اعم از تصویب قوانین خاص و یا عضویت در کنوانسیون‌ها و در بیش‌تر موارد هر دو مورد اقدام کرده‌اند.

در نظام حقوقی ایران با وجود رویکرد حاکمیت و ملت در اقبال به فعالیت‌های هسته‌ای، متأسفانه از یک طرف بستر حقوقی مناسبی برای داشتن رژیم خاص جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای وجود ندارد و در صورت بروز حوادث هسته‌ای (که با توجه به تهدیدات موجود محتمل نیز است) ممکن است منجر به پیامدهای جدی و جبران‌ناپذیری شود. از طرف دیگر، وجود پتانسیل‌های بسیار خوب برخی از قواعد عمومی مسئولیت مدنی خصوصاً در ابعاد فقهی که به واسطه‌ی اصل ۱۶۷ قانون اساسی در مواقع سکوت قانون‌گذار باید ملاک عمل قرار گیرد، ممکن است اتفاقاً تهدیداتی جدی را به همراه داشته باشد؛ مانند قاعده‌ی لاضرر که کلیه‌ی

خسارات حادث شده، اعم از عناوین جدید خسارات مانند خسارت اقتصادی محض را نیز در برمی‌گیرد. هم‌چنین ممکن است، خسارات قابل جبران طبق این قاعده‌ی فقهی حتی فراتر از خسارات قابل جبران کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای شود و قطعاً مشکلاتی در مرحله‌ی جبران پیش خواهد آورد.

در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، یک سری اصول به عنوان اصول اساسی برای جبران خسارات هسته‌ای شناخته شده‌اند که در واقع خلاصه‌ای از مهم‌ترین مباحث حقوق مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای بیان شده است و علاوه بر این که موجب ایجاد هماهنگی میان قوانین داخلی کشورها می‌شود، کشورهای متعهد را به دست‌یابی به اهدافی در سطح بین‌المللی مانند حذف احتمال تبعیض بین قربانیان و تضمین این که مدعیان در کشورهایی با قوانین متعدد باید اختلافات خود را با توجه به قوانین مشابه صرف نظر از محل حادثه حل کنند، ترغیب می‌کند [۱].

نکته قابل تأمل این است که برخلاف برداشت اولیه و ظاهر این اصول، بسیاری از آن‌ها به دنبال محدودیت مسئولیت جبران خسارت برای مسئول یا مسئولین این گونه حوادث هستند تا به دلیل مسئولیت‌های سنگین (که بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی بار خواهد شد) از مزایای بی‌شمار و انحصاری این گونه فعالیت‌ها غفلت نشود و ترس از مسئولیت موجب تعطیلی فعالیت‌های هسته‌ای نشود.

در بیان فرصت‌ها و چالش‌های الحاق ایران به کنوانسیون وین، با در نظر گرفتن اصول اساسی جبران خسارات هسته‌ای طبق کنوانسیون وین، وضعیت حقوقی ایران در رابطه با هر یک از آن‌ها بررسی خواهد شد این مقایسه و بررسی ممکن است از جهاتی با شناسایی مفاهیم و پدیده‌های خاص حقوقی، فرصت‌های بسیار خوب و حتی ضروری برای گسترش فعالیت‌های هسته‌ای را به همراه داشته باشد، و از سوی دیگر به دلیل برخی ملاحظات همین اصول و شناسایی آن‌ها و بالتبع قبول آثار آن‌ها ممکن است چالش‌هایی را به دلیل برخی خلأهای قانونی ایجاد کند. البته در نگاه جامع و کلی‌تر این چالش‌ها به خودی خود مشکل ایجاد نخواهد



کشورهای نادر از قبیل آلمان نیز به تبعیت از کنوانسیون‌های مزبور، در حقوق داخلی، انتقال مسئولیت به سمت متصدی تأسیسات را مقرر داشته‌اند.

این اصل که در واقع نشان‌دهنده‌ی مسئولیت منحصر به فرد متصدی تأسیسات هسته‌ای است، دو ویژگی مهم دارد. نخست این که مسئولیت، به طور قانونی به متصدی تأسیسات هسته‌ای منتقل می‌شود و سایر افرادی که تحت قوانین عام مسئولیت مدنی به طور بالقوه مسئول شناخته می‌شوند را مبرا از مسئولیت می‌کند. دومین ویژگی این است که متصدی در خارج از چارچوبی که کنوانسیون وین مبین آن است، هیچ مسئولیتی ندارد و او را نمی‌توان بر طبق سایر مقررات قانونی به عنوان مثال قانون مسئولیت مدنی، مسئول دانست. این اصل یکی از ویژگی‌های خاص حقوق مسئولیت هسته‌ای است که به سایر حوزه‌های حقوقی هیچ شباهتی ندارد [۳]. مهم‌ترین دلایل ذکر شده برای پذیرش ضرورت این اصل شامل موارد زیر است:

الف. پذیرش این اصل باعث اجتناب از مسائل دعاوی متقابل پیچیده‌ی حقوقی است و بار اثبات ادعا را از دوش قربانیان برداشته و متصدی را مسئول می‌داند.

ب. با انتقال مسئولیت به متصدی، ضرورت داشتن بیمه برای کلیه‌ی افراد دست‌اندر کار احداث و یا فعالیت تأسیسات هسته‌ای، مرتفع می‌شود. البته خود متصدی باید بیمه‌ی مسئولیت داشته باشد که در نتیجه‌ی این امر، منجر به تمرکز ظرفیت بیمه‌ی موجود می‌شود [۲].

پ. عدم شناسایی این اصل ممکن است از توسعه‌ی صنعت هسته‌ای جلوگیری کند. زیرا تأمین‌کنندگان مواد و تجهیزات هسته‌ای و افراد مسئول حمل و نقل در مواجهه با مشکلات عمده‌ای که راجع به دعاوی مسئولیت برایشان ممکن است پیش آید، در ابتدا از ورود به حوزه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای خودداری می‌کنند.

ت. در صورت فقدان اصل فوق، فعالان حوزه‌های مختلف صنعت هسته‌ای که ممکن است مسئول شناخته شوند مجبور به اخذ بیمه شوند که هزینه‌ی زیادی را بر آن‌ها تحمیل می‌کند.

کرد، بلکه به دلیل وضعیت خاص نظام حقوقی ما و لوازم و ضروریات اختصاصی حقوق هسته‌ای این چالش‌ها را ممکن است ایجاد کند.

۲. فرصت‌های الحاق به کنوانسیون وین

با الحاق به کنوانسیون وین و پذیرش اصول مسئولیت مدنی مندرج در آن، یکسری اصول، نهادهای حقوقی جدیدی را در حقوق ایران شناسایی می‌کنند و بعضی دیگر نهادهای موجودی را که البته در مواقع نادری کاربرد دارند، توسعه می‌دهند. بنابراین، این اصول به تفکیک مورد بررسی خواهند گرفت.

۱.۲ شناسایی نهادهای حقوقی

۱.۱.۲ اصل انتقال قانونی مسئولیت به متصدی (کانالیزه کردن مسئولیت) (۲۰۱)

در فعالیت‌های هسته‌ای گروه‌های متعددی از قبیل مراکز تحقیقاتی و توسعه‌ای، تهیه‌کنندگان مواد هسته‌ای و منابع تشعشع یونیزه‌کننده، متخصصان پزشکی، شرکت‌های مهندسی - معماری و متصدیان تأسیسات هسته‌ای و نهادهای ناظر نقش فعال دارند. مسئله‌ی مهمی که در این میان وجود دارد، تعیین مسئول حفظ ایمنی فعالیت هسته‌ای و جبران خسارت ناشی از حوادث رخ داده در نیروگاه‌های هسته‌ای از بین اشخاص مربوطه است.

در حقوق مسئولیت مدنی هسته‌ای به سبب ویژگی‌های منحصر به فردی که در رویدادهای هسته‌ای وجود دارد، این اصل که هر شخص مسئول جبران خسارات ناشی از اعمال خود است، کنار گذاشته، و اصل دیگری جایگزین آن شده است. اگرچه برخی معتقدند که همه‌ی اشخاص مربوطه، مسئولیت حفاظت از ایمنی را دارند، اما نظر غالب آن است که متصدی یا صاحب امتیازی که مجوز فعالیت هسته‌ای دارد «مسئول اصلی» حفظ ایمنی است [۲].

کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، در عمل با کانالیزه کردن مسئولیت مدنی به سمت متصدی تأسیسات هسته‌ای، در شناسایی مسئول معینی که همگان او را می‌شناسند، کوشیده‌اند و بسیاری از کشورها به غیر از برخی



باید به دنبال اثبات تقصیر و اقامه‌ی دعوا علیه افراد مختلفی باشد که به نحوی در وقوع حادثه دخیل بوده‌اند که البته این امر عملاً به سبب پیچیده و تخصصی بودن فعالیت‌های هسته‌ای و هزینه‌بر بودن اقامه‌ی دعوا علیه تمام افرادی که در ایجاد حادثه تقصیر داشته‌اند، از توان قربانیان حادثه خارج بوده و حتی در صورت امکان اثبات تقصیر، مسئول حادثه توان جبران ندارد. در نتیجه، خسارات غیرقابل جبران باقی خواهند ماند. بنابراین پیوستن به کنوانسیون، به نوعی امکان جبران خسارت برای قربانیان را تضمین می‌کند.

۲۰۱۲ محدودیت میزان مسئولیت^(۳)

فعالیت‌های هسته‌ای به سبب ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی که دارند، موجب شده تا به جای اصل کلی لزوم جبران کامل خسارت، «اصل محدودیت جبران خسارت» پذیرفته شود. کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای به دولت‌های عضو کنوانسیون اجازه می‌دهند تا میزان مسئولیت متصدی را محدود کنند و در صورت عدم تصریح محدودیت، مسئولیت متصدی نامحدود تلقی می‌شود. فقط معدودی از دولت‌ها مانند آلمان و ژاپن، رویکردشان مسئولیت نامحدود متصدی تأسیسات هسته‌ای است و بقیه‌ی دولت‌ها مسئولیت متصدی را محدود می‌کنند. محدودیت میزان مسئولیت به طور قطع به نفع متصدی است. قانون‌گذاران معتقدند که مسئولیت نامحدود یا میزان زیاد مسئولیت، افراد را از پرداختن به فعالیت‌های هسته‌ای منصرف می‌کند، زیرا خساراتی که در نتیجه‌ی وقوع یک حادثه‌ی هسته‌ای به وجود می‌آیند ممکن است بسیار گسترده و عظیم باشند و اگر متصدی تمام دارایی‌های خود از جمله تأسیسات و دستگاه‌ها و راکتورها را بفروشد باز هم از پس پرداخت خسارت بر نخواهد آمد و این فشارهای مالی ایجاد شده بر متصدی ممکن است منجر به ورشکستگی وی شود [۲]. از طرفی، یکی از ضرورت‌های فعالیت‌های با ریسک بالا، اتخاذ پوشش بیمه‌ای مناسب است که این امر در فعالیت‌های هسته‌ای نیز اجباری است، اما به سبب گستردگی خسارت ایجاد شده از حادثه‌ی هسته‌ای، قطعاً هیچ بیمه‌گری حاضر نیست کل خسارات را بیمه کند و مقداری از خسارات همیشه بدون پوشش بیمه باقی می‌ماند.

ث. با پذیرش این اصل، افراد آسیب‌دیده در طرح دعوا علیه فرد مسئول دچار سردرگمی نمی‌شوند.

ج. با عنایت به این که منتفع اصلی از مواد و انرژی هسته‌ای، متصدی تأسیسات (بهره‌بردار) است، به استناد قواعد مشهور مثل من له الغنم فعلیه الغرم، مسئول دانستن وی امر کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

چ. معمولاً بنیه‌ی مالی متصدی تأسیسات به دلیل نظارت سنگین و مقررات دقیق سخت‌گیرانه از سایرین بیش تر است و خسارت زیان‌دیدگان بهتر جبران می‌شود.

به دلایل موجه فوق است که تقریباً همه‌ی کشورها اصل انتقال قانونی مسئولیت را پذیرفته‌اند و برخی دیگر از کشورها همچون ایالات متحده‌ی آمریکا که اصل انتقال اقتصادی مسئولیت را مقرر کرده است نیز ساز و کارهایی را با نتایج مشابه نتیجه‌ی اصل فوق در نظر گرفته‌اند.

در حقوق ایران، قواعد و اصولی مطابق با آنچه راجع به مسئولیت انحصاری بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای است، وجود ندارد. البته در برخی قوانین، شباهت‌های مختصر و محدودی با اصل فوق وجود دارد. برای مثال: کارفرما طبق ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، مسئول جبران خساراتی است که از طرف کارکنان اداری و یا کارگرانی که در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است، و یا بر اساس ماده‌ی ۳۸۸ قانون تجارت، متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده است حتی اگر به سبب تقصیر فردی باشد که از طرف وی مأمور شده است، اتفاق افتاده باشد [۴].

در ایران تصدی فعالیت‌های هسته‌ای با دولت است و طبق ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، در صورتی که کارفرما دولت باشد، اگر کارمندان به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد کنند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده هستند. بنابراین ممکن است هر فردی که به نحوی دخالت در وقوع حادثه دارد، از مهندس تأسیسات گرفته تا متصدی حمل و نقل و غیره، به عنوان مسئول شناخته می‌شود، البته به شرطی که تقصیر آن‌ها را بتوان ثابت کرد. بنابراین قربانی حادثه‌ی هسته‌ای در حقوق ایران،



جبران خسارات ناشی از آن‌ها خارج از توان فاعل فعل زیان‌بار است، نیاز به پوشش بیمه یا سایر تضمینات وجود دارد. که یکی از این فعالیت‌ها که شاید بتوان از آن به‌عنوان خطرناک‌ترین صنعت تعبیر کرد، صنعت انرژی هسته‌ای است.

صنعت بیمه با نقش مؤثری که ایفا کرده است، از مهم‌ترین عوامل پیشرفت صنعت هسته‌ای محسوب می‌شود. چراکه اگر بیمه وجود نداشت قطعاً هیچ‌کس حاضر نبود خطرهای ناشی از مسئولیت حوادث هسته‌ای را بپذیرد. بنابراین از فعالیت‌های هسته‌ای کناره‌گیری می‌کردند. نقش بیمه مخصوصاً در کشورهایی که اشخاصی غیر از دولت تصدی تأسیسات هسته‌ای را برعهده گرفته‌اند، کاملاً آشکار است.

بر اساس کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای، متصدی ملزم به تأمین بیمه یا سایر ابزارهای تأمین امنیت مالی (تضمینات مالی) به منظور پوشش مسئولیت خود در مقابل خسارات هسته‌ای است البته میزان، نوع و شروط خاص را دولت دارای تأسیسات معین می‌کند.

اصل تناسب مسئولیت و تضمین مالی، این موضوع را که میزان مسئولیت متصدی همیشه توسط مقدار مساوی اعتبار مالی پوشش داده شود را تضمین می‌کند. این اصل هم به نفع زیان‌دیدگان هسته‌ای است هم به نفع متصدیان هسته‌ای، زیرا زیان‌دیدگان از این‌که قطعاً مطالبات و ادعاهای آن‌ها پرداخت می‌شود، اطمینان حاصل پیدا می‌کنند و متصدی نیز از قبل، اعتبارات و بودجه‌های لازم برای پرداخت غرامت را در اختیار خواهد داشت و نیازی به تبدیل دارایی‌هایش به پول نقد پیدا نخواهد کرد [۲]. در ایران تصدی تأسیسات هسته‌ای با دولت است و بیمه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای نیز وجود ندارد. البته شاید یک دلیل عدم وجود بیمه، ویژگی‌های خاص خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای است که درواقع بیمه‌گذاران توانایی پوشش چنین خسارات هنگفتی را ندارند و این موضوع نشان دهنده‌ی ضعف سیستم بیمه‌ای در ایران است. در صورت وقوع حادثه در ایران، خود دولت باید

بنابراین حتی اگر مسئولیت متصدی نامحدود باشد، به این معنا نیست که امکان جبران تمام خسارات وجود دارد [۵]. حتی اگر مسئولیت نامحدود برای متصدی تأسیسات هسته‌ای وجود داشته باشد، همیشه یک حدی وجود دارد که عبارت‌اند از نقطه‌ای که در آن توان فرد مسئول به اتمام رسیده است. (تکلیف مالایطاق) در این مرحله مسئولیت متصدی برای پرداخت خسارت به پایان می‌رسد و اگر خسارات حادث شده به حدی زیاد باشد که در سطح ملی مطرح شود، مسئولیت دولت به پرداخت خسارت آغاز می‌شود [۶].

محدود بودن میزان مسئولیت متصدی قطعاً به عنوان یک مزیت محسوب می‌شود نه به‌عنوان مانعی برای فعالیت‌های هسته‌ای. با این حال اشاره به این نکته لازم است که برخلاف کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس، در کنوانسیون وین، حداکثری برای میزان مسئولیت مقرر نشده است و دولت دارای تأسیسات برای تحمیل میزان بیش‌تری از مسئولیت و یا حتی مسئولیت نامحدود، آزاد است. حداقل مسئولیت بر اساس کنوانسیون ۱۹۹۷، از ۵ میلیون دلار آمریکا به ۳۰۰ میلیون SDRS^(۴) تغییر کرده است [۶]. با این حال در برخی از کشورها هم‌چون کشور ما که صنعت هسته‌ای در آغاز راه است پیش‌بینی، مسئولیت نامحدود ممکن است سد بزرگی برای پیشرفت‌های عظیم هسته‌ای باشد و در صورت وقوع حادثه‌ی هسته‌ای در ایران تا جایی که امکان دارد باید به قربانیان غرامت پرداخت شود که این امر هزینه‌ی فوق‌العاده هنگفتی را بر عهده‌ی دولت می‌گذارد و اگر خوب بررسی کنیم می‌بینیم که بسیاری از کشورهای پیشرفته‌ی هسته‌ای که امروزه مدعی مسئولیت نامحدود هستند خود در ابتدای راه با حداقل‌های بسیار پایینی (در حد ۵ میلیون دلار) از جبران خسارت همراه بوده‌اند. از این‌رو در کشورهایی چون کشور ما، پیش‌بینی مسئولیت محدود، منطقی‌تر به نظر می‌رسد و مصلحت عمومی بهتر فراهم می‌شود.

۳.۱.۲ اصل تناسب مسئولیت و پوشش مالی متصدی^(۵)

به طور کلی افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، در مورد اکثر فعالیت‌هایشان نیاز به بیمه یا سایر تضمینات مالی دیگر ندارند، اما در بعضی از فعالیت‌ها به سبب اینکه نوعاً



۲.۴.۱.۲ از دست دادن درآمد حاصل از منافع اقتصادی در هرگونه انتفاع از محیط زیست:

این نوع از ضرر که در جزء ۵ بند k ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین ذکر شده، به عنوان یک نتیجه از اختلالات مهم محیط زیست محسوب می‌شود و تا جایی که مشمول بندهای دیگر نشده باشد طبق این بند قابل جبران است. یک مثال مشهوری که در طی مذاکرات تدوین کنوانسیون مطرح شده است، هتلی واقع در ساحلی بود که مشتریان خود را به دلیل آلوده شدن ساحل از دست داده بود [۶].

۳.۴.۱.۲ هزینه‌ی تدابیر و اقدامات لازم برای اعاده‌ی وضعیت سابق در مورد محیط زیست آسیب دیده^(۶):

امروزه التزام به جبران خسارت زیست محیطی بر اساس قاعده‌ی عام مسئولیت بین‌المللی، به عنوان اصل مبنایی به منظور حفاظت از محیط زیست شناسایی شده است [۱۰]. در مورد خسارات زیست محیطی امکان جبران خسارت وجود ندارد، زیرا قابل ارزیابی به پول نیستند و در صورت ارزیابی هم فرقی به حال محیط زیست نمی‌کند. بنابراین در کنوانسیون ۱۹۹۷ وین در مورد خسارات زیست محیطی به جای واژه‌ی جبران از واژه‌ی بازسازی استفاده شده است. خساراتی که از محل هزینه‌ی اقدامات ضروری برای اعاده‌ی وضعیت سابق در مورد محیط زیست آسیب دیده حادث می‌شود، کاملاً متفاوت از انواع خسارت اقتصادی ذکر شده در موارد قبل می‌باشد. عنوان جدیدی از ضرر که ذیل جزء ۴ بند k ماده ۱ آمده است با وجود این که مربوط به اختلال و آسیب به محیط زیست است اما صرفاً در مورد ضررهایی است که به دلیل هزینه‌ی اقدامات لازم برای بازگرداندن محیط زیست به وضعیت سابق اتخاذ شده یا باید اتخاذ شود [۳].

۴.۴.۱.۲ هزینه‌ی اقدامات پیشگیرانه^(۷):

نوع دیگری از خسارت که در جزء ۶ بند k ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ آمده است، شامل هزینه‌ی اقدامات پیشگیرانه از ایجاد خسارت است که باید توسط زیان‌دیده، این هزینه انجام شود. اقدامات پیشگیرانه به حدی اهمیت دارند که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، اگر مدعی پرداخت

خسارات را جبران کند. بنابراین این اصل یکی از فرصت‌های الحاق به کنوانسیون وین برای ایران محسوب می‌شود.

۴.۱.۲ پیش‌بینی عناوین جدید از خسارات قابل جبران

در عموم حوادث از جمله حوادث هسته‌ای منجر به ورود زیان، معمولاً سه دسته از خسارات قابل جبران شناخته‌اند که عبارت‌اند از فوت، جراحات بدنی و صدمه به اموال و دارایی یا تلف آن‌ها. این سه نوع خسارت در کنوانسیون ۱۹۶۳ وین و در نسخه‌های قدیمی و جدید از کنوانسیون‌ها یکسان هستند. بعد از وقوع حادثه چرنوبیل، به سبب وسعت آسیب‌های ایجاد شده، در مفهوم خسارات قابل جبران تجدیدنظر شد و انواع جدیدی از خسارات در کنوانسیون‌های جدید و از جمله کنوانسیون ۱۹۹۷ وین قابل جبران دانسته شد.

۱.۴.۱.۲ خسارات اقتصادی محض

منظور آن دسته از خساراتی است که به دارایی زیان‌دیده وارد شده است. این نوع خسارت ماهیتاً اقتصادی و پولی بوده است [۷]. اما ناشی از صدمات بدنی یا زیان‌های وارد شده به اموال نیست [۸]. در جزء ۳ بند k ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۹۷، از این خسارت به عنوان خسارت قابل جبران یاد شده است و البته میان نظام‌های حقوقی، قابلیت جبران برخی از اقسام خسارات اقتصادی محض، محل اختلاف است [۸]. در مورد خسارات اقتصادی محض که منشأ قراردادی دارند، تقریباً همه نظام‌های حقوقی حتی کشورهایی که اصل را بر غیر قابل جبران بودن ضررهای اقتصادی محض می‌دانند، با استناد به اصل آزادی قراردادهای و اصل حاکمیت اراده و توافق اشخاص، آن را قابل جبران می‌دانند [۹]. بنابراین آنچه مورد اختلاف است، ضررهای اقتصادی محضی است که منشأ قراردادی ندارند. هم‌چنین میان انواع خسارات اقتصادی محض نیز از جهت قابل جبران بودن، اختلاف وجود دارد که پرداختن به انواع آن از حوصله‌ی مقاله حاضر خارج است.



غرامت برای ممانعت از ایجاد خسارت و یا حداقل کاهش خسارت اقدامات منطقی را به عمل نیاورد، ادعای پرداخت غرامت وی ممکن است رد شود و یا میزان خسارت پرداختی کاهش یابد. بنابراین پرداخت هزینه‌ی چنین اقداماتی که برای منافع فرد مسئول (با کاستن از میزان مسئولیت وی) انجام شده است حتی اگر در عدم وقوع حادثه یا کاهش میزان خسارت مؤثر واقع نشود، منطقی به نظر می‌رسد [۳]. در حقوق ایران با قواعدی هم‌چون قاعده‌ی احسان به راحتی مطالبه‌ی این خسارات، قابل توجیه است. زیرا زیان‌دیده با قصد احسان به عامل زیان، در راستای کاستن از میزان مسئولیت وی هزینه‌های مختصری (نسبت به هزینه‌های وقوع خسارت در صورت عدم انجام اقدامات پیشگیرانه) را انجام می‌دهد.

۲.۲ توسعه‌ی نهادهای حقوقی

۱.۲.۲ مسئولیت مطلق^(۸)

یکی از موضوعات عمده در تعیین مسئولین جبران خسارت، لزوم یا عدم لزوم اثبات تقصیر فردی است که منجر به ایجاد خسارت شده است. از نظر لزوم تقصیر، دو نوع مسئولیت مدنی وجود دارد. مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر که فاعل زیان‌دهنده تنها زمانی مسئول شناخته می‌شود که زیان‌دیده بتواند تقصیر وی را اثبات کند [۱۱] و مسئولیت مدنی بدون تقصیر که تقصیر به‌طور کلی از مبنای آن خارج شده است. در این نظریه، اصل بر مسئولیت و جبران است و اثبات عدم تقصیر تأثیری در مسئولیت ندارد.

بند ۱ ماده‌ی ۴ کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هسته‌ای ۱۹۶۳ وین، به‌صراحت مسئولیت ابراتور (متصدی)^(۱۰،۹) را مطلق اعلام^(۱۱)، و این اصل اثبات ادعای قربانیان حادثه‌ی هسته‌ای را تا حد زیادی تسهیل کرده است. به عبارت دیگر، متصدی تأسیسات هسته‌ای در بخش خود مسئول پرداخت غرامت است بدون این که مرتکب تقصیری شده باشد. مدعی تنها نیاز به اثبات رابطه‌ی سببیت بین حادثه‌ی هسته‌ای و خسارتی دارد که مستوجب پرداخت غرامت است و ملزم به اثبات مسامحه یا هرگونه قصور از جانب متصدی نیست. البته بند ۳ ماده‌ی ۴، برخی از علل تبرئه‌ی متصدی از مسئولیت را به رسمیت می‌شناسد. طبق این

مقرره، اگر حادثه به طور مستقیم از «درگیری مسلحانه، جنگ، جنگ داخلی و یا شورش» ناشی شده باشد و یا طبق قانون کشور دارای تأسیسات در صورتی که حادثه‌ی هسته‌ای مستقیماً ناشی از یک فاجعه‌ی بسیار بزرگ طبیعی حاصل از یک عامل استثنایی باشد، متصدی مسئول نیست. هم‌چنین طبق بند ۷ ماده‌ی ۴ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین درجایی که آسیب هسته‌ای ناشی از فعل یا ترک فعل عمدی فرد دیگری به‌منظور ایجاد حادثه باشد، مقررات کنوانسیون راجع به مسئولیت مطلق متصدی نیز اعمال نمی‌شود [۳]. در فعالیت‌های هسته‌ای به سبب پنهان بودن و پیچیدگی‌های خاصی که دارد، اصل ویژه‌ای تحت عنوان «مسئولیت مطلق» وجود دارد. در نتیجه، هرگونه مسئولیت مبتنی بر تقصیر در فعالیت‌های هسته‌ای نه تنها سیستم مناسبی برای آن نیست بلکه حتی فرض تقصیر هم نمی‌تواند مناسب باشد چرا که در بیش‌تر موارد اثبات عدم تقصیر توسط متصدی کار سختی نیست بنابراین ممکن است خسارات غیرقابل جبرانی باقی بماند. در نتیجه بهترین قاعده به‌عنوان مبنای مسئولیت در حقوق مسئولیت هسته‌ای مسئولیت مطلق است.

از آنجا که در حقوق ایران، قانون خاصی در رابطه با مسئولیت مدنی هسته‌ای وجود ندارد، مبنای واقعی مسئولیت همان تقصیر است که در تضاد با ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی پذیرش مسئولیت مطلق است. در قانون مجازات اسلامی در رابطه با مسئولیت مدنی نیز مسئولیت مبتنی بر تقصیر پذیرفته شده است. در برخی موارد پذیرش اصل لزوم اثبات تقصیر برای مسئولیت با یک آشفتگی همراه است. در ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، نظریه‌ی خطر برای مسئولیت کارفرما در قبال خطرات ناشی از فعالیت‌های وی پذیرفته شده است [۱۲]. هم‌چنین چون مسئولیت مطلق برای فعالیت‌های هسته‌ای رد شده است امکان در نظر گرفتن بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به‌عنوان کارفرما برای مسئولیت مطلق وی در رابطه با خسارات ناشی از حادثه‌ی اتمی وجود ندارد مگر اینکه واقعاً حادثه ناشی از عملکرد یا تقصیر بهره‌بردار باشد. در موارد دیگر فرد آسیب‌دیده باید رابطه‌ی



دعوا کرده‌اند تأثیر نخواهد گذشت. دوم، بر اساس بند ۴ ماده‌ی ۶ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین، فردی که از آسیبی که قبلاً در زمان و مهلت قانونی در مورد آن شکایت کرده بوده است، به شدت رنج می‌برد، ممکن است بعد از انقضاء آن مدت قانونی که بیان شد، ادعای خود را به سبب این که میزان آسیبی که دیده است شدت پیدا کرده است، اصلاح کند، به شرط این که رأی نهایی هنوز صادر نشده باشد. البته قانون دادگاه صالح ممکن است آسیب‌دیده را از این امکان محروم کند [۳].

در حقوق ایران، مرور زمان تنها در موارد خاص و محدودی که نص قانون به آن تصریح کرده است، پذیرفته شده است. بنابراین می‌توان گفت که در خصوص اغلب موارد، مانند جبران خسارت، محدودیت زمانی طرح دعوا وجود ندارد. بنابراین در صورت وقوع حادثه‌ی هسته‌ای در ایران، در مدت زمان نامحدودی قربانیان اجازه اقامه‌ی دعوا، جبران خسارت را دارند و همان‌طور که بیان شد، به سبب ویژگی‌های خاص حوادث هسته‌ای، عدم وجود محدودیت زمانی در اقامه‌ی دعوا، پیامدهای ناگواری را برای فعالان در این حوزه به وجود می‌آورد. بنابراین وجود محدودیت زمانی در اقامه‌ی دعوا، در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، یکی از فرصت‌های پیوستن به این کنوانسیون‌ها محسوب می‌شود.

۳.۲.۲ اصل صلاحیت و حل تعارض در صلاحیت دادگاه

به طور کلی دعوی مسئولیت مدنی به عنوان یک دعوی مالی ممکن است تحت تأثیر یک یا چند عامل خارجی نظیر تابعیت، اقامتگاه و یا محل وقوع حادثه قرار گیرد که در این صورت ممکن است بحث صلاحیت دو یا چند دادگاه و قانون مطرح شود. بر اساس قوانین شکلی عام ممکن است محاکم متعددی، صلاحیت قضایی برای رسیدگی به ادعای خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای را داشته باشند که در عمل این امر مشکل‌آفرین خواهد بود.

اصولاً کشورها قواعد خاصی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها با عنوان قواعد تعیین صلاحیت بین‌المللی دارند که قاضی با مراجعه به آن‌ها راجع به صلاحیت

سببیت بین خسارات و اعمال افراد دیگر را اثبات کند که این کار به دلایلی که قبلاً ذکر شد بسیار سخت است [۴]. در واقع یکی از فرصت‌های الحاق به کنوانسیون وین برای ایران، حاکمیت اصل مسئولیت مطلق در مسئولیت‌های مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای است.

۲.۲.۲ محدودیت زمانی مسئولیت (مرور زمان)^(۱۳)

در اکثر نظام‌های حقوقی یک محدودی زمانی برای طرح دعوا وجود دارد که محدودی زمانی معمول در قوانین مسئولیت مدنی ۳۰ سال است. در فعالیت‌های هسته‌ای، مسئولیت متصدی در زمان نیز محدود می‌شود، با توجه به این که آسیب‌های فیزیکی ناشی از آلودگی رادیواکتیوی ممکن است تا سال‌ها بعد از حادثه آشکار نشود، در نظر گرفتن یک محدودی زمانی کوتاه، قطعاً غیرعادلانه است، از طرف دیگر، از آن‌جا که اثبات رابطه‌ی بین آسیب ناشی از تشعشع طولانی مدت با همان منبع رادیواکتیوی دشوار است، یک زمان کوتاه‌تری برای امکان طرح دعوا نسبت به زمانی که معمولاً تحت قواعد کلی قانون مسئولیت مدنی ارائه می‌شود انتخاب شده است.

بر اساس کنوانسیون ۱۹۹۷ وین (بند a ماده‌ی ۶) مرور زمان برای طرح دعوی راجع به مرگ و صدمات شخصی ۳۰ سال، اما در رابطه با بقیه‌ی خسارت ۱۰ سال از تاریخ ایجاد حادثه است و اگر تا مدت مذکور از وقوع حادثه‌ی هسته‌ای طرح دعوا نشود، حق گرفتن خسارت از بین می‌رود. علاوه بر این، ماده‌ی فوق بیان می‌دارد که امکان تخطی کردن از این زمان وجود ندارد [۳].

در دو مورد طرح دعوا بعد از گذشت ده سال معتبر است. نخست، طبق بند ۱ ماده‌ی ۶ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین، اگر بر اساس قانون دولت دارای تأسیسات، مسئولیت متصدی توسط ابزارهای تأمین امنیت مالی و یا بودجه‌ی دولت برای مدت بیش‌تری پوشش داده شود، قانون دادگاه صالح ممکن است امکان طرح دعوا در آن زمان طولانی‌تر از ده سال را مقرر دارد، اما تمديد چنین مدتی بر حق شناسایی شده توسط کنوانسیون در مورد پرداخت خسارت افرادی که در طول مدت ۱۰ سال، علیه متصدی راجع به جراحت و یا فوت طرح



تصمیم‌گیری می‌کند که این قواعد در کشورهای مختلف برحسب این که چه مبنایی را برای تعیین صلاحیت پذیرفته‌اند متفاوت است. مثلاً در حقوق فرانسه، اصولاً صلاحیت مبتنی بر تابعیت و در حقوق انگلستان صلاحیت مبتنی بر حضور در حوزه‌ی صلاحیت یا ابلاغ به شخص است [۱۳].

اگر حادثه‌ی هسته‌ای در ایران رخ دهد، چون قانون خاصی در خصوص مسئولیت مدنی هسته‌ای نداریم و به کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط نیز نپیوسته‌ایم، باید به قواعد عمومی رجوع کنیم. اگر حادثه ناشی از تأسیسات هسته‌ای ایران باشد، به دلیل این که در ایران تصدی تأسیسات هسته‌ای بر عهده‌ی دولت است، هم از نظر مبنای محل اقامت خوانده و هم این که به نوعی این نوع حادثه با نظم عمومی مرتبط است [۱۴]، دادگاه ایران صلاحیت رسیدگی به دعوی هم اتباع خود و هم اتباع سایر کشورها را دارد. اما اگر حادثه از تأسیسات هسته‌ای کشورهای دیگر، در ایران رخ دهد، کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای که در واقع محل اقامتگاه خواننده محسوب می‌شود صالح است. البته خواهان طبق ماده‌ی ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی، حق اقامه‌ی دعوا در ایران را دارد اما به احتمال خیلی زیاد دادگاه کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای از اجرای آن حکم امتناع خواهد ورزید و بنابراین بهتر است زیان‌دیده به طریقی اقدام کند که در عمل بهترین نتیجه را داشته باشد.

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های رژیم مسئولیت هسته‌ای، تعیین یک دادگاه صالح واحد برای رسیدگی به تمام دعوی راجع به جبران خسارت است [۱۵]. این تمرکز دادرسی‌ها در یک دادگاه واحد هم باعث ایجاد قطعیت قانونی^(۱۳) می‌شود و هم از موقعیتی که در آن خواهان به دنبال قضاوت و داوری مناسب‌تری^(۱۴) باشند جلوگیری می‌کند. قاعده‌ی صلاحیت انحصاری، دادگاه صالح نزدیک به منبع آسیب را تعیین می‌کند و بدون این که آسیب‌دیده بخواهد سفرهای زیادی انجام دهد [۱]، اجازه‌ی طرح دعوا می‌دهد. بنابراین کنوانسیون‌های هسته‌ای برای حل مشکل، قاعده‌ای عام با استثنائات معدودی با عنوان قاعده‌ی صلاحیت (دادگاه) را بیان کردند. قاعده‌ی فوق اولاً: صلاحیت انحصاری

رسیدگی به دعوی خسارت هسته‌ای را به دادگاه‌های کشوری که حادثه در آن به وقوع پیوسته اعطا می‌کند، و ثانیاً: هر یک از دولت‌های عضو کنوانسیون‌های مذکور باید تضمین کنند که فقط یکی از محاکم آن‌ها در مورد حادثه‌ی هسته‌ای که در کشور دیگر رخ داده است، صلاحیت قضایی دارند [۲].

بر اساس بند ۱ و ۲ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، دادگاه صالح به ترتیب زیر ممکن است دادگاه کشور محل وقوع حادثه و یا کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای تعیین شود:

۱. حادثه در قلمرو کشور عضو معاهده رخ دهد، دادگاه همان کشور صلاحیت دارد.
۲. حادثه در زمان حمل و نقل مواد هسته‌ای از مبدأ یا به مقصد تأسیسات هسته‌ای واقع در قلمرو کشور عضو معاهده رخ دهد، صلاحیت با دادگاه همان کشور است.
۳. حادثه در زمان حمل و نقل مواد هسته‌ای از مبدأ یا به مقصد تأسیسات هسته‌ای واقع در قلمرو کشور غیر عضو معاهده رخ دهد، بر اساس بند ۲ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، صلاحیت انحصاری با دادگاه کشوری است که تأسیسات متصدی مسئول در قلمرو آن واقع شده است که البته همین دادگاه در صورت وقوع حادثه در دریاهای آزاد هم صالح است.
۴. حادثه در قلمرو دریایی کشور عضو معاهده رخ دهد، دادگاه همان کشور صالح است. (منظور مناطق دریایی بوده که تحت حاکمیت کشور ساحلی قرار گرفته است)
۵. حادثه در قلمرو خاکی یا دریایی کشور غیر عضو واقع شود، دادگاه کشور محل وقوع تأسیسات صالح است.
۶. در مورد حادثه‌ی ایجاد شده مناطق دریایی که تحت حاکمیت هیچ کشور خاصی نیست، دادگاه کشور محل وقوع تأسیسات صلاحیت رسیدگی دارد.
۷. در موردی که محل وقوع حادثه دقیقاً قابل شناسایی نباشد، دادگاه‌های کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای صالح شناخته می‌شوند.



قوانین یاد می‌کنند و معتقدند که در تمام دعاوی مطروحه در دادگاه‌های ایران، قانون ایران صالح است و هر جا تردید در اجرای قانون ایران و خارج باشد، در مقام حل تعارض قوانین، قانون ایران در خصوص ساکنان آن، اجرا خواهد شد [۱۸]. بنابراین هرگاه بر اثر فعل زیان‌باری در قلمرو ایران به حقوق اشخاص (چه اتباع ایرانی چه غیرایرانی)، آسیبی وارد شود و موجب ضرر مادی یا معنوی شود و دعوا در ایران مطرح شود، قانون ماهوی ایران صالح است. ولی اگر دعوا در دادگاهی خارجی اقامه شود، آن دادگاه بر اساس قواعد حل تعارض دولت خود، قانون صالح را مشخص می‌کند که ممکن است قانون ماهوی ایران را به‌عنوان قانون محل وقوع فعل زیان‌بار بداند [۱۹].

در ماده‌ی ۹۶۸ قانون مدنی بیان شده است که: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدین اتباع خارجه، آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند». عده‌ای از حقوق‌دانان با وحدت ملاک گرفتن از این ماده که در واقع قاعده‌ی حل تعارض در قراردادها محسوب می‌شود، تعهدات خارج از قرارداد را نیز تابع قانون محل منشأ تعهد می‌دانند [۱۸، ۲۰]. از آنجا که مسئولیت مدنی از دسته دعاوی منقول محسوب می‌شود، عده‌ای با قیاس مسئولیت مدنی با مسئولیت جزایی^(۱۵) آن را تابع قانون محل وقوع حادثه دانسته‌اند و مدعی شده‌اند که این عقیده مورد مقبولیت اکثر کشورهاست [۱۴]. اما در مقابل، بعضی معتقدند که قانون اقامتگاه خواننده از این نظر که باعث تقارن صلاحیت قانون‌گذاری و صلاحیت قضایی است، صحیح‌تر است. زیرا همان‌طور که بیان شد دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به دعوی دین (منقول)، دادگاه اقامتگاه خواننده است [۱۶].

بر اساس کنوانسیون وین، دادگاه صالح در وهله‌ی اول ملزم به اعمال مقررات کنوانسیون است که به صورت خودبه‌خود الزام‌آور هستند^(۱۶) و نیاز به تصویب در نظام حقوقی داخلی ندارد و عضویت در کنوانسیون، خود به معنای پذیرفتن اجرای این مقررات است و یا ملزم به اجرای بعضی از این قوانین هستند که توسط قوه‌ی قانون‌گذاری داخلی به

به موجب بند ۴ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین، کشوری که دادگاه‌های آن صالح برای رسیدگی تشخیص داده شده است باید اطمینان دهد که تنها یک دادگاه، صلاحیت قضایی رسیدگی به دعاوی ناشی از یک حادثه هسته‌ای را دارد. البته درج مقرره‌ای مشابه مقرر در فوق در کنوانسیون تکمیلی جبران خسارت و ضمیمه آن مغفول مانده است [۳].

۴.۲.۲ تعیین قانون حاکم در تعارض قوانین

از آنجا که صلاحیت دادگاه یک کشور الزاماً منجر به صلاحیت قانون آن کشور نمی‌شود [۱۶]، تعیین قانون حاکم نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، مقرراتی در خصوص تعیین قانون صالح تصریح شده است.

نظر مشهور در خصوص قانون صالح در دعوی مسئولیت مدنی که توسط بسیاری از کشورها هم پذیرفته شده است، معمولاً قانون محل وقوع حادثه است [۱۴]. لیکن اجرای قانون محل حادثه خصوصاً در حوزه‌ی حمل و نقل بین‌المللی مواد هسته‌ای به دو دلیل امکان‌پذیر نیست: اولاً به دلایل خطر طبیعی و ذاتی حمل و نقل مواد هسته‌ای، این موضوع واضح است که ممکن است حادثه در کشورهای دورتر از کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای رخ دهد. ثانیاً محل وقوع حادثه غالباً و به احتمال زیاد، کشور محل اقامت دائمی قربانی است [۱۷].

در خصوص دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای در ایران، باید به قواعد کلی حل تعارض مراجعه کرد، زیرا نه تنها عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای نشده است، قانون هسته‌ای مصوبی نیز ندارد. در باب مسئولیت مدنی و تعهدات غیر قراردادی، مسائل تعارض بسیار مبهم است چنان‌که در حقوق ایران قاعده‌ای درباره حل تعارض در مسئولیت غیر قراردادی نمی‌توان یافت. ماده‌ی ۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد که: «کلیه‌ی سکنه‌ی ایران اعم از اتباع خارجی و داخلی مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». برخی از حقوق‌دانان، از این ماده به عنوان اصل سرزمینی بودن

تعارضی که سابقاً بین دو مقرره‌ی قانونی آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری با قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی وجود داشته، به بیان برخی از مصادیق قابلیت جبران ضرر اقتصادی در نظام حقوقی ایران از قبیل ماده‌ی ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی، ماده‌ی ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ و بند ۲ ماده‌ی ۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی دانسته‌اند [۹]. هم‌چنین برخی دیگر در نظری جامع‌تر، معتقدند که ضرر اقتصادی محض بیشترین قرابت را با مفهوم «از دست رفتن فرصت» دارد [۲۱] و در توجیه این موضوع، بیان داشته‌اند «از دست رفتن فرصت» اعم است از «عدم النفع» و «فرصت اجتناب از ضرر».

عدم النفع^(۱۷) از اقسام خساراتی است که در همه‌ی نظام‌های حقوقی قابل جبران شناخته شده [۷] و در جزء ۳ بند k ماده‌ی ۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین نیز به آن تصریح شده است. در حقوق داخلی، تعاریف مختلفی میان حقوق‌دانان از عدم النفع وجود دارد. بعضی حرمان از منفعی که به احتمال قریب به یقین، حسب جریان عادی امور، اوضاع و احوال خاص، امید وصول به آن معقول، مترتب و مقدور بوده باشد را عدم النفع دانسته‌اند [۲۲]. برخی گفته‌اند عدم النفع یعنی نفع و منفعی که پیش‌بینی شده است، در آینده حاصل شود، ولی به علت نقض قرارداد، (در مسئولیت قراردادی) یا فعل زیان‌بار (در مسئولیت مدنی) این منافع تحقق نیافته است [۲۳].

راجع به قابلیت جبران خسارت عدم النفع به دلیل موضع‌گیری متعارض بین دو قانون آئین دادرسی کیفری قدیم (مصوب ۱۳۷۸) و قانون آئین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹) اختلاف نظرهایی وجود داشت، به این توضیح که ماده‌ی ۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ «... ضرر و زیان قابل مطالبه به شرح ذیل است: ۱- ضرر و زیان‌های مادی که در نتیجه‌ی ارتکاب جرم حاصل شده است. ۲- منفعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم می‌شود» و به موجب تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۵۱۵ قانون

عنوان قانون ملی تصویب شده است. البته استثنائاتی نیز بیان شده است. مثلاً تصمیم‌گیری راجع به این که بعضی خسارات قابل جبران تا چه حدی باید جبران شوند برعهده‌ی قانون ملی گذاشته شده است [۳]. از این رو همان‌گونه که مشاهده شد در خصوص تعیین قانون صالح اختلافاتی میان حقوق‌دانان در حقوق ایران وجود دارد که پیوستن به کنوانسیون وین با ایجاد یک قطعیت قانونی، این مشکل را برطرف خواهد ساخت.

۳. چالش‌های الحاق به کنوانسیون وین

کنوانسیون وین به عنوان سند بین‌المللی بر اساس اصول مهم مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای تنظیم شده است. در این سند اختیاراتی به حقوق داخلی مقرر متصدی تأسیسات هسته‌ای داده شده است که کشورهایی که حقوق داخلی آن‌ها در این زمینه‌ها ملاحظاتی را اعمال کرده‌اند از این فرصت استفاده کرده‌اند. اما در کشور ما با وضع موجود و بدون ایجاد بستر حقوقی مناسب و داشتن ملاحظات حقوقی نه تنها از این فرصت‌ها استفاده نشده است، بلکه این ارجاع کنوانسیون به حقوق داخلی می‌تواند عملاً چالش یا چالش‌هایی را به همراه داشته باشد و موجب افزایش مسئولیت برای متصدی تأسیسات هسته‌ای و دولت شود. مهم‌ترین این موارد، حاکمیت اصل جبران کامل خسارات و عدم تبیین برخی از مفاهیم حقوقی کلی بیان شده در کنوانسیون مانند مفهوم ضرر اقتصادی است.

۱۰۳. ابهام در مفاهیم و قابلیت جبران برخی از اقسام خسارات اقسام مختلفی از خسارات قابل جبران در کنوانسیون وین احصاء شده است که برخی از آن‌ها از منظر مفهوم و حتی امکان جبران، در حقوق داخلی محل اختلاف است از مهم‌ترین آن‌ها ضرر اقتصادی محض و عدم النفع است.

عنوان ضرر اقتصادی در نظام حقوقی ایران اخیراً توسط برخی حقوق‌دانان مطرح شده است و نظریات متعددی در خصوص ماهیت این نوع ضرر ارائه شده است. برخی از ایشان معتقدند نزدیک‌ترین عنوان به این نوع ضرر «عدم النفع» و یا «تفویت منفعت» است و در نتیجه‌گیری با توجیه



در حقوق ایران اگرچه خسارات احصاء شده در قانون محدود است، اما با استناد به عموماً برخی از قواعد ضمان آور که مهم‌ترین آن‌ها قاعده‌ی لاضرر است، می‌توان به جبران کامل همه‌ی اقسام خسارت حکم داد، چرا که مستنداً به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در مواردی که مقرره‌ی خاصی وجود ندارد، می‌توان به «منابع معتبر اسلامی» مراجعه کرد و هم‌چنین ماده‌ی ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، علاوه بر منابع و فتاوی معتبر اسلامی، به «اصول حقوقی» نیز اشاره دارد از جمله‌ی این اصول حقوقی و قواعد معتبر قاعده‌ی «لاضرر» است که به راحتی می‌توان به استناد آن به جبرانی خسارت حکم کرد.

مسئله‌ی مهمی که در خصوص این قاعده‌ی اصلی ضمان آور باید بیان داشت این است که تلاش‌های حقوق دانان و برخی از فقها در خصوص این که چه نوع خساراتی مشمول ضرر شده تا بتوان با قاعده‌ی لاضرر حکم به جبران آن داد، بلاوجه است [۱۴]. چه این که برخی از فقها معتقدند قواعد شرعی برای متفاهم عرفی آمده است نه برای دقت‌های دقیق فلسفی و موشکافانه‌ی علماء^(۱۹) [۱۴] از قبیل قاعده‌ی لاضرر. یعنی باید این گونه توجیه کرد که بر اساس قاعده‌ی لاضرر، اولاً نباید ضرری به دیگری وارد شود و ثانیاً هر ضرری هم وارد شد باید جبران شود و همانند برخی موضوعات مثل تشخیص «غبین» یا «غرر» که به فهم عرفی واگذار شده است [۲۷] در این جا هم تعیین مصداق ضرر را باید به عرف واگذار کرد^(۲۰).

روابط بشری در گذر زمان پیچیده‌تر شده است و مسائلی حادث می‌شود که سابقاً وجود نداشته است و آن چیزی که از روح احکام شرعی برمی‌آید آن است که شارع مقدس، موضوعات جزئی و تشخیص مصادیق را به عرف واگذار کرده نه اینکه حقوق دانان و فقها در ذهن و معلومات خود، مصادیق را تعیین کنند، به نظر می‌رسد باید با همین رویکرد، تشخیص مصادیق ضرر را به عرف واگذار کرد.

با وجود استدلالات فوق، قطعاً بهتر است قانون‌گذار داخلی به تبیین قواعد شناسایی خسارات قابل جبران و نحوه‌ی جبران این نوع زیان در قالب مقرره یا مقررات خاصی

آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۲ «خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست». معمولاً حقوق دانان برای رفع این تعارض و فرار از قبول نسخ قانون آیین دادرسی کیفری مقدم توسط قانون آیین دادرسی مدنی مؤخر با استناد به توجیهاتی، منظور قانون‌گذار در ماده‌ی ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی را حمل بر عدم النفع از نوع ممکن الحصول می‌دانسته‌اند نه قطعی الحصول [۲۴].

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ این مشکل به کلی مرتفع شد و فارغ از توجیهات بعضاً بعید برخی نویسندگان، می‌توان به آسانی گفت، قانون آیین دادرسی کیفری جدید که مؤخر است در این موضوع قانون آیین دادرسی مدنی را نسخ کرده است و به طور حتم با استناد به ماده‌ی ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، باید به جبران خسارت ناشی از عدم النفع حکم داد.

۲.۳ حاکمیت اصل جبران کامل خسارت در حقوق داخلی^(۱۸)
خسارات اقتصادی قابل مطالبه توسط قانون عمومی (ملی) مسئولیت مدنی دادگاه صالح یکی از اقسام خساراتی که در کنوانسیون وین پیش‌بینی شده است. این خسارت تنها در ذیل جزء ۷ بند k ماده‌ی ۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین پیش‌بینی شده است. در حقیقت در این قسم از خسارات، به نحوی به حقوق داخلی اعتبار خاص بخشیده شده است.

ایران در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای هیچ قانون خاصی ندارد و عضو هیچ کدام از کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز نشده است. برای جبران خسارات هسته‌ای احتمالی گریزی از تمسک به قواعد عام مسئولیت مدنی داخلی نیست. در حقوق ایران، تقسیم‌بندی دوگانه‌ای از ضرر ارائه شده است که عبارت‌اند از ضرر مادی و معنوی [۲۵].

برخی حقوق دانان قسم سومی هم با عنوان ضرر بدنی را اضافه می‌کنند. بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت که در حقوق ایران ضرر به سه دسته‌ی، ضرر مالی، معنوی و بدنی تقسیم می‌شود [۲۶]. در خصوص مطالبه‌ی خسارات مربوط به فوت، جراحات بدنی و صدمه به اموال و دارایی یا تلف آن‌ها در نظام حقوقی ایران همانند تمام نظام‌های حقوقی امکان مطالبه وجود دارد.



پردازد تا از محل ارجاع کنوانسیون به حقوق داخلی نتوان از فقدان قواعد اختصاصی استفاده کرد و با تمسک به عموماً قواعد ضمان آور مسئولیت‌های نامحدودی را برای اشخاص ایجاد کرد.

۴. نتیجه‌گیری

در کشور ایران با وجود فعالیت‌های گسترده‌ی هسته‌ای، نه تنها عضو هیچ‌کدام از کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای نشده است، بلکه تدابیری برای تدوین کلی قانون خاص برای مقابله با حوادث احتمالی و جبران خسارات ناشی از آن نیز اندیشیده نشده است. بنابراین در صورت وقوع حادثه‌ی هسته‌ای، مسائل پیچیده‌ای پیش خواهد آمد که قوانین عام مسئولیت مدنی موجود توان پاسخ‌گویی در مقابل آن را نخواهد داشت، و این مسئله، هم به ضرر قربانیان حادثه است و هم به ضرر فعالان صنعت هسته‌ای. بنابراین ابتدا الحاق به کنوانسیون‌ها، و بعد تدوین قانون خاص بسیار ضروری است که در این نوشتار به مزایا و چالش‌های الحاق به کنوانسیون ۱۹۹۷ وین پرداخته شد. در کنوانسیون ۱۹۹۷ وین یک‌سری اصول و مفاهیم وجود دارد که بعضی از آن‌ها مانند مسئولیت مطلق و محدودیت زمانی مسئولیت با وجود این که قبلاً سابقه‌ای هرچند مختصر در حقوق ایران داشته‌اند، توسعه یافته‌اند. بعضی دیگر نیز هم‌چون اصل محدودیت مسئولیت (در مقابل مسئولیت نامحدود) و اصل کانالیزه کردن مسئولیت به سوی متصدی، در واقع مفاهیم جدیدی در حقوق ایران محسوب می‌شوند. البته یک‌سری موارد نیز در کنوانسیون وجود دارد که ممکن است به نوعی چالش محسوب شود. به عنوان مثال در کنوانسیون، خسارات اقتصادی محض جزء خسارات قابل جبران شناخته شده‌اند در حالی که در حقوق ایران چنین اصطلاحی وجود ندارد و شناسایی نشده است و در واقع نیازمند مباحث علمی گسترده میان حقوق‌دانان و تدوین قانون است. به طور کلی مزایای الحاق به کنوانسیون بسیار بیش‌تر از چالش‌های آن است و در واقع موجب پیشرفت صنعت هسته‌ای ایران خواهد شد.



پی‌نوشت‌ها

1. legal channeling of liability to operator.

۲. بند «الف» و «ب» ماده ۶ کنوانسیون پاریس، بند ۵ ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۳ و ۱۹۶۷ وین، بندهای ۱ و ۹ ماده ۳ کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی (CSC).

3. limitation of liability in amount

۴. به دلیل عدم کفایت دو منبع اساسی یعنی طلا و دلار آمریکا، برای حمایت از توسعه تجارت جهانی و توسعه اقتصادی، ذخیره دارایی بین‌المللی در سال ۱۹۶۹ توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) به منظور تکمیل ذخایر رسمی کشورهای عضو ایجاد شد. SDRs علامت اختصاری Special Drawing Rights یعنی حق برداشت ویژه می‌باشد که یک واحد حسابداری در IMF است. سهم مشارکت اعضاء در تأمین سرمایه صندوق و همچنین وام‌هایی را که به اعضاء می‌دهند بر اساس این واحد محاسبه می‌شود. ارزش SDRs در ابتدا فقط براساس دلار آمریکا بود مثلاً ارزش SDRs معادل ۰٫۸۸۸۶۷۱ گرم طلا که آن موقع معادل ۱ دلار آمریکا بود تعیین شده بود. اما امروزه مبتنی بر سبدهی از ۴ پول رایج بین‌المللی یورو، ین ژاپن، پوند استرلینگ و دلار آمریکا است که قابل تبدیل به پول‌های رایج دیگر هم هست. البته قرار است رنمینی چین نیز به عنوان پنجمین پول موثر از اول اکتبر ۲۰۱۶ به آن سبد اضافه شود. در مارس سال ۲۰۱۶، ۲۰۴٫۱ میلیارد SDRs ایجاد شده و به اعضاء اختصاص داده شد. (معادل ۲۸۵ میلیارد دلار). ارزش SDRs به دلار آمریکا به‌روز شده و در وب‌سایت IMF در دسترس قرار می‌گیرد. مجموع مقدار خاصی از ۴ ارز مذکور نیز به ارزش روز دلار آمریکا محاسبه می‌شود. ترکیب ارزهای موجود در سبد هر پنج سال توسط هیئت اجرایی بررسی می‌شود تا از نقش بارز این ارزها در مبادلات مالی و تجارت جهانی اطمینان حاصل شود. اعضاء IMF اغلب نیاز به خرید SDRs برای انجام تعهداتشان در مقابل IMF هستند و یا به‌منظور تعدیل ترکیب ذخایر خود، مایل به فروش SDRs می‌باشند. www.imf.org

5. Congruence of Liability and Coverage

6. Measures of reinstatement.

7. Costs of Preventive measures

8. absolute liability.

9. operator

۱۰. بر اساس جزء C بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، واژه «اپراتور» در رابطه با تأسیسات هسته‌ای یعنی، «شخصی که توسط دولت دارای تأسیسات به‌عنوان متصدی تأسیسات هسته‌ای تعیین شده یا منصوب شده است.»

11. The liability of the operator for nuclear damage under this Convention shall be absolute.

12. Limitation of liability in time

13. Legal certainty.

۱۴. روش forumshopping شیوه‌ای است که بعضی از طرفین دعاوی خود را در دادگاهی اقامه می‌کنند که احتمالاً رای مساعدتری صادر خواهد نمود. البته این شیوه هزینه بر است و ممکن است منجر به اتمام سریع منابع مالی ای شود که متصدی می‌بایست از آن محل غرامت زیان دیدگان را بپردازد

۱۵. مواد ۳ و ۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: ماده ۳: «قوانین جزایی ایران درباره کلیه‌ی اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد؛ و ماده ۴: «هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود، در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.»

16. self- executing provisions

17. lucrum cessans.

18. Compensation principle.

۱۹. مغنیه، فقه‌الامام جعفرالصادق (علیه اسلام)، الأحكام الشریعه مُنزَلَةٌ علی الأفهام العرفیة لا الدقَّة العقیله
۲۰. یشرط فیہ أن یکون التفاوت بما لا یتسامح فیہ فی مثل هذه المعاملة و تشخیص ذلک موکول الی العرف و تختلف المعاملات فی ذلک، فریما یکون التفاوت بنصف العشر بل بالعشر مما یتسامح فیہ و لا بعد غنبا، و رَیما یکون بعشر العشر غنبا و لا یتسامح فیہ، و لا ضابط لذلک، بل هو موکول الی العرف.



مراجع

- [1] Rimšaitė, Laura. Civil liability for nuclear damage: comparative analysis of international treaties, Social transformations in contemporary society. Lithuania: Mykolas Romeris university. (2013).
- [2] Stoiber, Carlton and [et al...]. Handbook on nuclear law. IAEA international atomic energy agency. (2003).
- [3] IAEA International Expert Group on Nuclear Liability (INLEX). (2004) The 1997 Vienna convention on civil liability for nuclear damage and the 1997 convention on supplementary compensation for nuclear damage explanatory texts. Available at www-pub.iaea.org.
- [4] B. Abbasi, Civil Liability Resulted from Nuclear Accidents and its Effect on Environment. Journal of Applied Environmental and Biological Sciences (2011).
- [۵] ف. جعفری، حوادث اتمی و اصول مسئولیت مدنی. مجله پژوهش‌های حقوقی. شماره ۱۳. (۱۳۸۷).
- [6] Pelzer, nobert. Main features of the revised international, regime governing nuclear liability –progress and standstill. International nuclear law: history, evolution and outlook, 10th anniversary of the international school of nuclear law (oecd). (2010).
- [7] Deakin, Simon, [et al...]. Markesini and Deakins tort law clarendonpress. Vol. SIXTH Edition. Oxford: Oxford university press. (2007).
- [8] Dari-Mattiacci, Giuseppe. The Economics of prue economics Loss and the internaisation of multiple externalities. Available at <https://papers.ssrn.com>. (2003).
- [۹] ح. بادینی، بررسی تطبیقی قابلیت جبران ضرر اقتصادی در مسئولیت مدنی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۱. (۱۳۹۰).
- [۱۰] س.ف. ا. موسوی، ف. قاسمیان، جبران خسارت زیست محیطی در حقوق بین المللی. فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۱. (۱۳۹۰).
- [۱۱] ب. عباسلو، مسئولیت مدنی، چاپ اول. تهران: نشر میزان. (۱۳۹۰).
- [۱۲] ا. بابایی، مبنای مسئولیت کارفرمایان در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی. پژوهش حقوق و سیاست. شماره ۵. (۱۳۸۰).
- [۱۳] ع. غریبه، دادگاه صالح و قانون حاکم بر مسئولیت بین المللی، کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی و اردبیل. مجموعه مقالات حقوقی. مجموعه نخست. چاپ اول. (۱۳۷۹).
- [۱۴] ح. جعفری تبار، مسئولیت مدنی کالاها، چاپ اول. تهران. نشر دادگستر. (۱۳۸۹).



[15] Van Dyke, Jon M., The inadequate liability and compensation regime for damage caused by nuclear activities. Williams Richardson school of law. Available at www.gu.se/digitalAssets. (2010).

[۱۶] ن. ع. الماسی، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: میزان. (۱۳۸۲)

[17] Currie, duncan e. J. The problems and gaps in the nuclear liability conventions and an analysis of how an actual claim would be brought under the current existing treaty regime in the event of a nuclear accident. Available at www.law.du.edu. (2008).

[۱۸] ن. کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ هفتم، تهران: نشر دادگستر. (۱۳۸۱).

[۱۹] ب. دوست محمدی، تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در مقررات متحداالشکل رم دو و قانون ایران، سومین کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم. (۱۳۹۵).

[۲۰] ج. جعفری لنگرودی، مجموعه محشای قانون مدنی (علمی، تطبیقی و تاریخی)، چاپ دوم، تهران: گنج دانش. (۱۳۸۲).

[۲۱] م. جعفری مجد، س. ی. حسینی. جبران ضرر اقتصادی محض. پژوهشنامه اندیشه های حقوقی. شماره ۲. (۱۳۹۱).

[۲۲] ج. جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، چاپ سوم. تهران. گنج دانش. (۱۳۸۶).

[۲۳] ع. ا. شیروی، نقد و بررسی مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مطالبه خسارات قراردادی و تأخیر تأدیه. مجله مجتمع آموزش عالی. شماره ۹. (۱۳۸۰).

[۲۴] ف. ا. اصغری آقمشهدی، خسارت عدم النفع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰. مجله نامه مفید، شماره ۲۹. (۱۳۸۱).

[۲۵] ح. امامی، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ هیجدهم. تهران. انتشارات اسلامیه. (۱۳۸۵).

[۲۶] ن. کاتوزیان، الزام های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، جلد اول، چاپ هشتم. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. (۱۳۸۷).

[۲۷] س. ر. موسوی خمینی، تحریر الوسیله. جلد اول. قم: موسسه مطبوعات دارالعلم. چاپ اول (۱۴۰۹ ه.ق.).



قابلیت اعمال حق شرط نسبت به کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای و راهبرد جمهوری اسلامی ایران

صالح رضایی پیش‌رباط*، هاشم زعفرانی

پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی ایران، صندوق پستی: ۱۳۳۹-۱۴۱۵۵، تهران - ایران

چکیده: کنوانسیون‌های راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای رویکرد واحدی در خصوص قابلیت اعمال حق شرط نسبت به مقررات خود اتخاذ نکرده‌اند. برخی از این کنوانسیون‌ها اعمال شرط نسبت به مقررات خود را به توافق تمامی طرف‌ها منوط کرده‌اند. این در حالی است که برخی دیگر یا سکوت کرده یا اعمال حق شرط را نسبت به مقررات خاصی اجازه دادند. جمهوری اسلامی ایران تاکنون (۱۳۹۶) به عضویت این کنوانسیون‌ها در نیامده است و بنابراین بررسی مقررات کنوانسیون‌های مذکور راجع به حق شرط می‌تواند، در صورت تصمصیم کشور مبنی بر الحاق به آن‌ها، روشنگرانه باشد. نگارندگان این مقاله بر این نظر است، چنانچه اعمال حق شرط نسبت به مقررات این کنوانسیون‌ها به لحاظ حقوقی ممکن باشد، ضروری است در صورت تصمصیم به الحاق، آن بخش از مقررات کنوانسیون‌های مذکور که اعمال آن‌ها می‌تواند در تغایر با منافع ملی و الزامات حقوقی کشور باشد مورد تحفظ قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: حق شرط، کنوانسیون‌های راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای، کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات

Applicability of Reservation to the Conventions On Nuclear Civil Liability and Strategy of Islamic Republic of Iran

S.R. Pishrobat*, H. Zaferani

Nuclear Science and Technology Research Institute, AEOL, P.O.Box: 14155-1339, Tehran-Iran

Abstract: Conventions on civil liability for nuclear damage have not adopted similar approach towards applicability of reservations to their own regulations. Some of these conventions subjected reservations to unanimous consent of all parties. While the others are either silent on applicability of reservations or allowed applicability only to the certain regulations. So far, Islamic Republic of Iran has not acceded to these conventions. Therefore study of applicability of reservations to these conventions may provide some clarification for decision makers in the case of decision of country to accede these conventions. Authors of this article hold that, if country reach to the decision that to accede to the conventions, it is required, according to provisions of the conventions and rules of law of treaties, make reservations to those regulations of these conventions that may be contrary to national interest and constitutional requirements of the country.

Keywords: Reservation, Conventions on Nuclear Civil Liability, Vienna Convention on Law of Treaties

*email: Srezaie_p@yahoo.com



۱. مقدمه

کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات^(۱) (۱۹۶۹)، حق شرط^(۲) (نسبت به معاهدات) را این گونه تعریف کرده است: «اصطلاح حق شرط بر اعلامیه‌ی یک جانبه‌ای اطلاق می‌شود که هر دولت تحت هر نام و به هر عبارت به وقت امضا، تصویب، قبولی، تأیید معاهده یا الحاق به آن صادر و با آن اعلام کند که اثر حقوقی بعضی مقررات معاهده، در اجرای معاهده نسبت به خود، نمی‌پذیرد یا آن را تغییر می‌دهد» [۱]. در سال ۱۹۸۶ کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یا میان سازمان‌های بین‌المللی همین تعریف را در مقررات خود تکرار کرد [۲]. هر چند که کنوانسیون وین ۱۹۶۹، حق شرط را نسبت به مطلق معاهدات (اعم از دو یا چند جانبه) پیش‌بینی کرده است، اما قابلیت اعمال حق شرط در عمل فقط در مورد معاهدات چند جانبه ممکن است و نسبت به معاهدات دو جانبه نمی‌توان حق شرط اعمال کرد [۳]. حق شرط با اعلامیه‌ی تفسیری (نسبت به معاهدات) تفاوت دارد. در اعلامیه‌ی تفسیری دولت پذیرنده معاهده‌ی برداشت خود را از مقررات آن معاهده اعلام می‌کند و آثار آن برخلاف حق شرط که حقوقی است، غیرحقوقی یا سیاسی است و به هنگام تفسیر معاهده به آن ارجاع می‌شود [۴].

اعمال حق شرط نسبت به معاهدات بین‌المللی موافقان و مخالفانی دارد. موافقان اعمال حق شرط معتقدند در صورتی که این امکان حقوقی به دولت‌ها داده شود که معاهده‌ای را به استثنای برخی مقررات آن بپذیرند، دولت‌های بیش‌تری به معاهدات بین‌المللی ملحق خواهند شد و این توسعه، اجرای قواعد حقوقی در جامعه‌ی بین‌المللی را تقویت خواهد کرد. در مقابل، مخالفان اعمال حق شرط استدلال کرده‌اند که اعطای اجازه‌ی اعمال حق شرط به دولت‌های پذیرنده‌ی معاهده‌ی بین‌المللی، منجر به از دست رفتن یکپارچگی معاهده خواهد شد [۵]. کنوانسیون‌های وین ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ راجع به حقوق معاهده با تأثیرپذیری از هر دو دیدگاه فوق، اصل را بر اختیار دولت‌ها در اعمال حق شرط بر معاهده قرار داده‌اند و اعمال آن را در سه مورد منع کرده‌اند. بر اساس این کنوانسیون‌ها، چنانچه معاهده‌ای اعمال حق شرط نسبت به خود را ممنوع کرده باشد، یا معاهده صرفاً اعمال حق شرط را نسبت به مقررات مشخصی اجازه داده باشد، در آن صورت اعمال حق شرط نسبت به مقررات معاهده‌ای که حق شرط را ممنوع

اعلام کرده به طور کلی و اعمال حق شرط نسبت به مقررات معاهده‌ای که فقط اعمال حق شرط نسبت به مقررات مشخصی را اجازه داده است به طور جزئی ممنوع خواهد شد، با این توضیح که در مورد معاهدات نوع اخیر، حق شرط فقط نسبت به آن مقررات مشخص مجاز بوده و نسبت به مابقی مقررات آن ممنوع خواهد بود. علاوه بر آن کنوانسیون‌های وین راجع به حقوق معاهدات اعلام کرده‌اند که به غیر از دو مورد مذکور، چنانچه اعمال حق شرط نسبت به معاهده‌ای با موضوع و هدف آن معاهده مغایرت داشته باشد، در آن صورت اعمال حق شرط به آن ممکن نخواهد شد [۶].

به طوری که پیداست کنوانسیون‌های وین حسب مورد قابلیت یا عدم قابلیت اعمال حق شرط نسب به معاهدات را پیش‌بینی کرده‌اند و این که به کدام معاهده می‌توان اعمال حق شرط کرد و به کدام یک نمی‌توان را به اراده‌ی تدوین‌کنندگان معاهده منوط کرده‌اند. اما این که کدام یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای قابل تحفظ و کدام یک غیرقابل تحفظ بوده و راهبرد جمهوری اسلامی ایران در این زمینه چگونه باید باشد، سؤالی است که این نوشتار به بررسی و ارزیابی پاسخ آن خواهد پرداخت.

۲. آشنایی اجمالی با کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای

لزوم تدوین و تصویب کنوانسیون بین‌المللی راجع به مسئولیت هسته‌ای ابتدا در سطح غیرجهانی و در میان کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی^(۳) احساس و مطرح شد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^(۴) تصویب چنین کنوانسیونی را در سطح جهانی (با این مفهوم که تمامی دولت‌ها بتوانند به عضویت آن در آینده) در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ در دستور کار خود قرار داد و کمیته‌ی مشخصی را به ریاست پل روگر^(۵) برای تهیه‌ی مقدمات آن تشکیل داد [۷]. تاکنون به همت دو سازمان فوق شش کنوانسیون بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای تدوین و تصویب شده است که بر حسب ترتیب تاریخی تصویب به قرار ذیل هستند:



۳.۲ کنوانسیون تکمیل کنوانسیون پاریس راجع به مسئولیت شخص

ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای

این کنوانسیون^(۱۰) در سال ۱۹۶۳ و به همت آژانس انرژی هسته‌ای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در شهر بروکسل منعقد و در سال ۱۹۷۴ لازم‌الاجرا شد. کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۳ تاکنون سه‌بار به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۴، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ اصلاح شده است. هدف این کنوانسیون الزام دولت‌های عضو کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰ به فراهم آوردن منابع مالی بیش‌تر برای جبران زیان دیدگان حوادث هسته‌ای از طریق تشکیل یک صندوق بین‌المللی است. تاکنون (۱۳۹۶) ۱۴ دولت به عضویت این کنوانسیون درآمده است [۱۰].

۴.۲ کنوانسیون راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای

این کنوانسیون^(۱۱) در می ۱۹۶۳ به همت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تدوین شد. مقررات کنوانسیون وین ۱۹۶۳، تقریباً تکرار مقررات و اصول کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس است. کنوانسیون وین ۱۹۶۳ که در ۱۲ نوامبر ۱۹۷۷ اجرایی شد در سال ۱۹۹۷ طی پروتکلی در وین اصلاح گردید. افزایش میزان مسئولیت مالی بهره‌بردار در قبال خسارت هسته‌ای از جمله اصلاحات آن بوده است. تاکنون (۱۳۹۶)، ۴۰ دولت به عضویت کنوانسیون وین ۱۹۶۳ و ۱۲ دولت به عضویت پروتکل اصلاحی آن درآمده است [۱۱].

۵.۲ کنوانسیون مسئولیت مدنی در زمینه‌ی حمل و نقل دریایی

ماده‌ی هسته‌ای

این کنوانسیون^(۱۲) در سال ۱۹۷۱ و با تلاش و همکاری سازمان بین‌المللی دریایی^(۱۳)، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آژانس انرژی هسته‌ای سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی منعقد، و در ۱۵ جولای ۱۹۷۵ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون با این هدف تهیه و تصویب شد که مشکلات و تعارضات ناشی از اعمال همزمان بیش از یک کنوانسیون مسئولیت مدنی در حمل و نقل دریایی مواد هسته‌ای را برطرف کند [۱۲]. تاکنون (۱۳۹۶)، ۱۷ دولت مقررات این کنوانسیون را پذیرفته است.

۱.۲ کنوانسیون مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای

این کنوانسیون^(۶)، در ۲۸ جولای ۱۹۶۰ در شهر پاریس منعقد و در آوریل ۱۹۶۸ اجرایی شد. کنوانسیون مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای که به کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس نیز شهرت دارد، اولین معاهده‌ی بین‌المللی در مورد مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای محسوب می‌شود که با تلاش سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی و صرفاً در روابط میان دولت‌های عضو این سازمان تصویب شد. کنوانسیون پاریس به تصویب تمامی دولت‌های عضو سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی (از جمله ایالات متحده‌ی آمریکا) نرسیده است و در حال حاضر (۱۳۹۶) تعداد اعضای آن هجده دولت است.

هماهنگ و متحدالشکل‌سازی قوانین ملی کشورها در زمینه‌ی مسئولیت مدنی هسته‌ای از جمله اهداف اصلی این کنوانسیون به شمار می‌آید. مسئولیت انحصاری^(۷) و بدون تقصیر بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای^(۸) در قبال خسارت هسته‌ای، مسئولیت مالی و زمانی محدود و بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای اصولی است که کنوانسیون پاریس برای حصول به هدف خود مقرر کرده است. تاکنون (۱۳۹۶)، مقررات این کنوانسیون سه بار به ترتیب در ۱۹۶۴، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ بازنگری و اصلاح شده است.

۲.۲ کنوانسیون مسئولیت بهره‌برداران کشتی‌های هسته‌ای

این کنوانسیون^(۹) در سال ۱۹۶۲ و با تلاش مشترک آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان بین‌المللی دریایی در شهر بروکسل منعقد شد [۸]. به رغم گذشت بیش از نیم قرن از زمان انعقاد آن، این کنوانسیون هنوز به مرحله‌ی اجرایی وارد نشده است. مخالفت ایالات متحده‌ی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق با تسری مقررات کنوانسیون به کشتی‌های جنگی هسته‌ای، از جمله دلایل اصلی لازم‌الاجرا نشدن آن بوده است [۹]. بر اساس کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۲، بهره‌بردار کشتی هسته‌ای (کشتی هسته‌ای به کشتی اطلاق می‌شود که حرکت یا منبع انرژی آن از طریق رآکتور و سوخت هسته‌ای تأمین می‌شود) در قبال خسارات ناشی از کشتی به اشخاص ثالث مسئولیت بدون تقصیر و انحصاری دارد.



نکرده‌اند. کنوانسیون ۱۹۶۳ وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای تنها کنوانسیون در این زمینه محسوب می‌شود. البته پروتکل ۱۹۹۷ اصلاح این کنوانسیون تحفظ‌پذیری مقررات مربوط به «فیصله‌ی اختلافات ناشی از کنوانسیون به وسیله‌ی داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری» را پذیرفته است. پروتکل ۱۹۹۷ اصلاحی کنوانسیون وین در این خصوص مقرر داشته است: «به هنگام تصویب، پذیرش، قبولی کنوانسیون یا الحاق به آن (اصلاحی وین) یک دولت می‌تواند اعلام کند که خود را به یک یا هر دو روش فیصله اختلاف مقرر شده در بند ۲ این ماده (یعنی فیصله‌ی اختلاف توسط داوری بین‌المللی یا دیوان بین‌المللی دادگستری) ملزم نمی‌داند. در این صورت سایر طرف‌های متعاقد در ارتباط با طرف متعاهدی که چنین اعلامیه‌ای نسبت به آن نافذ است به روش فیصله‌ی اختلاف مقرر در بند ۲ این ماده ملزم نخواهند بود» [۱۷].

نهایتاً گونه‌ی سومی از کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای وجود دارد که تحفظ‌های معینی را اجازه داد یا مقررهای خاصی از مفاد خود را قابل تحفظ قلمداد کرده‌اند. کنوانسیون ۱۹۶۲ بروکسل راجع به مسئولیت بهره‌بردار کشتی‌های هسته‌ای [۱۸]، کنوانسیون بروکسل ۱۹۷۱ راجع به مسئولیت مدنی مربوط به حمل و نقل دریایی ماده‌ی هسته‌ای [۱۹] و کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای، ۱۹۹۷ [۲۰]، در خصوص حق شرط متضمن چنین مقرراتی هستند. مقررات کنوانسیون ۱۹۶۲ بروکسل در این خصوص اشعار داشته است «هر یک از طرفین می‌توانند در زمان امضا یا تصویب کنوانسیون یا الحاق به آن اعلام کنند که خود را به مقررات ماده‌ی ۲۰ این کنوانسیون ملزم نمی‌دانند. دیگر طرف‌های متعاقد، در ارتباط با طرف‌هایی که چنین حق شرطی را اعمال می‌کنند نسبت به این ماده ملزم نخواهند بود». شایان ذکر است که ماده‌ی ۲۰ کنوانسیون بروکسل به حل و فصل اختلافات ناشی از کنوانسیون مربوط می‌شود که به موجب آن چنانچه بین طرف‌ها راجع به تفسیر یا اجرای کنوانسیون اختلافی حاصل شود و این اختلاف از طریق مذاکره فیصله پیدا نکند، به درخواست یکی از طرفین اختلاف برای فیصله به داوری ارجاع خواهد شد. اگر طرفین ظرف مدت شش ماه از زمان درخواست داوری در خصوص سازمان و ترکیب داوری به توافق نرسند، هر یک از

۶.۲ کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای

این کنوانسیون^(۱۴) در سال ۱۹۹۷ با تلاش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در شهر وین منعقد و در ۱۵ آوریل ۲۰۱۵ اجرایی شد و تاکنون (۱۳۹۶) ده دولت به عضویت آن در آمده است. کنوانسیون جبران تکمیلی، همانند کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۳ راجع به تکمیل کنوانسیون پاریس دولت‌ها را ملزم کرده است که از طریق ایجاد صندوق‌های بین‌المللی منابع مالی بیش‌تری برای جبران زیان دیدگان حوادث هسته‌ای فراهم آورند [۱۳].

در پایان این قسمت لازم به اشاره می‌دانیم که در سال ۱۹۸۸، با تلاش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آژانس انرژی هسته‌ای سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی پروتکل مشترکی با هدف پیوند دادن مقررات دو کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ وین تصویب شد. این پروتکل^(۱۵) در ۲۷ آوریل ۱۹۹۲ اجرایی شده و در حال حاضر (۱۳۹۶)، ۲۸ دولت عضو آن محسوب می‌شود [۱۴].

۳. حق شرط در کنوانسیون‌های راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای

کنوانسیون‌های راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای رویکرد واحدی را در خصوص حق شرط اعمال نکرده‌اند. برخی از این کنوانسیون‌ها (کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰ [۱۵] و کنوانسیون تکمیلی بروکسل ۱۹۶۳ [۱۶]) حق شرط را صریحاً پیش‌بینی و لکن اشاره کرده‌اند: «در هر زمان، قبل از تصویب، پذیرش، یا قبولی کنوانسیون [ها] یا قبل از الحاق به آن [ها] می‌توان به یک یا چند مقررهای این کنوانسیون [ها] حق شرط اعمال کرد و این حق شرط در صورتی که صریحاً به وسیله‌ی امضاکنندگان [کنوانسیون‌ها] پذیرفته شود، قابل قبول خواهد شد. این پذیرش از طرف امضاکنندگان [کنوانسیون‌ها] که ظرف مدت دوازده ماه از زمان اعلام از حق شرط، کنوانسیون [ها] را تصویب، پذیرش یا قبول نمی‌کنند لازم نخواهد شد». به طوری که پیداست، کنوانسیون‌های پاریس ۱۹۶۰ و بروکسل ۱۹۶۳، به امضاکنندگان کنوانسیونی حق اظهارنظر (موافقت یا عدم موافقت) راجع به حق شرط دولت دیگری را می‌دهند که خود آن ظرف مدت ۱۲ ماه از زمان اطلاع از حق شرط دولتی، کنوانسیون‌های پاریس یا بروکسل را تصویب و طرف قطعی آن محسوب شود.

در مقابل برخی دیگر از این کنوانسیون‌ها در خصوص حق شرط سکوت اختیار کرده و مقرراتی در آن زمینه پیش‌بینی



مقررات خود به اتفای آرا تمرکز و تأکید دارند. این کنوانسیون‌ها مقررات خود را تعدیل ناپذیر تلقی نکرده و راه استثنا کردن شمول برخی از مقررات خود نسبت به طرفین را به طور مطلق مسدود نکرده است. اما در عین حال شرط سختی (اتفاق نظر) در مورد تحفظ‌پذیری مقررات خود مقرر کرده‌اند.

کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به معاهدات اشعار داشته است که «هر دولت می‌تواند در زمان امضا، تصویب، قبولی تأیید یک معاهده یا الحاق به آن حق شرط را تنظیم (اعمال) کند مگر:

الف) حق شرط به وسیله‌ی آن معاهده ممنوع شده باشد.

ب) معاهده فقط حق شرط‌هایی را معین کند که شامل حق شرط مورد نظر نیست که اعمال می‌شود.

پ) در مواردی که مشمول بندهای الف و ب نمی‌شود، حق شرط سازگار با موضوع و هدف آن معاهده نباشد [۲۱].

کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ بروکسل صراحتاً اعمال شرط را به شرط موافقت (تمام) اعضا پذیرفته‌اند و بنابراین محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌های مندرج در بندهای الف و ب مذکور در مورد آن‌ها موضوعیت پیدا نمی‌کنند. اما در خصوص بند ب مذکور، در ارتباط با کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ بروکسل، این سؤال مطرح می‌شود که آیا دولت‌های متعاقد این کنوانسیون‌ها، می‌توانند با موافقت سایر اعضا، حق شرط‌هایی مغایر با موضوع و هدف آن‌ها اعمال کنند. مطابق بند پ ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ مذکور در بالا، دولت‌ها اساساً نمی‌توانند حق شرط‌هایی که مغایر با موضوع و هدف یک معاهده است اعمال کنند و کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ بروکسل نیز مشمول همین قاعده است. علی‌الظاهر این کنوانسیون‌ها مرجع تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت حق شرطی را با موضوع و هدف کنوانسیون را به اتفاق نظر دول عضو واگذار کرده‌اند. در تأیید این استدلال کمیسیون حقوق بین‌الملل، در گزارش ۲۰۱۱ خود اظهار داشته است: «شرط عدم ناسازگاری حق شرط با موضوع و هدف یک معاهده، در مواردی نیز که معاهده حق شرط را اجازه داده است باید رعایت شود. اعمال این قاعده به مواردی که معاهده در مورد اعمال حق شرط سکوت کرده است محدود نمی‌شود. اما در مواردی که معاهده اعمال حق شرط نسبت به یک موضوع مشخص و معلوم را پذیرفته است، در صورت اعمال حق

طرفین حق خواهند داشت اختلاف را جهت فیصله به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهد.

کنوانسیون ۱۹۹۷ جبران تکمیلی نیز همانند مقررات پروتکل اصلاحی و مشابه مقررات کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۲ به طرفین اجازه داده است که در زمان تصویب یا الحاق به کنوانسیون ماده‌ی مربوط به فیصله اختلافات از طریق داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری (بند ۲ ماده‌ی ۱۶ کنوانسیون) را مورد تحفظ قرار دهند. اما کنوانسیون بروکسل ۱۹۷۱، در خصوص حق شرط مقررات نسبتاً متفاوتی پیش‌بینی کرد. به موجب مقررات (ماده‌ی ۱۰) کنوانسیون اخیر: «هر یک از طرف‌های متعاقد می‌توانند حق شرط‌هایی مطابق با حق شرط‌هایی که به طور معتبری به کنوانسیون پاریس یا وین اعمال کرده‌اند اعمال نمایند حق شرط می‌تواند در زمان امضا تصویب، قبولی و یا الحاق به کنوانسیون انجام گیرد».

۴. قابلیت اعمال حق شرط به کنوانسیون‌ها

به دلیل متفاوت بودن مقررات کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای راجع به حق شرط، اعمال شرط نسبت به آن‌ها از یک قاعده‌ی واحد تبعیت نمی‌کند. کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات نیز قاعده‌ی واحدی در مورد تحفظ‌پذیری کنوانسیون‌های بین‌المللی مقرر نکرده است. در این قسمت، تحفظ‌پذیری کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی بر حسب نوع مقررات آن‌ها راجع به حق شرط به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

۱.۴ اعمال تحفظ نسبت به کنوانسیون‌هایی که حق شرط را صریحاً پذیرفته‌اند

به طوری که پیش از این اشاره شد، دسته‌ای از کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای (کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰ و کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۳ و اصلاحات آن‌ها) صریحاً اعمال تحفظ نسبت به مقررات خود را پذیرفته‌اند. البته مقبولیت^(۱۶) این تحفظ به پذیرش (تمامی) دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها منوط شده است. بنابراین، چنانچه حتی یکی از طرف‌های این کنوانسیون‌ها با حق شرط دولتی (به هر علتی) مخالف باشد، آن حق شرط مقبول واقع نخواهد شد. به لحاظ ماهیت، کنوانسیون‌های پاریس ۱۹۶۰ و بروکسل ۱۹۶۳ را باید در زمره معاهداتی قلمداد کرد که بر اجرای



مخاطره افتد. موضوع و هدف معاهده باید با حسن نیت، با توجه به سیاق اصطلاحات به کار رفته در معاهده و خصوصاً عنوان و مقدمه معاهده تعیین شود. برای حصول به چنین نتیجه‌ای می‌توان به کارهای مقدماتی و اوضاع و احوال مربوط به انعقاد معاهده و در صورت لزوم رویه‌ی بعدی طرف‌های آن مراجعه کرد [۲۷]. در مورد کنوانسیون وین ۱۹۶۳ باید بیان داشت که آن بخش از مقررات کنوانسیون که به هماهنگی و یکسان‌سازی قوانین ملی کشورها مربوط می‌شود، از قبیل مقررات مربوط به انحصاری بودن مسئولیت بهره‌بردار، مسئولیت بدون تقصیر بهره‌بردار، بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار جزو اهداف این کنوانسیون محسوب شده و قابل تحفظ نیست [۲۸]. کنوانسیون ۱۹۶۹ وین به طور مشخص مرجع یا مقام تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت حق شرط با موضوع و هدف یک معاهده را مشخص نکرده است و علی‌الظاهر، در چنین وضعیتی فرد فرد دولت‌های طرف کنوانسیون صلاحیت تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت حق شرط با موضوع و هدف معاهده را بر عهده دارد [۲۹]. کنوانسیون ۱۹۶۳ وین نیز می‌تواند مشمول همین قاعده باشد. این در حالی است که در برخی از معاهدات مرجع تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت حق شرط با موضوع و هدف معاهده مشخص شده است. کنوانسیون الغای همه‌ی اشکال تبعیض نژادی از جمله این معاهدات است که در بند ۲ ماده‌ی ۲۰ خود اشعار داشته است: «در صورتی حق شرطی با موضوع و هدف کنوانسیون ناسازگار است که دو سوم دولت‌های عضو به آن ایراد بگیرند».

۳.۴ اعمال تحفظ به کنوانسیون‌هایی که حق شرط‌های معینی را اجازه داده یا مقرره مشخصی را قابل تحفظ اعلام کرده‌اند.
به طوری که پیش از این نیز اشاره شد، کنوانسیون ۱۹۶۲ بروکسل راجع به مسئولیت بهره‌بردار کشتی هسته‌ای و کنوانسیون ۱۹۹۷ جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای کنوانسیون‌هایی هستند که فقط بر تحفظ‌پذیری مقرره‌ی خاصی از این کنوانسیون‌ها (مقرره‌ی مربوط به فیصله‌ی اختلافات به وسیله‌ی داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری) تصریح کرده‌اند. همین‌طور، کنوانسیون بروکسل ۱۹۷۱ راجع به مسئولیت مدنی در قبال حمل و نقل دریایی ماده‌ی هسته‌ای، حق شرط‌هایی را اجازه داده است که با مقررات اعمال حق شده کنوانسیون‌های پاریس ۱۹۶۰ و وین ۱۹۶۳ مطابقت دارد. در خصوص این کنوانسیون‌ها (بروکسل ۱۹۶۳، بروکسل ۱۹۷۱ و

شرط نسبت به آن، طرح ناسازگاری شرط با موضوع و هدف معاهده مفهومی نخواهد داشت» [۲۲].

۴.۲ اعمال تحفظ نسبت به کنوانسیون‌هایی که در خصوص حق شرط سکوت کرده‌اند

کنوانسیون وین ۱۹۶۳ تنها کنوانسیون در این مورد است. آیا مقررات این کنوانسیون قابل تحفظ است؟ در این زمینه ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به معاهدات، قاعده‌ی کلی راجع به حق شرط نسبت به معاهدات را پیش‌بینی کرده است. ماده‌ی مذکور اصل را بر حق دولت‌ها در تنظیم حق شرط نسبت به معاهدات گذاشته و در سه مورد اعمال حق شرط را ممنوع اعلام کرده است. مورد اول زمانی است که معاهده‌ی مورد نظر حق شرط نسبت به خود را ممنوع اعلام دارد.

معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای (۱۹۹۶) [۲۳] از جمله معاهداتی است که اعمال شرط نسبت به مقررات خود را صریحاً ممنوع اعلام کرده است. مورد استثنایی دوم، هنگامی است که معاهده فقط حق شرط‌های معین را مجاز اعلام کند، که حق شرط مورد نظر از جمله‌ی آن‌ها نیست. کنوانسیون ۱۹۵۸ راجع به فلات قاره [۲۴] و کنوانسیون ۱۹۵۸ راجع به ماهیگیری [۲۵] معاهداتی هستند که اعمال حق شرط نسبت به مقررات معینی از کنوانسیون را ممنوع اعلام کرده‌اند. یا کنوانسیون ۱۹۵۱ راجع به پناهندگان [۲۶] که اعمال حق شرط را در مورد مقررات مشخصی از خود پذیرفته است. سومین مورد ممنوعیت اعمال حق شرط، زمانی است که حق شرط با موضوع و هدف معاهده مغایرت داشته باشد.

بدیهی است که دو مورد اول نمی‌تواند در خصوص کنوانسیون وین ۱۹۶۳ موضوعیت پیدا کند. زیرا این کنوانسیون فاقد مقررات صریحی مبنی بر ممنوعیت حق شرط بوده و اعمال یا عدم اعمال حق شرط نسبت به مقررات مشخص خود را مقرر نکرده است. بنابراین بر اساس اصل مقرر در صدر ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات، اعمال حق شرط نسبت به کنوانسیون ۱۹۶۳ وین ممکن است، مگر این‌که با موضوع و هدف آن مغایرت پیدا کند که در این صورت بر اساس بند پ ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین اعمال آن ممنوع خواهد شد. حق شرط در صورتی با موضوع و هدف معاهده مغایرت دارد که به عنصر اساسی معاهده که لازمه‌ی ساختار کلی آن باشد، لطمه وارد کند به گونه‌ای که علت وجودی معاهده به



مخالفت اعلام نکنند، آن حق شرط پذیرفته شده تلقی خواهد شد. همین‌طور در مورد کنوانسیون بروکسل ۱۹۷۱ و کنوانسیون وین ۱۹۶۳، چنانچه دولت‌های عضو آن‌ها در موعد زمانی مقرر به حق شرط اعمال شده‌ی دولتی اعتراض نکنند، آن حق شرط پذیرفته شده تلقی خواهد شد. اما حق شرط‌هایی که کنوانسیون‌های ۱۹۶۲ بروکسل و ۱۹۹۷ جبران تکمیلی برای دولت‌ها مبنی بر نپذیرفتن فیصله اختلافات ناشی از این کنوانسیون به وسیله‌ی داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر کرده‌اند، نیازی به پذیرش سایر اعضای این کنوانسیون‌ها ندارد و اساساً سایر دولت‌ها نیز نمی‌توانند با این حق شرط‌ها مخالفت کنند.

بر اساس کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات، دولت‌ها در هر زمان می‌توانند حق شرط خود به معاهده یا کنوانسیون را با اعلام به امین معاهده مورد نظر استرداد کنند [۳۲] و برای این استرداد نیازی به موافقت سایر دولت‌های طرف آن معاهده ندارند. این قاعده در مورد کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز جاری است و برخی از این کنوانسیون‌ها (کنوانسیون ۱۹۶۲ بروکسل و کنوانسیون ۱۹۹۷ جبران تکمیلی) نیز قابلیت استرداد حق شرط را در مورد حق شرط مشخصی پیش‌بینی کرده‌اند. در این خصوص به طور مشخص مقررات کنوانسیون ۱۹۹۷ راجع به جبران تکمیلی اشعار داشته است: «هر طرف متعاهدی که به موجب بند ۳ [ماده‌ی ۱۶] اعلامیه‌ای [مبنی بر اعمال تحفظ به فیصله اختلافات به وسیله‌ی داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری] صادر کرده است، در هر زمان می‌تواند اعلامیه خود را پس از اطلاع به امین [کنوانسیون] مسترد کند» [۳۳].

اما سؤالی که می‌تواند در این خصوص مطرح شود این است که آیا موافقت‌ها یا مخالفت‌هایی که با حق شرط‌ها شده است نیز قابل استرداد است؟ مقررات کنوانسیون وین ۱۹۶۹ و هم‌چنین مقررات خود کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای در این خصوص ساکت هستند، اما اصول راهنمایی که کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه‌ی حق شرط‌ها تهیه و تصویب کرده این خلأ را مرتفع کرده است. در این زمینه اصل راهنمای شماره‌ی ۲/۸/۱۳ کمیسیون اعلام داشته است که «پذیرش یک حق شرط قابل استرداد یا اصلاح نیست» [۳۴].

جبران تکمیلی (۱۹۹۷) سؤالی که می‌تواند مطرح شود این است که آیا به غیر از مقررات قابل تحفظ مشخص شده، سایر مقررات این کنوانسیون‌ها نیز قابل تحفظ هستند؟ در این زمینه مقررات خود این کنوانسیون‌ها دلالت یا اشاره‌ای ندارد. اما بند ۲ ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات اعلام کرده است که در چنین مواردی سایر مقررات چنین کنوانسیون‌هایی، در صورتی که تحفظ مغایر با موضوع و هدف معاهده باشد، قابل تحفظ نخواهد بود. اصل راهنمای ۳/۱/۳ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به حق شرط نسبت به معاهدات، مصوب ۲۰۱۱، در این خصوص اشعار داشته است: «اعمال تحفظ نسبت به آن قسمت از مقررات معاهده که اعمال تحفظ به آن‌ها ممنوع نشده است، در صورتی که مغایر با موضوع و هدف معاهده مورد نظر نباشد، مجاز است» [۲۹]. قبل از تدوین این اصل، ظاهر مقررات بند ۲ ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون این بود که سایر مقررات چنین کنوانسیون‌ها نمی‌تواند قابل تحفظ باشد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر اصل راهنمای مذکور بیان داشته است که بند ۳ ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، بر بند ۲ این ماده حاکم است و در مواردی که معاهده‌ای در مورد تحفظ‌پذیری یا ناپذیری بخشی از مقررات خود ساکت است نیز اعمال می‌شود [۳۰].

۵. پذیرش و مخالفت با حق شرط

کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات در موارد سکوت معاهده، فرض را بر پذیرش حق شرط گذاشته و سکوت را به منزله‌ی پذیرش تلقی کرده است. بر اساس کنوانسیون وین ۱۹۶۹، چنانچه در معاهده‌ی مورد نظر ترتیبات خاصی برای پذیرش یا مخالفت با حق شرط وجود نداشته باشد، چنانچه دولتی از زمان دریافت متن حق شرط دولتی و یا از زمان پذیرش آن معاهده، تا دوازده ماه (هر کدام که دیرتر باشد) به حق شرط اعتراض نکند یا سکوت اختیار کند، این رفتار به منزله‌ی پذیرش آن حق شرط محسوب خواهد شد [۳۱]. نظر به سکوت کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، این قاعده می‌تواند در مورد تمامی این کنوانسیون نیز اعمال شود. بنابراین برای مثال، چنانچه اعضای کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ بروکسل، از زمان دریافت حق شرط دولتی یا از زمان پذیرش این کنوانسیون‌ها (هر کدام دیرتر باشد) نظر خود را ظرف دوازده ماه اعم از موافقت یا



۱.۶ آثار پذیرش و مخالفت با حق شرط

۱.۶.۱ آثار پذیرش

پذیرش حق شرط دولتی به کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای موجب تغییر وضعیت این دولت، از دولت اعمال‌کننده حق شرط به دولت متعاقد^(۱۷) یا «طرف»^(۱۸) معاهده خواهد شد. بر اساس کنوانسیون وین ۱۹۶۹ «دولت متعاقد» به «دولتی اطلاق می‌شود که رضایت خود را برای ملتزم شدن به معاهده اعلام کرده است، اعم از این که معاهده اجرایی شده یا نشده باشد». «طرف» معاهده نیز به «دولتی اطلاق می‌شود که رضایت خود را بر التزام به معاهده اعلام کرده و معاهده بر آن اجرایی شده است» [۳۵] در این زمینه اصل راهنمای ۴/۲/۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به حق شرط‌ها تصریح کرده است: «نام دولت اعمال‌کننده حق شرط در زمره‌ی دولت‌های متعاقد مورد نیاز برای اجرایی شدن معاهده، اگر معاهده متضمن چنین التزامی باشد، قید می‌شود. اگر معاهده اجرایی شده باشد، دولت اعمال‌کننده حق شرط، در زمره طرف‌های معاهده قلمداد خواهد شد» [۳۶]. بنابراین، از جمله آثار پذیرش حق شرط، التزام دولت اعمال‌کننده به معاهده‌ی مورد نظر یا ورود قطعی به آن است. التزام دولت اعمال‌کننده حق شرط به کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ بروکسل و یا ورود قطعی آن به این کنوانسیون‌ها مستلزم پذیرش حق شرط آن دولت از سوی تمامی دولت‌های عضو کنوانسیون‌های پاریس و بروکسل است [۳۷].

در مورد سایر کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی، صرف موافقت یک دولت عضو با حق شرط دولتی موجب طرف متعاقد یا طرف معاهده شدن دولت اخیر خواهد شد. در روابط قراردادی بین دولت‌هایی که اعمال حق شرط کرده‌اند و دولت‌هایی که این حق شرط‌ها را پذیرفته‌اند، معاهده‌ی مورد نظر بین آن‌ها با رعایت حق شرط‌های مورد نظر اعمال خواهد شد، مگر این که معاهده طور دیگری مقرر نماید [۳۸].

با حق شرط نمی‌تواند حسب مورد مانع طرف متعاقد یا طرف معاهده شدن دولت اعمال‌کننده حق شرط در معاهده‌ی مورد نظر شود، مگر این که شرط پذیرش حق شرط نسبت به آن معاهده عدم مخالفت (موافقت) تمام دولت‌های طرف (مانند کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ بروکسل) تعیین شده باشد که در حالت اخیر مخالفت یک دولت مانع طرف متعاقد یا طرف معاهده شدن دولت اعمال‌کننده حق شرط می‌شود [۳۹]. اصل راهنمای شماره‌ی ۴/۳/۳ کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز این قاعده را پذیرفته است. این اصل اعلام داشته است: «چنانچه استقرار حق شرط مستلزم پذیرش تمام طرف‌های معاهده باشد، مخالفت یک دولت متعاقد با این حق شرط مانع از اجرایی شدن آن معاهده برای دولت اعمال‌کننده حق شرط می‌شود» [۴۰].

اما مخالفت با حق شرط، سبب عدم اجرای موضوع آن حق شرط در روابط بین دولت حق شرط‌کننده و دولت مخالفت‌کننده با آن حق شرط می‌شود حتی دولت مخالفت‌کننده می‌تواند فراتر از این رفته و اعلام کند که اساساً تمایل ندارد طرف آن معاهده در رابطه با دولت حق شرط‌کننده قرار گیرد [۴۱] این قاعده در مورد کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز قابلیت اعمال دارد. هر چند که کنوانسیون‌های ۱۹۶۲ بروکسل (ذیل ماده‌ی ۲۱) و جبران تکمیلی ۱۹۹۷ (ذیل بند ۳ ماده‌ی ۱۶) نیز این قاعده را به طور خاصی مورد تصریح قرار داده‌اند. در این خصوص بند ۳ ماده‌ی ۱۶ کنوانسیون اخیرالذکر اشعار داشته است: «به هنگام تصویب، پذیرش، قبولی یا الحاق به کنوانسیون، دولت می‌تواند اعلام کند که خود را به یک یا هر دو روش فیصله اختلاف مقرر در بند ۲ [ماده‌ی ۱۶] متعهد نمی‌داند. در این صورت دیگر طرف‌های متعاقد در ارتباط با طرف متعاقدی که چنین اعلامیه‌ای برای آن نافذ است، به روش فیصله اختلاف مقرر در بند ۲ ملزم نخواهند بود».

۱.۷ رویه‌ی دولت‌ها در خصوص اعمال حق شرط به

کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای

دولت‌های متعاقد کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، حق شرط‌هایی را در چارچوب مقررات خاص این کنوانسیون‌ها و قواعد عام اعمال کرده‌اند و تاکنون (۱۳۹۶) هیچ طرف دیگری به این حق شرط‌ها ایراد نگرفته (مخالفتی نکرده) است. از میان این کنوانسیون‌ها، کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۲ راجع به مسئولیت

۱.۶.۲ آثار مخالفت

در کنوانسیون‌هایی که موافقت تمام دولت‌های عضو، شرط پذیرش حق شرط اعلام نشده است، موافقت یک دولت عضو آن معاهده حسب مورد موجب طرف متعاقد یا طرف معاهده شدن دولت اعمال‌کننده حق شرط می‌شود. اما در مخالفت با حق شرط وضعیت این گونه نیست و مخالفت یک دولت طرف معاهده



بهره‌بردار کشتی هسته‌ای، هیچ نوع حق شرطی را متقبل نشده است.

در خصوص کنوانسیون‌های پاریس ۱۹۶۰ و بروکسل ۱۹۶۳ و اصلاحات آن‌ها، آلمان، اتریش، یونان، نروژ و سوئد اعمال تحفظ کرده‌اند. در مورد کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰، جمهوری فدرال آلمان، جمهوری اتریش و جمهوری یونان بندهای ب و ت ماده‌ی ۶^(۱۹) آن را مورد تحفظ قرار داده‌اند. در این خصوص این کشورها اعلام داشته‌اند که «حق خود را مبنی بر قلمداد کردن قانون ملی خود که شامل مقرراتی معادل مقررات مشمول موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مورد اشاره در بند ب ماده‌ی ۶ می‌شود را به عنوان موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در چارچوب مفهوم بند ب و بند ث ماده را محفوظ می‌دارند». به بیانی دیگر بر اساس این حق شرط این کشورها اعلام کرده‌اند که قانون ملی آن‌ها همان ویژگی موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مورد اشاره را خواهند داشت.

دومین حق شرط راجع به کنوانسیون پاریس به حق شرط‌های جمهوری فدرال آلمان و جمهوری اتریش در مورد بند الف ماده‌ی ۸^(۲۰) کنوانسیون مربوط می‌شود. این بند به موضوع مرور زمان در دعاوی خسارت هسته‌ای مربوط می‌شود که بر آن اساس این کشورها اعلام کرده‌اند که «حق خود را مبنی بر مقرر نمودن دوره‌ای بیش‌تر از ده سال در خصوص حوادث هسته‌ای که در قلمرو جمهوری فدرال آلمان و جمهوری اتریش رخ می‌دهند، محفوظ می‌دارند البته چنانچه اقداماتی برای پوشش مسئولیت بهره‌بردار در خصوص دعاوی خسارت که بعد از انقضاء دوره‌ی ده ساله و در طول چنین دوره‌ی بیش‌تری شروع شده است، انجام گرفته باشد.

تحفظ بعدی در مورد کنوانسیون پاریس به بند الف و جز ۱ بند پ ماده‌ی ۶^(۲۱) مربوط می‌شود که آلمان، اتریش و یونان راجع به آن اعمال تحفظ کرده‌اند. در این خصوص این کشورها اعلام کرده‌اند که حق خود را مبنی بر پیش‌بینی تداوم مسئولیت اشخاص دیگر، علاوه بر بهره‌بردار، در قبال خسارات ناشی از ماده‌ی هسته‌ای در قانون ملی خود را با این شرط که این اشخاص به طور کامل در مورد مسئولیت‌ها خودشان از جمله انجام دفاع در مقابل دعاوی غیرقابل توجیه، تحت پوشش بیمه تحصیل شده به وسیله‌ی بهره‌بردار یا از صندوق دولت قرار گیرند را محفوظ می‌دارند. ماده‌ی ۹ کنوانسیون پاریس^(۲۲) مورد بعدی اعمال تحفظ

دولت‌هاست. در این خصوص جمهوری فدرال آلمان و جمهوری اتریش اعلام کرده‌اند «که حق خود را مبنی بر این که بهره‌بردار را در قبال خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای که به طور مستقیم به سبب درگیری‌های مسلحانه، تخاصمات، جنگ داخلی، شورش یا بلایای طبیعی با ویژگی استثنایی واقع می‌شوند، مسئول قلمداد کنند» محفوظ می‌دارند. نهایتاً آلمان، اتریش و یونان در مورد ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون پاریس^(۲۳) اعمال تحفظ کرده و اعلام داشته‌اند که حق خود را مبنی بر این که تصویب این کنوانسیون موجب تعهد به تصویب قانون ملی راجع به مسئولیت مدنی شخص ثالث در زمینه انرژی هسته‌ای بر اساس مقررات این کنوانسیون تلقی گردد، محفوظ می‌دارند [۴۲]. در مورد کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۳ و اصلاحات آن، آلمان و اتریش در مورد مواد ۹ و ۱۹ آن، که مقررات آن‌ها همانند مقررات مواد ۹ و ۱۹ کنوانسیون پاریس است اعمال تحفظ‌های خود نسبت به مواد مربوطه کنوانسیون پاریس را تکرار کرده‌اند [۴۳].

در خصوص کنوانسیون ۱۹۶۳ وین دو مورد حق شرط یا شاید اعلامیه تفسیری مشاهده می‌شود. مورد اول به رژیم اسرائیل مربوط می‌شود که به هنگام امضا اعلام کرده است که حق خود را به اعمال هر نوع تحفظ به هنگام تودیع سند تصویب خود محفوظ می‌دارد. مورد دوم دولت شیلی است که در ارتباط با بند ۱ ماده‌ی ۵ کنوانسیون^(۲۴) اعلام کرده است که حق خود را مبنی بر این که قانون شیلی بتواند جبران کامل خسارت را پیش‌بینی نماید محفوظ می‌دارد. شیلی همین‌طور، در ارتباط با ماده‌ی ۷ کنوانسیون^(۲۵) اعلام داشته است که در مواردی که بهره‌بردار نمی‌تواند جزئاً یا کلاً برای پوشش مسئولیت خود بیمه تهیه کند دولت شیلی بر این برداشت است که تضمین دولتی مقرر در آن ماده فقط به بخشی که تحت پوشش بیمه قرار نگرفته، در موارد و شرایطی که قانون شیلی مقرر می‌کند، اعمال می‌شود [۴۴].

در مورد کنوانسیون بروکسل ۱۹۷۱ دولت ایتالیا صرفاً اعلامیه‌ی تفسیری صادر کرده و اعلام داشته است که حق دولت ایتالیا مبنی بر رجوع به خسارات واردشده به آن دولت یا شهروندان آن بر اساس حق بین‌الملل محفوظ است [۴۵].

در خصوص پروتکل اصلاح کنوانسیون وین (۱۹۹۷) اردن، عربستان سعودی و امارات متحده‌ی عربی، اعلام کرده‌اند که خود



«دستگاه دولتی باید قبل از ارائه پیشنهاد برای الحاق یا اعلام قبولی یک توافق چند جانبه حقوقی تشریفاتی، با در نظر گرفتن مصالح و منافع کشور مطالعه و بررسی‌های لازم را در مورد اعمال حق شرط (رزرو) در آن انجام داده و گزارش جامعی را که متضمن علل یا توجیه لزوم پیش‌بینی یا عدم پیش‌بینی حق شرط در موادی از آن باشد، همراه با لایحه‌ی پیشنهادی به هیئت وزیران تسلیم کند، در مواردی که دستگاه دولتی اعمال حق شرط را لازم بداند، باید لایحه‌ی طوری تنظیم شود که حاوی شرایط مورد نظر باشد.

تبصره ۱: پیشنهاد حق شرط در مورد عضویت در اتحادیه‌ها، مجامع، سازمان‌های بین‌المللی منوط به رعایت مقررات اساسنامه یا سند تأسیس آن‌ها باشد و باید با پیشنهاد عضویت ارائه شود.

تبصره ۲: در صورتی که برای پذیرش توافق حقوقی حق شرط (رزرو) ممنوع شده باشد، یا پذیرش مشروط آن مغایر با هدف یا موضوع توافق باشد، هنگام نیاز دستگاه دولتی باید بیانیه توضیحی [اعلامیه تفسیری] را که متضمن برداشتی در راستای منافع و مصالح کشور از متن است تهیه و همراه با لایحه‌ی پیشنهادی به هیئت وزیران ارائه کند.

نکته‌ی اول در خصوص مقررات مذکور این است که کلیت مقررات آیین‌نامه‌ی مذکور در خصوص حق شرط همسو با مقررات کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات است. آیین‌نامه‌ی مذکور، به طور مطلق و قطعی دولت را ملزم به تهیه و اعمال حق شرط نکرده و ضرورت و عدم ضرورت اعمال حق شرط را به ماهیت و محتوی معاهدات و لحاظ مصالح و منافع کشور، منوط کرده است. اگر مفاد یک معاهده‌ای اعمال حق شرط را ممنوع کرده باشد، یا اعمال حق شرط مغایر با موضوع و هدف معاهده قلمداد شود، دولت نمی‌تواند حق شرطی را در مورد آن معاهده تهیه کند. در چنین وضعیتی، تکلیف دستگاه دولتی این است که بیانیه‌ی توضیحی که متضمن برداشتی در راستای مصالح و منافع کشور از متن است را تهیه و به همراه لایحه‌ی مربوطه به هیئت وزیران ارائه کند. نتیجه این که بر اساس آیین‌نامه مذکور، تکلیف به تنظیم و پیشنهاد حق شرط در مواردی است که مفاد معاهده اعمال حق شرط را ممنوع کرده و مصالح و منافع کشور نیز اعمال حق شرط به معاهده را اقتضا می‌کند. در غیر این صورت

را به روش‌های حل و فصل اختلاف مقرر در بند ۲ ماده‌ی ۲۰ الف^(۲۶) ملتزم نمی‌دانند [۴۴].

و نهایتاً، در خصوص کنوانسیون جبران تکمیلی، کشورهای کانادا، هند، ژاپن، امارات متحده عربی و ایالات متحده‌ی آمریکا اعمال تحفظ کرده‌اند. در مورد بند ۲ ماده‌ی ۱۶ این کنوانسیون^(۲۷) کانادا، هند، امارات متحده‌ی عربی و آمریکا اعلام کرده‌اند که خود را ملتزم به مقررات این بند (راجع به حل و فصل اختلافات) نمی‌دانند. در خصوص جز ب (۲)، بند ۱ ماده‌ی ۵^(۲۸) کنوانسیون نیز کانادا و ژاپن اعلام کرده‌اند که اگر شخصی سکونت دائم در این کشورها داشته باشد، در حکم شهروند آن‌ها خواهد بود. همین‌طور، ژاپن اعلام کرده است که به جز ب بند ۷ ماده‌ی ۳ کنوانسیون و جزای الف و ب بند ۲ ماده‌ی ۱ ضمیمه^(۲۹) ملتزم نیست [۴۶].

به طوری که پیش از این اشاره شد، تاکنون (۱۳۹۶) هیچ دولتی با حق شرط‌های اعمال شده به کنوانسیون‌های مذکور مخالفتی نکرده است. این حق شرط‌های اعمال شده، علاوه بر این که قابلیت تحفظ مقررات کنوانسیون‌های مذکور را در عمل تأیید می‌کند، می‌توانند در نوع اعمال حق شرط دولت‌های بعدی به کنوانسیون‌ها به عنوان راهنما عمل کنند. به طوری که ملاحظه شد، تمامی دولت‌ها علاوه بر حق شرط، اعلامیه‌ی تفسیری نیز به کنوانسیون‌ها اعمال کرده‌اند. همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، اعلامیه‌های تفسیری آثار حقوقی متفاوت از حق شرط دارند و می‌توانند در تفسیر مقررات کنوانسیون به هنگام بروز ابهام و اختلاف مورد استفاده واقع شوند [۴۷].

۸. حق شرط نسبت به معاهدات بین‌المللی در نظام حقوقی ایران

قوانین اساسی و مصوب مجلس شورای اسلامی ایران در خصوص مفهوم و قابلیت اعمال حق شرط و آثار چنین اعمالی، مقررات مشخصی را پیش‌بینی نکرده‌اند. اما در آیین‌نامه که هیئت محترم وزیران مصوب ۱۳۷۱/۲/۱۳، با استناد به اصول ۷۷^(۳۰) و ۱۲۵^(۳۱) قانون اساسی، راجع به تنظیم موافقت‌های بین‌المللی تصویب کرده است، موضوع حق شرط بر معاهدات بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. در این خصوص ماده‌ی ۸ آیین‌نامه مذکور اشعار داشته است:



ه) در مورد مسایل تعهدآور سیاسی- نظامی یا دفاعی دو یا چند جانبه منطقه‌ای یا جهانی

و) در مورد تأسیس و عضویت در اتحادیه‌ها، مجامع و سازمان‌های بین‌المللی

ز) در مورد تصمیمات سازمان بین‌المللی کار موضوع قسمت اول بند ۱ ماده‌ی ۱۹ اساسنامه‌ی سازمان بین‌المللی کار [۴۹].

در خصوص قسمت دوم سؤال مطروحه در بالا باید متذکر شد که طبق اطلاق مقررات اصل ۷۷ قانون اساسی که اعلام کرد «عهدنامه، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد» و عبارات مندرج در آیین‌نامه‌ی مذکور (نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی)، به نظر می‌آید در چنین وضعیتی دولت، پس از آن که بر اساس ملاک‌های مذکور، توافق حقوقی را توافق حقوقی تشریفاتی تشخیص داد، به مجلس شورای اسلامی ارسال کند. در خصوص اصل ۷۷ قانون اساسی شورای نگهبان چهار نظریه‌ی تفسیری صادر کرده است که اعتباری همانند اصل ۷۷ داشته که در این مورد برای دولت و مجلس شورای اسلامی لازم‌الرعایه هستند [۵۰].

۹. نتیجه‌گیری: راهبرد جمهوری اسلامی ایران

بررسی حاضر نشان داد که اعمال حق شرط نسبت به کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای با رعایت شرایط و مقررات این کنوانسیون‌ها و ضوابط و قواعد عام حقوق بین‌الملل در زمینه‌ی اعمال حق شرط‌ها ممکن است. جمهوری اسلامی ایران هنوز به عضویت این کنوانسیون‌ها (کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۲، کنوانسیون وین ۱۹۶۳، کنوانسیون بروکسل ۱۹۷۱، پروتکل اصلاح کنوانسیون وین ۱۹۶۳ و کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای) در نیامده است. بنابراین به لحاظ حقوقی و بر اساس مقررات این کنوانسیون‌ها از این اختیار برخوردار است که به هنگام الحاق به این کنوانسیون حق شرط‌هایی را نیز در مورد آن‌ها تنظیم و اعلام کند. نظر به ممنوع نشدن حق شرط در کنوانسیون‌های مذکور، به نظر می‌آید که بر اساس آیین‌نامه‌ی مذکور دستگاه دولتی مربوطه (سازمان انرژی اتمی ایران) تکلیف داشته باشد قابلیت اعمال حق شرط نسبت به آن بخش از مقررات کنوانسیونی که قصد الحاق به آن را دارد با لحاظ مصالح و منافع کشور، و با در نظر گرفتن قواعد و مقررات کنوانسیون موردنظر

اعلامیه‌ی تفسیری که متضمن برداشتی از متن آن معاهده در راستای مصالح و منافع کشور است ارائه‌ی تنظیم خواهد شد. از این رو به نظر می‌آید که چنانچه لایحه‌ی دستگاه دولتی در مورد الحاق به معاهده معین، متضمن حق شرط یا اعلامیه‌ی توضیحی نیست، دستگاه مربوطه باید دلایل توجیهی آن را در گزارش خود تبیین کند.

نکته‌ی دوم این است که بر اساس آیین‌نامه‌ی مذکور، تهیه و تنظیم حق شرط یا بیانیه‌های توضیحی فقط در مورد توافقات چندجانبه‌ی حقوقی تشریفاتی ضرورت دارد. آیین‌نامه توافق حقوقی تشریفاتی را تعریف کرده و مقرر داشته است که «توافق حقوقی توافقی است ناشی از روابط بین‌المللی که به موجب آن دستگاه دولتی در مقابل دولت، مؤسسه و شرکت دولتی، شوراها و سازمان‌های بین‌المللی ملتزم به امری می‌شود که اثر و ضمانت حقوقی داشته باشد. توافق حقوقی در مواردی که نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی باشد توافق حقوقی تشریفاتی است و در سایر موارد توافق حقوقی ساده است» [۴۸]. اما این که چه توافقی، توافق حقوقی تشریفاتی است و این که در صورت تشریفاتی بودن توافق، آیا دولت (هیأت وزیران) مکلف به ارسال آن برای بررسی و تصویب به مجلس شورای اسلامی هست یا خیر، ضروری است توضیحاتی داده شود. در خصوص پاسخ قسمت اول سؤال باید متذکر شد که آیین‌نامه توافق حقوقی تشریفاتی را تعریف نکرده، اما ضمن مقررات خود مقرر کرده است که موضوعات ذیل باید در چارچوب توافقات‌های حقوقی تشریفاتی تنظیم شود که این می‌تواند در فهم مفهوم توافق‌های حقوقی تشریفاتی روشنگرانه باشد:

الف) تعیین خطوط مرزی، روش‌های حل اختلافات مرزی صلح و مناقشات با دولت‌ها

ب) برای ایجاد مودت در ارتباط با همکاری‌ها و مبادلات اقتصادی، اجتماعی، تجاری، فرهنگی، علمی و فنی

ج) در مورد توافقات‌های چندجانبه بین‌المللی که در چارچوب یا تحت نظارت سازمان‌ها، مجامع و اتحادیه‌های بین‌المللی منعقد می‌شود.

د) برای بیان قواعد، شرایط اجرا، تمدید، تکمیل، تفسیر یا اصلاح دیگر توافقات‌های حقوقی تشریفاتی، در صورتی که اجازه‌ی انجام آن در توافق‌نامه حقوقی تشریفاتی لحاظ شده باشد.



مسئولیت مدنی ایران راجع به حوادث و خسارات هسته‌ای، اهمیت چنین بررسی دو چندان می‌شود. در این بررسی، چنانچه برخی از مقررات این کنوانسیون‌ها، مغایر با الزامات شرعی و قانون اساسی کشور تشخیص داده شود، چنانچه مقررات کنوانسیون‌های مربوطه و قواعد و ضوابط حقوق معاهدات راجع به اعمال شرط اجازه دهد، تنظیم حق شرط در مورد آن‌ها در راستای رعایت مصالح و منافع کشور ضروری و مفید خواهد بود.

(کنوانسیون ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات) مورد بررسی کارشناسانه قرار دهد و چنانچه اعمال حق شرط نسبت مواردی را لازم یا مفید تشخیص دهد تنظیم و پیشنهاد کند. با وجود عدم ممنوعیت حق شرط در کنوانسیون‌های مذکور و تأکید مفاد آیین‌نامه‌ی مذکور به تهیه و تنظیم اعلامیه‌های حق شرط با رعایت منافع و مصالح کشور، بررسی نکردن قابلیت اعمال حق شرط به این کنوانسیون‌ها قابل توجیه نخواهد بود. به دلیل وجود تفاوت اساسی بین نظام مسئولیت مدنی مقرر در این کنوانسیون‌ها و نظام

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Vienna Convention on Law of Treaties
- 2- Reservation
- 3- Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)
- 4- International Atomic Energy Agency (IAEA)
- 5- Paul Ruggie
- 6- Paris Convention on Third Party Liability in the Field of Nuclear Energy
- 7- Exclusive Liability
- 8- Strict or no-Fault Liability of Operator of Nuclear Installation
- 9- Convention on the Liability of Operators of Nuclear Ships
- 10- Brussels Convention Supplements Paris Convention of (1960)
- 11- Convention on Civil Liability for Nuclear Damage
- 12- Convention Relating to Civil Liability in the Field of Maritime Carriage of Nuclear Materials.
- 13- International Maritime Organization
- 14- Convention on Supplementary Compensation of Nuclear Damage.
- 15- Joint Protocol Relating to Application of the Vienna Convention and Paris Convention
- 16- Admissibility
- 17- Contracting State
- 18- Party



19- Paris Convention(1960).Article 6(b)(d):(b)" Except as otherwise provided in this Article, no other person shall be liable for damage caused by a nuclear incident, but this provision shall not affect the application of any international agreement in the field of transport in force or open for signature, ratification or accession at the date of this Convention"(d): Any person who has paid compensation in respect of damage caused by a nuclear incident under any international agreement referred to in paragraph (b) of this Article or under any legislation of a non-Contracting State shall, up to the amount which he has paid, acquire by subrogation the rights under this Convention of the person suffering damage whom he has so compensated.

20- Art 8(a): The right of compensation under this Convention shall be extinguished if an action is not brought within ten years from the date of the nuclear incident. National legislation may, however, establish a period longer than ten years if measures have been taken by the Contracting Party in whose territory the nuclear installation of the operator liable is situated to cover the liability of that operator in respect of any actions for compensation begun after the expiry of the period of ten years and during such longer period: provided that such extension of the extinction period shall in no case affect the right of compensation under this Convention of any person who has brought an action in respect of loss of life or personal injury against the operator before the expiry of the period of ten years.

21- Art 6(a): right to compensation for damage caused by a nuclear incident may be exercised only against an operator liable for the damage in accordance with this Convention, or, if a direct right of action against the insurer or other financial guarantor furnishing the security required pursuant to Article 10 is given by national law, against the insurer or other financial guarantor;art 6(c)(i) Nothing in this Convention shall affect the liability:

1-of any individual for damage caused by a nuclear incident for which the operator, by virtue of Article 3(a)(ii)(1) and (2) or Article 9, is not liable under this Convention and which results from an act or omission of that individual done with intent to cause damage;

2-of a person duly authorized to operate a reactor comprised in a means of transport for damage caused by a nuclear incident when an operator is not liable for such damage pursuant to Article 4(a)(iii) or (b)(iii).

22- Art 9: The operator shall not be liable for damage caused by a nuclear incident directly due to an act of armed conflict, hostilities, civil war, insurrection or, except in so far as the legislation of the Contracting Party in whose territory his nuclear installation is situated may provide to the contrary, a grave natural disaster of an exceptional character.

23- Art 19: (a) This Convention shall be ratified. Instruments of ratification shall be deposited with the Secretary-General of the Organisation.

(b) This Convention shall come into force upon the deposit of instruments of ratification by not less than five of the Signatories. For each Signatory ratifying thereafter, this Convention shall come into force upon the deposit of its instrument of ratification.

24- Art V(1) The liability of the operator may be limited by the Installation State to not less than US \$5 million for any one nuclear incident.

25-VII(i) The operator shall be required to maintain insurance or other financial security covering his liability for nuclear damage in such amount, of such type and in such terms as the Installation State shall specify. The Installation State shall ensure the payment of claims for compensation for nuclear damage which have been established against the operator by providing the



necessary funds to the extent that the yield of insurance or other financial security is inadequate to satisfy such claims, but not in excess of the limit, if any, established pursuant to Article V.

26-art xx(a)(2) 2. If a dispute of this character referred to in paragraph 1 of this Article cannot be settled within six months from the request for consultation pursuant to paragraph I of this Article, it shall, at the request of any party to such dispute, be submitted to arbitration or referred to the International Court of Justice for decision. Where a dispute is submitted to arbitration, if, within six months from the date of the request, the parties to the dispute are unable to agree on the organization of the arbitration, a party may request the President of the International Court of Justice or the Secretary-General of the United Nations to appoint one or more arbitrators. In cases of conflicting requests by the parties to the dispute, the request to the Secretary-General of the United Nations shall have priority.

27-art XVI(2): 2. If a dispute of this character referred to in paragraph I cannot be settled within six months from the request for consultation pursuant to paragraph 1, it shall, at the request of any party to such dispute, be submitted to arbitration or referred to the International Court of Justice for decision. Where a dispute is submitted to arbitration, if, within six months from the date of the request, the parties to the dispute are unable to agree on the organization of the arbitration, a party may request the President of the International Court of Justice or the Secretary-General of the United Nations to appoint one or more arbitrators. In cases of conflicting requests by the parties to the dispute, the request to the Secretary-General of the United Nations shall have priority.

28-art V(1)(b)(ii): by a national of a Contracting Party;

29-art 1(2)(a)(b) a) with respect to nuclear installations, criteria for such exclusion have been established by the Board of Governors of the International Atomic Energy Agency and any exclusion by an Installation State satisfies such criteria; and
(b) with respect to small quantities of nuclear material, maximum limits for the exclusion of such quantities have been established by the Board of Governors of the International Atomic Energy Agency and any exclusion by an Installation State is within such established limits.

۳۰. اصل هفتاد و هفتم: عهدنامه‌ها، مقاله‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

۳۱. اصل یکصد و بیست و پنجم: امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده‌ی قانونی او است.



- [1] Vienna convention on law of treaties, 1969, art, 2 (1) (d) in international legal materials, vol. 8, (679-735), (1969).
- [2] Vienna convention on law of treaties between states and international organization or between international organizations, art, 2 (2) (d) in ...
- [3] Bindschedler, Rudolf, I. "treaties, reservation", encyclopedia of public international law, Elsevier science publishers B.V, P. 496. (1984).
- [۴] فلسفی، هدایت‌الله، «حقوق بین‌الملل معاهدات»، انتشارات فرهنگ نشر نو، چاپ چهارم، تهران، ص ۳۴۵، (۱۳۹۲).
- [۵] ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق معاهدات، انتشارات گنج دانش، چاپ تهران ۱۳، ص
- [۶] Vienna convention on law of treaties, 1969, article, 19, Vienna convention on law of treaties between states and international organizations ..., 498, article, 19.
- [۷] Szosz, paul c. "The law and practice of international atomic energy agency, IAEA, Vienna, PP. 703-705. (1970).
- [۸] Elbaradei, Mohammed et al. "The law of nuclear energy: basic documents Nijhoff, 1993, PP. 1379-1381.
- [9] Sands, philippe "Chernobyl: law and communication", Gomer press, P. 82. (1988).
- [10] Sands, philippe, chernobyl: law and communication, P. 53. (1988).
- [11] Lamm, vanda, "protocol amending the 1963 vienna convention nuclear law bulletin, OECDNEA, no. 61, P. 8.
- [12] Elbaradei Mohamed et al., P. 1993, PP. (1383-1386).
- [13] Mcrae, ben, "the compensation convention: path to global regime for dealing with legal liability and compensation for nuclear damage" nuclear law bulletin, OECD, no. 61, PP. 25-26.
- [14] Buskesi, von. O. "a bridge between tow conventions on civil liability for nuclear damage: joint protocol relating to application of the Vienna convention and the Paris convention" nuclear bulletin OECD, no 43, P. 10.
- [15] The Paris convention, art, 18, (1960).
- [16] The Brussels convention, , art, 18, (1963).
- [17] The amending protocol, , art, 17 , (1997).
- [18] The Brussels convention, . Art 201962
- [19] The Brussels convention, , art, 101971
- [20] The convention on supplementary compensation, , art, 16,(1997).
- [21] The Vienna convention, art, 19, (1969).
- [22] Report of international law commission, sixty third session, PP. 347-348, (2011).
- [23] Comprehensive nuclear test bant treaty (CTBT), art,XV, (1996).
- [24] Convention on continental self, art 12, (1958).
- [25] Convention on fisheries, art 19, 1958
- [26] Convention on refugees, art,12 1951,
- [۲۷] فلسفی، هدایت‌الله، حقوق معاهدات بین‌الملل فرهنگ نشر نو، ۳۳۵، (۱۳۹۳)
- [۲۸] آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «نظام حقوقی بین‌المللی مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای»، ترجمه‌ی صالح رضایی، انتشارات خرسندی، ص ۱۷، (۱۳۹۵).
- [29] Reprt of international law commission, sizty third session , P. 218, (2011).
- [30] Reprt of international law commission, sixty third sessions, 2, P. 347, (2011).
- [31] Vienna convention on law of treaties, art 20 (5), (1969).
- [32] Vienna convention on law of treaties, art 22 (1), (1969).
- [33] Vienna convention on supple mentary compensation of nuclear damage 1997, art XVI (3)
- [34] Repon of international law commission, P. 16, (2011).



- [35] Vienna convention on law of treaties, , article 2 (f) (g), (1969).
- [36] Report of international law commission, , P. 22, (2011).
- [37] Paris convention, 1960, art 18: Brussels convention, , art, 181963
- [38] Aust, Anthony, modern treaty law and practice, cambridge university press, 2000, P. 116-117
- [39] Vienna convention on law of treaties, , art, 20 (4) (b), (1969).
- [40] Dörr Oliver, schanalenbach, "Vienna convention on law of treaties; a commentary, springer, , P. 3782012
- [41] Vienna convention on law of treaties, 9 art 20 (4) (b), (1969).
- [42] Paris conventions, reservation, declaration, in www.oecd-nea.org
- [43] Brussels convention, , declaration, reservation, in www.oecd-nea.org, (1963).
- [44] Vienna convention on civil liability for nuclear damage, declarations, reservations in www.iaea.org , (1969).
- [45] Brussels convention, reservations declarations, in <https://i-law.com>, (1971).
- [46] Convention on supplementary compensation, declarations, reservations in www.iaea.org, (1997).
- [47] Aust, Anthony "treaty law and practice, cambridge university press, P. 102,(2000).
- [۴۸] آیین نامه، ماده ی ۱، (۱۳۷۱).
- [۴۹] آیین نامه، ماده ی ۷، (۱۳۷۱).
- [۵۰] ضیایی بیگدلی، «حقوق معاهدات»، انتشارات گنج دانش، ص (۱۳۸۹).



گفتاری پیرامون مسئولیت مدنی در برابر خسارات هسته‌ای در قواعد و قوانین داخلی با رویکرد پیوستن کشور به کنوانسیون ۱۹۶۳ وین

مرتضی محمدحسینی طرّقی*^۱، حمید رشیدی^۲

۱. سازمان انرژی اتمی ایران، صندوق پستی: ۱۳۳۹-۱۴۱۵۵، تهران-ایران
۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، صندوق پستی: ۱۷۱-۳۸۸۱۵، استان مرکزی-ایران

چکیده: نیاز روز افزون به انرژی هسته‌ای در امور گوناگون به ویژه برای تولید برق در کنار سایر منابع نیرو، از یک سو و احتمال وقوع حوادث هسته‌ای در نیروگاه‌ها و تأسیسات هسته‌ای (علی‌رغم ایمنی فوق‌العاده این تأسیسات) از سوی دیگر و ضرورت جبران خسارت ناشی از این گونه حوادث، که محدوده‌ی جغرافیایی یک کشور را هم نمی‌شناسد، در عصر کنونی، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از منظر حقوقی، اگر چه در کشور ما در این زمینه تا حدودی قواعد کلی و قواعد قدیمی وجود دارد، اما پاسخگویی مسائل مربوط به جبران خسارات هسته‌ای و رسیدن به یک اجماع فراگیر در زمینه‌ی هماهنگ‌سازی قوانین مسئولیت مدنی همسایگان و سایر کشورها نیست؛ بنابراین به نظر میرسد کشور ناگزیر است برای شناسایی مسئول جبران خسارت هسته‌ای، تعیین میزان مبلغ حداقلی برای این مسئولیت، پوشش بیمه‌ای و غیره، حسب صلاح‌دید به یکی از کنوانسیون‌های مربوطه ملحق گردد. در این راستا، حال که بحث پیوستن جمهوری اسلامی ایران به «کنوانسیون ۱۹۶۳ وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای» در دستور کار سازمان انرژی اتمی ایران و دولت قرار دارد، مقاله حاضر با تدقیق در مفاد کنوانسیون یاد شده از یک طرف و بررسی منابع فقهی خود از سوی دیگر، به این نتیجه رسیده که هرچند با الحاق به کنوانسیون مذکور، مسئولیت مطلق بهره‌بردار در قبال خسارت هسته‌ای، پوشش بیمه‌ای و عدم تبعیض به نحوی پذیرفته خواهد شد، اما این کافی نبوده و حتی در خود کنوانسیون مذکور هم تدوین قانون ملی را در مواردی پیش‌بینی و مطرح می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی هسته‌ای، جبران خسارت هسته‌ای، کنوانسیون وین، جان، مال، نیروگاه، تأسیسات هسته‌ای

Study on Civil Liability for Nuclear Damage in the Rules and Internal Laws Considering the Accession of Country to the 1963 Vienna Convention

M. Mohammad Hosseiny Targhi*¹, H. Rashidi²

1. AEOI, P.O.Box: 14155-1339, Tehran-Iran
2. Islamic Azad University Khomain, P.O.Box: 38815-171, Central Province-Iran

Abstract: The increasing need for nuclear power in various fields, especially for power generation, along with other sources of energy, from one side' and Probability of nuclear incidents in nuclear power plants and facilities (Despite High level safety of this facilities) 'On the other hand, the need to compensate for such incidents, which is not limit to geographical scope of one country, would be inevitable in the current era. From a Legal Perspective 'Although in our country there are some general rules on civil liability, but they are not appropriately enough and effective the issues of nuclear damage and making comprehensive consensus on the harmonization of the Civil liability of neighboring and others Countries. Therefore, the country, in accordance with the discretion of one of the relevant conventions, should identify a nuclear liability responsible, provide the minimum amount of liability for this liability, insurance coverage, etc... In this regard, while the issue of acceding of the Islamic Republic of Iran to the 1963 Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage is on the agenda of the Atomic Energy Agency and the Government the present article has analyzed although liability of the operator for nuclear damage, insurance coverage and non-discrimination will be accepted in some way. But it is not enough, and as provided in the convention, a special national law should be drafted and approved.

Keywords: Nuclear Civil Liability, Nuclear Compensation, Vienna Convention, Life, Property, Power Plant, Nuclear Facilities

*email: mmhosseinitarghi@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۷/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۱۱/۱۴



۱. مقدمه

می‌شود، از قواعد اتلاف و تسبیب استفاده شده است. به علاوه و مهم تر اینکه براساس اصل ۴ قانون اساسی: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی، و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه‌ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده‌ی فقهای شورای نگهبان است. بر اساس اصل ۴۰ همین قانون: هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. به علاوه حدیث پیامبر صلی ... علیه و آله: لاضرر و لا ضرار فی الاسلام گویای این اصل و قاعده‌ی لاضرر است.

در بخش دوم، از مواردی سخن خواهیم گفت که در قوانین مربوط از جمله قانون اساسی، قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی، در خصوص مسئولیت مدنی و ضمان قهری به طور عام بحث کرده‌اند و از آن‌ها می‌توان تا حدودی احکام و قواعد مسئولیت مدنی هسته‌ای به عنوان شاخه‌ای از مسئولیت مدنی را استخراج و استنباط کرد. زیرا در شرایط کنونی که کشور به هیچ یک از کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی نپیوسته و قانون ملی در این زمینه تهیه و تصویب نشده است، ناگزیر برای شناسایی و تعیین مسئول جبران خسارت هسته‌ای باید به قوانین و قواعد عام مسئولیت مدنی مراجعه کرد. در این راستا حسب مورد به قوانین و مقرراتی چون مجازات اسلامی، قانون دریایی، قانون حفاظت در برابر اشعه پرداخته خواهد شد.

در بخش آخر، ابتدا به برخی از مبانی مسئولیت از لحاظ نظری پرداخته، و دیدگاه‌های حقوقی در خصوص مسئولیت مدنی از قبیل نظریه‌ی تقصیر، ایجاد خطر و تضمین حق، بیان خواهد شد و سپس برخی از مواد کنوانسیون ۱۹۶۳ مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای^(۱) در رابطه با این نظریات و مبانی و منابع مسئولیت در فقه و قوانین و مقررات جاری کشور بیان، تجزیه و تحلیل و مقایسه خواهد شد. چرا که از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نیاز اساسی کشور به ایجاد واحدهای نیروگاه‌های هسته‌ای مطرح بوده، و حتی در ماده‌ی ۱۳۵ قانون برنامه‌ی پنج ساله‌ی پنجم و توسعه، تدوین برنامه بیست ساله‌ی تولید برق از انرژی هسته‌ای پیش بینی شده است و از این‌رو، خلأهای قانونی و کاستی‌های

در یک تقسیم بندی می‌توان مسئولیت را به قراردادی و قهری تقسیم نمود. در نوع نخست اگر قراردادی بین طرفین بسته شود و یکی (یا هر دو) آن‌ها قرارداد را با انجام ندادن تعهد و یا تأخیر در انجام آن نقض و موجب ورود خسارت به طرف دیگر شود، پیمان شکن، مسئولیت قراردادی در قبال طرف دیگر دارد و باید حسب مورد، تعهد را انجام و یا از عهده‌ی خسارت ناشی از تعهد برآید که ممکن است میزان این خسارت در قرارداد پیش‌بینی و تصریح شود یا تعهد عرفاً به منزله‌ی تصریح باشد. به هر دو این قسم تعهد ریشه‌ی قراردادی داشته و مسئولیت از آثار چنین پیمانی است. بنابراین این نوع تعهد و مسئولیت از حوزه‌ی بحث ما خارج است.

نوع دیگر مسئولیت که در قانون مسئولیت مدنی (مصوب سال ۱۳۳۹) آمده و در قانون مدنی با عنوان الزامات بدون قرارداد و یا ضمان قهری از آن اسم برده شده است، در جایی است که دو طرف هیچ قراردادی با یکدیگر ندارند و یکی از آنان بدون مجوز قانونی عمداً یا سهواً به سلامتی یا جان یا مال دیگری خسارت وارد می‌کند و مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خویش می‌شود. پس این دو نوع مسئولیت هر چند ممکن است با یکدیگر تشابهاتی داشته باشند، اما از اساس و مبنا با یکدیگر متفاوت‌اند.

مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز از این قسم مسئولیت و در واقع زیر شاخه‌ی مسئولیت مدنی و خارج از قرارداد است. به بیان دیگر در این جا راجع به مسئولیت ناشی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای بحث می‌شود که بین طرفین یعنی بهره‌بردار نیروگاه و یا تأسیسات هسته‌ای از یک سو و زیان دیده از حادثه‌ی هسته‌ای از طرف دیگر، هیچ گونه قراردادی برای جبران چنین خسارتی بسته نشده است و یا اگر توافقی وجود دارد، ایراد خسارت هسته‌ای ارتباطی با آن ندارد. یعنی مسئولیت بهره‌بردار خارج از قرارداد است.

برای سهولت بحث و بررسی پیرامون موضوع، آن را به دو بخش تقسیم می‌کنیم. در بخش نخست، مبانی و منابع فقهی مسئولیت مدنی یعنی قواعد اتلاف و تسبیب و لاضرر به طور کلی بیان خواهد شد. زیرا قانون مدنی کشور ما عمدتاً از فقه و نظر مشهور فقهای معظم شیعه اقتباس شده است، به طوری که برای نمونه در قانون مدنی در باب الزاماتی که بدون قرارداد حاصل



در قبال خسارت هسته‌ای مانند بعضی از کشورهایی که به این کنوانسیون پیوسته‌اند، وجود خواهد داشت که همزمان یا بعد از الحاق کشور به کنوانسیون یاد شده، باید مراحل تدوین و تصویب خود را طی کند.

مقاله‌ی حاضر در صدد است بررسی کند در شرایط کنونی که کشور به این کنوانسیون پیوسته و قانون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای ایران نیز تهیه و تصویب نشده است، آیا قوانین و مقررات فعلی پاسخگوی نیازهای کنونی و آینده‌ی کشور برای جبران خسارات احتمالی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای است یا خیر؟ به بیان دیگر، آیا برای بهره‌برداران هسته‌ای، اعم از دولتی و خصوصی و نیز مردم و کارکنان تأسیسات مذکور، در مورد محیط زیست و خسارت احتمالی حوادثی که استفاده صلح جویانه از این نوع انرژی به افراد و محیط زیست و نسل‌های آتی وارد می‌کند، منابع حقوقی موجود کافی و وافی به مقصود می‌باشد یا مردم، مسئولین، نظام حقوقی کشور و بهره‌برداران فعلی و آتی صنعت هسته‌ای از خلأ قانونی و حقوقی در این زمینه نگران می‌باشند؟ اگر چه قواعد و مصوبات موجود تا حدودی جوابگوی نیازها در این حوزه است، ولی در صورت بروز حادثه‌ی هسته‌ای از هم اکنون باید دید آیا این منابع پاسخگوی کامل به احتیاجات کنونی و آتی در خصوص جبران خسارات ناشی از حادثه هسته‌ای کشور خواهد بود یا این نقیصه را باید به شکلی جبران کرد؟ رسیدن به جواب قانع کننده‌ی این سوالات مستلزم بررسی قوانین و قواعد موجود و تجزیه و تحلیل آن‌ها است که اهم آن قانون مدنی در باب اتلاف و تسبیب (مواد ۳۲۸ و ۳۳۱)، قانون مسئولیت مدنی و قوانین و مقررات پراکنده از جمله قانون اساسی (اصل ۴۰) و قواعد فقهی چون قاعده‌ی «لاضرر» است که در ادامه به یکایک آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲. پیشگفتار

در شرایط فعلی که این نوشتار تدوین می‌شود، نه کشور به کنوانسیون مسئولیت مدنی هسته‌ای پیوسته، و نه قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای کشور تدوین شده است. بنابراین ناگزیر به قوانین و مقررات و قواعد موجود و کلی کشور در این زمینه پرداخته می‌شود. برای رسیدن و بررسی این مهم، ابتدا به قواعد فقهی که در این زمینه وجود دارد و به درستی قانون مدنی هم از آن‌ها

موجود با توجه به دامنه‌ی گسترده و میزان فوق العاده و عظیم خسارت ناشی از یک رویداد هسته‌ای احتمالی (شبه حادثه هسته‌ای چرنوبیل یا فوکوشیما) و چگونگی جبران‌ها آن بهره‌بردار و دیگران را نگران و رنج می‌دهد.

شایان ذکر است در صورتی که برای نمونه، قاعده‌ی قدیمی مسئولیت مدنی بر اساس تقصیر و احراز رابطه سببیت برای مقصر و زیان دیده در برخی موارد مطرح است، این نظام با توجه به پیچیدگی و دشواری‌های فراوان برای اثبات تقصیر بهره‌بردار و تشخیص خواننده‌ی دعوی، اگر برای زیان دیده‌ی خسارت هسته‌ای امری محال نباشد، کاری بس دشوار است و پاسخگوی مناسب برای جبران خسارت هسته‌ای نیست. به علاوه با اصل پیشرفته و منطقی مسئولیت محض بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و اهداف مورد نظر کنوانسیون مذکور همخوانی و هماهنگی ندارد. زیرا، اهداف مهم مسئولیت مدنی هسته‌ای از قبیل انتقال مسئولیت به بهره‌بردار (operator) در پیش آمد هسته‌ای، کانالیزه کردن به سوی مسئولیت مطلق بهره‌بردار، تعیین مبلغ حداقلی برای مسئولیت، تعیین سقف برای مرور زمان در طرح دعاوی جبران خسارت، پوشش بیمه‌ی اجباری و تضمین مناسب برای فعالیت هسته‌ای، صلاحیت قضایی دادگاه‌هایی که حادثه‌ی هسته‌ای در آن کشور رخ می‌دهد و نبودن تبعیض در این کنوانسیون، اموری است که ذینفعان اعم از بهره‌برداران و دیگران ناگزیرند بخش عمده‌ای از آن‌ها را بپذیرند. این امور در قوانین و مقررات جاری کشور در شرایط کنونی جایگاه معین و استواری ندارد و تمامی زیر ساخت های قانونی لازم برای ایفای وظایف مقرر در کنوانسیون مورد بحث به اندازه‌ی کافی فراهم نیست.

البته نباید غافل شد مواردی در این کنوانسیون دیده می‌شود که به دلایلی پذیرش آن برای جمهوری اسلامی ایران، دشوار است و یا به مصلحت نیست، مانند مرور زمان طرح دعوی، وانگهی با پیوستن کشور به کنوانسیون مورد بحث، مطابق ماده‌ی ۹ قانون مدنی: «مقررات عهودی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دولت‌های منعقد شده باشد، در حکم قانون است». اما قطع نظر از حق تحفظ (Reservation) که در صورت الحاق کشور به این سند بین المللی، اعمال می‌شود، اقدام و اجرای احکام و شرایط مندرج در کنوانسیون مذکور نیاز به تدوین و تصویب دقیق و پر اهمیت قانون بومی و داخلی مسئولیت مدنی



سببیت معیار است اگر سبب اقوا از مباشر باشد، سبب اقوا مسئول شناخته می‌شود نه مباشر. بنابراین در ماده‌ی ۳۳۲ قانون مذکور آمده است: «هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.»

قاعده‌ی اتلاف یکی از قواعد مسلم و مورد اتفاق بین جمیع فرق مسلمین است. به معنای دیگر هر گاه شخصی مال دیگری را بدون اذن و رضای او نابود و تلف سازد، این مال به وجود اعتباری خود در عهده و ضمان وی قرار می‌گیرد و باید از عهده‌ی آن بیرون آید به این صورت که در مثلیات پرداخت مثل و در قییمات پرداخت قیمت بر او واجب است [۱].

وقتی چیزی تلف می‌شود، وجود اعتباری اش در عهده‌ی متلف قرار می‌گیرد و این، معنای ضمان واقعی است. نوع دیگر، ضمان قراردادی است که در اثر تعهد ضامن و قبول مضمون له به وجود می‌آید و آن را «ضمان عقدی» می‌نامند که ماده‌ی ۲۲۱ قانون مدنی نیز مؤید همین مناسبت: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد کند که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله‌ی تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد.» البته قسم اخیر در این نوشتار ارتباطی به موضوع بحث ما ندارد. زیرا در اینجا ما از مسئولیت غیر قراردادی و قهری (خارج از قرارداد) بحث می‌کنیم. همچنین عقیده‌ی فقها بر این است که هر کس بدون اجازه‌ی صاحب مال، مال او را از بین ببرد، آن مال با وجود اعتباری خود در عهده‌ی متلف قرار می‌گیرد. شایان یادآوری است که اتلاف بر دو قسم است: ۱- اتلاف حقیقی ۲- اتلاف حکمی. «اتلاف حقیقی» آن است که شخصی مال دیگری را به کلی از بین ببرد، مثلاً لباس یا فرش او را بسوزاند یا خانه‌اش را خراب کند، ولی در «اتلاف حکمی» نفس مال از بین نمی‌رود، بلکه با بقای اصل مال، مالیت آن نابود می‌شود، مانند این که شخصی یخ و برف متعلق به دیگری را در فصل تابستان در مکانی مخفی کند و در زمستان آن را اظهار و به صاحبش برگرداند. در اینجا، هر چند مرتکب، عین یخ و برف را نابود نکرده (اتلاف

پیروی می‌کند به منظور یادآوری به صورت توأمان اشاره خواهیم کرد و در این راستا به توضیح قواعد اتلاف، تسبیب و لاضرر می‌پردازیم و بالتبع مواد ۳۲۸ و ۳۲۹ قانون مدنی (در باب اتلاف)، ۳۲۸ و ۳۳۱ همین قانون (در خصوص تسبیب) و ماده ۱۳۲ آن (راجع به قاعده‌ی لاضرر) هر چند به طور موجز بررسی خواهد شد. در خلال مباحث آتی قواعد فقهی، مواد قانون مدنی و حسب مورد به قانون مهم مسئولیت مدنی که به موضوع این نوشتار ارتباط زیادی دارد، خواهیم پرداخت.

۳. بررسی قواعد فقهی و تطابق آن‌ها با مواد حقوق داخلی

۳.۱ قاعده‌ی اتلاف:

در فقه امامیه موجبات ضمان قهری دو چیز است: یکی «ضمان ید» و دیگری «ضمان اتلاف» و ضمان اتلاف خود به دو نوع تقسیم می‌شود؛ اول «اتلاف بالمباشره» و دیگری «اتلاف بالتسبیب».

اتلاف به معنی تلف کردن مال دیگری بدون اذن و رضای اوست، خواه از روی قصد و عمد یا بدون آن باشد. در نتیجه‌ی این قاعده، ضمان و مسئولیت متوجه کسی است که موجب تلف مال غیر شده است. بنابراین چنانچه شخصی بدون اذن و رضای غیر مال او را تلف کند و کسی که تلف کرده قصد احسان نداشته باشد، ضامن جبران خسارت وارد آمده است و باید مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند. در ماده‌ی ۳۲۸ قانون مدنی آمده است: «هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.» که این ماده‌ی قانونی مصداق بارز اتلاف بالمباشره است. همچنین در ماده‌ی ۳۲۹ همین قانون آمده که: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا کند و اگر ممکن نباشد باید از عهده‌ی قیمت برآید.» در این ماده نیز مقنن از وجوب جبران خسارت وارده صحبت می‌کند به نوعی که زیان‌دیده بیش از این در محذوریت نباشد.

از نظر حقوق اسلامی و قانون مدنی ایران، در صورت تراحم سبب و مباشر، اصل بر مسئولیت مباشر است و چون رابطه‌ی



دیگری را مباشرتاً بسوزاند مُتَلِف است، اما اگر در مسیر عموم چاهی حفر کند و حیوان متعلق به دیگری در آن بیفتد و بمیرد، مسبب است. ثانیاً در اتلاف همیشه فعل مثبت موجب ورود خسارت است و هیچ‌گاه ترک فعل از مصادیق اتلاف نمی‌تواند باشد، در حالی که در تسبیب، زیان، مع الواسطه متوجه غیر می‌شود و حتی با ترک فعل هم ورود زیان متصور خواهد بود.

۲.۲.۳ تعریف سبب

در مورد «سبب» گفته شده، هر چیز که از وجودش وجود دیگری لازم نیاید، ولی از عدمش عدم دیگری لازم بیاید، «سبب» است [۳].

در تسبیب، عمل شخص، مستقیماً و مباشرتاً مال دیگری را از بین نمی‌برد، بلکه رابطه‌ی بین عمل شخص و تلف مال به این گونه است که اگر آن عمل واقع نشود، تلف مال نیز اتفاق نمی‌افتد.

۲.۲.۳ اقسام فعل مسبب

منظور از عمل در اصطلاح حقوقی، اعم است از فعل یا ترک فعل و به عبارت دیگر در تسبیب فعل مسبب بر دو قسم صورت می‌گیرد:

۱. فعل مثبت، و آن فعلی است که انجامش سبب تلف مال شود؛
۲. فعل منفی، ترک فعلی است که سبب ورود خسارت بر غیر شود، خواه فعل مزبور تکلیف ناشی از قرارداد باشد، مانند آن که ماموران راه آهن در اثر عدم انجام وظیفه به موقع خود، سبب تصادم قطار شوند، یا آن که تکلیف ناشی از وظایف قانونی باشد، مثل آن که ولی با عدم انجام وظیفه نسبت به حفظ اموال مولی علیه، موجب ورود خسارت بر اموال او شود.

به نظر مرحوم محمدحسن نجفی، فقیه بزرگ امامی قرن سیزدهم (معروف به صاحب جواهر) قاعده‌ی تسبیب شامل هر فعلی است که تلف از آن ناشی شود. البته باید گفت که غیر از آن که جدایی اتلاف از تسبیب در منابع فقهی سابقه‌ی چندانی ندارد و این جدا شدن اتلاف از تسبیب نه فقط در روایات شیعه دیده نمی‌شود، بلکه در آثار قدما (یعنی در قرون اولیه‌ی اسلام) نیز مشهود نیست و نخستین بار در قرن پنجم در آثار شیخ طوسی [۴] و ابن براج [۵] مسأله اجتماع سبب و مباشر به چشم می‌خورد،

حقیقی) ولی چون آن را از مالیت و ارزش انداخته، مرتکب اتلاف حکمی شده است. به نظر بسیاری از فقیهان، اتلاف مال، شامل اتلاف حکمی نمی‌شود [۲]. قابل ذکر است از آنجا که در اتلاف رابطه‌ی علیت مستقیم بین کار مباشر و تلف کفایت می‌کند و عنصر تقصیر در آن دخالت ندارد، تا حدودی به مسئولیت مطلق بهره‌بردار در جبران خسارت هسته‌ای مندرج در مفاد کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای وین شباهت دارد. با این حال تفاوت‌هایی نیز با مسئولیت مطلق دارد که عندالاقضاء در جریان بحث به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۲.۳ قاعده‌ی تسبیب

قاعده‌ی حاضر به این معنا است که اگر شخصی مسبب از بین رفتن مال منقول یا غیر منقول دیگری شود می‌باید خسارت وارده را جبران کند. بحث تسبیب بلافاصله در ذیل عنوان اتلاف مطرح می‌شود، زیرا در حقیقت، تسبیب نوعی از اتلاف است چنانکه در قانون مدنی ما نیز از مواد ۳۲۸ به بعد که در خصوص اتلاف صحبت می‌کند، در ماده‌ی ۳۳۱ همین قانون تصریح نموده است: «هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده‌ی نقص قیمت آن برآید».

بر اساس این قاعده، شخص مبادرت به امری می‌کند که زمینه‌ی تلف و ورود خسارت به دیگری را فراهم می‌کند به طوریکه اگر آن عمل نبود، تلف هم اتفاق نمی‌افتاد. اگر تقصیر را یکی از ارکان ضمان تسبیب بدانیم، مسئولیت مندرج در کنوانسیون مورد بحث که محض تلقی می‌شود، با ضمان تسبیب ماهیتاً تفاوت پیدا خواهد کرد. زیرا در مسئولیت مطلق، تقصیر اصولاً موجب معافیت بهره‌بردار از مسئولیت نیست مگر در موارد استثنایی، مثل تقصیر سنگین فردی که موجب ورود خسارت به تأسیسات اتمی می‌شود، اما خودش نمی‌تواند به مسئولیت مطلق بهره‌بردار استناد کند و از بهره‌بردار مطالبه خسارت ناشی از عمل خویش را مطرح کند.

۲.۳.۱ فرق اتلاف و تسبیب

اولاً در اتلاف، شخص مستقیماً و بالمباشره باعث تلف مالی می‌شود، ولی در تسبیب، عمل مسبب مع الواسطه سبب می‌شود که مال غیر از بین برود. برای مثال، اگر شخصی مال



هسته‌ای معاف کند و ادعا کند که در حد عرف بین المللی و داخلی در ملک خود اقدام به احداث نیروگاه اتمی یا تأسیسات هسته‌ای نموده است. بنابراین بر اساس همین قاعده مسئول اضرار به غیر است، چرا که نمی‌توان منکر حادث شدن ضرر در حق دیگران شد لکن با توجه به عبارت «لا ضرر و لا ضرار» و دلالت آن بر نفی هرگونه ضرر در دین اسلام در تفسیر اصل قاعده‌ی میان فقها اختلاف است که در ادامه به چند نظر مشهور اشاره می‌شود:

۳.۳.۱ دیدگاه شیخ انصاری: در اسلام احکامی که موجب ضرر بر بندگان باشد وجود ندارد [۸].

۳.۳.۲ دیدگاه آخوند خراسانی: موضوعاتی که حکم دارند، اگر با عنوان اولیه‌ی شان، سبب ضرر بشوند، حکم آن برداشته می‌شود، یعنی اگر وضو موجب ضرر شود، حکم وجوب آن برداشته می‌شود [۹].

۳.۳.۳ دیدگاه مرحوم نراقی: مرحوم نراقی می‌گوید: منظور، نفی ضرر غیر متدارک است، یعنی هر کس به دیگری ضرر بزند، موظف است آن را تدارک و تلافی کند. بنابراین ضرری که جبران نداشته باشد در اسلام وجود ندارد [۱۰]. به نظر نگارنده نیز همین معنا به موضوع مانحن فیه ورود ذاتی دارد چرا که در قوانین ملی ما نیز به کرات در این خصوص صحبت، و روابط اجتماعی بر اساس آن تنظیم شده است. به طور مثال در قانون مجازات اسلامی قبلی (مصوب ۱۳۷۵) ذیل ماده‌ی ۳۵۳ آمده بود که: «اگر کسی در ملک خود آتشی روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت نماید یا بداند که به جای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده دار آن خواهد بود اگرچه به میزان نیاز خودش روشن کرده باشد.» در ادامه‌ی همین قانون، ذیل ماده‌ی ۳۵۴ نیز همین حکم بیان شده است.

قاعده‌ی لاضرر تنها در خصوص مباحث مربوط به همسایگی و یا معاملات مورد استناد نیست، بلکه دامنه‌ی شمول آن همه‌ی ابواب مربوط به تعاملات بین افراد را دربر می‌گیرد^(۳). به عنوان مثال چنانچه فردی در ملک خود تصرف مالکانه داشته باشد اما این تصرف مالکانه‌ی وی باعث اضرار به دیگری شود، بر مالک لازم است که ضرر وارده را به هزینه‌ی خود جبران کند. بنابراین

ولی به هر حال بعدها در آثار فریقین این تقسیم بندی و بررسی فروع آن، امری رایج است.

آنچه در قاعده‌ی تسبیب جاری است، عدم دخالت عمد و قصد است، چراکه توجه به روایات معتبر به عنوان مستندات قاعده‌ی تسبیب این نکته را روشن می‌سازد که به جهت اطلاق سیاق کلامی معصومین (علیهم السلام) فرقی ندارد مرتکب با قصد و نیت اضرار به غیر مبادرت به انجام فعل و یا ترک فعل سبب اضرار کند یا خیر. مع الوصف در صورت احراز انتساب خسارت به فعل مسبب بی تردید جبران خسارت واجب خواهد بود. از این رو، هرگاه حیوان متعلق به شخصی بر حیوان دیگری یا مال او هجوم آورد و خسارت وارد سازد، صاحب حیوان ضامن نیست، مگر اینکه در حفظ آن تقصیر و کوتاهی کرده باشد. بنابراین در ماده‌ی ۳۳۴ قانون مدنی ایران آمده است: «مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می‌شود، مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد، لکن در هر حال، اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشأ ضرر شود، فاعل آن عمل مسئول خسارت وارده خواهد بود [۶].»

۳.۳.۳ قاعده‌ی لاضرر و لا ضرار

قاعده‌ی لاضرر به معنی نفی مشروعیت هر گونه ضرر و اضرار در اسلام است [۷]. از این قاعده به قاعده‌ی ضرر، قاعده‌ی ضرر و ضرار، قاعده‌ی لاضرر و لا ضرار و قاعده‌ی نفی ضرر نیز تعبیر می‌شود. قاعده‌ی لا ضرر از قواعد مشهور فقهی است و مضمون آن این است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است. معروف ترین حدیثی که در این رابطه به آن استناد شده است، داستان سمره بن جندب است که در ذیل آن عبارت «لا ضرر و لا ضرار» آمده است. «کلینی» در کتاب اصول کافی از «ابن مسکان» و او از «زراره» از قول امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند. درباره معنای سه کلمه «لا» و «ضرار» و «ضرر» سخن بسیار گفته شده و معانی متفاوتی احتمال داده شده است. منشأ آن اختلاف‌ها، این است که ظاهر عبارت «لا ضرر و لا ضرار» دلالت بر نفی هر گونه ضرر در اسلام دارد، و این در حالی است که در عالم خارج بالوجدان ضرر وجود دارد. شایان یادآوری است که بهره بردار نیروگاه اتمی یا تأسیسات هسته‌ای به استناد این قاعده نمی‌تواند خود را از مسئولیت ناشی از حادثه‌ی



در این نظریه وجود دارد. به این ترتیب برابر این نظریه، زیان دیده یا مدعی باید مطابق اصل و باتوجه به وجود اصل برائت، دلایل اثباتی ارائه کند و ثابت کند که در اثر تقصیر و خطر عامل زیان، خسارت به جان یا سلامتی یا مال و دیگر حقوق او وارد شده است. در نتیجه اگر عامل زیان ثابت کند که عامل خسارت خود زیان دیده یا قوه‌ی قاهره بوده است از مسئولیت مبری خواهد شود. اگرچه ظاهراً این نظریه عادلانه و مناسب به نظر می‌رسد، اما به آن ایراداتی هم وارد است. اثبات تقصیر در دنیای صنعتی کنونی و دشواری‌های اثبات آن با توجه به ویژگی‌ها و پیچیدگی عوامل ورود خسارت و ناکارآمدی قواعد اخلاقی مبتنی بر این نظریه موجب می‌شود، این نظریه پاسخگوی تمامی مسئولیت‌های مدنی به ویژه مسئولیت مدنی هسته‌ای نباشد و نمی‌توان گفت بروز تقصیر موجب زیان می‌شود و ناگزیر باید نظریات دیگری مطرح شود که در حوادث رانندگی، بیمه‌های تأمین اجتماعی و مسئولیت مؤید آن است. به علاوه در ما نحن فیه که مسئولیت مدنی هسته‌ای مطرح است تحمل بار اثبات تقصیر بهره‌بردار به زیان‌دیده، با توجه به پیچیدگی، تخصصی بودن و حساسیت فوق‌العاده‌ی تأسیسات هسته‌ای به ویژه به اشخاص ثالث اگر امر محالی نباشد، بسیار دشوار است. بنابراین استفاده از این تئوری در مقوله‌ی خسارت ناشی از حوادث و فعالیت‌های هسته‌ای، چندان مناسب نیست و شایسته است، در این راستا به نظریات دیگری استناد شود.

۴.۲ نظریه‌ی خطر

ملاک مسئولیت در این نظریه، تقصیر زیان‌زننده نیست. بلکه اساس آن خطری است که فعالیت مربوط به ورود خسارت یا شیء متعلق به فعال ایجاد کرده است. یعنی نه تنها خسارت به کسی نسبت داده می‌شود که مسبب ورود آن بوده است، بلکه اگر اشیاء تحت تصرف و حتی اشخاص وابسته به او مانند کارگران عامل خسارت باشند، کارفرما یعنی شخصی که از فعالیت فایده می‌برد، باید از عهده‌ی خسارت برآید. به بیان دیگر، اگر زانی بر اثر فعالیت شخص به ثالث وارد شده باشد، به هر حال باید این خسارت جبران شود. حال اگر بین زیان‌دیده‌ی بی‌گناه و شخصی که فعالیت را انجام داده و محیط خطرناکی را برای دیگران به وجود آورده است (هر چند مقصر نباشد) و از آن سود می‌برد،

به نظر می‌رسد ماده‌ی ۱۳۲ قانون مدنی از مصادیق همین قاعده لاضرر باشد چرا که تصریح دارد: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد». در همین راستا نیز اصل چهارم قانون اساسی قرار دارد که: «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». همچنین اصل چهل و سوم همین قانون که «منع اضرار به غیر» را از ضوابط اقتصاد اسلامی می‌شمارد.

۴.۴ تدقیق در مکاتب حقوقی مسئولیت مدنی و کنوانسیون وین

صرف‌نظر از اینکه یافتن مبنای مسئولیت مدنی در حقوق خصوصی کار آسانی نیست و برای اینکه درایم چه دلیل و چه عاملی ممکن است مسئولیت مدنی را بر یک شخص تحمیل کند یا دامنه‌ی این مسئولیت تا کجاست، باید نظریات گوناگون را بررسی و نظر اصلاح را برگزینیم. در مباحث گذشته ملاحظه کردیم که در فقه اسلامی به ویژه فقه امامیه به استناد دلایل و منابع شرعی از قبیل قرآن و سنت و برخی از قواعد معتبر فقهی، مبانی و قواعد مسئولیت مدنی بیان شده است. اما در این‌جا از مبانی مسئولیت از جنبه‌ی نظری و فلسفی بحث می‌شود. البته از تحول تاریخی این نظریات و بیان و شرح همه‌ی آن‌ها اجتناب می‌کنیم و از میان نظریاتی چون تقصیر، خطر، مختلط، تضمین، تضمین گروهی، تقصیر به مفهوم نوعی و اقتصادی که مطرح گردیده و عمدتاً از سوی متفکران و فیلسوفان غربی بیان شده است، برخی قابل قیاس با مبانی مسئولیت مدنی در فقه هم خواهد بود، بنابراین در اینجا نظرات مهم‌تر یعنی تقصیر، خطر، تضمین حق و قابلیت انتساب را به طور خلاصه بیان خواهیم کرد و در این راستا تلاش خواهیم کرد به رابطه‌ی این نظریات با فقه و مندرجات کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای وین (۱۹۶۳) اشاره کنیم.

۴.۱ نظریه‌ی تقصیر

این نظریه در حقوق ما ناشناخته نیست به طوری که قانون مدنی پس از آن که تعدی و تفریط را در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ تعریف می‌کند در ماده‌ی ۹۵۳، تقصیر را اعم از تفریط و تعدی می‌داند (که ضمانت اجرای آن جبران خسارت است) در این نظریه اثبات رابطه‌ی سببیت میان زیان‌زننده و زیان‌دیده مطرح است به بیان دیگر، ۳ رکن ضرر، تقصیر و رابطه‌ی علیت، بین ضرر و تقصیر



کسر منفعت، زیان و حتی ورشکستگی طرف دیگر می‌شود. بنابراین چنین رقابت مشروعی را نمی‌توان ممنوع کرد و یا وارد کننده‌ی زیان را ملزم به جبران خسارت دیگری دانست. اما اگر ملازمه‌ای بین این دو حق نباشد، مانند راننده‌ای که با رعایت همه‌ی قوانین و مقررات رانندگی می‌کند ولی به جان و یا مال دیگری (که مقصر هم نیست) زیان می‌زند، باید خسارت وارده را به نوعی جبران کند.

۴.۴ نظریه‌ی قابلیت انتساب ضرر

به موجب این نظریه، هرگاه شخص عملی انجام دهد که بتوان ورود ضرر را به او نسبت داد، این شخص مسئول جبران خسارت است. یعنی آنچه در این نظریه اهمیت دارد، قابلیت انتساب زیان به عامل آن است. البته ملاک احراز قابلیت انتساب نیز رابطه‌ی سببیت از نوع عرفی است. اهمیت این نظریه از آن جهت است که می‌تواند قواعد ضمان در فقه امامیه را هم توجیه کند. با توجه به اینکه اصل جبران خسارت از اهمیت زیادی برخوردار است و عنصر تقصیر و اثبات آن برای جبران خسارت، سد بزرگی در راه تحقق این امر محسوب می‌شود، اگر بتوان این عنصر را در مسئولیت مدنی و به‌ویژه مسئولیت مدنی هسته‌ای نادیده گرفت، نظریه‌ی قابلیت انتساب می‌تواند همسو با تحولات جدید مسئولیت مدنی، در استیفای حقوق زیان‌دیدگانی که ناگزیر از اثبات تقصیر هستند معاضدت نماید؛ تا آنجا که برخی نوشته‌اند: از ارکان چندگانه‌ی مسئولیت مدنی، اثبات ضرر و رابطه سببیت، خیلی مهم است و فرد زیان دیده لزوماً باید این دو رکن را به اثبات برساند. براساس نظریه‌ی قابلیت انتساب، رکن تقصیر از مسئولیت مدنی حذف می‌شود و دیگر برای اثبات مسئولیت، نیازی به اثبات فعل زیان‌بار نیست [۱۳]. چنانچه این نظریه پذیرفته شود نیازی به تفکیک و تمایز مسئولیت قراردادی و قهری از یکدیگر نیست، زیرا آنچه در هر دو نوع مسئولیت اهمیت دارد، انتساب زیان به وارد کننده‌ی آن است به طوری که به اعتقاد برخی، براساس نظریه‌ی قابلیت انتساب، عامل توجیه‌کننده‌ی مسئولیت، قابلیت انتساب زیان به عامل ایجاد آن است. برای احراز قابلیت انتساب و رابطه‌ی سببیت، نظریات مختلفی مطرح شده که با بررسی مجموع این نظریات می‌توان دریافت که بهترین معیار برای تشخیص قابلیت انتساب، «عرف» است. عرف، بهترین داور برای حاکمیت

بخواهیم یکی را انتخاب کنیم، نباید زیان دیده‌ی بی‌گناه را برگزینیم که نه سودی از فعالیت می‌برد و نه محیط خطرناکی به وجود آورده است، بلکه برای جبران خسارت شایسته است اعتقاد داشته باشیم شخصی باید خسارت را پردازد که فعالیت خطرناک داشته و بالتبع سود و زیان هم باید متوجه او شود، حتی اگر مرتکب تقصیر نشده باشد. در نتیجه، اصل «به سود کیست؟» عامل معرفی ضامن جبران خسارت است مگر خلاف آن ثابت شود و به این ترتیب در دنیای صنعتی امروز این نظریه مناسب است و همان‌گونه که برخی نوشته‌اند، مهم‌ترین فایده‌ای که در نظریه‌ی جدید گفته شده این است که با حذف تقصیر از زمره‌ی ارکان مسئولیت مدنی، دعاوی جبران خسارت آسان‌تر به نتیجه می‌رسد و زیان دیده از ایشکال راجع به اثبات تقصیر خواننده معاف می‌شود. در «نظریه‌ی ایجاد خطر» همه چیز جنبه‌ی علمی پیدا می‌کند، دادرس باید مانند علوم طبیعی و مادی، در پی علت ورود خسارت باشد و همین که رابطه‌ی علیت را احراز کرد عامل را مسئول شمارد و در بند کاوش‌های اخلاقی و روانی نباشد [۱۱].

۴.۳ نظریه‌ی تضمین حق

به موجب این نظریه، که به وسیله‌ی بوریس استارک (Boris starck) در فرانسه ارائه شده است، هرکسی در جامعه حق دارد که سالم و ایمن زندگی کند و از اموال خود سود برد. این حق به وسیله‌ی قوانین، حمایت شده است و ضمانت اجرای این حمایت، مسئولیت مدنی متجاوز است: «همه وظیفه دارند که به حقوق دیگران احترام بگذارند و ایمنی سایرین را به خطر نیندازند. همین که حقی از بین رفت، باید به وسیله‌ی تلف‌کننده‌ی آن، جبران شود، الزام به جبران این خسارت را مسئولیت مدنی می‌نامیم» [۱۲].

البته نباید غافل بود که گاهی دو حق در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، مانند اینکه دو شخص تولیدکننده‌ی یک کالا یا انرژی هر دو بر طبق حق خویش و بر اساس پروانه یا مجوزهایی که از مراجع ذی ربط دریافت کرده‌اند، با رعایت قوانین و مقررات، به تولید کالا یا انرژی و عرضه‌ی آن اشتغال دارند و با یکدیگر رقابت می‌کنند و در این رقابت، فروش بیشتر هر کدام، موجب کاهش درآمد دیگری می‌شود. یعنی در حالی که هر طرف مطابق حق قانونی خویش عمل کرده است، اما فعالیت قانونی وی موجب



چنین صندوقی برای جبران زیان های وارد شده‌ی ناشی از خسارات هسته‌ای مفید خواهد بود.

اگر به موارد فوق رابطه سببیت و معاف بودن از تقصیر بهره‌بردار (مسئولیت مطلق) و عواقب عمیق و گسترده‌ی حادثه‌ی هسته‌ای را هم اضافه کنیم، به اصل بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی هسته‌ای نزدیک می‌شویم. زیرا اگر از یک سو حتی چنانچه بهره‌بردار، شرکت دولتی و یا دولت هم باشد و بر اثر حادثه هسته‌ای ملزم شود همه‌ی خسارات وارده به زیان‌دیدگان را، آن هم در کوتاه مدت جبران کند، با توجه به وسعت و عمق چنین خساراتی، جبران آن‌ها بسیار دشوار و شرکت و دستگاه دولتی را به ورطه‌ی ورشکستگی (و خسارت‌دیدگان را در معرض تضییع حقوق از بین رفته‌شان) خواهد کشانید. از طرف دیگر وقتی هدف غایی قواعد مسئولیت مدنی هسته‌ای و کنوانسیون‌های مربوطه را جبران خسارت مادی و حتی معنوی زیان‌دیده تلقی کنیم نمی‌توانیم دولت را از این قاعده مستثنی کنیم و با این توجیه که در شرایط کنونی احداث نیروگاه‌ها و تأسیسات هسته‌ای وظیفه یا در اختیار دولت است و بخش خصوصی به هر علتی تمایلی به سرمایه‌گذاری در بخش هسته‌ای ندارد و یا نیروگاه اتمی قابل واگذاری به بخش خصوصی نیست، فعالیت در این حوزه را حاکمیتی تلقی، و با استفاده از ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی دولت را از پرداخت خسارت معاف کنیم و معتقد شویم در چنین مواردی دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود!

البته اگر چه بین مسئولیت دولت و کارمندان دولت می‌توان تفکیک قائل شد، اما نباید از نظر دور داشت که حتی اگر مقصر حادثه‌ی هسته‌ای فرد و یا افرادی از کارکنان بهره‌بردار دولتی باشد، این پرسش ساده مطرح می‌شود که چگونه آنان (در حالی که منبع درآمد و پس اندازشان تنها دریافت حقوق و مزایا از بهره‌بردار است) می‌توانند انبوه خسارت هسته‌ای ناشی از عمل خویش را جبران کنند؟

برای ورود به این بحث، ابتدا ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی را مرور می‌کنیم. به موجب این ماده: کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی هستند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌کرد را به عمل آورده‌اند یا این

بر روابط خصوصی افراد است. براساس این نظریه هرگاه زیانی به بار آید باید به دنبال این بود که عرف، این زیان را مستند به چه کسی می‌داند؟ از دیدگاه این نظریه، مسئول جبران خسارت همان کسی است که زیان مستند به فعل یا ترک فعل او است. نظریه‌ی قابلیت استناد می‌تواند به عنوان مبنای مسئولیت مدنی در مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد استفاده شود [۱۴].

۵. بررسی جایگاه مسئولیت مدنی در قانون ملی

قبل از ورود به بحث اصلی می‌توان گفت: با فرض اینکه در شرایط کنونی کشور، بهره‌بردار نیروگاه اتمی و تأسیسات هسته‌ای شرکت دولتی و یا خود دولت است، باید دید آیا ضرورتی دارد شرکت دولتی و یا دولت مسئولیت هسته‌ای خود را بیمه کند؟ این سوال از این جهت هم مطرح می‌شود که شرکت‌های مهم بیمه در کشور نیز دولتی هستند. البته منظور از این بحث، بیمه کردن کارکنان تأسیسات هسته‌ای نیست. زیرا آنان به نحوی بیمه‌ی تأمین اجتماعی و یا خدمات درمانی و حوادث (غیر هسته‌ای) خواهند بود. بلکه در این گفتار عمدتاً بیمه‌ی مسئولیت مدنی هسته‌ای شخص ثالث اعم از جانی و تندرستی و مالی مطرح خواهد بود. این بحث اهمیت خود را در جایی بیشتر نشان می‌دهد که در کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای، از یک طرف اصل هدایت (کانالیزه کردن) مسئولیت به سوی بهره‌بردار مطرح می‌شود و از سوی دیگر برای نمونه‌ی بند «ب» ماده‌ی ۱۷ قانون بیمه‌ی اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه (مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۰) به صراحت خسارات مستقیم و یا غیر مستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیو اکتیو را از شمول بیمه‌ی موضوع این قانون خارج کرده است. بنابراین برای جبران خسارات زیان‌دیده‌ی هسته‌ای، با توجه به فقدان قواعد خاص و مورد نیاز برای مسئولیت مدنی در این خصوص در کشور باید چاره‌جویی کرد. شایان ذکر است که در ماده‌ی ۶۶ قانون اجرای احکام دائمی برنامه‌های توسعه‌ی کشور (مصوب ۱۳۹۵) به منظور تأمین منابع لازم برای انجام هزینه‌های مدیریت سوخت مصرف شده و پسماندهای حاصل، «صندوق احتیاطی» پیش‌بینی شده است که در صورت عدم الحاق کشور به معاهدات بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای، تشکیل



وارد هستند. ولی هر گاه خسارات وارد شده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده‌ی اداره یا مؤسسه‌ی مربوطه است. ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.»

بنابراین در شرایط کنونی، که کشور هنوز قانونی داخلی و بومی در این زمینه تصویب نکرده است (صرف نظر از قوانین کلی و عام) ماده‌ای که می‌توان با توجه به سکوت قوانین، آن را به نحوی به موضوع مورد بحث ارتباط داد، ماده‌ی مذکور است. حال باید دید آیا فعالیت‌هایی که در این زمینه انجام شده یا دولت در صدد انجام آن‌ها است اعمال تصدی‌گری است یا حاکمیتی؟ با مرور قانون نحوه‌ی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، مفاد ماده‌ی ۳ قانون سازمان انرژی اتمی ایران (مصوب سال ۱۳۵۳) که ایجاد نیروگاه‌های اتمی را یکی از وظایف و اختیارات سازمان می‌داند، هم‌چنین ماده‌ی ۱۳۵ قانون برنامه‌ی پنجم توسعه، قانون دستیابی به فناوری هسته‌ای صلح آمیز (مصوب ۱۳۸۴) قانون الزام دولت به حفظ دستاوردها و حقوق هسته‌ای ملت ایران نتایج ذیل حاصل شد:

اعمال تصدی و فرض تقصیر: با اثبات این که احتیاط‌های مقتضی را به عمل آورده است و یا اگر احتیاط‌های لازم را هم به عمل می‌آورد، باز هم جلوگیری از ایراد خسارت میسر نمی‌شود، در این حالت، دولت از مسئولیت معاف است اما اگر نقص از دستگاه‌ها باشد، بهره‌بردار دولتی باید جبران خسارت کند.

اعمال حاکمیت: براساس قسمت آخر ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، دولت در خصوص زیان‌هایی که به سبب اعمال حاکمیت وارد می‌کند از مسئولیت معاف است (تحت شرایطی). این ماده را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: در قسمت نخست، کارمند دولت که به مناسبت انجام وظیفه عمداً و یا در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی (با فعل و یا ترک فعل) خساراتی به اشخاص وارد می‌کند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده است. اما صرف نظر از اینکه اثبات تقصیر کارمند در چنین مواردی بسیار مشکل است

که اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود. کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه کند.

البته برابر ماده‌ی ۱۳ همین قانون، کارفرمایان مشمول ماده‌ی ۱۲ مکلفند تمام کارگران خود را در مقابل خسارات وارد شده از ناحیه‌ی آنان به اشخاص ثالث بیمه کنند. حال اگر کارفرما و کارگر یا هردو را مسئول خسارت وارده بدانیم، در شرایط کنونی که بهره‌بردار نیروگاه و تأسیسات هسته‌ای در کشور، دولتی هستند این ماده شامل آن‌ها نمی‌شود. زیرا این ماده ناظر به قانون کار و کارفرما و کارگر است که ظاهراً با فرض یا اماره‌ی تقصیر کارفرما مسئول است. شایان ذکر است که به موجب مفاد ماده‌ی ۳۲ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مقررات اداری و استخدامی سازمان انرژی اتمی ایران و شرکت‌های تابع و دستگاه‌های وابسته در بخش فعالیت‌های تخصصی بدون رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری مجری است.

به این ترتیب و با توجه به اینکه قاعداً فعالیت شرکت بهره‌بردار دولتی و تخصصی است و حتی اگر تخصصی نباشد کارکنان نیروگاه اتمی مشمول قانون خدمات کشوری خواهند شد که هردو از شمول قانون کار خارج اند و در نتیجه موضوع ماده‌ی ۱۲ قانون مذکور ارتباطی با بحث ما نخواهد داشت. البته اگر کارگر و کارفرما مشمول قانون کار باشند، ماده‌ی ۱۲ و ۱۳ قانون یادشده قابل طرح است. (تا زمانی که کشور به معاهده‌ی وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای و یا کنوانسیون مشابهی نپیوسته و قانون ملی در این خصوص به تصویب نرسیده است).

با این وصف در شرایط فعلی که کشور به کنوانسیون مسئولیت مدنی هسته‌ای در قبال خسارت هسته‌ای (۱۹۶۳) ملحق نشده است، مناسب است برای بررسی موضوع، ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی کشورمان را مورد توجه قرار دهیم. به موجب ماده‌ی مذکور: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد کنند، شخصاً مسئول جبران خسارت



با کمک سرمایه گذار داخلی و خارجی و حتی بخش خصوصی منع نشده و ممکن است در سالیان آتی تولید و فروش برق هسته‌ای توسط بخش خصوصی هم انجام شود. از بُعد دیگر اگر به موضوع بنگریم می‌بینیم هرچند به عنوان نمونه طبق بند «و» ماده‌ی ۳ قانون سازمان انرژی اتمی (مصوب سال ۱۳۵۳)؛ ایجاد نیروگاه‌های اتمی و بهره‌برداری از آن‌ها برای کمک به تأمین نیروی برق مورد نیاز کشور از وظایف سازمان انرژی اتمی ایران است و این وظیفه در حال انجام است، اما با توجه به قانون اصلاح موادی از قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی که قلمرو فعالیت‌های هریک از بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی معین شده است، حتی اگر فعالیت‌های شرکت‌های مادر تخصصی سازمان مذکور فعلاً بنا به دلایلی در گروه سه قرار داشته باشد، از اعمال حاکمیتی به معنای خاص آن محسوب نمی‌شوند. نتیجتاً در صورت احداث نیروگاه و تأسیسات اتمی توسط دولت و یا شرکت دولتی باید معتقد شویم در صورت بروز حادثه‌ی هسته‌ای (بجز موارد مستثنی شده) سازمان یا شرکت دولتی خسارات هسته‌ای وارد شده به اشخاص (به ویژه شخص ثالث و حتی خود کارکنان بهره‌بردار) را جبران می‌نمایند. در این راستا چنانچه کشور به معاهدات مربوطه از جمله کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای سال ۱۹۶۳ وین ملحق شود، در خصوص موضوع مورد بحث برای هماهنگی با سایر کشورهای عضو حتی الامکان مطابق آن رفتار می‌شود. و الا با توجه به نارسایی‌های ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و نظریه‌های جدید علمی و نیازهای کنونی و آینده‌ی کشور، لااقل باید اصل مسئولیت مدنی دولت بر مبنای نظریه‌ی تقصیر بدون اعمال تفکیک بین اعمال حاکمیتی و تصدی گری، پذیرفته شود و یا به درستی در این زمینه برای مسئولیت مدنی هسته‌ای، نظریه مطلق یا محض بهره‌بردار هسته‌ای را قبول کنیم.

شایان ذکر است در کنوانسیون مورد بحث، فرق خاصی میان بهره‌بردار خصوصی و دولتی از نظر جبران خسارت ملاحظه نمی‌شود، به طوری‌که در بند «پ» ماده‌ی ۱ آن، بهره‌بردار در رابطه با محل تأسیسات هسته‌ای به شخصی اطلاق می‌شود که توسط دولت محل تأسیسات، به عنوان بهره‌بردار آن تأسیسات تعیین یا به رسمیت شناخته شده باشد. بنابراین مطابق بند ۱ ماده‌ی ۴، آن

و این حکم را باید تفسیر مضیق کرد، با توجه به خسارات گسترده و فوق‌العاده ناشی از حوادث هسته‌ای و پیچیدگی هدایت مسئولیت به سمت کارمند دولت، جبران آن حتی در صورتی که عامل منحصر به فرد آن از کارکنان بهره‌بردار دولتی باشد، غیرممکن است. بنابراین باید قانون‌گذار این نقیصه را رفع کند. در قسمت دوم که خسارات وارد شده مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات دولتی باشد، جبران خسارت بر عهده‌ی اداره یا مؤسسه دولتی است که اصولاً توانایی جبران آن‌ها را خواهد داشت. البته اگر تقصیر را بتوان به هر دو نسبت داد، ضمانت تضامنی یا مشترک مطرح خواهد شد که پرداختن به آن در این مجال نمی‌گنجد. و در قسمت آخر این ماده، بحث اعمال حاکمیت پیش بینی شده است که هرگاه در این راستا اقدامات دولت بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر به دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود. حال باید دید آیا ایجاد نیروگاه یا تأسیسات هسته‌ای از اعمال حاکمیتی است یا تصدی گری؟ و اگر از اعمال حاکمیتی است چنانچه بر اثر فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز دولت خساراتی به کارکنان، مردم و اموال و محیط زیست وارد شود، آیا دولت ملزم به جبران خسارت است و یا در اینجا دولت تکلیفی به جبران چنین خسارتی نخواهد داشت؟

برای اینکه تشخیص دهیم آیا تولید برق از انرژی هسته‌ای آیا حاکمیتی است یا تصدی گری، می‌توان با طرح دو سؤال به نتیجه‌ی مطلوب رسید. نخست آنکه آیا سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از نیروگاه و تأسیسات هسته‌ای برای اقتدار ملی و صرفاً نفع مردم است (امر حاکمیتی) و یا در اینجا دولت مانند سایر اشخاص و افراد جامعه در نقش صاحب صنعت و تولیدکننده‌ی برق ظاهر می‌شود؟ در جواب می‌توان گفت اگرچه تولید برق از نیروگاه اتمی به اقتدار ملی و نفع مردم و جامعه کمک می‌کند، اما هدف استفاده از صنعت هسته‌ای برای تولید برق و غیره است که بدون آن نیز اقتدار ملی و نفع مردم و نیاز به برق با استفاده از نیروگاه‌هایی مانند گازی، سیکل ترکیبی، آبی، خورشیدی و بادی قابل تأمین است و از جمله اعمال حاکمیتی مانند فرمان و تحکم و ایجاد نظم و آرامش و عدالت و اوامری که مأمورین دولتی صادر و اجرا می‌کنند نیست، بلکه اعمالی است که نظائر آن را سایرین هم انجام می‌دهند. وانگهی این امر



تنها بخشی از نگرانی‌های بهره‌بردار و شخص ثالث مرتفع می‌شود، بلکه در صورت وقوع حادثه‌ی هسته‌ای، تا حد معینی از خسارت را بیمه پرداخت خواهد کرد. البته نه بیمه می‌پذیرد که خسارت نامحدود را بیمه کند و نه برای بهره‌بردار مقرون به صرفه است که به این نحو، خسارات هسته‌ای خود را بیمه کند و منابع نامحدود و گزافی را برای حق بیمه‌ی مسئولیت مدنی هسته‌ای بپردازد.

البته بهره‌برداران در کنوانسیون‌ها حسب مورد ملزم هستند مسئولیت خویش را به حداقل مبلغ معینی بیمه کنند که این مبلغ در کنوانسیون وین تا حداقل ۵ میلیون دلار آمریکا برای هر حادثه است (بند ۱ ماده‌ی ۵) که این مبلغ با توجه به معادل هر اونس طلای خالص ۳۵ دلار است (نرخ سال تصویب) و طبق بند ۳ همین ماده امروزه به حدود ۲۰۰ میلیون دلار آمریکا می‌رسد. مضافاً اینکه به این مبلغ نرخ بهره و هزینه‌های حکم دادگاه هم اضافه می‌شود (بند ۲ ماده‌ی ۵) با این حال، این امر به سود بهره‌بردار و مزیتی برای او محسوب می‌شود تا با نگرانی کمتری به فعالیت هسته‌ای بپردازد. لازم به ذکر است ضمن رعایت کردن حداقل حق برداشت ویژه (SDR)^(۳) این مبلغ در قانون مسئولیت مدنی (داخلی) کشورهای مختلف یکسان نیست. مثلاً در ماده‌ی ۶ قانون اوکراین^(۴) مبلغ ۱۵۰ میلیون SDR [۱۵] و در ماده‌ی ۱۸ قانون فنلاند^(۵) ۱۰۰ میلیون SDR [۱۶] تعیین شده است، که دولت نیز در مواردی از بهره‌بردار حمایت می‌کند. با این حال بر اساس یکی از اصول مسئولیت هسته‌ای بهره‌بردار باید مسئولیت احتمالی خود را در برابر زیان‌دیدگان و شخص ثالث بیمه کند یا تأمین مالی مناسب برای جبران خسارت در نظر بگیرد. این اصل مهم در بند ۱ ماده‌ی ۷ کنوانسیون یاد شده پیش بینی شده است. به موجب قسمت نخست این بند، بهره‌بردار ملزم می‌شود بیمه یا دیگر تضامین مالی برای پوشش مسئولیت خود در قبال خسارت هسته‌ای را به میزان، نوع و شرایط مقرر شده‌ی دولت محل تأسیسات تأمین کند.

اطلاق بند و ماده‌ی مذکور نشان می‌دهد که این حکم شامل بهره‌بردار دولتی و یا شرکت دولتی هم خواهد شد. شرکت دولتی نیز مطابق این بند ملزم به بیمه کردن یا ارائه‌ی تضامین مالی در مقابل مسئولیت مدنی هسته‌ای است. البته برابر بند مذکور، میزان نوع و شرایط بیمه یا تضامین مالی را دولت محل تأسیسات تعیین

مسئولیت بهره‌بردار در قبال خسارت هسته‌ای بر اساس این کنوانسیون مطلق خواهد بود:

(The liability of the operator for nuclear damage under this convention shall be absolute)

به این ترتیب چنانچه کشور به کنوانسیون فوق ملحق شود، ناگزیر شرکت دولتی هم به عنوان بهره‌بردار در قبال خسارت هسته‌ای بدون تقصیر، حتی در برابر کارکنان خود مسئولیت مطلق دارد. البته به جز مواردی مانند تقصیر سنگین زیان دیده‌ی ناشی از حادثه‌ی هسته‌ای و خسارت ناشی از واقعه‌ی هسته‌ای که به طور مستقیم از جنگ مسلحانه، مخاصمات، جنگ داخلی یا شورش ناشی شده باشد که به معافیت بهره‌بردار به نحوی اشاره شده است (بند های ۲ و ۳ ماده‌ی ۴) اما اگر کشور به این کنوانسیون نپیوندد، بر اساس قوانین موجود به ویژه قانون مسئولیت مدنی (مواد یک و یازده) و قانون مدنی (مواد ۳۲۸ و ۳۳۱)، اصل ۴۰ قانون اساسی و قاعده‌ی لاضرر، بهره‌بردار هسته‌ای مسئولیت خواهد داشت. یعنی از این نظر، جبران خسارت حد و مرزی ندارد. هرچند در مواردی مانند قانون دریایی ایران و بحث دیات به موجب قانون خاص، مسئولیت محدود شده است که ضابطه‌ی مسئولیت دولت و حکومت به جای کارکنان در قوانین داخلی مانند اصل ۱۷۱ قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و تطبیق حکم بر مورد خاص دیده می‌شود.

۵. ۱ بیمه‌ی مسئولیت مدنی هسته‌ای بهره‌بردار

جبران خسارات ناشی از فعالیت هسته‌ای اعم از داخلی و برون مرزی بدون کمک بیمه، امری بسیار دشوار بلکه ناممکن خواهد بود. چرا که از یک سو شرکت دولتی بودجه و دارایی محدودی دارد و نمی‌تواند با فروش اموال خود جبران خسارت کند و در نتیجه احتمال ورشکستگی آن در صورت وقوع حادثه‌ی اتمی غیرممکن نیست. و از سوی دیگر اعطای مجوز فعالیت به بهره‌بردار بدون احراز داشتن پوشش بیمه‌ای یا تضمین مناسب ممکن است مسئولیت دشوار و نامحدودی را به بهره‌بردار تحمیل کند. زیرا مطابق قانون و قواعد داخلی، اصولاً بهره‌بردار مسئول باید تمام زیان‌های وارد شده‌ی ناشی از حادثه‌ی هسته‌ای که ناشی از فعالیت هسته‌ای بوده است را جبران کند و متضرر را به وضعیتی برساند که قبل از ورود خسارت داشته است. اما با پوشش بیمه، نه



ولی در خصوص مطالبه و خسارات مازاد بر دیه‌ی موضوع اختلافی است و ضرر و زیان ناشی از هزینه‌ی دارو و درمان و معالجات و خسارات از کارافتادگی نیز علاوه بر دیه مطرح است، هرچند ماده‌ی ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ از دیه‌ی مقدّر بحث را آغاز می‌کند. (در مقابل ماده‌ی ۴۴۹ همین قانون که از ارش به عنوان دیه‌ی غیر مقدّر یاد می‌کند) و یا ماده‌ی ۵۴۹ قانون مزبور صراحت دارد، موارد دیه همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضاییه به تفصیل بر اساس نظر مقام معظم رهبری تعیین و اعلام می‌شود. شایان ذکر است مطابق رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۶۱۹ سال ۱۳۷۶، تعیین مبلغی اضافه بر دیه با ماده‌ی مرقوم مغایرت دارد [۱۹]. بنابراین یکی از مباحث پر اهمیت در قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای کشور این است که تهیه‌کنندگان آن، آیا برای هر حادثه هسته‌ای حداکثر و یا سقف خسارت را تعیین می‌کنند؟ و در صورت پیش‌بینی آیا مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام، تحدید مسئولیت را برای بهره‌بردار تصویب خواهند کرد؟

۵. ۲ وجوه اشتراک و افتراق حقوق ایران و کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در خصوص مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای

در گفتارهای پیشین به قواعد فقهی، حقوق ایران و کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای وین اشاراتی کردیم و اینکه برخی از قواعد عام مسئولیت مدنی کشور و اصول حاکم بر کنوانسیون مذکور را مقایسه خواهیم کرد و در این راستا تلاش می‌کنیم اشتراکات و نقاط افتراق این دو مقوله را بررسی کنیم و سرانجام تا حدودی این نتیجه حاصل می‌شود که در صورت الحاق کشور به کنوانسیون مذکور چه خلأها و مشکلاتی از کشور رفع می‌شود و در مقابل، کشور ما چه تعهداتی را باید به عنوان یک عضو کنوانسیون مذکور بپذیرد؟

در اینجا ابتدا به برخی از مبانی نظری بحث و دیدگاه‌های حقوقی در خصوص مسئولیت مدنی از قبیل تقصیر، خطر، تضمین حق و قابلیت انتساب سخن خواهیم گفت و سپس بعضی از مواد کنوانسیون ۱۹۶۳ وین را جمع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای و قواعد پیش‌گفته و قوانین و مقررات جاری کشور را تجزیه و تحلیل و متعاقب آن مقایسه می‌کنیم و به خلأهای قانونی

می‌کند که در مورد کشور ما این امر قاعداً باید در قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای کشور پیش‌بینی شود. به هر حال مطابق کنوانسیون مذکور هرگاه شرکت‌های دولتی نیز بهره‌بردار نیروگاه یا تأسیسات هسته‌ای باشند باید مسئولیت خود را در برابر خسارت هسته‌ای بیمه کنند و یا سایر تضمینات مالی را به واحد قانونی کشور متبوع خود ارائه دهند تا پروانه و مجوز برای فعالیت هسته‌ای مربوطه را دریافت کنند. با این حال، برخی از صاحب‌نظران نوشته‌اند: در مواردی که دولت یا یکی از ارکان آن، بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای محسوب می‌شوند دیگر نیازی به ارائه‌ی بیمه یا تضمین مالی از سوی بهره‌بردار نخواهد بود [۱۷]. البته این موضوع محل تأمل است و از بندهای ۱ و ۲ ماده‌ی ۷ کنوانسیون مورد بحث، که به طور مطلق بهره‌بردار را ملزم به بیمه یا تضمین مالی دیگر کرده است هم مشکل است چنین معافیتهایی را برداشت کرد.

مورد دیگری که مطابق کنوانسیون یاد شده مشخص نشده است و در نتیجه با الحاق کشور به آن باید در قانون ملی مطرح شود، سقف حداکثری مسئولیت بهره‌بردار است. شایان یادآوری است در بند ۱-۵ کنوانسیون مقرر شده که دولت محل تأسیسات نمی‌تواند مسئولیت بهره‌برداری برای یک واقعه‌ی هسته‌ای را به کمتر از ۵ میلیون دلار آمریکا کاهش دهد. با این حال سقف حداکثری مسئولیت برای بهره‌بردار در این کنوانسیون دیده نمی‌شود. هرچند به اعتقاد برخی از اساتید، میزان حداکثر معین شده در قوانین داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی برای «هر حادثه» اتمی پیش‌بینی شده است [۱۸]. جالب آنکه در قوانین و مقررات داخلی فعلی نیز به جز در موارد محدود، برای تعیین خسارت چنین سقفی دیده نمی‌شود و بیم آن می‌رود که در صورت پیش‌بینی سقف حداکثری در قانون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای ملی موضوع مورد ایراد شورای نگهبان قرار گیرد. البته همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، آثاری از تحدید مسئولیت در قانون مجازات اسلامی (دیات) و یا قانون دریایی ایران دیده می‌شود مثل اینکه ماده‌ی ۷۷ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳ مقرر می‌کند: میزان مسئولیت ۱- مالک کشتی می‌تواند مسئولیت خود را به شرح مذکور در ماده‌ی ۷۵ به مبالغ زیر محدود کند....



که این موضوع با تهیه و تصویب قانون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای و آیین نامه اجرایی آن تحقق می‌یابد.

۳.۵ جایگاه حق شرط در کنوانسیون

در کنوانسیون ۱۹۶۳ وین حق تحفظ (تحدید تعهد) پیش بینی یا ممنوع نشده است ولی راجع به حل اختلاف به طور مجزا مثلاً در پروتکل اختیاری راجع به حل اختلاف اجباری (مصوب سال ۱۹۶۳) موضوع تصویب شده که کشور ما به آن نپیوسته است و ملحق نشدن به این پروتکل به دلایلی چون مشکلات اصل ۱۳۹ قانون اساسی اصلح است. لیکن در مفاد برخی مواد کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، مانند جزء الف بند ۱ ماده‌ی ۱ ادر تعریف شخص (Person)، پیش بینی شده است که «شخص» به هر فرد، شرکت، مؤسسه‌ی خصوصی یا عمومی اطلاق می‌شود که بر اساس قانون دولت محل تأسیسات دارای شخصیت حقوقی است. یعنی قانون دولت، محل تأسیسات تعیین می‌کند که چه شخصی دارای چه حقوقی است یا موارد ۵ و ۶ آن که به دولت محل تأسیس یا قانون دولت محل تأسیس اختیاراتی داده است. به علاوه در ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات، راجع به تنظیم حق شرط مقرراتی پیش بینی شده است^(۶) (اگر چه مجلس کشور ما تاکنون آن را تصویب نکرده است) که به موجب آن یک کشور به هنگام امضاء، تنفیذ، قبولی، تصویب یا الحاق به یک معاهده می‌تواند تعهد خود نسبت به آن معاهده را محدود کند. مگر در صورتی که: الف - معاهده‌ی تحدید تعهد را ممنوع کرده باشد. ب- معاهده‌ی مقرر کرده باشد که تحدید تعهد فقط در موارد خاص که شامل تعهد مورد بحث نیست مجاز است. ج- در غیر موارد مشمول بندهای «الف» و «ب» وقتی که تحدید تعهد با هدف و منظور معاهده مغایرت داشته باشد. بنابراین با وجود سکوت کنوانسیون مذکور راجع به حق شرط، به استناد اصل اباحه و ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین (حقوق معاهدات راجع به حق شرط) اعمال حق تحفظ برای برخی موارد در صورت الحاق کشور به کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، بلامانع به نظر می‌رسد.

به این ترتیب هنگام پیوستن به این معاهده، کشورها می‌توانند به پروتکل اختیاری راجع به حل اختلاف اجباری یاد شده ملحق نشوند، یا با حق شرط و یا بیانیه یک جانبه‌ای، خود را

و کاستی‌های قوانین موجود با توجه به دامنه‌ی گسترده و میزان فوق العاده خسارات ناشی از یک رویداد هسته‌ای (مثل چرنوبیل) و آسیب شناسی در حوزه‌ی مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای از جنبه‌ی قانونی و حقوقی کشور اشاراتی خواهیم داشت. شایان یادآوری است امروزه قواعد قدیمی مسئولیت مدنی بر اساس تقصیر و احراز رابطه‌ی سببیت برای مقررات این نظام با توجه به پیچیدگی فراوان به منظور اثبات تقصیر بهره‌بردار و تشخیص خوانده دعوی، پاسخگوی مناسب برای جبران خسارات هسته‌ای نیست و با اصل مسئولیت محض بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و اهداف مورد نظر کنوانسیون مذکور منافات دارد. زیرا اهداف مهم مسئولیت مدنی هسته‌ای کنوانسیون مورد بحث از قبیل انتقال مسئولیت به بهره‌بردار در حوادث هسته‌ای، کانالیزه کردن مسئولیت مطلق به سوی بهره‌بردار، تعیین مبلغ حداقلی برای مسئولیت و بیمه و تعیین سقف برای مرور زمان در دعاوی جبران خسارت، پوشش بیمه‌ی اجباری و تضمین مناسب مسئولیت برای فعالیت هسته‌ای، صلاحیت قضایی دادگاه‌هایی که حادثه‌ی هسته‌ای در آن رخ داده است و نبودن تبعیض در این کنوانسیون دیده می‌شود که در قوانین جاری کشور جایگاه مشابه زیادی ندارد. به علاوه فعلاً زمینه‌های حقوقی و اقتصادی لازم برای ایفاء و انجام آن‌ها فراهم نیست که در صورت الحاق کشور به کنوانسیون مذکور ناگزیر برخی از مشکلات پیش رو باید برطرف شود. البته مواردی در کنوانسیون مذکور دیده می‌شود که به دلایلی قابل پذیرش برای جمهوری اسلامی ایران نیست. بنابراین موضوع باید هنگام پیوستن کشور به کنوانسیون، به عنوان حق شرط (reservation) تعیین شده و در قوانین و مقررات داخلی به نحو مطلوب و بومی تصویب شود تا در نتیجه‌ی آن‌ها و با استفاده از اعمال حق تحفظ و اعلامیه‌ی تفسیری بتوان تا حدودی بار تعهدات کنوانسیون را تعدیل کرد.

وانگهی پیوستن کشور به کنوانسیون مورد بحث تابع ماده‌ی ۹ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «مقررات عهودی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دولت‌ها منعقد شده باشد در حکم قانون است.» لکن اقدام و اجرای احکام و شرایط مندرج در کنوانسیون مذکور نیاز به قانون و مقررات داخلی خواهد داشت



نقل و یا کارفرما در مرحله‌ی اول جبران خسارت می‌کند در مرحله‌ی بعد می‌تواند طبق قواعد عام و آنچه در ادامه‌ی مواد مذکور اشاره شده، به عامل اصلی ورود خسارت مراجعه کند. به این ترتیب رگه‌هایی از هدایت مسئولیت در قوانین کشور مشاهده می‌شود. در کنوانسیون وین با استفاده از کانالیزه کردن مسئولیت هدایت مسئولیت به سوی بهره‌بردار، مقرر می‌کند و بهره‌بردار را به عنوان مسئول جبران خسارت هسته‌ای معرفی می‌کند و این امر موجب می‌شود در صورت الحاق کشور به سند مذکور دولت در مسیری قرار گیرد که در قانون داخلی خود مقررات ویژه‌ای پیش بینی کند تا با توجه به پیچیدگی‌های تعیین مسئول خسارت، بهره‌بردار به عنوان مسئول جبران خسارت هسته‌ای معرفی شود. به علاوه با عنوان اصل مداخله‌ی دولت برای جبران خسارات مازاد بر مسئولیت بهره‌بردار، از یک سو خسارات وارده بر زیان‌دیدگان جبران شود و از سوی دیگر بهره‌بردار از حمایت دولت در این راستا استفاده کند و از پشتوانه و تمایل بیشتری به فعالیت و سرمایه‌گذاری در این حوزه برخوردار شود.

۵.۵ مسئولیت مطلق بهره‌بردار

مطابق ماده‌ی ۴ کنوانسیون وین، مسئولیت بهره‌بردار مطلق است. یعنی زیان‌دیده برای مطالبه و دریافت خواسته‌ی خود ناگزیر نیست به افراد مختلف مراجعه کند و در جستجوی مقصر حادثه باشد یا خطا و قصور بهره‌بردار هسته‌ای را ثابت کند. همین قدر که ثابت کند خسارت وارده ناشی از فعالیت هسته‌ای بوده است و رابطه‌ی سببیت بین حادثه و خسارت هسته‌ای وجود دارد کافی است. مسئولیت مطلق و یا محض بهره‌بردار برای جبران خسارت هسته‌ای مطرح می‌شود و دلیل این امر چندان دشوار نیست. زیرا در زمینه‌ی حوادث هسته‌ای، اثبات خطای بهره‌بردار به دلیل ویژگی، پیچیدگی، سهمگینی و تخصصی، امری دشوار و گاهی در ابتدای امر غیرممکن است. بنابراین برای تسهیل جبران خسارت و طرح ادعای متضرر از حادثه‌ی هسته‌ای و حمایت بیشتر از وی، اطمینان از جبران خسارت هسته‌ای و مقبولیت و اعتماد مردم نسبت به برق اتمی، اصل مسئولیت مطلق بهره‌بردار هسته‌ای در کنوانسیون‌ها از جمله کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، پیش‌بینی شده است (بند ۱ ماده‌ی ۴). در بند ۱ و ۵ ماده‌ی ۲ همین کنوانسیون نیز

از بخشی از مقررات کنوانسیون مذکور معاف کنند. در مورد کشور ما با توجه به قانون داخلی می‌توان حق شرط‌هایی هنگام پیوستن کنوانسیون‌های بین‌المللی مطرح کرد. مانند اینکه با توجه به اصل ۴ قانون اساسی، مواردی که صریحاً مغایر موازین اسلامی است را به عنوان تحدید تعهد مطرح کرد یا در مورد مرور زمان اسقاط طرح دعوی (با توجه به نظریات شورای نگهبان) که ماده‌ی ۶ کنوانسیون مورد بحث به آن پرداخته است، کشور حق تحفظ اعمال یا اعلامیه تفسیری ارائه کند.

۴.۵ هدایت خسارات به سوی بهره‌بردار

نظر به اینکه در کشور ما فعلاً بهره‌بردار و دولت مالک محل تأسیسات هسته‌ای است، در نتیجه هدایت مسئولیت مطلق به بهره‌بردار، به سوی شرکت دولتی دارنده‌ی پروانه است و در این راستا مصونیت قضایی دولت براساس قواعد داخلی و بین‌المللی قابل طرح نخواهد بود. در این خصوص ابتدا باید دید آیا اگر کشور به کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای ملحق شود و مسئولیت جبران خسارت به سوی بهره‌بردار هدایت گردد، تأسیس حقوقی جدیدی در کشور پدیدار شده است؟ یا این امر در قوانین کشور بی سابقه نیست؟ در این جا به دو نمونه‌ی از قوانین جاری کشور اشاره می‌کنیم و آنگاه به احکام کنوانسیون در این خصوص می‌پردازیم. نمونه‌ی نخست ماده‌ی ۳۸۸ قانون تجارت است به موجب این ماده: متصدی حمل و نقل، مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده است اعم از این که خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل‌کننده‌ی دیگری را مأمور کرده باشد. بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است. به این ترتیب ملاحظه می‌کنیم که در اینجا و در ابتدای امر، کانالیزه شدن خسارت به سوی متصدی حمل و نقل، دیده می‌شود. به بیان دیگر، متصدی حمل و نقل مسئول است هر چند حمل و نقل را دیگری انجام داده است. نمونه‌ی دوم که در مباحث گذشته به آن اشاره کردیم ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی است که در آنجا هم کارفرمایانی که مشمول قانون کار می‌باشند مسئول جبران خساراتی هستند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است. البته این موارد با هدایت خسارت به سوی بهره‌بردار مطابقت کامل ندارد. زیرا اگر متصدی حمل و



کنوانسیون مذکور به این نتیجه‌ی مهم می‌رسیم که شناسایی مسئول جبران خسارت سهمگین هسته‌ای زیان‌دیدگان در کشور بر اساس قانون عام مسئولیت مدنی، با توجه به عمق و ابعاد گوناگون خسارت هسته‌ای که ممکن است بعضی از آثار خود را بعداً هم نشان بدهد، بسیار دشوار است و کافی و وافی به مقصود نیست. پیروی از نظریه‌ی خطر که تا حدودی مبنای مسئولیت وارده به اشخاص (به ویژه شخص ثالث) است و هدایت خسارت به سوی بهره‌بردار هسته‌ای، الحاق به کنوانسیون مورد بحث (با وجود مشکلاتی که ممکن است پیوستن به آن در پی داشته باشد) را توجیه می‌کند و به مصلحت کشور خواهد بود که برخی از مسائل و مواد را با ایجاد حق تحفظ در هنگام الحاق به کنوانسیون و تهیه و تصویب قانون داخلی مسئولیت مدنی مانند فنلاند، اوکراین و رومانی^(۷) و حتی هند می‌توان رفع و بومی کرد [۲۰].

در این خصوص برخی معتقدند، برای مسئول دانستن بهره‌بردار یک فعالیت راجع به خسارات ناشی از فعالیت باید نظریه‌ی خطر پذیرفته شود و راجع به صرف اثبات رابطه‌ی سببیت برای تحمیل مسئولیت، توضیح می‌دهند که در این مورد باید بین "فعل" و "فعالیت" تفاوت قائل شد. ما قرار است بهره‌بردار تأسیسات اتمی را بشناسیم؛ آنچه در مورد عدم نیاز به تقصیر و صرف اثبات رابطه‌ی استناد برای تحمیل مسئولیت گفته شده، تنها جایی می‌تواند استفاده شود که شخصی با "فعل" خود باعث ایجاد زیان شده باشد؛ مانند کندن چاه، آتش روشن کردن، ضربه زدن و غیره. اما جایی که شخصی، فعالیتی راه می‌اندازد و عده‌ی زیادی کارگر و کارمند دارد و تأسیسات و دستگاه‌هایی را به کار می‌گیرد. اگر از این فعالیت به کسی زیان برسد، نمی‌توان به راحتی بهره‌بردار آن فعالیت را مسئول دانست. چراکه ممکن است ورود زیان ناشی از فعل کارگران یا از نقص تأسیسات و یا عوامل دیگر باشد و در عمده‌ی موارد نتیجه‌ی فعل بهره‌بردار نیست. حتی ممکن است نفس فعالیت چنین اقتضایی داشته باشد و فعل هیچ کس اثری در آن نداشته باشد. برای مسئول دانستن بهره‌بردار یک فعالیت راجع به خسارات ناشی از آن فعالیت، باید نظریه‌ی خطر پذیرفته شده باشد [۲۱].

بیان شده است که در مجموع به محض اینکه ثابت شود خسارت هسته‌ای در نتیجه‌ی حادثه هسته‌ای (تحت شرایطی) در تأسیسات هسته‌ای، رخ داده است، بهره‌بردار این تأسیسات در قبال خسارت مذکور مسئولیت خواهد داشت. این احکام را اگر با نظریات فلسفی مسئولیت مدنی مقایسه کنیم شبیه نظریه‌ی خطر است. زیرا در نظریه‌ی مذکور همان‌گونه که قبلاً بررسی کردیم، تقصیر کلاً از مبنای مسئولیت مدنی خارج شده و اصل بر مسئولیت فاعل یا مالک اشیاء قرار داده شده است. با این توجیه که چون بهره‌بردار محیط خطرناکی به وجود آورده است و در مقابل انتفاع شخصی، باید مسئول جبران خسارت هم باشد (به جز موارد استثنا که به موجب آنها بهره‌بردار از مسئولیت و جبران خسارت مبرا است). شبیه چنین نظریه‌ای که مسئولیت را در برابر سودجویی قرار داده است، در فقه نیز دیده می‌شود و به موجب آن کسی که از مالی بهره می‌برد خسارت هم به عهده‌ی اوست (من له الغنم فعلیه الغرم). مسئولیت بهره‌بردار و هدایت یا کانالیزه شدن مسئولیت هسته‌ای به سوی بهره‌بردار، به جز منافعی که به آن‌ها اشاره شد، این اثر را نیز خواهد داشت که بهره‌بردار برای پیشگیری از ورشکستگی خویش در صورت حدوث حادثه‌ی هسته‌ای و بروز مشکلات لاینحل برای خود و خسارت دیده، ناگزیر می‌شود مسئولیت خویش را بیمه کند. یعنی بهره‌بردار حق بیمه‌ی پرداختی را جزء هزینه‌های تولید و قیمت تمام شده محسوب می‌کند و این امر منجر به هدایت زیان دیده (در صورت بوجود آمدن خسارت هسته‌ای) به سوی شرکت بیمه که اصولاً برای چنین اهدافی تأسیس شده، خواهد گردید. اگر بخواهیم هدایت خسارت هسته‌ای به سوی بهره‌بردار و مسئولیت مطلق را با شرایط کنونی و قوانین و مقررات داخلی (قبل از الحاق به کنوانسیون ۱۹۶۳ وین) مقایسه کنیم ضمن توجه به اصولی که در حقوق ایران مطرح است مانند نظریه‌ی تقصیر که مبنای مسئولیت در حقوق ایران تلقی می‌شود (مثل ماده‌ی ۳۳۱ قانون مدنی) و ضمانت اجرای آن جبران خسارت توسط مقصر است و نظریه‌ی خطر با قاعده‌ی اتلاف که مطلقاً و بدون تقصیر متلف را ضامن می‌داند (ماده‌ی ۳۲۸ قانون مدنی) و نیز قاعده‌ی لاضرر قابل قیاس خواهد بود که این ماده با لایحه‌ی مسئولیت مدنی مغایر نیست و با مواد ۱ و ۱۱ قانون مسئولیت مدنی هم توجیه می‌شود. با این حال، در مقایسه‌ی مفاد



۵. ۶ مرور زمان

در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی، باب یازدهم در مورد مرور زمان بحث می‌کرد. در مورد تعریف مرور زمان ماده‌ی ۷۳۱ قانون مذکور مقرر کرده بود: مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضاء آن، دعوی شنیده نمی‌شود. در این قانون مواعیدی از یک سال تا بیست سال پیش‌بینی شده بود. برای نمونه ماده‌ی ۷۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی مذکور صراحت داشت که در کلیه‌ی دعاوی راجع به اموال اعم از منقول و غیرمنقول و دیون و منافع و محصول و اسباب تملک و ضمان و دعاوی دیگر، مدت مرور زمان ده سال است به استثناء مواردی که در این قانون و یا سایر قوانین مدت دیگری برای مرور زمان قرار داده شده است. مانند ماده‌ی ۷۵۷ این قانون که به موجب آن نسبت به املاکی که در دفتر املاک به ثبت رسیده است مرور زمان جاری نمی‌شود.

اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۶۱ به نظر اکثریت فقهای شورای نگهبان مواد ۷۳۱ به بعد در مورد مرور زمان که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (۱۰ سال، ۲۰ سال، ۳ سال، ۱ سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف موازین شرع تشخیص داده شد [۲۲]. هرچند در مقابل اکثریت، اقلیتی هم وجود داشته‌اند که معتقد به مرور زمان بوده‌اند. بنابراین در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ [۲۳] موضوع و باب مذکور از قانون آیین دادرسی مدنی حذف شد. در واقع این قانون در خصوص مرور زمان سکوت کرده است. البته بحث مرور زمان در قوانین دیگر مانند حقوق تجارت و قوانین کیفری هم مطرح است که از پرداختن به آنها به دلیل عدم ارتباط مستقیم با موضوع (به جز در موارد ضروری) صرف نظر می‌کنیم. مانند اینکه در ماده‌ی ۳۹۳ قانون تجارت مرور زمان یک ساله‌ی دعوی خسارت علیه متصدی حمل و نقل پیش‌بینی شده است. اما جالب آنجاست که همین شورا در پاسخ به این پرسش که آیا اطلاق نظریه‌ی شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان شامل دعاوی اشخاص حقیقی و یا حقوقی که در قوانین و مقررات کشورشان مرور زمان پذیرفته شده است می‌شود، جواب منفی داده است^(۸).

البته مرور زمان انواع مختلفی دارد و اگر از منظر کلی به آن بنگریم در موارد فراوانی در فقه و حقوق پذیرفته شده است. مانند اینکه در عده‌ی طلاق، وفات همسر، برخی از اختیارات در قانون مدنی و مهلت تجدیدنظرخواهی در آیین دادرسی، قانون تجارت و در قانون مجازات اسلامی مرور زمان تعقیب جرائم موجب تعزیر در مواد ۱۰۵ لغایت ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی (مصوب سال ۱۳۹۲) ملاحظه می‌شود که با مرور زمان به معنای عام آن مربوط است. اما در اینجا بحث از مرور زمان اسقاط دعوی مطرح بوده است که بیشتر با هدف ایجاد و حفظ نظم عمومی و مصالح جامعه در قوانین پیش‌بینی شده است. به این ترتیب می‌توان گفت دو نوع دعوی مشمول بحث ما صرف نظر از دلایل و توجیهاات موافقین و مخالفین راجع به مرور زمان خواهد بود. نخست دعاوی حقوقی مشمول نظریه‌ی شورای نگهبان بجز آنچه استثنا شده است و دوم دعاوی کیفری به جز آنچه مشمول مرور زمان تعقیب جرائم موجب تعزیر خواهد بود.

با این توضیح معلوم می‌شود که مرور زمان اصولاً در مرحله رسیدگی به دعوا و صدور حکم (چه در امور مدنی یا کیفری) مطرح می‌شود و ماهیتاً صبغه‌ی آیین دادرسی دارد. زیرا اگر مدت‌ها بگذرد و خواهان یا شاکی مبادرت به مطالبه‌ی مال و یا شکایت کیفری نکند، قوه‌ی قضائیه از استماع به دعوی و رسیدگی به آن به استناد مرور زمان مربوطه خودداری می‌کند، هرچند سرانجام سلب حق اقامه‌ی دعوی ممکن است نفی صریح مالکیت برای مدعی یا شاکی را در پی داشته باشد. به این ترتیب وظیفه‌ی تدوین و تصویب کنندگان قانون مسئولیت مدنی داخلی است که به این مهم توجه کنند و هنگام تدوین آن، یا الحاق کشور به کنوانسیون مورد بحث حق شرط یا اعلامیه‌ی تفسیری اعمال و مشکل رفع شود.

شایان ذکر است صرف نظر از قوانین قبل از انقلاب اسلامی که شورای نگهبان در مواردی به آن ایراد نگرفته است، حتی در قوانین مصوبه مجلس پس از انقلاب اسلامی نیز مواردی دیده می‌شود که در آن‌ها مرور زمان پیش‌بینی شده است ولی شورای نگهبان آن‌ها را مغایر موازین شرعی تلقی نکرده است. به عنوان نمونه می‌توان به مهلت‌های ۳ روزه، ۵ روزه، یک هفته‌ای، ۱۰ روزه، ۲۰ روزه، ۱ ماهه، ۲ ماهه، و ۲ ساله در قوانین اخیراً تصویب شده مانند قانون آیین دادرسی مدنی اشاره کرد. به هر حال با توجه



زمان در اینجا یک نوع امتیاز و مزیت برای بهره‌بردار محسوب می‌شود، و الا بهره‌بردار همیشه نگران از طرح دعاوی است که منشأ آن سالیان دور بوده و مدت پوشش بیمه‌ی آن هم سپری شده است. به علاوه، اصولاً بیمه، مسئولیت نامحدود از جهت مبلغ و زمان را نخواهد پذیرفت و هرچه زمان از تاریخ حادثه بگذرد، اثبات اینکه زیان وارده به خواهان، ناشی از چنین حادثه‌ای بوده است، دشوارتر خواهد شد و آثار و دلایل اثباتی محدود می‌شوند. به این ترتیب وجود مرور زمان برای ذینفع و بهره‌بردار تا حدودی مناسب و سودمند خواهد بود. بنابراین اگر کشور با الحاق به این کنوانسیون مرور زمان ۱۰ ساله از تاریخ وقوع حادثه هسته‌ای را بپذیرد و در قانون داخلی خود هم پیش بینی کند، این بحث مطرح می‌شود که آیا شورای نگهبان با توجه به سابقه‌ی فقهی لزوم جبران خسارت و قواعد لاضرر و اتلاف و تسبیب و قانون اساسی، مرور زمان طرح دعوی را مغایر موازین شرعی خواهد شناخت؟ در این صورت بین اقامه‌ی دعوی جبران خسارت توسط زیان‌دیدگان از حادثه‌ی هسته‌ای در قلمرو کشور و سایر همسایگان و اتباع آن‌ها، آیا می‌توان قائل به تفکیک شد و در قانون داخلی مرور زمان طرح دعوی را تنها برای کشورهای بیگانه و اتباع آنها پیش بینی کرد و برای اشخاص موجود در کشور مرور زمان قائل نشد؟ هرچند که این امر با ماده‌ی ۱۳ این کنوانسیون مواجه می‌شود که به موجب آن، این کنوانسیون و قانون ملی حاکم بر اساس آن، بدون اعمال هرگونه تبعیض بر اساس ملیت اقامت و یا سکونت اعمال خواهد شد. به هر رو به این پرسش‌ها به هنگام پیوستن به کنوانسیون با حق شرط می‌توان پاسخ داد یا در تدوین و تصویب قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای کشور مدنظر قرار داد، اما به شرطی که مغایر روح و احکام آمره‌ی سند مورد بحث نباشد. البته این مسئله وجود دارد که با پذیرش کنوانسیون، در صورت بروز حادثه‌ی هسته‌ای و پرداخت مبالغ خسارت به زیان‌دیدگان مثلاً طی دو سال، وجود مرور زمان برای کسانی که پس از تقسیم همه‌ی حق برداشت ویژه، اقامه‌ی دعوی می‌کنند، چه سودی برای خواهان دارد، زیرا در صورت محکومیت بهره‌بردار، به جز حداقل حقوق برداشت ویژه‌ی مقرر، ظاهراً وی دیگر مسئولیتی ندارد.

به نظر اقلیت فقهای شورای نگهبان که در نظریه سال ۱۳۶۱ (راجع به شرعی نبودن مرور زمان اقامه‌ی دعوی مدنی) ابراز شده و مستند فقهی این دسته و مصلحت وجود مرور زمان در مسئولیت مدنی هسته‌ای کشور، شاید این اشکال مطرح نشود یا رفع شود. پس از مرور وضعیت مرور زمان در قوانین کشور مناسب است این موضوع را که در کنوانسیون ۱۹۶۳ وین راجع به مسئولیت در قبال خسارات هسته‌ای هم وجود دارد و احتمال الحاق کشور به آن بعید نیست هم بررسی و مقایسه شود، هرچند کنوانسیون‌های دیگر حاکم بر جبران خسارت هسته‌ای هم بر همین اساس عمل کرده‌اند و طرح دعوی علیه بهره‌بردار را پس از مدت زمان مشخص غیرممکن دانسته‌اند. در ماده‌ی ۶ کنوانسیون مذکور در ۵ بند نسبتاً طولانی، مرور زمان پیش بینی شده است. به موجب بند نخست این ماده، چنانچه دعوی ظرف ده سال از زمان واقعه‌ی هسته‌ای اقامه نشود، حق جبران خسارت به موجب این کنوانسیون منتفی می‌شود.

مسئولیت مدنی بهره‌بردار نیروگاه‌های هسته‌ای را می‌توان از دو منظر بررسی کرد. از یک بُعد بهره‌بردار چه دولتی و یا خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این صنعت سودآور و انرژی پاک از نظر مسئولیت ممکن است لااقل دو نگرانی عمده داشته باشد. نخست جبران خسارت احتمالی ناشی از فعالیت صلح آمیز که متحمل می‌شود و از طریق بیمه کردن مسئولیت و حمایت دولت تا حدودی این نگرانی کاهش و حتی رفع می‌شود.

دوم آنکه آثار ناشی از حوادث هسته‌ای یا از کار کارکنان بهره‌بردار با پرتو، که به هر دلیلی ممکن است در دراز مدت رخ دهد و پس از گذشت سال‌ها از وقوع حادثه، آثار خود را نمایان کند، بنابراین راجع به محدودیت زمانی برخی از صاحبانظران نوشته‌اند: با توجه به این واقعیت که بروز آسیب جسمانی ناشی از آلودگی پرتوی نمی‌تواند در مدتی کوتاه پس از حادثه‌ی هسته‌ای ممکن شود، تعیین مدت زمانی کوتاه (برای اقامه‌ی دعوی خسارت) ناعادلانه است. از سوی دیگر مشکل اثبات اینکه خسارت پرتوی بلند مدت به واسطه‌ی یک منبع پرتوی معین بوده است، منجر به تعیین مدت زمان کوتاه‌تر از زمان‌هایی می‌شود که به طور معمول بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی (برای اقامه‌ی دعوی) تعیین شده است [۲۴]. به این ترتیب وجود مرور



۳.۶. ۱ بند دوم ماده‌ی ۶ کنوانسیون

این بند ناظر به اموال منقول یعنی خسارت ناشی از ماده‌ی هسته‌ای است که هنگام حادثه‌ی هسته‌ای سرقت، مفقود، رها و یا دور ریخته شده است. در قانون داخلی کشور هر یک از موارد فوق صرف نظر از خسارت هسته‌ای که از فعل یا ترک فعل مرتکب ناشی می‌شود احکامی دیده می‌شود، مانند اینکه سرقت تعریزی (نه حدی)، مجازات خاص خود را با لحاظ شرایط دارد. شاید اگر مفقود به مفهوم گم کردن یا رها و دور انداختن مال باشد برای مالک آن مجازاتی نباشد. اما در مورد ماده‌ی هسته‌ای این گونه نیست و به دلیل ویژگی عوارض آن مقررات خاصی حتی در شرایط کنونی و جدای از بحث کنوانسیون، در قوانین داخلی دیده می‌شود، مثل اینکه طبق مفاد بند ۲ و ۳ ماده‌ی ۸ قانون حفاظت در برابر اشعه (مصوب سال ۱۳۶۸): دارندگان پروانه یا قائم مقام قانونی آن‌ها و نیز کلیه‌ی افرادی که به لحاظ وظیفه‌ی شغلی یا منابع مولد اشعه در ارتباط هستند مکلفند مفقود شدن و یا سرقت منابع مولد اشعه، یا هر گونه حادثه، اخلال، عیب و یا تغییرات در رابطه با منابع مواد اشعه که احتمال افزایش مخاطرات بالقوه‌ی پرتوگیری افراد را دربرداشته باشد، بلافاصله به واحد قانونی (سازمان انرژی اتمی ایران) اطلاع دهند. و گرنه به مجازات مقرر در بند ۴ ماده‌ی ۱۸ قانون مذکور محکوم خواهند شد. اما راجع به بحث مرور زمان، مطالبه‌ی خسارت هسته‌ای که ناشی از سرقت، مفقودی، دور ریختن یا رها شدن ماده‌ی هسته‌ای در زمان و متضمن واقعه‌ی هسته‌ای، فارغ از بحث کیفری آن‌ها در این جا مورد بحث و حکم قرار گرفته است که مانند سایر موارد، در قوانین و مقررات و حقوق داخلی کشور برای آن مرور زمانی دیده نمی‌شود. اما در بند ۲ ماده‌ی ۶ کنوانسیون، مرور زمان از تاریخ وقوع حادثه‌ی هسته‌ای محاسبه می‌شود که به موجب قسمت آخر آن به هیچ وجه بیشتر از یک دوره‌ی بیست ساله از تاریخ سرقت، مفقود شدن، دور ریختن یا رها شدن ماده‌ی هسته‌ای نخواهد بود. به هر حال در این جا بحث ورود خسارت ناشی از جرم به موجب ماده‌ی ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که در آن دادگاه ضمن صدور رأی کیفری در مورد مرتکب بزه، راجع به زیان خصوصی نیز رأی می‌دهد، این مطلب هم مطرح خواهد گردید، که بحث مرور زمان آن متفاوت از مطالبه و

موضوع دیگری که در کنوانسیون مزبور در آخر بند ۱ ماده‌ی ۶ در مورد مرور زمان مطرح می‌کند آنست که اگر دعوی در مورد حادثه‌ی هسته‌ای منجر به فوت یا آسیب بدنی قبل از ده سال (مرور زمان) علیه بهره‌بردار طرح شده باشد، مشمول مرور زمان ده ساله نمی‌شود. (مفهوم مخالف آن اینست که اگر بعد از ۱۰ سال از واقعه طرح شده باشد، مشمول مرور زمان خواهد شد) نکته قابل توجه این است که خسارات مالی مشمول این استثنا نمی‌شود و این امر صرفاً خسارات جانی و بدنی را شامل خواهد شد و اقامه‌ی دعوا برای دریافت خسارات مالی ۱۰ سال پس از واقعه‌ی هسته‌ای قابل استماع نیست.

به هر حال در بند ۱ ماده‌ی ۶ کنوانسیون آنچه باید دید آنست که کشور هنگام پیوستن به این کنوانسیون چه شیوه‌ای را بر می‌گزیند. آیا عیناً کنوانسیون را بدون کم و کاست و اعلام حق تحفظ قبول می‌کند، یا رزرو قائل می‌شود، یا طبق قانون داخلی مرور زمان را برای طرح دعوی برای کلیه‌ی اشخاص پیش بینی نمی‌کند و یا برای این امور در قانون ملی مقررات و احکام بومی را با توجه به منافع مردم و بهره‌بردار و سیاست‌های هسته‌ای کشور تدوین و تصویب می‌کند و شورای نگهبان از نظر شرعی و فقهی و مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس مصالح کشور و نظام اسلامی در این خصوص تصمیم شایسته اتخاذ خواهد کرد تا در کنار جبران کامل خسارت زیان‌دیدگان، در صورت رخداد هسته‌ای، بهره‌برداران اعم از دولتی، عمومی و خصوصی نیز انگیزه‌ی کافی برای شروع و تداوم احداث نیروگاه‌ها و تأسیسات هسته‌ای داشته باشند و از طرفی این امر موجب می‌شود کشور با اهداف کنوانسیون که رسیدن به نوعی اجماع کلی در زمینه‌ی هماهنگ‌سازی قوانین مسئولیت مدنی در خصوص جبران خسارت هسته‌ای که اعتماد عموم مردم نسبت به برق هسته‌ای و دیدگاه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است نزدیک گردد.

بند دوم ماده‌ی ۶ کنوانسیون مذکور خسارت هسته‌ای ناشی از واقعه‌ی هسته‌ای را مطرح می‌کند که ماده‌ی هسته‌ای در زمان واقعه‌ی هسته‌ای به سرقت رفته، مفقود شده، دور ریخته شده و یا رها شده است و مرور زمان این موارد را بیش از یک دوره‌ی بیست ساله از تاریخ سرقت، مفقودی، دور ریختن و یا رها شدن از زمان واقعه‌ی هسته‌ای نمی‌داند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.



مسئولیت کیفری وی، مگر موارد استثناء که بحث مطالبه و دریافت خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل مجرمانه شخصی، به وسیله‌ی زیان‌دیده ادعا می‌شود. البته مرور زمان مندرج در این بند نیز نا محدود نیست. بلکه مطابق قسمت پایانی بند ۳ فراتر از دوره‌ی معین شده در بندهای ۱ و ۲ این ماده نباید حسب مورد از ۱۰-۲۰ سال فراتر رود. نکته‌ی قابل توجه در این بند آن است که اگر مدت معینی در قانون ملی پیش‌بینی شود همان بازه‌ی زمانی لازم الاجراست. در هر حال زمان شروع مرور زمان از زمان آگاهی یا زمانی که منطقاً و عقلاً باید زیان‌دیده اطلاع می‌داشت خواهد بود. به علاوه آگاهی زیان‌دیده از خسارت و مسئولیت بهره‌بردار مندرج در این ماده نیز اهمیت دارد که عقل و علم و تخصص و قرائن و عرف منطقی موجود می‌تواند تعیین کننده باشد.

به این ترتیب در خصوص این بند هم مانند بندهای ماده‌ی ۶ معاهده‌ی مورد بحث، قانون کشور به عنوان قانون دادگاه صالح در قانون ملی کشور باید راجع به مرور زمان مندرج در بند ۳ این ماده تصمیم بگیرد، که به نظر می‌رسد فقدان مرور زمان با وضعیت فعلی و حاکم بر مسئولیت مدنی کشورمان سازگارتر است و به ضرورت می‌توان نسبت به مرور زمان ماده‌ی ۶ مذکور حق تحفظ برای کشور پیش‌بینی کرد. نیز می‌توان در قانون داخلی، با رعایت موازین شرعی، راه حل مناسب با مصالح کشور، حمایت بیمه و دولت راجع به این مرور زمان تصمیم شایسته اتخاذ کرد.

۶. صلاحیت قضایی دادگاه صالح در قلمرو جغرافیایی

اگر در داخل کشور صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها برای رسیدگی به دعاوی از اهمیت ویژه‌ای بخصوص از نظر محلی برخوردار است، تعیین دادگاه صالح و واحد، برای رسیدگی به دعاوی ناشی از حوادث و خسارات هسته‌ای نیز به طریق اولی اهمیت دارد. زیرا از یک طرف مسئولیت مدنی هسته‌ای از نظام خاصی پیروی می‌کند (واصولی چون مسئولیت انحصاری و هدایت به سوی بهره‌بردار بر آن حاکم است) و از سوی دیگر ممکن است خواهان دعوی، خارج از قلمرو کشور محل تأسیسات بهره‌بردار قرار داشته باشد. وانگهی مطابق بند یک ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون راجع به مسئولیت مدنی در قبال هسته‌ای (۱۹۶۳ وین): صلاحیت براساس ماده‌ی ۲ (مسئولیت بهره‌بردار در

دریافت خسارت از طریق قوانین داخلی و کنوانسیون یاد شده است. ولی در هر حال تکلیف مرور زمان مندرج در این بند هم در کنار سایر بندها باید در قانون ملی و هنگام پیوستن کشور به کنوانسیون مزبور به صورت پیش‌بینی حق تحفظ و یا اعلامیه‌ی تفسیری معلوم شود.

۳. ۲. ۶. بند سوم ماده‌ی ۶ کنوانسیون

در مباحث گذشته اشاره کردیم که بروز آسیب بدنی که از حادثه‌ی هسته‌ای یا پرتوگیری بروز می‌کند، ممکن است در دراز مدت رخ دهد. بنابراین تعیین مرور زمان کوتاه مدت برای اقامه‌ی دعوی زیان‌دیده، عادلانه نیست و شاید به همین دلیل است که کنوانسیون مذکور در بند ۳ ماده‌ی ۶ پیش‌بینی کرده است که قانون دادگاه صالح می‌تواند دوره‌ی انقضا یا مرور زمان طرح دعوی را تا حداقل ۳ سال از تاریخی که زیان‌دیده‌ی هسته‌ای از ورود زیان و بهره‌بردار مسئول جبران زیان آگاهی پیدا کرد یا باید آگاهی می‌داشت تعیین کند. البته این بحث در آیین دادرسی مدنی ما ساکت است و به دلیل فقدان مرور زمان حقوقی در شرایط کنونی در قانون، به عنوان قانون دادگاه صالح تعیین مدت مطرح نیست مگر آنکه کشور به همین نحو کنوانسیون را بپذیرد و یا در قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای کشور پیش‌بینی کند. مانند کشور فنلاند که در ماده‌ی ۲۲ قانون مسئولیت هسته‌ای خود پیش‌بینی کرده است که دعوی جبران خسارت علیه بهره‌بردار ظرف ۳ سال از تاریخ وقوف زیان‌دیده به خسارت وارده اقامه دعوی نشده باشد یا از تاریخی که او منطقاً می‌باید از ورود خسارت به خود و مسئولیت بهره‌بردار آگاهی داشته است. چنانچه دعوایی علیه بهره‌بردار یا بیمه‌گرش ظرف ۱۰ سال از تاریخ انقضاء این مهلت مطرح شود، این جبران خسارت هسته‌ای از بین خواهد رفت [۲۵]. شایان ذکر است که برابر ماده‌ی ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی: در جرائم تعریزی قابل گذشت هر گاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم شکایت نکنند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود ... (مگر موارد پیش‌بینی شده). اما این ماده ناظر بر جرم آتی است و مهم‌تر این که معمولاً در حوادث هسته‌ای بحث عنصر معنوی جرم توسط بهره‌بردار وجود ندارد و اگر موضوع طرح دعوی و مرور زمان در این بند و سایر بندها ذکر شده، هدف مسئولیت مدنی بهره‌بردار است، نه



این ماده بیشتر و ملموس تر شد، چرا که آثار سوء این سانحه و خسارات ناشی از آن، محدود به محل حادثه و به اوکراین نشد، از مرز این کشور گذشت و به بسیاری از کشورها حتی به سرزمین ما هم رسید. البته ظاهراً به دلیل این که اتحاد جماهیر شوروی سابق در کنوانسیون‌ها مربوط در زمان وقوع حادثه عضو نبوده، دعاوی جبران خسارت از سوی زیان دیدگان نیز مطرح نشده است.

بند نخست ماده‌ی ۱ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون یاد شده به خوبی مرجع رسیدگی را مشخص و پیش بینی کرده است: به غیر از مواردی که در این ماده به گونه‌ی دیگری مقرر شده است، نسبت به دعاوی اقامه شده به موجب ماده‌ی ۲ (درخصوص مسئولین بهره‌بردار در قبال خسارت هسته‌ای)، تنها دادگاه‌های طرف متعهده‌ی که در سرزمین آن واقعه‌ی هسته‌ای رخ داده است، صلاحیت رسیدگی دارد.

جالب است که در برخی کشورها مانند هند (طبق مفاد فصل ۵ قسمت ۱۹ لایحه‌ی مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای ۲۰۱۰)، در رابطه با صدمه یا خسارت ناشی از یک حادثه‌ی هسته‌ای، اگر دولت مرکزی لازم بداند که در راستای تحقق منافع عمومی چنین ادعایی برای خسارت از نظر حقوقی و قانونی وجود دارد، آن را به کمیسیون موجود در کمیته‌ی ادعاها ارجاع و محول می‌کند و می‌تواند با اطلاع رسانی لازم برای تحقق این لایحه، به تأسیس چنین کمیسیونی اقدام کند. برابر ماده‌ی ۲۰ قانون مذکور، کمیسیون باید از یک رئیس کل و چند عضو که تعداد آنان بیش‌تر از ۶ نفر نباشد توسط دولت مرکزی تشکیل و تعیین شود. رئیس و سایر اعضای کمیسیون باید براساس پشتیبانی و توصیه‌ی یک کمیته، گزینه‌ای متشکل از ۳ کارشناس با حداقل ۳۰ سال تجربه در علوم هسته‌ای و یک قاضی بازنشسته (دادگاه) دیوان عالی کشور منصوب شوند^(۹).

بند ۲ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون مورد بحث به موردی می‌پردازد که حادثه‌ی هسته‌ای در خارج از سرزمین طرف‌های متعاقد یا در محلی رخ می‌دهد که به طور دقیق مشخص نیست. در این صورت هم صلاحیت رسیدگی به دعاوی با دادگاه‌های دولت محل تأسیسات بهره‌بردار مسئول خواهد بود و این امری منطقی است. زیرا، برای یک حادثه‌ی هسته‌ای، صرفاً یک دادگاه برای رسیدگی به دعاوی و جبران خسارت هسته‌ای صالح است.

برابر خسارت هسته‌ای)، تنها با دادگاه طرف متعهده‌ی خواهد بود که در قلمرو آن واقعه‌ی هسته‌ای رخ داده است، مگر اینکه به نحو دیگری در این ماده مقرر شده باشد. حتی طبق مفاد بند ۲ همین ماده در مواردی که حادثه هسته‌ای در خارج از سرزمین طرف‌های متعاقد یا در مکانی رخ دهد که به طور دقیق قابل تشخیص نیست (که در قلمرو جغرافیائی کدام کشور است)، در این صورت هم صلاحیت رسیدگی به دعاوی با دادگاه‌های دولت محل تأسیسات بهره‌بردار، خواهد بود (قلمرو به معنای عام که شامل خشکی و دریای سرزمینی هم می‌شود). تا آنجا که برخی نوشته‌اند مطابق اصل انحصاری دادگاه: فقط دادگاه کشوری که سانحه‌ی هسته‌ای در آن به وقوع پیوسته است، صلاحیت انحصاری بررسی کلیه‌ی پرونده‌ها را دارد. هر کشور عضو کنوانسیون لازم است تا اطمینان حاصل کند که تنها یک دادگاه صلاحیت بررسی کلیه پرونده‌های مرتبط با یک سانحه‌ی هسته‌ای را داراست [۲۶]. از بند ۲ مذکور برداشت می‌شود که اگر نتوان مکان حادثه‌ی هسته‌ای را دقیقاً معلوم کرد، باز هم دادگاه کشوری صالح به رسیدگی است که بهره‌بردار بر آن نظارت و کنترل دارد. از نظر قوانین داخلی، طبق قسمت نخست ماده‌ی ۹۷۱ قانون مدنی دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین، مراجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آن جا اقامه می‌شود و براساس ماده‌ی ۹۷۵ همین قانون، محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی یا قراردادهای خصوصی را به موقع اجرا گذارد اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد. البته جزء «ث» بند ۱ ماده‌ی ۱ کنوانسیون مذکور در تعریف قانون دادگاه صالح، به دادگاهی اطلاق می‌شود که به موجب این کنوانسیون دارای صلاحیت است از جمله هر قاعده‌ای از قانون مزبور که مربوط به تعارض قوانین است.

یکی از نکات پراهمیت در اینجا عبارت: قانون دولت محل تأسیسات (The Law of Installation State) است که در جزء ۲ بند "ذ" (خسارت هسته‌ای) مقرر می‌کند: هر نوع زیان یا خسارت به وجود آمده‌ی دیگر به میزانی که قانون دادگاه صالح مقرر می‌کند. ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون مذکور تا حدودی در ۳ بند حق و تکلیف طرفین از نظر اینکه چه دادگاهی صلاحیت رسیدگی به دعاوی ناشی از حادثه هسته‌ای را دارد، پاسخ داده است. پس از حادثه‌ی هسته‌ای نیروگاه چرنوبیل اوکراین، اهمیت



داخلی کشورها هم تناسب دارد به نحوی که در کشور ما اصولاً خواهان طبق ماده‌ی ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی جهت اقامه‌ی عمومی به دادگاه محل اقامت خوانده مراجعه می‌کند و برابر مفاد ماده‌ی ۱۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه محل وقوع جرم اصولاً صالح به رسیدگی است.

آخرین بحثی که مناسب است در مورد صلاحیت قضایی دادگاه در قلمرو جغرافیایی بیان شود، حکم نهایی (یا لازم الاجراء) است که از دادگاه صلاحیت‌دار بر اساس ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون صادر می‌شود. این امر در ماده‌ی ۱۲ کنوانسیون مذکور مطرح شده است. این ماده می‌خواهد حکم کند که آرای صادر شده از دادگاه صالح، در سایر کشورهای عضو باید اجرا شود مگر در سه مورد که در بندهای الف، ب و پ این ماده احصاء شده‌اند. یعنی اگر حکم از طریق تقلب تحصیل شده یا به محکوم علیه فرصت عادلانه برای اقامه‌ی دعوی داده نشده باشد و نیز رأی، مخالف نظم عمومی طرف متعاقد باشد یا مطابق معیارهای اساسی عدالت نباشد، قابلیت اجرا ندارد.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱- با الحاق کشور به کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، نه تنها مسئولیت ناشی از بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای بهره‌بردار ملی وسیع‌تر و سنگین‌تر از نظام مسئولیت مدنی عام نیست، بلکه بر عکس مسئولیت مدنی هسته‌ای بهره‌بردار نسبت به قواعد عام مسئولیت مدنی کشور سبک‌تر و محدودتر خواهد بود.

۲- در شرایط کنونی اصولاً از بُعد حقوقی هیچ‌گونه حمایت ویژه‌ای از قربانیان حوادث هسته‌ای اعم از جانی، جسمی، مالی و زیست محیطی در قوانین و مقررات کشور دیده نمی‌شود.

۳- باید تلاش شود با عنایت به مفاد کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، قانون داخلی کشور با استفاده از منابع فقهی حقوقی داخلی و کنوانسیون مذکور، یک نظام منسجم و کامل مسئولیت مدنی برای جبران خسارت ناشی از فعالیت صلح آمیز هسته‌ای طراحی و ایجاد شود.

۴- از ویژگی‌های خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای آن است که مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و در صورت وقوع، علاوه بر

در اینجا مناسب است بیان کنیم برابر مفاد بخشی از مواد ۱ و ۲ کنوانسیون اعلام فوری حوادث هسته‌ای (که کشور ما هم به آن پیوسته است) دولت‌های عضو متعهدند در صورت بروز واقعه‌ی هسته‌ای در تأسیسات تحت نظارت و کنترل و یا صلاحیت خود یا احتمال رخ دادن چنین حوادثی، موارد را فوری و مستقیماً یا از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به کشورهای که متأثر از چنین حوادثی هستند، اطلاع‌رسانی کرده و آنها را از جزئیات حادثه مانند ماهیت، زمان و مکان دقیق محل وقوع حادثه آگاه کنند.

در مورد بند ۳ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای، در مواردی که به موجب بند ۱ یا ۲ این ماده، دادگاه‌های بیش از یک طرف معاهده صلاحیت رسیدگی پیدا می‌کند: اگر بخشی از حادثه‌ی هسته‌ای در بیرون از سرزمین طرف‌های معاهده یا یک طرف متعاقد رخ دهد که دقیقاً قابل تعیین نیست، در این صورت رسیدگی به دعاوی در صلاحیت دادگاه‌های دولت اخیر یعنی محل تأسیسات بهره‌بردار خواهد بود که مسئولیت دارد و در سایر موارد دادگاه‌های طرف متعاقدی صلاحیت رسیدگی دارند که به موجب موافقت‌نامه‌ی فی‌مابین طرفین دادگاه‌های آن براساس بند ۱ و ۲ این ماده، صالح شناخته شده است. یعنی در این صورت کشورها باید با توافق همدیگر دادگاه یک کشور را به عنوان دادگاه صالح تعیین کنند. شایان ذکر است که به موجب ماده‌ی ۱۴ کنوانسیون مورد بحث، مصونیت‌های قضایی براساس قواعد ملی یا حقوقی بین‌الملل در دعاوی مطروحه نزد دادگاه‌های صالح به موجب ماده‌ی ۱۱ جز در مورد اقدامات اجرائی قابل استناد نیست. یعنی اگر مصونیت قضایی را اعم از مرحله‌ی قضاوت و اجرا بدانیم، در قسمت اجرا و اقدامات اجرایی مصونیت وجود دارد.

دادگاهی صلاحیت رسیدگی به موضوع را دارد که حادثه‌ی هسته‌ای در آن روی داده است و این امر موجب می‌شود خواهان‌های متعدد و حتی با ملیت‌های گوناگونی که پس از وقوع یک حادثه هسته‌ای به دادگاه یک کشور مراجعه کنند، با آنان رفتار یکسان و واحد صورت گیرد و در جبران خسارت عادلانه حکم صادر شود. به علاوه، خواننده و به ویژه خواهان در مورد مراجعه به دادگاه صالح سرگردان نباشد. البته این امر با قانون



زیان‌دیدگان پرداخت شود (بین آنان تقسیم شود) و سپس حتی قبل از انقضاء مدت مرور زمان زیان‌دیده دیگری اقامه دعوی کند و بهره‌بردار محکوم شود، الزام بهره‌بردار به اجرای رأی مذکور محل تأمل فراوان دارد.

۱۰- در شرایط کنونی که کشور به کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای وین (سال ۱۹۶۳) ملحق نشده است، برای تعیین مسئولیت مدنی بهره‌بردار هسته‌ای می‌توان از قواعد و قوانین داخلی کشور از جمله اتلاف و تسبیب و لاضرر در فقه، اصل ۴۰ قانون اساسی و قانون مدنی راجع به اتلاف و تسبیب و لاضرر (ماده ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی) و به ویژه قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ استفاده کرد. هرچند این قوانین با توجه به ویژگی‌های خسارات ناشی از فعالیت هسته‌ای خصوصاً در آنجا که صبغه‌ی برون مرزی به خود می‌گیرد، پاسخگوی تمامی نیازهای حقوقی کشور نیست و کشور ناگزیر است به کنوانسیون بین الملل مسئولیت مدنی هسته‌ای ملحق شود.

۱۱- در کنوانسیون مورد بحث، امتیازاتی دیده می‌شود از جمله این که در آن مسئولیت مدنی مطلق بهره‌بردار وجود دارد (هرچند این ویژگی به سود زیان‌دیده و شخص ثالث است و بهره‌برداران هسته‌ای تمایلی از این جهت به کنوانسیون مذکور از خود نشان نمی‌دهند)، هدایت و کانالیزه شدن مسئولیت به طرف بهره‌بردار، الزام بهره‌بردار مذکور به تعیین پوشش بیمه‌های تضمین مالی، حمایت مالی دولت از زیان‌دیده با تعیین حداقل (کف) برای بهره‌بردار در قبال هر حادثه‌ی هسته‌ای، عدم تبعیض فی مابین زیان‌دیدگان براساس ماده‌ی ۱۳ کنوانسیون مزبور، ملیت اقامت یا سکونت در کنوانسیون و قانون ملی هر کشور، نباید سبب امتیاز شود.

۱۲- فعالیت هسته‌ای دولت یا شرکت دولتی از اعمال تصدی‌گری است و حاکمیتی تلقی نمی‌شود تا بهره‌بردار را با استفاده از ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، از پرداخت خسارت معاف کند. به علاوه، اگر حتی مقصر حادثه‌ی هسته‌ای فرد یا افرادی از کارکنان بهره‌بردار دولتی باشند، اصولاً آنان قادر نخواهند بود خسارت گسترده، عمیق و گزاف هسته‌ای را جبران کنند. به این ترتیب باز هم دولت مسئول و جوابگو است، هرچند براساس قواعد عمومی

کارکنان بهره‌بردار، مردم و محیط زیست کشور محل حادثه، ممکن است دامنه‌ی خسارات آن به کشورهای همسایه و حتی دور دست هم سرایت کند که به هر حال بهره‌بردار در قبال آن اصولاً مسئولیت مطلق دارد.

۵- با توجه به اینکه کشور ما از معدود کشورهایی است که با وجود داشتن نیروگاه هسته‌ای قدرت، تاکنون به کنوانسیون‌های بین‌المللی در قبال خسارت هسته‌ای نپیوسته است، برای رعایت مصالح کشور، بهره‌برداران هسته‌ای در جبران خسارت محدود در صورت وقوع حادثه‌ی هسته‌ای در تأسیسات اتمی و پرداخت حقوق خسارت‌دیدگان (با اعمال حق شرط‌های موردنظر) تا حدودی کشور ناگزیر است به کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای بپیوندد و با توجه به فقدان قوانین به روز شده در این زمینه، قبل یا بعد از الحاق، قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای ملی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن را نیز تهیه و تصویب کند.

۶- مسئولیت مدنی هسته‌ای به عنوان زیر شاخه‌ی مسئولیت مدنی، از نوع قهری و غیر قراردادی است که با وجود قواعد و قوانینی برای جبران خسارت زیان‌دیده در این خصوص، این مقررات در شرایط کنونی جهانی، پاسخگوی کافی و وافی نیازهای مقصود نیست.

۷- در میان نظرات فلسفی ارائه شده که جنبه‌ی بین‌المللی هم پیدا کرده است، مسئولیت مطلق بهره‌بردار نیروگاه و تأسیسات هسته‌ای، به نظریه‌ی خطر نزدیکتر است. زیرا بهره‌بردار، محیط ویژه و خطرناکی را به وجود آورده و از آن منتفع می‌شود.

۸- در مجموع از کنوانسیون مذکور استفاده می‌شود که اولاً کارکنان بهره‌بردار نیز زیان‌دیده تلقی و به ضرورت مشمول حقوق برداشت ویژه خواهند شد. یعنی نمی‌توان گفت کنوانسیون یاد شده تنها ناظر به شخص ثالث است. ثانیاً شرکت‌های دولتی نیز باید مسئولیت خود را بیمه‌ی مسئولیت مدنی کنند یا دولت (کشور) به نحوی در قبال خسارت هسته‌ای مسئولیت شرکت دولتی بهره‌بردار را تضمین نماید.

۹- ظاهراً به جز حق برداشت ویژه تعیین شده، بهره‌بردار نیروگاه و تأسیسات هسته‌ای و دولت، مازاد بر آن طبق کنوانسیون یاد شده مسئولیتی ندارند و اگر این مبلغ تماماً به



هسته‌ای را داشته باشد. در این راستا خواهان و خواننده از حق تکلیف خود در خصوص دادگاه صلاحیت‌دار آگاهی دارند (حتی اگر خواهان در کشور دیگری اقامت داشته باشد) تاجایی که اگر مکان حادثه هسته‌ای دقیقاً معلوم نباشد، باز هم دادگاه کشوری صلاحیت رسیدگی به دعوی را خواهد داشت که بهره‌بردار هسته‌ای بر آن نظارت و کنترل دارد. به بیان دیگر این امر موجب می‌شود خواهان‌های متعدد حتی با ملیت‌های مختلف به دادگاه یک کشور مراجعه کنند و دادگاه با آنان رفتار یکسانی داشته باشد و مهم‌تر این که دادگاه هنگام رسیدگی و صدور رأی جبران خسارت، عادلانه‌تر مبادرت به صدور حکم کند.

می‌تواند از باب اتلاف و تسبیب و تقصیر و خسارت ناشی از جرم یا سهل‌انگاری به مسبب حادثه، یعنی کارمند خاطی، مراجعه کند.

۱۳- در قیاس حقوق ایران و کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در قبال خسارت هسته‌ای، وجوه اشتراک و افتراق دیده می‌شود. مثل اینکه مسئولیت مدنی براساس نظریه‌ی تقصیر و احراز رابطه‌ی سببیت و اثبات تقصیر بهره‌بردار با اصل مسئولیت محض یا مطلق بهره‌بردار در کنوانسیون مذکور، هم‌خوانی ندارد.

۱۴- در کنوانسیون ۱۹۶۳ وین حق تحدید تعهد (حق شرط) پیش‌بینی یا ممنوع نشده است. بنابراین با استفاده از کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات و تنظیم حق شرط (اگرچه کشور ایران به آن ملحق نشده است)، تحت شرایطی کشور ما هم می‌تواند در مسائلی مانند مرور زمان، حق شرط یا اعلامیه‌ی تفسیری اعمال کند.

۱۵- با توجه به نظریه‌ی شورای نگهبان در مورد جاری نشدن مرور زمان در آیین دادرسی مدنی که به موجب آن پس از انقضای مدتی (مثلاً ۱۰ سال و ۲۰ سال) دعوی دیگر در محاکم شنیده نمی‌شود از یک طرف، و پیش‌بینی مرور زمان در بندهای متعدد ماده‌ی ۶ کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای از سوی دیگر، یکی از مسائلی که در قانون مسئولیت مدنی داخلی باید پیش‌بینی شود و یا هنگام الحاق به کنوانسیون، کشور برای خود حق شرط قائل شود، بحث مرور زمان اقامه‌ی دعوی است، اگرچه حق وقتی به وجود می‌آید، اصولاً نباید جز با رضایت ذینفع از میان برود و زیان‌دیده از احقاق حق خویش محروم شود. اما به دلیل ویژگی مسئولیت مدنی هسته‌ای و نگرانی بهره‌بردار و دلایل دیگر، پیش‌بینی مرور زمان همیشه به زیان جامعه و حتی طلبکار نخواهد بود.

۱۶- از موارد جالب و مفید کنوانسیون مورد بحث، پیش‌بینی اصل صلاحیت رسیدگی با دادگاهی که حادثه‌ی هسته‌ای در آن رخ داده است خواهد بود به نحوی که این اصل موجب می‌شود، تنها یک دادگاه در کشور صلاحیت انحصاری بر روی کلیه‌ی پرونده‌ی مرتبط با سانحه‌ی



پی‌نوشت‌ها

- 1- Vienna convention on civil liability for nuclear damage (1963)
- ۲- ر.ک فرهنگ‌نامه اصول فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، برگرفته از مقاله قاعده لاضرر
- ۳- Special Drawing Rights
- 4- Ukraine law on civil liability for nuclear damage and its financial security
- 5- Finland nuclear liability Act of 8th june 1972 as emended by the Act of 15 september 1989
- ۶- ر.ک: سایت معاونت آموزش دادگستری استان تهران www.ghavanin.ir
- 7- LAW on civil liability for nuclear damage the parliment of romania adopts this law (law no .115/2007)
- ۸- ر.ک : RC.Majlis.ir
- 9- INDIA the civil liability for nuclear damage act, 2010 (no .38 of 2010).

مراجع:

- ۱- القواعد الفقهیه، سید حسن بجنوردی، ج ۲، ص ۱۷۲۲
- ۲- قواعد فقه، محقق داماد، سید مصطفی، ج ۱، ص ۱۰۹ - جابری عرب‌لو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه فارسی، صص ۳۱-۳۲
- ۳- صاحب جواهر، جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۴۶
- ۴- شیخ طوسی، المبسوط، ج ۷، ص ۱۵۹
- ۵- ابن براج، مهذب، مجموعه ینابیع الفقهیه، ج ۲
- ۶- قواعد فقه، محقق داماد، سید مصطفی، ج ۱، ص ۱۱۷
- ۷- مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، ص ۲۰۳
- ۸- انصاری، مرتضی بن محمدامین، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۴۶۰
- ۹- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایه الاصول، ج ۱، ص ۳۸۱
- ۱۰- نراقی، محمد بن احمد، عوائد الایام، ص ۱۷-۱۸
- ۱۱- دکتر کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، ناشر: دهخدا، ۱۳۶۲، ص ۱۲۰
- ۱۲- به نقل از کاتوزیان، دکتر ناصر، همان، ص ۱۲۸
- ۱۳- لطفی، اسدالله، سلسله مباحث فقهی حقوقی مسئولیت مدنی، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۳، ص ۳۹
- ۱۴- انصاری، علی، حجت مبین، نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسئولیت مدنی، پژوهش‌های تطبیقی حقوقی، دوره ۱۵، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۹
- ۱۵- ر.ک: کاظمی- شکوفه و محمدحسینی طرقی - مرتضی، ارتباط ۱، ماهنامه داخلی سازمان انرژی اتمی ایران، شماره ۲۵، ص ۲۵
- ۱۶- محمدحسینی طرقی - مرتضی، همان، شهریور ۱۳۸۴، شماره ۱۳، ص ۱۱
- ۱۷- رضایی پیش رباط، دکتر صالح، مسئولیت بین المللی دولت‌ها در پیشگیری و جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های صلح آمیز هسته ای، انتشارات خرسندی، سال ۱۳۹۳، صص ۲۴۰ و ۲۴۱
- ۱۸- ر.ک: اسکینی، دکتر ربیعا، مباحثی از حقوق تجارت بین الملل، انتشارات نشر دانش امروز، ۱۳۷۱، صص ۲۵۴ و ۲۵۵
- ۱۹- رجوع کنید به: آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، ناشر معاونت حقوقی ریاست جمهوری، سال ۱۳۸۰، ص ۱۳۲۶
- ۲۰- ر.ک: محمدحسینی طرقی، مرتضی، ارتباط ماهنامه داخلی سازمان انرژی اتمی ایران، ۱۳۸۴، شماره‌های ۹ تا ۲۶



- ۲۱- با دینی و ناظری، اصول ویژه مسئولیت مدنی اتمی در ارتباط با قوانین داخلی، ویژه نامه همایش آشنایی با حقوق هسته ای (راهبرد نو)، نشریه علمی سازمان انرژی اتمی ایران، تابستان ۱۳۹۳، ص ۹۹.
- ۲۲- مجموعه قوانین سال ۱۳۶۳، از انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴۶
- ۲۳- روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۷۰ مورخ ۱۳۷۹/۰۲/۱۱
- ۲۴- نظام حقوقی بین المللی مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته ای، مترجم: دکتر صالح رضایی پیش رباط. ص ۲۷
- ۲۵- ر.ک: محمدحسینی طرّقی، مرتضی، ماهنامه ارتباط، همان، ص ۱۱
- عبداللهی پور، اصول، مبانی و بایسته‌های حقوق هسته‌ای و ضرورت اعمال آن در ساختار حقوق کشور، راهبرد نور (نشریه بسیج علمی سازمان انرژی اتمی ایران) ویژه نامه آشنایی با حقوق هسته‌ای، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۵.



پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای

علوم و فنون هسته‌ای

مجله

علمی - پژوهشی

علاقه‌مندان دریافت فصلنامه علوم و فنون هسته‌ای می‌توانند با تکمیل و ارسال برگه اشتراک (یا کپی آن)، به جمع مشترکان فصلنامه بپیوندند.

راهنمای اشتراک

- حق اشتراک چهار شماره از مجله برای سازمانها، مؤسسات، افراد حقیقی یا حقوقی (با احتساب هزینه ارسال) ۴۵۰۰۰ ریال؛
- حق اشتراک چهار شماره از مجله برای دانشجویان (با احتساب هزینه ارسال) ۲۰۰۰۰ ریال؛ (ارسال تصویر کارت دانشجویی الزامی است).

لطفاً وجه موردنظر را به حساب متمرکز (سیبا) شماره ۲۱۷۰۶۵۹۰۰۱۰۰۴، شناسه واریز ۶۵۹۰۰۱۰۰۴۱۱۴۱، بانک ملی، شعبه کوی دانشجویان کد ۹۲۷ (قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی سراسر کشور) تحت عنوان «تمرکز وجوه درآمد اختصاصی پژوهشگاه» (مجله علوم و فنون هسته‌ای) واریز و اصل رسید بانکی را به انضمام برگه تکمیل شده اشتراک به نشانی ذیل ارسال فرمایید.

- تهران - انتهای خیابان کارگر شمالی - پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای - سازمان انرژی اتمی ایران - دبیرخانه مجله علوم و فنون هسته‌ای، صندوق پستی: ۸۳۶-۱۴۳۹۵، تلفن: ۸۲۰۶۲۳۴۶، ۸۲۰۶۲۳۵۸، ۸۲۰۶۲۳۵۹، دورنگار: ۸۸۲۲۱۳۵۴

✂

برگه اشتراک مجله علوم و فنون هسته‌ای

نام:

نام خانوادگی:

میزان تحصیلات:

رشته و گرایش:

شغل:

نام مؤسسه:

مشترک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک قبلی:

اشتراک از شماره تا شماره تعداد مورد نیاز از هر شماره نسخه

نشانی پستی کامل: استان شهر خیابان کوچه پلاک کد پستی: صندوق پستی:

مبلغ واریز شده: شماره فیش بانکی: تاریخ واریز:

شماره تلفن: شماره دورنگار: پست الکترونیکی:

تاریخ و امضاء

List of Contents

Civil Liability for Damage Caused by the Transportation of Nuclear Material in Iran and International Regulations S.F. Yousefi, S. Mohseni	1
Air Carriage of Nuclear Materials and Compensation of Third Parties K. Pourmikaeil, M. Sadeghi	18
Status of Insurance of Liability of Operator of Nuclear Installation in International Conventions on Nuclear Civil Liability and Legal Order of Iran S. R. Pishrobat.	28
Investigating the Civil Liability Principles Caused by Nuclear Damage in Respect of the Consequences of Objects A. Niazi, A.R. Yazdanian, M. Jalali	43
The Comparative Study of Civil Liability Arising Out of Nuclear Damage in Iran and France Legal Systems S.R. Pishrobat, Z. Esmati	54
Opportunities and Challenges of Islamic Republic of Iran's Accession to the Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage A. Shamshiri, F. Amirabadi Farahani	67
Applicability of Reservation to the Conventions on Nuclear Civil Liability and Strategy of Islamic Republic of Iran S.R. Pishrobat, H. Zaferani ...	83
Study on Civil Liability for Nuclear Damage in the Rules and Internal Laws Considering the Accession of Country to the 1963 Uienna Convention M. Mohammad Hosseiny Targhi, H. Rashidi	99

Scientific & Research

Journal of Nuclear Science and Technology

Special Issue, 2018

National Conference on the Evaluation of the Accession of the State to the International Civil liability Regime for Nuclear Damage Necessities, Opportunities & Challenges

This journal is published in cooperation with Iran Nuclear Association, indexed in the scientific information database (www.SID.ir) of Iranian Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR), indexed in Islamic World Science Citation Center (ISC) (www.ISC.gov.ir), and indexed in Regional Information Center for Science and Technology (RICeST) (www.ricest.ac.ir)

Editor in Chief & Head

of Editorial Board: M. Ghannadi Maragheh (Professor)

Editorial Board:

- 1. M. Amirhamzehe Tafreshi** (Associate Professor)
- 2. D. Beiki** (Professor)
- 3. M.R. Bihamta** (Professor)
- 4. M.R. Eskandari** (Professor)
- 5. H. Faghihian** (Professor)
- 6. S.M. Ghoreshi** (Professor)
- 7. A.R. Khanchi** (Professor)
- 8. R. Khodabakhsh** (Professor)
- 9. M. Lamehi** (Professor)
- 10. A. Moafghi** (Associate Professor)
- 11. A. Nilchi** (Professor)
- 12. G. Raisali** (Professor)
- 13. R. Sadighi** (Professor)
- 14. M. Shayesteh** (Associate Professor)
- 15. S. Sobhanian** (Professor)
- 16. M. Soltani** (Professor)
- 17. M. Yazdi** (Professor)

Reviewers:

- 1. P. Afshari**
- 2. A. Bashiri**
- 3. R. Eskini**
- 4. T. Habibzadah**
- 5. E. Javid**
- 6. B. Kamalvandi**
- 7. M. Maghdadi**
- 8. S.R. Pishrobat**
- 9. A. Pourmohamd**
- 10. H. Salimi**
- 11. M. Shahbazinia**

Responsible Management: B. Khodadoost (Associate Professor)

Executive Editor: S.M. Hosseini Pooya (Associate Professor)

Editorial Board

Secretary: F. Aliakbari

Typesetter and

Pagination: L. Moradi, P. Elahi

Lithography: Printing and Publishing Org.

Editorial Office

Secretary of the Journal of Nuclear Science and Technology, Nuclear Science and Technology Research Institute, AEOI, End of North Karegar street, P.O.Box: 14395-836, Tehran-Iran.
Tel: +98 (21) 82062346, 82062358, 82062359
Fax: +98 (21) 88221354
email: JONSAT@aeoi.org.ir
Website: www.aeoi.org.ir



Nuclear Science and Technology

Scientific - Research

Special Issue, 2018

Atomic Energy Organization of Iran

National Conference on the Evaluation of the Accession of the State to the International Civil liability Regime for Nuclear Damage Necessities, Opportunities & Challenges

Contents :

- **Civil Liability for Damage Caused by the Transportation of Nuclear Material in . . .**
S.F. Yousefi, S. Mohseni
- **Air Carriage of Nuclear Materials and Compensation of Third Parties**
K. Pourmikaeil, M. Sadeghi
- **Status of Insurance of Liability of Operator of Nuclear Installation in International Conventions on . . .**
S.R. Pishrobat
- **Investigating the Civil Liability Principles Caused by Nuclear Damage in Respect of . . .**
A. Niazi, A.R. Yazdanian, M. Jalali
- **The Comparative Study of Civil Liability Arising Out of Nuclear Damage in Iran and France . . .**
S.R. Pishrobat, Z. Esmati
- **Opportunities and Challenges of Islamic Republic of Iran's Accession to the Vienna Convention on . . .**
A. Shamshiri, F. Amirabadi Farahani
- **Applicability of Reservation to the Conventions on Nuclear Civil Liability and Strategy of Islamic . . .**
S.R. Pishrobat, H. Zaferani
- **Study on Civil Liability for Nuclear Damage in the Rules and Internal Laws . . .**
M. Mohammad Hosseiny Targhi, H. Rashidi